



ادبیات دری

ویژه کانکور



آموزشگاه عالی امید افغانستان

شناسه‌ی کتاب

نام کتاب: گلستان کانکور

مؤلف: اسلم «موحدی»

سال چاپ: بهار 1401

تیراژ: 2000

صفحه آرا: محمد فرید «مرادی»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصل اول - دستور زبان و آیین‌ها

دستور زبان	34-2
آیین انشا و نگارش	49-35
آیین نامه نگاری	58-50
آیین درست نویسی	70-59

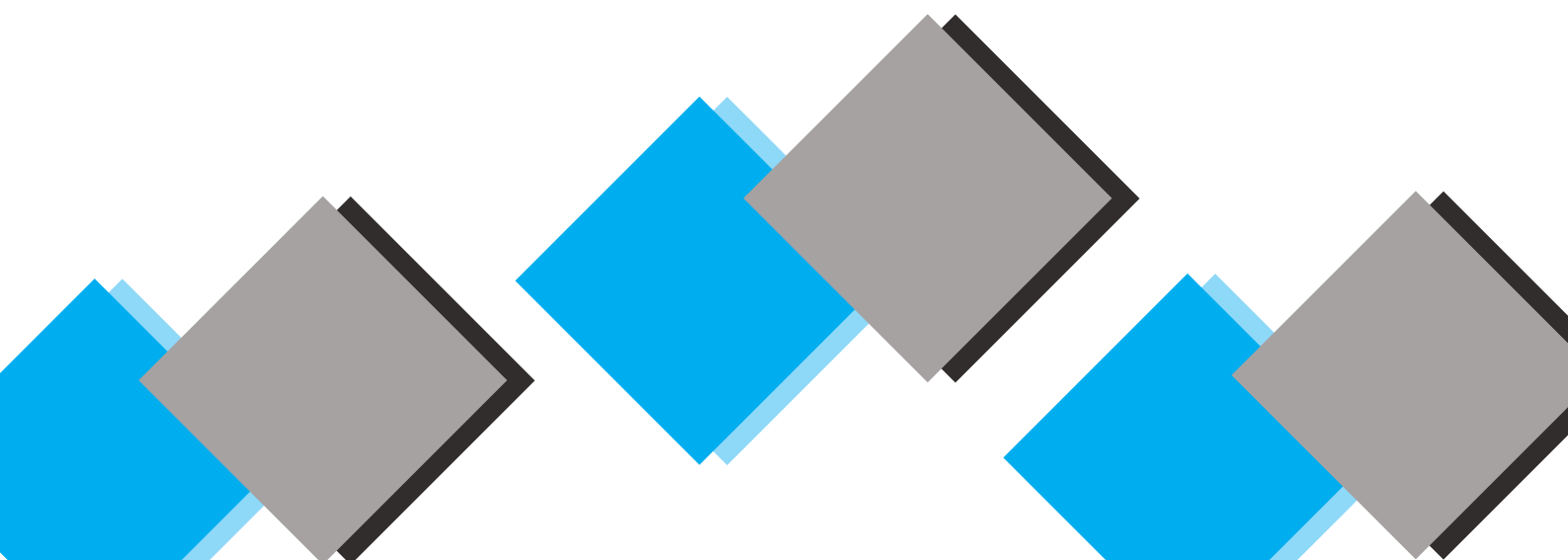
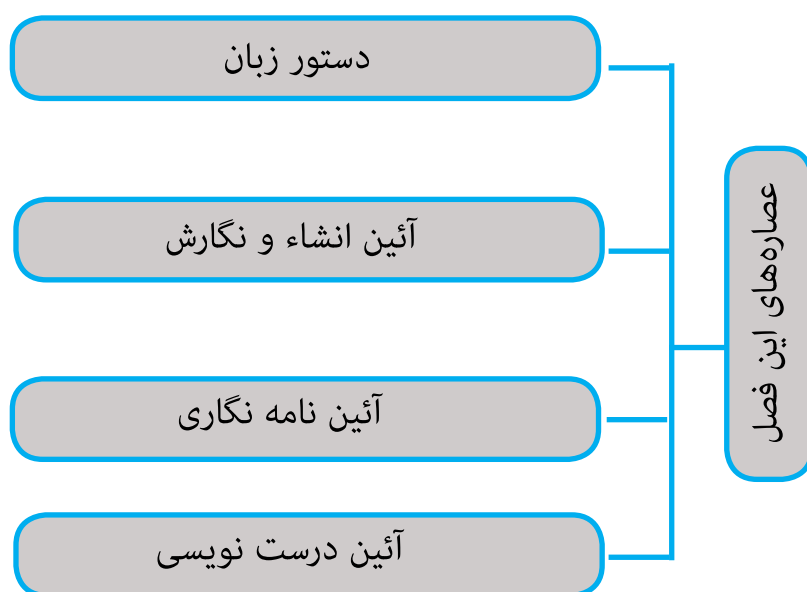
فصل دوم - فنون ادبی

بدیع	85-72
بیان	95-86
معانی	97-96
عروض	100-98

فصل سوم - چکیده‌ها

چکیده های صنوف 12,11,10	138-102
شناسنامه‌ی شاعران صنوف 12,11,10	208-139
شعرهای حفظی صنوف 12,11,10	213-209
واژه نامه‌ی صنوف 12,11,10	264-214
منابع و مأخذ	265

فصل اول - دستور زبان و آئین



زبان

تعریف: یک سیستم صوتی، رمزی، قراردادی و وضعی است نه عضوی فطری و طبیعی که یک جامعه لسانی برای بیان افکار، اندیشه‌ها، احساسات و مفاهیم با همدیگر به کار می‌گیرند.

دستور زبان: علمی است که نظام ساختمان یک زبان را تشریح می‌کند.

فونیم: کوچکترین واحد صوتی و غیر قابل تجزیه زبان است که از ترکیب یک، دو و یا بیشتر آنها، مورفیم‌های یک زبان که واحدهای با معنای آن زبان اند؛ ساخته می‌شوند. علمی که از مطالعه فونیم‌ها بحث می‌کند به نام فونیم‌شناسی یا (phonology) یاد می‌شود.

گرافیم (Grapheme): صورت نوشتاری فونیم‌ها را گرافیم گویند که در زبان دری معادل آن، حرف و مجموع آن حروف الفباست.

واول‌ها: اصوات غیر قابل انقسامی هستند که با آوا بوده، به صورت قطعات صوتی ادا می‌شوند و عناصر اصلی صوتی را در زبان دری تشکیل می‌دهند. در زبان دری، لهجه کابل مجموعاً هشت صوت یا فونیم واول وجود دارد که عبارتند از:

الف کشیده؛ واو معروف؛

فتحه؛ واو مجهول؛

ی معروف؛ ی مجهول؛

کسره؛ ضمه.

صرف (Morphology): علمی است که قواعد و قوانین تشکیل مورفیم‌های یک زبان را تشریح می‌کند.

مورفیم (Morpheme): عبارت از واحد کوچک، بامعنا و غیر قابل انقسام لفظی است که یا دارای معنای لغوی می‌باشد و یا هم دارای معنای دستوری. اگر مورفیم دارای معنای لغوی باشد، لفظ واژه یا کلمه به آن اطلاق می‌شود و در مبحث مورفیم‌های آزاد مطالعه می‌شود. چنانچه مورفیم دارای معنای دستوری باشد، لفظ واژک به آن گذاشته می‌شود و در مبحث مورفیم‌های بسته مطالعه می‌گردد.

هجا: هجا به معناس سیلابه، گروهی از فونیم‌هاست که با یک بندش تنفسی ادا می‌شود. از نظر ساختمان، هجا عبارت از یک فونیم یا گروهی از فونیم‌هاست که عنصر اصلی آن واول باشد.

الومورف: حالات متغییره یک مورفیم را الومورف گویند؛ مثلاً: آب که الومورف آن (او) است.

مورفیم‌های آزاد: آن دسته از مورفیم‌های اند که دارای معنای مستقل لغوی بوده، غیر قابل انقسام می‌باشند. به این نوع مورفیم‌ها کلمه یا واژه نیز می‌گویند. اما باید افزود که هر کلمه یا واژه مورفیم است ولی هر مورفیم کلمه یا واژه شده نمی‌تواند.

مورفیم‌های بسته: مورفیم‌های اند که دارای معنای لغوی نمی‌باشد؛ اما در ساختار واحدهای با معنای زبان اعم از واحدهای صرفی و نحوی، نقش مهم دارند.

وندها

تعریف: مورفیم‌های بسته‌یی اند که با مورفیم‌های آزاد یکجا شده یا مورفیم‌های جدید می‌سازند و یا هم آنها را گردان و تصریف می‌کنند.

(الف) پیشوندها: وندهای اند که در آغاز مورفیم‌های آزاد می‌آیند یا واژه جدید می‌سازند و یا کلمه را تصریف می‌کند.

1- **پیشوندهای تصریفی (صرفی):** پیشوندهای است که برای بیان استمرار یا اعتیاد، تاکید و نفی به کار می‌رود.

2- **پیشوندهای اشتقاقی یا واژه ساز:** وندهای اند که در آغاز ریشه‌های فعل، اسم، صفت و ضمیر می‌آیند و معانی جدید به آنها می‌بخشند.

(ب) پسوندها: وندهای اند که در انجام مورفیم‌های آزاد (ریشه‌های فعل، اسم، صفت، ضمیر و عدد) آمده به آن می‌چسبند یا کلمه را تصریف می‌نمایند یا هم به کلمه، مفهوم جدید می‌دهند.

1- **پسوندهای تصریفی:** پسوندهای اند که در انجام مورفیم‌های آزاد آمده و آنها را گردان می‌کنند.

2- **پسوندهای اشتقاقی (واژه ساز):** پسوندهای اند که در انجام مورفیم‌های آزاد وصل شده و مفاهمی تازه به وجود می‌آورند.

پسینه (را): یک مورفیم بسته است که کلمه‌ها، عبارت و فقره را به مفعول معرفه و صریح تبدیل می‌نماید.

عطف: یکی از مورفیم‌های بسته است که میان دو کلمه و یا دو فقره می‌آید و کلمه و فقره بعدی را به ماقبل آن که نقش یکسان در جمله دارد، پیوند می‌دهند.

(7) نشانه‌ها: از جمله مورفیم‌های بسته بوده، در زبان دری به دو نوع می‌باشد:

(۱) نشانه افزایش؛ (۲) نشانه نکره.

(الف) نشانه افزایش یا کسره اضافت: نشانه افزایش، در عبارت‌های اضافی و توصیفی به کار رفته، مضاف را به مضاف الیه و موصوف را به صفت ارتباط می‌دهد.

نشانه افزایش، اگر پس از کانسونانت بیاید، به صورت کسره /i/، که در تلفظ احساس می‌شود، اما در رسم الخط دری، علامت نوشتاری برای آن وجود ندارد و صرف اگر خواسته شود که نمایش داده شود، توسط /کسره/ به نمایش می‌آید؛ مانند: کتابِ من.

اما اگر این نشانه پس از واول‌های /آ، و، ه/ بیاید /yi/ تلفظ می‌شود و مطابق روش املائی زبان دری، در نوشتن پس از واول‌های /آ، و/ با علامت /ی/ و پس از واول /ه/ با علامتی شبیه همزه /ء/ که در اصل سر /ی/ است بالای واول /ه/ نمایش داده می‌شود؛ مثلاً: کتابچه خاطرات، زیبای من.

(ب) نشانه نکره: مورفیم بسته است. این نشانه در اخیر یک کلمه آمده، آن را به صورت غیر معرفه یا نکره بیان می‌دارد. نشانه نکره، اگر در اخیر کلمه‌یی که به کانسونانت ختم شده، بیاید، به صورت /ی e/ نمایش داده می‌شود؛ مثلاً: کتابی و قلمی.

و اگر در اخیر کلمه‌یی که به واول‌های /آ، و، ه/ بیاید، به صورت /ی ye/ نمایش داده می‌شود؛ مانند: آشنایی، غنچه‌یی.

اسم: کلمه‌یی ست که برای نامیدن اشخاص، اشیاء، زمان، مکان، حیوان و... به کار می‌رود.

خصوصیات اسم‌ها :

- 1- علامت جمع دری /-ها و -ان/ و الومورف‌های آن را می‌پذیرد.
- 2- نشانه تنکیر یا نکره را می‌پذیرد.
- 3- نشانه افزایش یا کسره اضافه را می‌پذیرد.
- 4- پسوند ندا /— آ، یا /— یا/ را می‌پذیرد.
- 5- پیشینه /را/ را می‌پذیرد.
- 6- اسم در جمله متمم فعل واقع می‌شود و پیشینه‌ها را می‌پذیرد.

انواع اسم از نظر معنا

- 1- **اسم ذات:** آن است که وجودش متکی به خودش است، وجود خارجی دارد و وابسته به شی دیگر نبوده، قابلیت دید و لمس را دارد؛ مثلاً: دیوار، خانه، قلم و غیره.
- 2- **اسم معنا:** آن است که متکی به ذات خود نیست یا مدلول و مسمای آن قابلیت لمس و حس را نداشته باشد، بلکه یک مفهوم ذهنی و معنوی باشد؛ مثل: دروغ، درد، رنج، شادی و عقل و غیره.
- 3- **اسم خاص:** اسمی ست که بر یک فرد مشخص، مکان و یا شی مشخص و یا یک مفهوم معین و مشخص اطلاق شود. اسم‌های خاص را نمی‌توان جمع بست؛ مگر هنگامیکه معنی و مفهوم / مثل و مانند / را افاده کنند.

انواع اسم خاص

- الف) اسم محض:** این اسم، همان اسم اول هر شخص است.
- ب) کنیه:** این اسم در متون کلاسیک به وفرت دیده می‌شود، اما حالا مورد استفاده آن اندک شده است. در اینگونه اسم برای مردان / ابو / و / ابن / و برای زنان / ام / و / بنت / در آغاز اسم شان افزوده می‌گردد.
- ج) لقب:** همان اسم‌های ست که بنابر فرهنگ افغانی، از جانب خانواده، مراکز علمی، اداری و اجتماعی برای شخص داده می‌شود؛ مثلاً:
- درجه تحصیلی: داکتر، ماستر، لیسانس و... .
- رتبه‌های علمی: پوهیالی، پوهنیار، پوهنمل، پوهندوی، پوهنوال و پوهاند.
- القاب اداری: رییس، مدیر، مامور، خانم، دوشیزه، بانو و... .
- القاب اجتماعی: حاجی، الحاج، ملا، مولوی، کربلایی و سایر القاب.
- د) تخلص و نام خانواده‌گی:** این اسم در حقیقت نام دوم شخص است، که اولی به شکل شخصی و دومی از طرف خانواده، برای فرد انتخاب می‌شود.
- ح) اسم خاص حیوان‌ها:** رخس (اسپ رستم)، عقاب (اسپ عباس بن علی(ع))، شب‌دیز (اسپ خسرو پرویز).
- ه) اسم خاص مکان‌ها:** اعم از شهر، کشور، قریه، ولسوالی، دریا، کوه، اقیانوس، جزیره و غیره.

ی) اسم کتاب‌ها و اشیایی که بیشتر از یک دانه نباشد؛ قرآن، حجرالاسود، الماس کوه نور، مثنوی معنوی و غیره.

(4) **اسم عام:** آن است که بر یک شخص، شی و مفهوم نامشخص و به تمام افراد گروه خود دلالت می‌کند؛ مانند: کتاب، گل، دریا و

(5) **اسم معرفه:** اسمی است که در نزد مخاطب معلوم و معین باشد.

نشانه‌های اسم معرفه

- (1) اسم خاص باشد؛ مانند: مسلم، احمد، قرآن شریف
- (2) ضمیر باشد؛ مثلاً: آنها به مکتب رفته اند.
- (3) اسمی که نشانه افزایش را بپذیرد و به اسم خاص یا ضمیر مضاف شده باشد؛ خانه احمد، کتاب من ...
- (4) اسمی که بعد از اسم اشاره بیاید؛ این خانه، همین کتاب، همان شهر، آن دروازه ...
- (5) اسمی که قبلاً ذکر آن در کلام رفته باشد.
- (6) اسمی که شنونده با آن آشنایی قبلی داشته باشد.
- (7) اسمی که پس از آن پسینه آمده باشد؛ کتاب را خریدم.

(6) **اسم نکره:** آن است که در نزد مخاطب معلوم و معین نباشد.

مشخصات اسم نکره

- (1) اسمی که دارای پسوندهای تنکیر /-ی/ و الومورف آن /-یی/ باشد؛ کتابی، کتابچه‌یی
- (2) اسمی که بعد از کلمه /یک/ می‌آید نکره است؛ یک قلم دارم
- (3) اسمی که بعد از کلمه /یکی/ می‌آید؛ یکی خانه در دامن صحرا بود
- (4) اسمی که بعد از کلمه /یکی از/ بیاید؛ یکی از محصلان وارد صنف شد
- (5) مفعولی که پسینه نداشته باشد؛ مسلم کتاب خواند
- (7) **اسم زمان:** نام وقت و روزگار و لحظات حیات است و به گونه ساده، مشتق، مرکب و به صورت خاص و عام به کار می‌رود؛ مثل: امروز، پارسال، دوشنبه، دیشب و
- (8) **اسم مکان:** نام جای و محل است و به گونه خاص و عام به کار گرفته می‌شود؛ همانند: کابل، دانشگاه، دشت ریگ روان و ...
- (9) **اسم مفرد:** اسمی که بر یک شخص، یک شی و یا هم یک مفهوم دلالت کند؛ قلم، درخت، زن
- (10) **اسم جمع:** اسمی است که از نظر شکل و ساخت مفرد، اما از نظر مسمی و مدلول جمع است. بدین معنا که یکی از پسوندهای جمع ساز دری یا عربی را به خود ندارد؛ لیک از نظر معنی به جمع بودن دلالت می‌کند؛ مثلاً: گروه، دسته، قوم، سپاه، لشکر ...

- (11) **جمع اسم:** اسمی‌ست که پسوندهای /-ها، -آن، -گان، -یان، -وان و پسوند جمع عربی (-آت، -جات، -ین، -ون) را بپذیرد؛ همچو: کتاب‌ها، پرندۀ گان، آشنایان، بانوان، روحانیون، سبزیجات و غیره.
- (12) **اسم صریح:** آن است که مسمی و مدلول آن معین، مشخص یا صریح و آشکار باشد. تمام اسم‌های خاص، عام، معرفه، آله و اسم صوت اسم‌های صریح است.
- (13) **اسم مبهم:** اسمی است که مسمی و مدلول آن معین، مشخص، صریح و آشکار نباشد.

نشانه‌های اسم مبهم

- (1) ضمیر مبهم /کس/ به تنهایی و با هر، همه، هیچ، چه، کدام
- (2) ضمیر مبهم /چیز/ به تنهایی و با هر، همه، هیچ، چه، کدام
- (3) کلمۀ /جای/ با هر، همه، هیچ، چه، کدام
- (4) کلمۀ /گونه/ با هر، همه، هیچ، چه، کدام
- (5) کلمۀ /اندازه/ با هر، همه، چه، کدام
- (6) معین کننده‌های مبهم با سایر اسم‌های صریح؛ مثلاً: هرروز، همه کار، هیچ شهر، کدام زن...
- (7) ضمائر مبهم / کدام، همه، بعضی/ با پسوندهای جمع؛ مانند: کدام‌ها، همه‌گان، بعضی‌ها.

- (14) **اسم آله:** برای نامیدن اشیا، وسایل، آلات و ابزار به کار می‌رود.
- (15) **اسم مصغر:** آن است که پسوند /-اک، -اکه، -گک، -چه، -یچه، و/ را در اخیر خویش بپذیرد و بر کوچکی شخصی یا چیزی به صورت واقعی دلالت کند و یا هم از روی تحقیر استفاده شود.
- (16) **اسم صوت:** اسمی‌ست که به اصوات مختلفی که توسط دستگاه صوتی انسان، حیوانات، و یا در طبیعت و وسایل تخنیکی ساخته دست انسان تولید می‌گردد؛ مانند: شرشر، شرنگس، وژ وژ...

اسم از نظر نقش و کارکرد در نحو

- (1) **نقش فاعلی:** اسم در این نقش در جمله و در ابتدا واقع شده و فاعل فعل محسوب می‌گردد و یا فعل بدان متعلق باشد؛ مثلاً: زنگ به صدا در آمد، اسلام و مسلم هر دو به بامیان رفتند.
- (2) **نقش مفعولی:** نقشی‌ست که فعل فاعل، عیناً و صریح بالای آن واقع گردد و مشخصۀ آن پذیرش پسینه (را) می‌باشد؛ چون: استاد نامه را نوشت، او درسش را تمام کرد.
- (3) **نقش اضافی:** در این حالت یک اسم به اسم بعدی به وسیلۀ نشانه‌افزایش، نسبت داده می‌شود، اسم اول را مضاف و اسم دومی را مضاف الیه می‌گویند؛ به عنوان نمونه: دست احمد و غیره.
- (4) **نقش متممی یا پیشینه‌یی:** در این حالت اسم به کمک یکی از پیشینه‌ها به جمله مرتبط می‌شود؛ مانند: رویا از مکتب برگشت، گهی بر زین و گهی زین به پشت.

(5) **نقش (حالت) ندایی:** در این نقش اسم منادا قرار می‌گیرد و نشانه ندا / آ، یا / را در پایانش می‌پذیرد؛ همانند: یارا، خدایا... .

صفت: کلمه است که در باره اسم توضیح می‌دهد یا چگونه‌گی و حالت اسم (شی و یا شخص) را نشان می‌دهد، صفت معنای اسم را واضحتر و مشخصتر، آشکارتر و محدودتر می‌سازد.

مشخصات صفت

- (1) معین کننده برای اسم است؛ درخت سبز
- (2) پسوندهای تفضیلی /-تر/ و عالی /-ترین/ را می‌پذیرد؛ مانند: عالی‌تر، زیباترین... .
- (3) پسوند جمع را قبول نمی‌کند، چه اگر صفت، پسوند جمع را بپذیرد، در آن صورت به اسم تبدیل شده، صفت باقی نمی‌ماند؛ مانند: (دانشمند) صفت فاعلی است اگر پسوند /-آن/ به آن علاوه گردد به جمع اسم تبدیل می‌شود.
- (4) صفت در جمله به جای قید هم استعمال می‌شود، اما دیگر صفت باقی نمی‌ماند؛ مثال: او خوب صحبت می‌کند.
- (5) صفت نشانه نکره /-e، -ye/ (ی، -یی) را نمی‌پذیرد. اگر نشانه نکره در عبارت توصیفی در پایان صفت بیاید، آن نشانه، مربوط اسم است نه صفت؛ چون: دختر لایقی. در این عبارت /ی/ وحدت مربوط اسم است نه صفت و آن در اصل بدین معناست: یک دختر لایق.

مطالعه صفت از نظر ساخت و شکل

- الف) صفت ساده:** صفتی است که از یک مورفیم ساده غیر قابل انقسام تشکیل شده باشد؛ مانند: خوب، بد، قشنگ
- ب) صفت مشتق:** صفتی است که حد اقل از یک مورفیم ساده و یک یا چند مورفیم بسته تشکیل شده باشد؛ مانند: بی ادب، نا سپاس، هزاره‌گی، سرمه‌یی، عالیت‌ر، دهمین، نخستین، بامیانی... .
- ج) صفت مرکب:** صفتی است که حد اقل از ترکیب دو مورفیم آزاد تشکیل گردیده باشد؛ اما می‌تواند یک یا بیشتر از یک مورفیم بسته و یا بیشتر از دو مورفیم آزاد را نیز در خود داشته باشد. صفت در مجموع و به صورت مشخص صفت مرکب، در عبارت‌های توصیفی قابل تشخیص است، چه صفت در کنار اسم و در پیوند نحوی با اسم است که در جایگاه صفت تکیه می‌زند و رنه می‌تواند در جمله به حیث اسم، قید و جزیی از فعل نیز قرار بگیرد؛ مثلاً: دختر سفیدچهره، پروردگار فریادرس، ورزشکار قوی هیکل، بانوی سیاه چشم

مطالعه صفت از نظر معنا

- (1) **صفت وصفی:** صفت وصفی یا توصیفی سه شکل و درجه دارد: عادی، تفضیلی، عالی.
- الف) صفت عادی (مطلق):** این نوع صفت به گونه مطلق و بدون مقایسه و یا نشان دادن درجه و مقدار موصوف، حالت شخص و یا شی یا چگونه‌گی خصوصیات موصوف را بیان می‌دارد: آدم خوب، استاد توانا، پسر زیبا

(ب) صفت تفضیلي (مقایسی برتر): صفت تفضیلي با پسوند /-تر/ ساخته می‌شود و درجه و اندازهٔ شخص و یا شی را با دیگر شخص و یا شی مقایسه می‌کند: وزیر قوی‌تر، همسایهٔ نیکوتر... .

صفت تفضیلي که اجزای آن حذف نشده باشد به کمک پیشینهٔ /از/ استعمال می‌شود، اما در جمله‌های پرسشی و جواب آنها در مکالمهٔ داستان یا نمایشنامه، پیشینهٔ /از/ حذف می‌گردد؛ مثلاً: اسلام بزرگتر است یا مسلم؟ اسلام بزرگتر است. گاهی پسوند تفضیلي /-تر/ حذف می‌شود و صفت تفضیلي به کمک پیشینهٔ /از/ ساخته می‌شود، اما صفت مذکور از نظر معنا با وجود ذکر نشدن پسوند /-تر/ تفضیلي است؛ به طور مثال: اسلام از مسلم چهار سال کلان است.

(ج) صفت عالی (مقایسی برترین): صفت عالی به کمک پسوند /-ترین/ ساخته می‌شود در این صفت، یک یا چند شی و شخص نسبت با همهٔ هم‌نوعان یا گروه شان برتری داده می‌شود.

(2) صفت پرسشی: هر کلمهٔ پرسشی و به صورت مشخص کلمه‌های: چگونه، چطور، چسان که در جمله‌های پرسشی قبل از اسم بیاید و متعلق به اسم باشد و جواب آنها صفت باشد، صفت پرسشی نامیده می‌شود، معمولاً جواب اینگونه پرسش‌ها صفت عادی می‌باشد؛ مانند: چگونه دختر؟ دختر لایق، چطور خانه؟ خانه قشنگ، چسان شرایط؟ شرایط خوب، شرایط بد... .

(3) صفت نسبتی: صفت نسبتی کسی و یا چیزی را به کسی، مکانی، جانوری یا چیزی نسبت می‌دهد و در زبان دری در پایان خود /ی/ نسبت و الومورف‌های آن /-وی، -چی، -ین، -ینه، -آنه/ را می‌پذیرد؛ به عنوان نمونه: لباس سبزینه، کلاه دخترانه، سنایی غزنوی، محصلان غزنیچی

(4) صفت فاعلی: صفت فاعلی بر علاوهٔ اسم، انجام دهنده کار را وصف می‌کند و پسوندهای /-انده، -آر، -آن، -گار، -گر/ را به خود می‌گیرد؛ همانند: مرد بینا، آهوی گریزان، دختر خندان، کارگر، مرد آموزگار، خریدار، نویسنده

➤ نوت:

صفت زمانی به حیث صفت نقش ایفا می‌کند که در کنار اسم بیاید و اسم را وصف نماید؛ برخلاف اگر همین کلمات به جای اسم بیایند، در آن صورت، صفت نه، بل اسم می‌باشد؛ مثلاً: کارگر، کارش را تمام کرد. در اینجا کارگر اسم است نه صفت.

(5) صفت مفعولی: صفت مفعولی بر علاوهٔ اسم مفعول را معرفی می‌کند. در زبان دری صفت مفعولی از ریشهٔ ماضی (ریشهٔ شماره 2 فعل متعدی) ساخته و پسوند /ه/ را به خود می‌گیرد؛ مانند:

دست بریده، سیب خورده ... قابل ذکر اینکه صفت مفعولی به صورت عبارت توصیفی می‌آید.

(6) صفت لیاقت: این صفت، شایسته‌گی و لیاقت موصوف خود را به وصف می‌نشیند. صورت ساخت این صفت (اسم فعل + پسوند /-ی/) می‌باشد؛ مثلاً: آهنگ شنیدنی، آب آشامیدنی، فلم دیدنی، دختر دوستداشتنی

ضمیر: کلمه‌یی ست که جانشین اسم گردیده، از تکرار اسم در کلام جلوگیری می‌نماید، البته اسمی که ذکرش، قبلاً در کلام رفته باشد؛ زیرا تکرار اسم در کلام از نظر بلاغت نوعی کراهت لفظی را به میان می‌آورد.

اسمی که ضمیر به جای آن استعمال می‌گردد، مرجع ضمیر نامیده می‌شود.

در زبان دری پنج نوع ضمیر وجود دارد:

- (1) ضمیر شخصی؛
- (2) ضمیر اشاره؛
- (3) ضمیر پرسشی؛
- (4) ضمیر مشترک؛
- (5) ضمیر مبهم.

(1) ضمیر شخصی: ضمیری است که جانشین اسم انسان می‌گردد و قرار ذیل می‌باشد:

اشخاص فعل	مفرد	جمع
شخص اول (متکلم)	من	ما (متکلم مع الغیر)
شخص دوم (مخاطب)	تو	شما
شخص سوم (غایب)	او، وی	آنها، اوشان، ایشان، آنان، اینان

باید تذکر داد که ضمائر/ما، شما/ ضمائر جمع اند، لذا نمی‌توان آنها را با پسوندهای جمع ساز، دوباره جمع ساخت؛ به طور مثال نمی‌توان گفت: مایان، شمایان، ماهای، شماها؛ هر چند استعمال این گونه ضمائر در ادبیات کلاسیک بعضاً دیده شده است ولی امروز استعمال آن از نظر ادبی نادرست است چه اگر در میان عوام، بعضاً به مشاهده می‌رسد.

(2) ضمیر مشترک: ضمیری است که به صورت تنهایی به جای اسم انسان استعمال می‌گردد، یا با پسوندهای ضمیر

متصل فاعلی به خاطر تاکید می‌آید و یا هم همراه با ضمائر شخصی (قبل و بعد از ضمیر مشترک) استعمال می‌شود.

- در زبان دری ضمائر مشترک عبارتند از: خود، خویش، خویشتن.
- این ضمیر برای هر سه شخص، در حالت جمع و مفرد یکسان استعمال می‌شود.
- باید افزود که ضمیر /خود/ در زبان گفتار و نوشتار استعمال می‌گردد؛ ولی ضمائر/خویش و خویشتن/ بیشترین در زبان شعر و ادب متداول بوده و در ادبیات کلاسیک بیشتر مورد استفاده قرار می‌گرفت.

مورد استعمال اول	مورد استعمال دوم	مورد استعمال سوم	مورد استعمال چهارم	مورد استعمال پنجم
خود گفتم	خودم گفتم	من خود گفتم	من خودم گفتم	خود من گفتم
خود گفتیم	خود ما گفتیم	ما خود گفتیم	ما خودمان گفتیم	خود ما گفتیم
خود گفتی	خود تو گفتی	تو خود گفتی	تو خودت گفتی	خود تو گفتی
خود گفتید	خود شما گفتید	شما خود گفتید	شما خودتان گفتید	خود شما گفتید
خود گفت	خود او گفت	او خود گفت	او خودش گفت	خود او گفت
خود گفتند	خود آنها گفتند	آنها خود گفتند	آنها خودشان گفتند	خود آنها گفتند

(3) ضمیر اشاره: این ضمیر جانشین اسم انسان و غیر انسان می‌گردد.

- ضمیر اشاره در زبان دری عبارت اند از: /این و آن/ و صورت‌های جمع آن /اینان، آنان، اینها، آنها/ می‌باشد.

- هرگاه /این و آن/ قبل از اسم بیاید، از زمرهٔ ادوات تشخیص یا معین کننده‌ها (اسم اشاره) به شمار می‌روند و هیچگاه پساوند جمع را نمی‌پذیرند؛ مثال: این خانه، آن کوه... .
- و نیز باید افزود که وقتی مورفیم‌های /این و آن/ قبل از اسم بیاید، اسم ما بعد خود را به اسم معرفه، تبدیل می‌نماید.

(4) **ضمایر پرسشی:** ضمایری اند که برای پرسش در مورد شخص و غیر شخص به کار می‌رود.

- /کی و کدام/ ضمایر پرسشی در مورد شخص است.
- ضمایر /چه، چی، کو، چند، کی/ در مورد شی، مقدار و زمان پرسش به عمل می‌آورد.
- (5) **ضمایر مبهم:** ضمایری اند که به جای شخص مبهم و یا چیز مبهم به کار می‌رود و هم جنبهٔ شخصی دارد و هم جنبهٔ غیر شخصی.
- /همه، کس، هیچ، دیگر، بهمان، فلان، هر، دیگری/ ضمایر مبهم اند که برخی از آنها پساوند جمع را می‌پذیرد؛ مثلاً: همه‌گان، کسان، کس‌ها.

عدد: عدد یا مورفیم‌های شمار، کلمه‌های اند که برای تعیین شمارهٔ اشیا (شمارهٔ واحدها) و اشخاص استعمال می‌گردد.

- اشیا و اشخاص که تحت شماره قرار می‌گیرند معدود نامیده می‌شوند.
- در زبان دری وقتی عدد در کنار معدود ذکر شود، معدود به شکل مفرد به کار می‌رود؛ مثلاً: ده اسپ، پنج مرد ...

عدد از نظر ساخت

- الف) عدد ساده:** آن است که از یک مورفیم سادهٔ غیر قابل انقسام ساخته شده باشد؛ مثلاً: سی، هشتاد، صد، ده
- ب) عدد مشتق:** آن است که از یک مورفیم آزاد و مورفیم‌های بسته /-ام، -ین، -مین/ تشکیل شده باشد؛ مانند: یکم، اولین، صدمین، نودم، سی امین و غیره.
- ج) عدد مرکب:** آن است که حداقل از دو مورفیم آزاد (عدد) و به کمک /واو عطف/ ساخته شده باشد، همچنان می‌تواند مورفیم‌های بسته /-ام، -ین/ را نیز در ترکیب خود داشته باشد؛ مثلاً: بیست و یک، پنجاه و هفتمین، سی و دوم

مطالعهٔ عدد از نظر معنا

- (1) **عدد اصلی:** عدد اصلی یا شمارشی، شامل اعدادی می‌شود که سایر اعداد از آن ترکیب یافته است.
- شمارهٔ عدد اصلی خیلی محدود است و شامل اعداد یک الی ده، بیست، سی، چهل، پنجاه، شصت، هفتاد، هشتاد، نود، صد، هزار، لک، میلیون، میلیارد، بیون، تریلیون ... می‌باشد؛ طور مثال: عدد یازده، بیست و نه، سی و پنج ... از اعداد اصلی ترکیب یافته است.
- (2) **عدد ترتیبی:** اعداد وصفی یا ترتیبی اعدادی اند که درجه و مرتبهٔ یک کس یا شی را نشان می‌دهد.

- این اعداد با افزودن پسوندهای /-ام، -ین، -امین/ ساخته می‌شوند. باید خاطر نشان کرد اعداد که به کمک پسوندها /-ین و -امین/ ساخته می‌شوند، قبل از معدود می‌آیند؛ مثلاً: چهارمین نفر، نخستین محفل دانشجویی، آخرین دیدار...

(3) **عدد توزیعی:** این عدد، تقسیم معدود را به قسمت‌های مساوی نشان می‌دهد.

- طرز نمایش اعداد توزیعی: یک یک، دو دو، دو دو تا (دو دو دانه)، سه تا سه تا (سه دانه یی)، پنج پنج تا، هشت تای (هشت دانه یی) ...

(4) **عدد کسری:** این عدد جزیی از عدد اصلی را به نمایش می‌گذارد، قسمی که اگر عدد اصلی بر چند حصه

مساوی تقسیم شود و یک یا چند قسمت آن گرفته شود، عدد حاصله، به شکل عدد کسری نمایش داده می‌شود؛ مثل: پنج یک (از پنج قسمت، یک قسمت)، ده یک، یک بر هزارم (از هزار قسمت، یک قسمت)، یک ششم ...

(5) **عدد مبهم:** عدد مبهم شامل اعدادی می‌شود که بر شماره نامعین اشیا و اشخاص دلالت می‌کند و قبل از معدود می‌آید. (چند و چندین) اعداد مبهم اند؛ مثال: چندین نفر برنده مسابقه رمان نویسی شدند.

قید: کلمه یا دسته‌یی از کلمه‌هاست که برای تصریح نمودن، مشخص کردن و قطعی ساختن معنای فعل در جمله استعمال می‌شود.

- فعل در جمله، وقوع حادثه‌یی یا کردن و شدن کاری را به صورت عمومی و نا مشخص بیان می‌نماید؛ اما قید آن را از نظر زمان، مکان، کمیت، کیفیت، اختصار، انحصار، تشبیه، استثنا، نفی، تدریج، تکرار، تفسیر، ترتیب، تمنا، قصد، تاسف، تعجب، شک، یقین و پرسش؛ مشخص و واضح می‌سازد.

مطالعه قید از نظر معنا

(1) **قید زمان:** کلمه یا گروهی از کلمات که دلالت بر بیان، زمان یا وقت وقوع فعل نماید، قید زمان نامیده می‌شود؛ مانند: دیروز، امسال، ده دقیقه بعد، چهار سال قبل، اکنون...

(2) **قید مکان:** مکان یا محل وقوع فعل را نشان می‌دهد؛ مثل: اینجا، دور، بالا، بیرون...

(3) **قید کیفیت:** این قید چگونگی کیفیت وقوع فعل که از فاعل صادر می‌شود، سخن می‌گوید؛ مثلاً: زیبا، زشت، خوب، دوستانه، کج، خیرخواهانه، درست...

(4) **قید کمیت (مقدار):** این نوع قید، وضع و وقوع فعل را از نگاه کمیت نشان می‌دهد؛ مانند: بسیار، کم، فراوان، اندک...

(5) **قید اختصار:** آن است که در آن گوینده کلامش را خلاصه می‌کند؛ مثل: مختصراً فی الجملة، باری، خلاصه، مختصراً...

(6) **قید انحصار:** آن است که وقوع فعل را به یک شخص، شی، رویداد و... منحصر می‌کند؛ به عنوان نمونه: فقط، صرف، صرفاً، تنها، منحصر...

(7) **قید استثنا:** آن است که وقوع فعل را به صورت نادر و استثنایی بیان می‌نماید؛ به عنوان نمونه: استثنأً.

- (8) **قید نفی:** عدم وقوع فعل را به صورت موکد بیان می‌نماید و یا مفهومی از جواب نفی و رد کردن را به فعل القا می‌کند؛ مثلاً: هرگز، هیچ، ابداً
- (9) **قید تدریج:** این نوع قید وقوع فعل را به صورت تدریجی بیان می‌نماید؛ مثلاً: دقیقه به دقیقه، روز به روز، هفته به هفته، سال به سال، اندک اندک، کم کم
- (10) **قید تکرار:** این نوع قید از تکرار فعل در کلام خبر می‌دهد؛ همچو: بار، بار دیگر، دیگر بار، دوباره، باز هم
- (11) **قید تفسیر:** قیدی است که تفسیری در ارتباط به فعل، برای خواننده بیان می‌دارد؛ مثلاً: یعنی، به عبارت دیگر ...
- (12) **قید ترتیب:** این نوع از قید ترتیب را در اشخاص فعل نشان می‌دهد؛ مثل: یک یک، دو دو، دو تایی، سه سه تا
- (13) **قید تمنا:** در زمینه خواهش و آرزو در ارتباط وقوع فعل به کار می‌رود؛ مانند: ایکاش، چه بودی، کاش، چه قیدی‌ست، کاشکی ...
- (14) **قید قصد:** آن است که وقوع فعل را در ارتباط به نیت و قصد اشخاص فعل بیان می‌دارد؛ مثل: تبرکاً، تفناً، محضه الله، فقط برای خدا
- (15) **قید تاسف:** قیدی است که تاسف اشخاص فعل را از وقوع فعل، ابراز می‌دارد؛ همچو: دریغا، متأسفانه، افسوس، دردا، واویلا ...
- (16) **قید شک و احتمال:** این نوع از قید نوعی تردید و احتمال اشخاص فعل را نسبت به وقوع فعل ابراز می‌دارد؛ مثل: شاید، ممکن، احتمالاً، گویا
- (17) **قید یقین:** آن است که اطمینان و یقین اشخاص فعل را از وقوع فعل بیان می‌دارد؛ مثل: حتماً، یقیناً، به یقین
- (18) **قید تاکید تصدیق:** قیدی است که معنای فعل را مؤکد ساخته یک نوع صحه بر آن می‌گذارد؛ مثل: همانا، بی‌گمان، ضرور، حتماً، واقعاً
- (19) **قید حالت:** آن است که چگونگی حالت فاعل یا مفعول را حین وقوع فعل بیان می‌دارد؛ به سان: خوشحال، غمگین، شاد، دلیرانه، بزدلانه، اندوه ناک، رنگ پریده، قدم‌زنان، عشوہ‌کنان، گروه گروه، آرام آرام
- (20) **قید پرسشی:** این قید برای استفهام و پرسش در ارتباط به فعل به کار می‌رود. و یا هم به عبارت دیگر هر کلمه پرسشی که جوابش قید باشد، قید پرسشی نامیده می‌شود؛ مانند: چند، چقدر، کجا، کی، چرا، چطور مثلاً: مسلم کجاست؟ بامیان رفته است. چطور به اینجا آمدی؟ بازی کنان تا به اینجا آمده ام

➤ **نکته:**

قابل تذکر در باب قیده‌ها این است که برخی از کلمه‌ها در اصل قیدی‌ستند و همیشه قید باقی می‌مانند؛ لیک بعضی دیگر در اصل اسم، صفت، فعل و یا ربطیه است، ولی در جمله به حیث قید نقش ایفا می‌کنند؛ لذا برخی از علمای دستور زبان نوع اول را به اسم قید مختص و نوع دوم را قید مشترک نام گذاشته است.

قید مختص: قیدهایی اند که همیشه در جمله قید می‌باشند و جز قید، نقش دیگری را در جمله نمی‌پذیرند. مورفیم‌هایی از گونه: هرگز، همواره، هنوز، بدبختانه، متأسفانه، لنگ لنگان و کلمات تنوین دار عربی مانند: حتماً، اتفاقاً، مثلاً... نمونه از قید مختص استند.

قید مشترک: این نوع قیدها در اصل اسم، صفت، فعل و یا ربطیه اند اما در جمله در نقش قید ظاهر می‌گردند.

فعل

تعریف: کلمه‌یی ست که دلالت می‌کند به انجام کاری یا بروز حالتی به شخص معین و در یک زمان مشخص، در دو حالت مفرد یا جمع.

مطالعه فعل از نظر وجوه

وجه: در لغت به معنای روی و در اصطلاح دستوری، شکل و ساختی است که فعل به خود می‌گیرد تا مبین حالت یا خبری باشد. بنابراین فعل از نظر وجه به پنج نوع می‌باشد که عبارتند از:

(1) **وجه اخباری:** آن است که فعل در آن از کردن و شدن کاری، رخ دادن حادثه، داشتن و پذیرفتن حالتی در یکی از زمانه‌های سه گانه با بیان یقینی و قطعی (به صورت مثبت و یا منفی) خبر می‌دهد.

(2) **وجه امری:** صیغه‌های فعل در این وجه به کردن و نکردن کاری فرمان می‌دهد و یا کردن و نکردن کاری را به صورت خواهش و استدعا بیان می‌کند.

(3) **وجه التزامی:** صیغه‌های فعل در این وجه کاری را که باید انجام بگیرد و یا شاید انجام بگیرد، یا میل به انجام دادن آن را داشته باشیم (در زمان حال و آینده) و یا شاید انجام یافته باشد (در زمان گذشته) به طور غیر یقینی بیان می‌کند.

(4) **وجه مصدری یا اسم فعلی:** فعل در این وجه به شکل اسم فعل و یا ریشه ماضی (ریشه شماره 2) فعل (که آنهم معنای اسم فعل را می‌دهد، می‌آید. در این نوع فعل، اغلباً قبل از فعل، فعل‌های معاون / باید، توان، می‌توان، توان است/ می‌آید که بعضاً معنای احتمال و گاهی هم معنای تاکید را می‌رساند.

(5) **وجه وصفی:** آن است که فعل به صورت صفت و در معنی فعل باشد. فعل وصفی با فاعل مطابقت نمی‌کند و همیشه مفرد است؛ مثلاً: استاد آمده، به درس شروع کرد.

وجه وصفی فعل تنها یک صیغه دارد (ریشه شماره "2" + پسوند /-ه/). فعل در این وجه بر علاوه بیان (وقوع حادثه‌یی) یا کردن و شدن کاری؛ وظیفه بیان چگونه‌گی وقوع فعل اصلی جمله یا فاعل جمله را نیز انجام می‌دهد. و نیز در خور تذکر است که در فعل‌های وصفی، بعد از فعل وصفی، /و/ عطف به هیچ عنوان گذاشته نمی‌شود. به عنوان نمونه: دست‌هایش را به گردنم آویخته؛ فریاد زد: ترا هرگز فراموش نخواهم کرد.

مطالعه فعل از نظر معنا

- (1) **فعل لازمی:** فعلی را گویند که به فاعل تمام می‌شود و به مفعول نیاز ندارد؛ بدین سان که جمله بدون مفعول تکمیل است و هر قدر بکوشیم مفعول را در آن جا دهیم، مفعول را نمی‌پذیرد؛ همچو: نالید، تابید، غلتید، ایستاد، رفت، آمد، مرد، گردید... فعل‌های اسنادی/است، بود/ نیز از جمله فعل‌های لازم اند.
 - (2) **فعل متعدی:** آن است که بر علاوه فاعل به مفعول نیز نیاز دارد؛ به سان: آورد، برد، پاشید، نوشته است، خرید، برید، خوانده بود، ...
 - (3) **فعل اصلی:** فعل اصلی یا مستقل آن است که به تنهایی به کار برود و به تنهایی معنایش تمام باشد. یعنی در تصریف محتاج فعل دیگری نباشد؛ مثلاً: الهام نامه می‌نویسد....
 - (4) **فعل معاون یا فعل کمکی:** آن است که برای ساختن ماضی‌های قریب، بعید، التزامی و فعل مجهول پس از فعل اصلی که در این مورد فعل عمده نیز نامیده می‌شود و به شکل اسم مفعول می‌آید و برای ساختن فعل مستقبل و فعل حال همراه با (توانم، می‌توانم) پیش از فعل اصلی یا عمده (به شکل ریشه فعل ماضی است) و یکجا با پسوندهای تصریفی می‌آید؛ یعنی در چنین فعل، فعل اصلی ثابت است و فعل معاون تصریف می‌شود.
 - (5) **فعل مثبت:** آن است که وقوع امری یا انجام کاری یا داشتن و پذیرفتن حالتی را به طریق اثبات و به شکل ایجابی بیان می‌نماید.
 - (6) **فعل منفی:** آن است که از عدم وقوع امری یا انجام نشدن کاری یا نداشتن و نپذیرفتن حالتی خبر می‌دهد.
 - (7) **فعل معلوم:** آن است که فاعل آن معلوم باشد.
 - (8) **فعل مجهول:** فعلی است که فاعل آن معلوم نباشد و فعل به مفعول تمام شود؛ یا هم به عبارۀ دیگر، فعل مجهول به مفعول نسبت داده می‌شود نه به فاعل.
- علامت فعل مجهول موجودیت فعل‌های / شد، می‌شود، خواهد شد، خواهد گردید و.../ پس از فعل اصلی می‌آیند؛ مثلاً: دزد گرفتار خواهد شد. دروازه باز شد....

نمونه‌های کانکوری از دستور زبان

1. آن واحد صرفی که همواره مستقل و دارای معنای لغوی باشد :

(1) کلمه است (2) عبارت است (3) جمله است (4) فقره است

2. واحد گفتاری در هر زبان عبارت است از:

(1) واج (2) حرف (3) جمله (4) واژه

3. آنکه تنها یک جز^{*} بوده و قابل تجزیه به اجزای آزاد یا بسته نباشد:

(1) کلمه مرکب است (2) کلمه ساده است (3) کلمه مشتق است (4) هیچکدام

4. آنکه از دو کلمه ساده یا بیشتر تشکیل شده باشد:

(1) کلمه ساده است (2) کلمه مشتق است (3) کلمه مرکب است (4) جمله است

5. واژه‌یی که به انسان، حیوان، نبات یا چیزی اطلاق می شود :

(1) اسم است (2) صفت است (3) قیدی است (4) فعل است

6. آنکه وجودش متکی به خودش بوده وابسته به چیز دیگر نباشد:

(1) اسم معنی است (2) فعل است (3) ضمیر است (4) اسم ذات است

7. کلمه^{*} " کتابخانه " از جمله کلمه های :

(1) ساده است (2) مشتق است (3) مرکب است (4) صفت است

8. آنکه وجودش قایم به خودش نبوده متکی به چیزی دیگر باشد یعنی جسماً در خارج هستی نداشته

باشد:

(1) قیدی است (2) عدد است (3) اسم معنی است (4) اسم ذات است

9. اسمی که برای یک فرد معین وضع شده باشد و تنها بر همان شخص یا چیز مشخص دلالت کند:

(1) اسم عام است (2) اسم خاص است (3) اسم نکره است (4) اسم معنی است

10. کلمه " هرات " اسم :

(1) آله است (2) معنی است (3) عام است (4) خاص است

11. کلمه^{*} " باغچه " از جمله کلمه های:

(1) ساده است (2) مشتق است (3) مرکب است (4) هیچکدام

12. کلمه " میز " از جمله کلمه های:

(1) مشتق است (2) مرکب است (3) ساده است (4) هیچکدام

13. اسم خاص از جمله اسم‌های:

- (1) نکره است (2) جمع است (3) آله است (4) معرفه است

14. اسمی که نزد مخاطب معلوم و معین نباشد:

- (1) نکره است (2) معرفه است (3) جمع است (4) معنی است

15. اسمی که بر بیشتر از یک فرد دلالت کند:

- (1) مفرد است (2) اسم محض است (3) لقب است (4) جمع است

16. آنکه نام اسباب کار و افزارهای مختلف است:

- (1) اسم خاص است (2) اسم معنی است (3) اسم آله است (4) اسم مکان است

17. کلمه " دانش " از جمله اسم‌های :

- (1) ذات است (2) زمان است (3) مکان است (4) معنی است

18. در جمله " دانشجویی را دیدم " کلمه " دانشجو " :

- (1) اسم معنی است (2) اسم مکان است (3) اسم معرفه است (4) اسم نکره است

19. کلمه یی که حالت و چگونگی اسم را بیان می‌کند:

- (1) فعل است (2) قیدی‌ست (3) ضمیر است (4) صفت است

20. کلمه " زیباتر " از جمله :

- (1) صفت تفضیلی است (2) صفت نسبتی است (3) صفت عادی است (4) صفت عالی است

21. در عبارت " شب‌های دراز " کلمه " دراز " :

- (1) اسم است (2) فعل است (3) صفت است (4) قیدی‌ست

22. در عبارت " پیراهن طفلانه " کلمه " طفلانه " :

- (1) صفت عادی است (2) صفت عالی است

- (3) صفت تفضیلی است (4) صفت نسبتی است

23. کلمه یی که جانشین اسم گردد:

- (1) قیدی‌ست (2) فعل است (3) ضمیر است (4) صفت است

24. آنکه چگونگی انجام یافتن فعل را بیان کند :

- (1) صفت عادی است (2) صفت عالی است (3) قیدی‌ست (4) اسم است

25. در جمله " سهراب دانا است " کلمه " دانا " :

- (1) صفت است (2) اسم است (3) ضمیر است (4) قیدی‌ست

26. آنکه جانشین اسم انسان گردد :

(1) ضمير مشترك است (2) ضمير اشاره است (3) ضمير شخصي (4) هيچكدام

27. در جمله " اين كتاب احمد است " جز " اين " :

(1) ضمير شخصي است (2) ضمير مشترك است (3) ضمير اشاره است (4) صفت است

28. فعل در زبان دري داراي :

(1) يك ريشه است (2) دو ريشه است (3) سه ريشه است (4) چهار ريشه است

29. در جمله " بيژن اينجا كار مي‌كند " جز " اينجا " :

(1) صفت است (2) ضمير است (3) فعل است (4) قيديست

30. در جمله " رستم آهسته آهسته مي‌رود " جز " آهسته " :

(1) اسم است (2) فعل است (3) قيديست (4) ضمير است

31. در جمله " پروين ديشب مريض بود " كلمه " ديشب " :

(1) قيد مكان است (2) قيد زمان است (3) قيد مقدار است (4) قيد تاكيد است

32. در جمله " فرهاد آنجا خوابيده است " جز " آنجا " :

(1) قيد مكان است (2) قيد زمان است (3) قيد چگونگي است (4) قيد مقدار است

33. كلمه " رفتن " :

(1) فعل ماضي است (2) فعل حال است (3) فعل آينده است (4) اسم فعل است

34. در جمله " حميد به سفر رفت " فعل " رفت " از وجه :

(1) اخباري است (2) امري است (3) التزامي است (4) هيچكدام

35. در جمله " محمود كامياب شد " فعل " شد " از وجه :

(1) امري است (2) اخباري است (3) التزامي است (4) مصدرى است

36. در جمله " امروز هوا گرم است " فعل " است " از وجه :

(1) مصدرى است (2) التزامي است (3) امري است (4) اخباري است

37. آنکه شماره اشخاص و اشيا را تعيين مي‌كند:

(1) اسم است (2) عدد است (3) ضمير است (4) صفت است

38. در جمله " سه بر چهار حصه زمين را آب فرا گرفته است " جز " سه بر چهار " عدد:

(1) توزيعي است (2) وصفي است (3) كسري است (4) اصلي است

39. در جمله " منوچهر شتابان آمد " كلمه " شتابان " :

(1) عدد است (2) معدود است (3) قیدی‌ست (4) صفت است

40. کلمه "چاشت" اسم :

(1) ذات است (2) مرکب است (3) مکان است (4) زمان است
41. کلمه "لشکر گاه" از جمله کلمه‌های :

(1) مشتق است (2) مرکب است (3) ساده است (4) صفت است
42. در جمله (مهمترین مشکلات معلولان در جامعه ما بیکاری است) جزء (مهمترین) یکی از اینها است؟

(1) صفت عادی (2) صفت عالی (3) صفت پرسشی (4) صفت تفصیلی

43. کلمه "دختر" عبارت است از :

(1) اسم عام (2) اسم آله (3) اسم خاص (4) اسم معنی
44. فعلی که مفعول نمی‌خواهد فعل :

(1) لازمی است (2) متعدی است (3) ماضی است (4) امر است
45. فعلی که مفعول می‌خواهد "فعل" :

(1) لازمی است (2) متعدی است (3) امر است (4) صفت است
46. فعل "شنیدی" کدام شخص را نشان میدهد :

(1) متکلم مفرد (2) مخاطب مفرد (3) متکلم جمع (4) مخاطب جمع
47. "خورده شد" کدام زمان را نشان میدهد :

(1) مجهول ماضی مطلق (2) ماضی قریب (3) حال مطلق (4) ماضی بعید
48. در مصراع "ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی" کلمه "ملکا" یکی از این حالت اسم است:

(1) حالت متممی (2) حالت مفعولی (3) حالت اضافی (4) حالت ندایی
49. در این مصراع "پادشاهها جرم مارا در گذار" کلمه "پادشاهها" کدام حالت اسم است:

(1) حالت مفعولی (2) حالت اضافی (3) حالت ندایی (4) حالت متممی
50. در جمله "احمد شاگرد خوب است" کلمه "خوب" :

(1) صفت پرسشی است (2) صفت عادی است

- (3) صفت تفضیلی است
 (4) صفت عالی است
51. در جمله "میز کوچکتر از تخت خواب است" کلمه "کوچکتر" :
 (1) صفت تفضیلی است
 (2) صفت پرسشی است
 (3) صفت عادی است
 (4) صفت عالی است
52. در جمله "بیژن لایقترین شاگرد صنف است" کلمه "لایقترین" :
 (1) صفت عادی است
 (2) صفت عالی است
 (3) صفت تفضیلی است
 (4) صفت پرسشی است
53. در جمله "سنایی غزنوی عارف بزرگ کشور ما است" کلمه "غزنوی" :
 (1) صفت نسبتی است
 (2) صفت پرسشی است
 (3) صفت عادی است
 (4) صفت عالی است
54. در این مصرع "ما در این درنه پی حشمت وجاه آمده ایم" جز "ما" :
 (1) ضمیر مشترک است
 (2) ضمیر اشاره است
 (3) ضمیر شخصی است
 (4) صفت نسبتی است
55. در مصرع "این نه مسجد که به هر لحظه درش بگشایند" جز "این" :
 (1) ضمیر شخصی است
 (2) ضمیر مشترک است
 (3) ضمیر شخصی اضافی است
 (4) ضمیر اشاره است
56. در مصرع "من ندانم استم از اول که تو بی مهر ووفایی" کلمه "من" :
 (1) ضمیر شخصی است
 (2) ضمیر اشاره است
 (3) ضمیر مشترک است
 (4) صفت عالی است
57. در مصرع "تپش خون زلیخا نه تو داری ونه من" اجزای "تو و من" :
 (1) ضمیر مشترک است
 (2) ضمیر شخصی است
 (3) صفت تفضیلی است
 (4) ضمیر اشاره است
58. در مصرع "من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می رود" کلمه "خود" :
 (1) ضمیر اشاره است
 (2) ضمیر شخصی است
 (3) ضمیر مشترک است
 (4) ضمیر شخصی مفعولی است
59. در مصرع "این مدعیان در طلبش بی خبرانند" کلمه "این" :
 (1) ضمیر شخصی است
 (2) ضمیر شخصی اضافی است

- (3) ضمير مشترك است
 (4) ضمير اشاره است
60. در مصرع " تو خود گفتی بيا قربان من شو " تركيب " تو خود گفتی " :
 (1) ضمير مشترك است
 (2) ضمير شخصى است
 (3) ضمير اشاره است
 (4) ضمير شخصى اضافى است
61. در اين مصرع " اى جوانان عجم جان من و جان شما " كلمه " شما " :
 (1) ضمير اشاره است
 (2) ضمير شخصى است
 (3) ضمير مشترك است
 (4) صفت عالى است
62. در مصرع " سخنگوى دانا زبان برگشاد " كلمه " دانا " :
 (1) ضمير است
 (2) قيدى است
 (3) صفت است
 (4) فعل است
63. در مصرع " شهر غزنين نه همان است كه من ديدم پار " كلمه " غزنين " :
 (1) اسم زمان است
 (2) اسم معنى است
 (3) اسم جمع است
 (4) اسم مكان است
64. در اين مصرع " بر سمر قند اگر بگذرى اى باد سحر " كلمه " سمر قند " :
 (1) اسم خاص است
 (2) اسم عام است
 (3) اسم جمع است
 (4) اسم زمان است
65. در اين مصرع " صبحدمى رفت مسيحا به دشت " كلمه " صبحدم " :
 (1) اسم جمع است
 (2) اسم زمان است
 (3) اسم مكان است
 (4) اسم آله است
66. در جمله " روزى خسرو به صحرا بيرون رفت باغبانى را ديد پيرو سالخورده " كلمه " باغبان " يكي از اين اسم‌ها است :
- (1) اسم خاص
 (2) اسم معرفه
 (3) اسم نكره
 (4) اسم مكان
67. در اين مصرع " بامدادان كه تفاوت نكند ليل و نهار " كلمه : بامدادان :
 (1) اسم مكان است
 (2) اسم آله است
 (3) ضمير است
 (4) اسم زمان است
68. در اين مصرع " شنيدم كه طى در زمان رسول " كلمه " شنيدم " :
 (1) فعل است
 (2) صفت است
 (3) قيدى است
 (4) ضمير است
69. در جمله " زبان هر كس شيرين باشد، برادران او بسيار خواهند شد " كلمه " شيرين " :
 (1) اسم است
 (2) صفت است
 (3) ضمير است
 (4) فعل است
70. در اين جمله : مرد آن بود كه در ميان مردم بنشيند " فعل " بنشيند " کدام شخص را نشان ميدهد :

(1) مفرد متکلم (2) جمع متکلم (3) مفرد غایب (4) جمع مخاطب

71. در این جمله "بازرگانی را دیدم صدو پنجاه شتر بار داشت" کلمه "دیدم" :

(1) اسم است (2) ضمیر است (3) قیدی است (4) فعل است

72. در جمله "کتاب خوانده شد" جز "خوانده شد" :

(1) فعل مجهول است (2) فعل معلوم است (3) صفت نسبتی است (4) صفت عادی است

73. در این جمله "هنگامیکه راه میرفت از همه سو بد و سلام می گفتند" کلمه "می رفت" یکی

ازین فعل ها است :

(1) فعل ماضی مطلق (2) فعل ماضی استمراری

(3) فعل ماضی التزامی (4) فعل ماضی قریب

74. در این جمله "و بفرمود که بقیه اهل غزنین را بخشیدم" کلمه "بخشیدم" کدام شخص را

نشان میدهد ؟

(1) مفرد مخاطب (2) جمع مخاطب (3) مفرد متکلم (4) جمع متکلم

75. در این مصرع "درد مندی پیش شبلی می گریست" فعل "می گریست" چه نوع فعل است ؟

(1) فعل ماضی ساده (2) فعل ماضی قریب

(3) فعل ماضی بعید (4) فعل ماضی استمراری

76. در این جمله "از مجلس برخاست و به حمام رفت" کلمه "رفت" کدام زمان را نشان میدهد؟

(1) گذشته (2) حال (3) آینده (4) آینده دور

77. درین جمله "بادست خویش شیر گوسفندانش را می دوشید" فعل "می دوشید" چه نوع فعل

است ؟

(1) ماضی ساده (2) ماضی استمراری (3) ماضی بعید (4) ماضی التزامی

78. کلمه "دانشمندان" از جمله اسم های :

(1) مفرد است (2) خاص است (3) جمع است (4) معنی است

79. در این جمله "پروین کتاب می خواند" کلمه "پروین" :

(1) فعل است (2) مفعول است (3) قیدی است (4) فاعل

است

80. در جمله "رستم پهلوان سهراب را از پا در آورد" کلمه "رستم" :

- (1) فاعل است (2) صفت است (3) قیدی‌ست (4) مفعول است
81. درین جمله " رستم قهرمان افراسیاب را شکست داد " کلمه " افراسیاب " :
- (1) صفت است (2) مفعول است (3) فاعل است (4) فعل است
82. در ین جمله " مردان دانشمند افتخار کشور اند " کلمه " دانشمند " :
- (1) قیدی‌ست (2) عدد است (3) صفت است (4) معدود است
83. در جمله " امروز هوا گرم است " کلمه " امروز " قید ؟
- (1) مکان است (2) تاکید است (3) مقدار است (4) زمان است
84. کلمه " لشکرگاه " عبارت است از :
- (1) اسم زمان (2) اسم مکان (3) اسم معنی (4) اسم تصغیر
85. کلمه " شفاخانه " عبارت است از:
- (1) کلمه ساده (2) کلمه مشتق (3) کلمه مرکب (4) اسم معنی
86. شخصی که کاری را انجام میدهد عبارت است از ؟
- (1) فعل (2) مفعول (3) متمم فعل (4) فاعل
87. در ترکیب " مولانا جلال الدین بلخی " کلمه " بلخی " عبارت است از صفت ؟
- (1) نسبتی (2) عادی (3) تفضیلی (4) عالی
88. در جمله " آن را فروخت " جز " آن " عبارت است از :
- (1) صفت (2) ضمیر اشاره (3) قید (4) عدد
89. در جمله " احمد بازار رفته است " فعل " رفته است " ماضی :
- (1) مطلق است (2) بعید است (3) قریب است (4) التزامی است
90. در جمله " منیژه مکتب رفته بود " فعل " رفته بود " ماضی :
- (1) قریب است (2) مطلق است (3) التزامی است (4) بعید است
91. در جمله " برف میبارد " فعل " میبارد " عبارت است از:
- (1) حال جاری (2) حال التزامی (3) آینده (4) ماضی
92. ترکیب " خواهد گفت " عبارت است از:
- (1) فعل ماضی (2) فعل آینده (3) فعل حال (4) فعل ماضی قریب
93. کلمه " میمنه گی " عبارت است از صفت :

- (1) تفضیلی (2) عالی (3) پرسشی (4) نسبتی
94. کلمهٔ "زنانه" عبارت است از صفت :
- (1) عالی (2) پرسشی (3) نسبتی (4) تفضیلی
95. کلمهٔ "نویسنده" عبارت است از صفت:
- (1) فاعلی (2) مفعولی (3) تفضیلی (4) عالی
96. کلمهٔ "آهنگر" عبارت است از صفت:
- (1) مفعولی (2) فاعلی (3) عالی (4) تفضیلی
97. کلمهٔ "آموزگار" عبارت است از صفت:
- (1) عالی (2) تفضیلی (3) فاعلی (4) عالی
98. در ترکیب "دل شکسته" کلمه "شکسته" عبارت است از صفت :
- (1) عادی (2) تفضیلی (3) نسبتی (4) مفعولی
99. در ترکیب "گل شگفته" کلمهٔ "شگفته" عبارت است از صفت:
- (1) مفعولی (2) نسبتی (3) عالی (4) صفت تفضیلی
100. (در ترکیب "خودم گفتم" کلمهٔ "خودم" ضمیر:
- (1) اشاره است (2) شخصی است (3) مشترک است (4) شخصی اضافی است
101. در جمله "پسرت ظاهر دگرگونه شد و خویشتن را نمی شناسد" کلمه "خویشتن" ضمیر " :
(1) اشاره است (2) مشترک است
(3) شخصی است (4) ضمیر شخصی مفعولی است
102. در این جمله "ای عزیز در رعایت دل‌ها کوش" کلمهٔ "کوش" :
(1) فعل نهی است (2) فعل نفی است (3) فعل امر است (4) فعل ماضی است
103. زمان حال عبارت است از:
- (1) وقت سخن گفتن (2) بعد از سخن گفتن
(3) قبل از سخن گفتن (4) اندکی بعد از سخن گفتن
104. زمان ماضی یعنی ؟
- (1) بعد از سخن گفتن (2) قبل از سخن گفتن
(3) وقت سخن گفتن (4) اندکی بعد از سخن گفتن
105. زمان آینده در فعل عبارت است از:
- (1) قبل از سخن گفتن (2) زمان سخن گفتن

(3) بعد از سخن گفتن (4) اندکی قبل از سخن گفتن

106. فعل "نوشتم" زمان :

- (1) ماضی استمراری است (2) ماضی قریب است
(3) ماضی بعید است (4) ماضی ساده مطلق است

107. فعل "نوشته ام" زمان :

- (1) ماضی قریب است (2) ماضی بعید است
(3) ماضی استمراری است (4) ماضی التزامی است

108. فعل "می نوشتم" زمان :

- (1) ماضی استمراری است (2) ماضی بعید است
(3) ماضی قریب است (4) ماضی مطلق است

109. فعل "نوشته بودم" زمان :

- (1) ماضی التزامی است (2) ماضی بعید است
(3) ماضی قریب است (4) ماضی استمراری است

110. فعل "نوشته باشم" زمان :

- (1) ماضی قریب است (2) ماضی بعید است
(3) ماضی التزامی است (4) ماضی ساده مطلق است

111. فعل "رفتم" زمان :

- (1) ماضی بعید است (2) ماضی قریب است
(3) ماضی استمراری است (4) ماضی ساده مطلق است

112. فعل "رفته ام" زمان :

- (1) ماضی قریب است (2) ماضی استمراری است
(3) ماضی التزامی است (4) ماضی بعید است

113. فعل "می رفتم" زمان :

- (1) ماضی التزامی است (2) ماضی استمراری است
(3) ماضی قریب است (4) ماضی مطلق است

114. فعل "رفته بودم" زمان :

(1) ماضی مطلق است (2) ماضی التزامی است (3) ماضی بعید است (4) ماضی قریب است
115. فعل " رفته باشم " زمان :

(1) ماضی قریب است (2) ماضی بعید است (3) ماضی استمراری است (4) ماضی التزامی است
116. " می‌گویم " فعل :

(1) حال استمراری است (2) ماضی استمراری است (3) حال التزامی است (4) ماضی بعید است
117. " می‌بارد " فعل :

(1) مستقبل است (2) حال استمراری است (3) حال التزامی است (4) ماضی است
118. " می‌نویسم " فعل ؟

(1) ماضی است (2) مستقبل است (3) حال استمراری است (4) حال التزامی است
119. " خواهم دید " زمان ؟

(1) ماضی است (2) حال استمراری است (3) حال التزامی است (4) مستقبل است
120. " خواهی گفت " زمان ؟

(1) مستقبل است (2) ماضی قریب است (3) ماضی بعید است (4) حال التزامی است
121. " خواهد نوشت " زمان ؟

(1) حال استمراری است (2) مستقبل است (3) ماضی استمراری است (4) ماضی بعید است
122. " خواهیم دید " زمان ؟

(1) ماضی قریب است (2) ماضی بعید است (3) مستقبل است (4) حال است
123. " شنیده باشم " زمان ؟

(1) حال است (2) مستقبل است (3) ماضی بعید است (4) ماضی التزامی است
124. در این مصرع " دلاخاموش شو ورنه کبابت می‌کنم آخر " فعل " خاموش شو " :

(1) امر است (2) نهی است (3) منفی است (4) ماضی است
125. در جمله " احمد به بازار نرفت " کلمه " نرفت " فعل :

(1) مثبت است (2) منفی است (3) امر است (4) مستقبل است

126. در جمله " احمد به سفر رفت " فعل از وجه :

(1) التزامی است (2) وصفی است (3) اخباری است (4) مصدری است
127. کلمه " خانه " عبارت است از اسم ؟

(1) جمع (2) معنی (3) صوت (4) ذات

128. کلمه "هرات" اسم ؟

(1) خاص است (2) عام است (3) معنی است (4) جمع است

129. در جمله "کابل زیبا شهر دوست داشتنی است" کلمه "کابل" ؟

(1) اسم عام است (2) اسم معنی است (3) اسم جمع است (4) اسم مکان و خاص است

130. در جمله "دانش گنج بزرگ است" کلمه "دانش" ؟

(1) اسم معنی است (2) اسم خاص است (3) اسم ذات است (4) اسم عام است

131. در جمله "کتاب دوست خوبی برای انسان است" کلمه "کتاب" ؟

(1) اسم آله است (2) اسم ذات است (3) اسم خاص است (4) اسم معنی است

132. در جمله "بهار باعث سرسبزی درختان می شود" کلمه "درختان" ؟

(1) اسم خاص است (2) اسم معنی است (3) اسم عام است (4) اسم مفرد است

133. در جمله "لشکر پیروز مندانه برگشت" کلمه "لشکر" ؟

(1) اسم مفرد است (2) اسم نکره است (3) اسم معنی است (4) اسم جمع است

134. در جمله "این کتاب زیبا است" کلمه "این" ؟

(1) ضمیر اشاره است (2) ضمیر مشترک است

(3) ضمیر شخصی است (4) ضمیر شخصی اضافی است

135. در جمله "خودم آب آوردم" کلمه "خود" ؟

(1) اسم ذات است (2) ضمیر مشترک است (3) ضمیر شخصی است (4) ضمیر اشاره است

136. در جمله "پرنده زیبا بر سر درخت نشست" کلمه "زیبا" ؟

(1) اسم است (2) ضمیر است (3) صفت است (4) قیدی است

137. در جمله "گل گلاب نسبت به شبو خوشبو تر است" کلمه "خوشبو تر" ؟

(1) صفت عادی است (2) صفت عالی است (3) صفت پرسشی است (4) صفت تفضیلی است

138. در جمله "شب یلدا دراز ترین شبها است" کلمه "درازترین" ؟

(1) صفت عالی است (2) صفت پرسشی است (3) صفت تفضیلی است (4) صفت عادی است

139. عدد کلمه یی است که :

(1) به حیث معین کننده به کار می رود (2) برای برشمردن اشخاص و چیز ها به کار می رود

(3) حالت اسم را بیان می کند (4) حالت فعل را بیان می کند

140. در جمله " امروز دو جلد کتاب خریدم " کلمه " دو " ؟

(1) ضمیر است (2) صفت است (3) عدد است (4) قیدی است

141. در جمله " دو سوم حصه افغان استان را کوهها تشکیل میدهد " کلمه " دوسوم " ؟

(1) عدد توزیعی است (2) عدد اصلی است (3) قیدی است (4) عدد کسری است

142. قید کلمه یی است که :

(1) حالت فعل را بیان می‌کند (2) حالت اسم را بیان می‌کند

(3) معین کننده است (4) معنی اسم را روشن می‌سازد

143. در جمله " دیشب هوا سرد بود " کلمه " دیشب " ؟

(1) قید مکان است (2) قید زمان است (3) قید مقدار است (4) قید تاکید است

144. در جمله " حمید دوان دوان آمد " کلمه " دوان " ؟

(1) قید مقدار است (2) قید مکان است (3) قید حالت است (4) قید زمان است

145. در جمله " از اینجا تا قندهار چند ساعت فاصله است " کلمه " چند " ؟

(1) قید مقدار است (2) قید تاکید است (3) قید حالت است (4) قید پرسشی است

146. در جمله " کاش در آن روز من هم حاضر میبودم " کلمه " کاش " ؟

(1) قید تمنا است (2) قید پرسشی است (3) قید شک است (4) قید حالت است

147. فعل از نگاه زمان در زبان پارسی دری ؟

(1) یک نوع است (2) دوتنوع است (3) سه نوع است (4) چهارنوع است

148. در جمله " فرید آمد " فعل " آمد " ؟

(1) متعدی است (2) منفی است (3) مجهول است (4) لازمی است

149. در جمله " حمیده از صنف خارج شد " کلمه " حمیده " ؟

(1) فاعل است (2) مفعول است (3) متمم فعل است (4) فعل است

150. در جمله " پروین لباس می‌شوید " کلمه " لباس " ؟

(1) فعل است (2) مفعول است (3) فاعل است (4) اسم فعل است

151. در آخر جمله های تعجبی یکی از این علامات را می‌گذاریم ؟

(1) ؟ (2) نقطه (3) ! (4) :

152. علامه " ؟ " در آخر جمله های :

(1) تعجبی به کار می رود (2) امری به کار می رود

(3) پرسشی به کار می رود (4) خبری به کار می رود

153. در جمله "سهراب" به خواهرش یک گدیگک خرید " کلمه " گدیگک " :

(1) اسم خاص است (2) اسم معنی است (3) اسم جمع است (4) اسم مصغر است

154. در جمله " احمد مکتب رفت " فعل " رفت " :

(1) ماضی مطلق است (2) ماضی بعید است (3) ماضی استمراری است (4) ماضی قریب است

155. در جمله " ناهید به مکتب رفته است " فعل " رفته است " :

(1) ماضی بعید است (2) ماضی قریب است (3) ماضی مطلق است (4) ماضی استمراری است

156. در جمله " منوچهر صبحگاهان به باغ می رفت " فعل " میرفت " :

(1) ماضی ساده مطلق است (2) ماضی بعید است

(3) ماضی استمراری است (4) ماضی قریب است

157. در مصرع " گفته بودم چوبیایی غم دل با تو بگویم " فعل " گفته بودم " :

(1) ماضی استمراری است (2) ماضی قریب است (3) ماضی ساده است (4) ماضی بعید است

158. در جمله " بیژن ممکن منیژه را در خواب دیده باشد " فعل " دیده باشد " :

(1) ماضی التزامی است (2) ماضی قریب است (3) ماضی بعید است (4) ماضی استمراری است

159. در مصرع " شهر غزنین نه همان است که من دیدم پار " فعل " دیدم " کدام شخص را

نشان میدهد :

(1) مفرد متکلم (2) جمع متکلم (3) مفرد مخاطب (4) مفرد غایب

160. در مصرع " این طرفه حکایتی است بنگر " کلمه " بنگر " :

(1) فعلی نفی است (2) فعل امر است (3) فعل نهی است (4) فعل ماضی است

161. این جمله " جمشید و احمد باهم به باغ می روند . " :

(1) خبری است (2) پرسشی است (3) تعجبی است (4) امری است

162. این جمله " احمد با که به باغ می رود " :

(1) تعجبی است (2) خبری است (3) پرسشی است (4) امری است

163. این جمله " به باغ برو " :

(1) تعجبی است (2) پرسشی است (3) امری است (4) خبری است

164. این جمله "چه باغ با صفایی است" :

(1) خبری است (2) امری است (3) پرسشی است (4) تعجبی است

165. این جمله "حسن کجا رفت" :

(1) خبری است (2) پرسشی است (3) تعجبی است (4) امری است

166. در این جمله "سعدی شیرازی گلستان را در سال 656 نوشت" کلمه "گلستان" :

(1) فاعل است (2) مفعول است (3) فعل است (4) صفت است

167. در این جمله "رستم پهلوان سهراب را کشت" کلمه "کشت" :

(1) فعل است (2) صفت است (3) قیدی است (4) فاعل است

168. در این جمله "رستم سهراب نیرومند را از پا در آورد" کلمه "نیرومند" :

(1) فاعل است (2) مفعول است (3) فعل است (4) صفت است

169. در جمله "فریدون خندان آمد" کلمه "خندان" :

(1) اسم است (2) صفت است (3) قیدی است (4) فعل است

170. در این جمله "باران قطره قطره می بارد" کلمه های "قطره قطره" :

(1) قید زمان است (2) قید مکان است (3) فعل است (4) قید مقدار است

171. در جمله "فریده پیراهنش را دوخت" فعل "دوخت" :

(1) لازمی است (2) منفی است (3) متعدی است (4) مجهول است

172. در جمله "فریدون آمد" فعل "آمد" :

(1) منفی است (2) مجهول است (3) متعدی است (4) لازم است

173. در جمله "فریدون آورد" فعل "آورد" :

(1) متعدی است (2) لازم است (3) منفی است (4) مجهول است

174. در جمله "احمد کتاب را از روی میز برداشت" فعل "برداشت" :

(1) مجهول است (2) معلوم است (3) منفی است (4) مستقبل است

175. در جمله "کتاب از روی میز برداشته شد" فعل "برداشته شد" :

(1) معلوم است (2) منفی است (3) مجهول است (4) حال است

176. فعل معلوم آن است که :

(1) به مفعول نسبت داده شود (2) به قید نسبت داده شود

(3) به ضمیر نسبت داده شود (4) به فاعل نسبت داده شود

177. فعل مجهول به یکی از این چهار کلمه زیر نسبت داده می شود :

(1) مفعول (2) فاعل (3) صفت (4) ضمیر

178. در این جمله " هندوکش از همه کوه های افغان استان بلند تر است " کلمه " بلند تر :

(1) صفت پرسشی است (2) صفت تفضیلی است (3) صفت نسبتی است (4) صفت عالی است

179. در این جمله " بزرگترین شهر افغان استان کابل است " کلمه " بزرگترین " :

(1) صفت عادی است (2) صفت تفضیلی است (3) صفت عالی است (4) صفت فاعلی است

180. کلمه " پرنده " :

(1) صفت نسبتی است (2) صفت عالی است (3) صفت تفضیلی است (4) صفت فاعلی است

181. کلمه " نویسند " :

(1) صفت فاعلی است (2) صفت تفضیلی است (3) صفت عالی است (4) صفت مفعولی است

182. در جمله " وقتی که تو آمدی حسن به مدرسه رفته بود " فعل " رفته بود " :

(1) ماضی بعید است (2) ماضی نقلی است (3) ماضی استمراری است (4) ماضی مطلق است

183. در جمله " نجار تخته را برید " فعلی که به کار رفته است :

(1) مجهول است (2) معلوم است (3) منفی است (4) حال است

184. در جمله " بیژن خانه اش را فروخته است " فعلی که به کار رفته است :

(1) منفی است (2) مجهول است (3) معلوم است (4) امر است

185. در جمله " تخته بریده شد " فعلی که به کار رفته است :

(1) منفی است (2) امر است (3) معلوم است (4) مجهول است

186. در جمله " خانه بیژن فروخته شد " فعلی که به کار رفته است :

(1) مجهول است (2) معلوم است (3) منفی است (4) مستقبل است

187. در فعل " نوشتیم " زمان و شخص از این قرار است :

(1) زمان حال، شخص متکلم (2) زمان ماضی، شخص متکلم

(3) زمان ماضی، شخص مخاطب (4) زمان آینده، شخص غایب

188. در فعل " نوشتی " زمان و شخص ازین قرار است:

(1) زمان حال، شخص مخاطب (2) زمان آینده، شخص غایب

(3) زمان ماضی، شخص مخاطب (4) زمان ماضی، شخص غایب

189. در فعل "نوشتند" زمان و شخص از این قرار اند :

- | | |
|-------------------------|-------------------------|
| (1) زمان حال، شخص مخاطب | (4) زمان حال، شخص غایب |
| (3) زمان حال، شخص مت | (4) زمان ماضی، شخص غایب |

190. در فعل "نوشتیم" زمان و شخص از این قرار است :

- | | |
|--------------------------|-------------------------|
| (1) زمان ماضی، شخص متکلم | (2) زمان ماضی، شخص غایب |
| (3) زمان ماضی شخص مخاطب | (4) زمان ماضی، شخص غایب |

191. در فعل "نوشت" زمان و شخص از این قرار است :

- | | |
|--------------------------|---------------------------|
| (1) زمان ماضی، شخص غایب | (2) زمان ماضی، شخص مخاطب |
| (3) زمان ماضی، شخص متکلم | (4) زمان آینده، شخص مخاطب |

192. در فعل "نوشتید" زمان و شخص از این قرار است :

- | | |
|-------------------------|--------------------------|
| (1) زمان حال، شخص مخاطب | (2) زمان حال، شخص متکلم |
| (3) زمان حال، شخص غایب | (4) زمان ماضی، شخص مخاطب |

193. در فعل "خواهم نوشت" زمان و شخص از این قرار است :

- | | |
|---------------------------|--------------------------|
| (1) زمان آینده، شخص متکلم | (4) زمان ماضی، شخص متکلم |
| (3) زمان حال، شخص مخاطب | (4) زمان حال، شخص غایب |

194. در فعل "خواهی نوشت" زمان و شخص از این قرار است :

- | | |
|--------------------------|---------------------------|
| (1) زمان ماضی، شخص مخاطب | (3) زمان آینده، شخص مخاطب |
| (3) زمان حال، شخص متکلم | (4) زمان حال، شخص غایب |

195. در این بیت :

"گفت آن گلیم خویش بدر میبرد ز موج و این جهد می کند که بگیرد غریق را"

196. کلمه های "این و آن" :

- | | | | |
|-------------|-------------------|--------------------|--------------|
| (1) فعل است | (2) ضمیر شخصی است | (3) ضمیر اشاره است | (4) قیدی است |
|-------------|-------------------|--------------------|--------------|

197. در جمله "پرویز نامه را نوشت" فعل "نوشت" :

- | | | | |
|---------------|---------------|--------------|--------------|
| (1) مجهول است | (2) معلوم است | (3) مثبت است | (4) منفی است |
|---------------|---------------|--------------|--------------|

198. در جمله "پروین آهنگ را نخواند" فعل "نخواند" :

(1) منفی است (2) مثبت است (3) معلوم است (4) مجهول است
199. کلمه "دیشب":

(1) اسم زمان است (2) اسم مکان است (3) صفت نسبتی است (4) صفت عالی است
200. فعل "مکن":

(1) مثبت است (2) منفی است (3) نهی است (4) مجهول است
201. فعل "مرو":

(1) نهی است (2) نفی است (3) مثبت است (4) امر است
202. فعل "بروم":

(1) نهی است (2) ماضی التزامی است (3) حال التزامی است (4) مستقبل است
203. آنکه چگونگی انجام یافتن فعل را بیان کند:

(1) صفت عادی است (2) صفت عالی است (3) قیدی است (4) اسم است
204. کلمه "چاشت" اسم:

(1) ذات است (2) مرکب است (3) مکان است (4) زمان است
205. در جمله "احمد بازار رفته است" فعل "رفته است" ماضی:

(1) مطلق است (2) بعید است (3) قریب است (4) التزامی است
206. ترکیب "خواهد گفت" عبارت است از:

(1) فعل ماضی (2) فعل آینده (3) فعل حال (4) فعل ماضی قریب

کلید جوابات دستور زبان							
پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ
1	1	33	4	65	2	97	3
2	2	34	1	66	3	98	4
3	3	35	2	67	4	99	1
4	4	36	4	68	1	100	3
5	5	37	2	69	2	101	2
6	6	38	3	70	3	102	3
7	7	39	3	71	4	103	1
8	8	40	4	72	1	104	2
9	9	41	1	73	2	105	3
10	10	42	2	74	3	106	4
11	11	43	1	75	4	107	1
12	12	44	1	76	1	108	1
13	13	45	2	77	2	109	2
14	14	46	2	78	3	110	3
15	15	47	1	79	4	111	4
16	16	48	4	80	1	112	1
17	17	49	3	81	2	113	2
18	18	50	2	82	3	114	3
19	19	51	4	83	4	115	4
20	20	52	1	84	1	116	1
21	21	53	2	85	3	117	2
22	22	54	1	86	4	118	3
23	23	55	4	87	1	119	4
24	24	56	3	88	2	120	1
25	25	57	3	89	2	121	2
26	26	58	1	90	3	122	3
27	27	59	3	91	4	123	4
28	28	60	2	92	1	124	1
29	29	61	4	93	2	125	2

3	126	3	94	3	62	3	30
4	127	1	95	1	63	2	31
1	128	2	96	1	64	1	32

پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ
129	4	149	1	169	3	189	4
130	1	150	2	170	4	190	1
131	2	151	3	171	3	191	1
132	3	152	3	172	4	192	4
133	4	153	4	173	1	193	1
134	1	154	1	174	2	194	3
135	2	155	2	175	1	195	3
136	3	156	3	176	4	196	4
137	4	157	4	177	1	197	1
138	1	158	1	178	2	198	1
139	2	159	1	179	3	199	3
140	3	160	2	180	4	200	1
141	4	161	1	181	1	201	3
142	1	162	3	182	1	202	3
143	2	163	3	183	2	203	4
144	3	164	4	184	3	204	3
145	1	165	2	185	3	205	2
146	1	166	2	186	2	206	2
147	3	167	1	187	2		
148	1	168	4	188	3		

آیین انشا و نگارش

- آیین یعنی اسلوب، شیوه، روش و انشا به معنای آغاز کردن، آفریدن، پدید آوردن و نگارش به معنای تحریر، نوشتن و شیوه انشاست.
- انشا و نگارش عامل اصلی خلاقیت هاست و زیر بنای خلاقیت اعتماد به نفس است. انشا با ارزش‌ترین درسی است که از یک طرف بیان علوم را تسهیل و از سوی دیگر انسان را متفکر و صاحب اندیشه می‌سازد.

1) نگارش و علوم انسانی

- نویسنده باید دسترسی کامل یا لاقلاً آشنایی کافی با علوم صرف، نحو، فصاحت و بلاغت داشته باشد. همین‌طور باید ذخیره‌ی لغاتش زیاد باشد تا بتواند داشته‌های ذهنی خود را کامل و آن‌طوری که باید، بنویسد؛ چون لفظ وسیله بیان معناست.
- در انتخاب کلمه بیشتر به علم صرف توجه صورت می‌گیرد.

2) معلومات عمومی در نگارش

- برای یک نویسنده حتمی است که از اوضاع محیطی، اجتماعی و جهانی آگاهی داشته، نوشته‌ها و آثار روز را همیشه بخواند و ایجابات عصر را درک کند.
- بروز بودن نویسنده قوت کار اوست؛ بنابراین نویسنده باید در جریان آخرین تحولات در عرصه‌ی علم و فناوری روز، سیاست، فرهنگ، اجتماع، اختراع و اکتشاف و... بوده و با مطالعه‌ی دقیق و عمیق در این حوزه، نوشته‌اش را به مقتضای حال مطابق به نیازمندی مردم و زمان خود بنویسد.

3) استعداد و ممارست در نگارش

- انسان دارای استعداد فطری (ذاتی) و کسبی می‌باشد. هر دوی این استعداد به تمرین و ممارست ضرورت دارد تا رشد کرده در زمینه‌ی عام و خاص بیابد.
- پس برای خلق یک اثر خواندنی لازم است تا نویسنده از هر دو نوع استعداد ذاتی و اکتسابی بهره بگیرد.

4) زمان و مکان در نگارش

- بهترین وقت برای نگارش بعد از استراحت است؛ زیرا در آن وقت ذهن با نشاط و طبع آماده کار می‌باشد.
- محلی که نگارش در آن صورت می‌گیرد نیز باید از اسباب تشویش، اصوات گوش‌خراش، حرکات اذیت‌کننده، عوامل مزاحم و هر آن چیزی که تمرکز نویسنده را بهم بزند و فکرش را مخدوش کند، عاری باشد.

مراحل نگارش

نگارش هر مطلب از آغاز تا پایان سه مرحله‌ی متمایز و باهم مرتبط را در بر می‌گیرد که عبارت‌اند از:

1- مرحله‌ی ایجاد فکر؛

2- مرحله‌ی تنظیم فکر؛

3- مرحله‌ی بیان فکر.

1- مرحله‌ی ایجاد فکر

- اولین قدم برای نوشتن مطلبی، ایجاد فکر است. در این مرحله است که نویسنده ماهیت موضوع را ارزشیابی کرده، کنش و واکنش مخاطبان را در برابر موضوع مورد نظر واری می‌کند. اینکه می‌خواهد چی بنویسد؛ چی طور بنویسد؛ برای کی می‌نویسد؛ چرا باید بنویسد و ده‌ها سوال از این دست در همین مرحله باید پاسخ داده شود.

افکار از دو منبع کلی سرچشمه می‌گیرد:

- (الف) مطالعه، مشاهدات و تجربه‌های شخصی و یا دیدن فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی.
(ب) مشاهدات و تجربه‌های دیگران که از آنها دیده، شنیده و یا خوانده ایم.

2- مرحله‌ی تنظیم فکر

- دومین مرحله‌ی نگارش تنظیم فکر است.
- نویسنده در این مرحله موضوع را به فصل‌های جداگانه تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از:

(۱) مقدمه؛	(۳) شرح و بسط؛
(۲) شروع مطلب؛	(۴) نتیجه.
- عامل اساسی در نگارش، فکر درست و ذوق سلیم است که هر نویسنده‌ی خوب می‌باید این مهم را به شدت در کار ایجاد خود (نگارش) اولویت داده، متوجه باشد.

3- مرحله‌ی بیان فکر

- بیان فکر سومین مرحله‌ی نگارش است.
- فکر را می‌توان از دو راه بیان کرد: گفتار و نگارش.
- بیان فکر به واسطه‌ی گفتار برای عامه‌ی مردم است؛ مبلغ، واعظ، نویسنده و توده‌ها همه می‌توانند از گفتار برای انتقال داشته‌های ذهنی‌شان سود ببرند.
- نوشتار اما اغلب خاص نویسنده‌گان می‌باشد.
- در مرحله‌ی بیان فکر است که قوت قلم، طبع عالی و دست بلند نویسنده در کار نگارش رو می‌شود. اینجا است که قضاوت می‌شود آیا فرد خوب می‌نویسد یا نه؟ استعداد نوشتن دارد یا خیر؟ همین طور بیان فکر عالی‌ترین و از سویی هم سخت‌ترین مرحله‌ی نگارش است که باید با دقت موضوع نگارش و ایده‌های نویسنده خیلی رسا، ساده، قابل فهم، گیرا و همه‌پسند آرایه و نگاشته شود.

ارکان نگارش

نوشتن بر ارکانی استوار است که هر کدام در جای خودش نزج و استحکام نوشته را قوام بخشیده، ماندگاری، پذیرش و فایده‌ی نگارش را برملا می‌کند. ارکان نگارش را به 4 بخش ذیل تقسیم کرده اند:

1- مقدمه؛

2- آغاز مطلب؛

3- شرح و بسط؛

4- نتیجه .

1. مقدمه

- مقدمه باید مختصر و مربوط به موضوع مورد نظر بوده، با سایر مطالب نگارش مرتبط باشد. کوتاه نویسی، رسا نویسی، بیان ساده و جزء فشرده‌ی متن در مقدمه، موردی است که خواننده را یا با وسوسه‌ی خاص به درون متن می‌کشاند و یا از خواندن آن منصرف می‌سازد.
- بنابراین در انتخاب کلمه، چگونگی نوشتن عبارت، فقره و نحوه‌ی جمله بندی مقدمه باید نهایت دقت صورت بگیرد تا جزالت و فخامت مقدمه حفظ شده مخاطب را به خواندن مطلب وا دارد.

2. آغاز مطلب

- پس از نگارش مقدمه، آغاز مطلب است که باید جدای از مقدمه نباشد. مطلب را باید با یک بافت محتوایی که ادامه دهنده‌ی مقدمه بوده و راه را برای بیان اصل مطلب باز می‌کند، شروع کرد.
- نوشته‌ی خود را با یک عنوان جالب، سوال، داستان، ضرب المثل، بیت یا جملات قصار از دانشمندی شروع کنیم.

3. شرح و بسط

- شرح و بسط از اساسی‌ترین و مهم‌ترین ارکان نگارش است که نویسنده در آن ضمن اینکه مطالب اصلی و فرعی موضوع را دسته‌بندی کرده، هر کدام را در جای خودش می‌نویسد، به تشریح و توضیح مطالبی می‌پردازد که نیاز به شرح و تفصیل بیشتر دارد.
- برای این کار نویسنده با آوردن مثال‌ها و بیان دلایل منطقی گفته‌های خودش را ثابت کرده در نتیجه خواننده‌اش را اقناع می‌کند. باید متوجه بود تا موضوعات گنگ و مطالب نیازمند توضیح به صورت آشکار و روشن به زبان ساده و قابل فهم شرح گردد تا مخاطب مقصود و پیام موضوع را به آسانی دریابد.

4. نتیجه

- آخرین رکنی که نگارش با آن پایان یافته در ذهن خواننده باقی می‌ماند، نتیجه است؛ بنابراین نتیجه باید کوتاه، ساده و در برگیرنده‌ی مطالب نوشته باشد. چون نتیجه خلاصه‌ی نگارش را در بر دارد، حسن ختام ایجاد می‌کند که زبان نویسنده در پایان نوشته‌اش تلطیف شده، نرم و دلکش باشد تا مخاطب از خوانش متن لذت ببرد؛ درونمایه و پیام آن را دریافت کند و به خواندن سایر نوشته‌های نویسنده‌ی اثر تشویق شود.

تنوع در نگارش فقره‌ها و جمله‌ها

- برای اینکه زیبا بنویسیم؛ خوانا بنویسیم و آنطور بنویسیم که خواننده از خواندن نوشته‌ی ما کیف کند و لمح‌ی از خوانش آن دست بر ندارد؛ پس لازم است تا از یکنواختی، تکرار، حاشیه روی، توصیف بی‌مورد و از نوشتن فقره‌ها و جمله‌های یکدست در نوشته‌ی مان جداً جلوگیری کنیم.
- ترکیب جملات و استفاده از انواع جمله (ساده، مختلط، مرکب، امری، پرسشی، تعجبی، ندایی و...) و تنوع در نگارش فقره‌ها از یکطرف بر زیبایی موضوع می‌افزاید و از سوی دیگر باعث می‌شود تا مخاطب آن را با ولع خوانده، به عنوان یک اثر خواندنی بپذیرد.

انتخاب واژه و تعبیر

- با توجه به گونه‌های مختلف نگارش (مقاله، پژوهش، شعر، داستان و...) واژه‌ها در دو معنای حقیقی و غیر حقیقی به کار می‌رود. در نوشته‌های علمی و تحقیقی کلمات در معنای حقیقی‌شان به کار می‌رود؛ حالانکه در رمان و شعر ممکن است همان کلمات در معنای غیر حقیقی استفاده شود؛ مثلاً: واژه‌ی شب در پژوهش و نگارش مطبوعاتی اسم زمان و قید زمان است. در شعر و داستان اما شب می‌تواند به زلف یار تشبیه شده، نمادی برای ظلمت و بدبختی باشد.
 - کاربرد برخی از تعبیرها در یک جغرافیای مشخص به باورها، رسوم و فرهنگ همان مردم پیوند می‌خورد و بعضی دیگر از این نمادها، سمبول‌ها و تعبیرها بار ملی و بین‌المللی دارد؛ مثلاً:
- | | |
|-----------------------------|-------------------------------|
| مورچه (سخت‌کوشی) | کبوتر (صلح) |
| عروس آسمان (ماه) | باز (جنگ) |
| شاه ستاره‌گان (خورشید) | خارا (سختی) |
| یخ (سردی و سکوت) | دبیر فلک (عطارد) |
| مهرتر عالم (حضرت رسول اکرم) | نرگس (خود شیفته‌گی، شوخ‌چشمی) |

کاربرد دقیق کلمات

- واژه وسیله‌ی بیان معناست. ذخیره‌ی لغات، دانستن انواع و به کارگیری صحیح آن، تسلط زبانی هر گوینده‌ی زبان را می‌رساند.
- برای اینکه نوشته‌ی ما زیبا بنماید و گیرا واقع شود باید از یاد ببریم که هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد؛ پس بر نویسنده است تا کلمات متضاد، مترادف، کلمات بیگانه، کلمات متروک، تک معنایی، ذومعنین، چند معنایی، کلمات ساده و مرکب و... را بشناسد.
- نویسنده باید از استفاده‌ی کلمات نامانوس که خود با معنا و مورد استفاده‌ی آنان آشنایی ندارد، در نوشته‌اش اجتناب کند.

توجه به قواعد دستوری

در انواع نگارش و به ویژه در نوشته‌های علمی و ادبی باید قواعد دستوری زبان در نظر گرفته شود تا از یک سو نوشته گونه‌ی رسمی و صورت درست آن را حفظ کند و از طرف دیگر در نگارش و تفهیم خواننده اشتباه و غلط فهمی صورت نگیرد. اینجا صرفاً به بیان دو نکته‌ی که اهمیت کانکوری دارد بسنده می‌کنیم:

1- فعل جمله باید با نهاد (مبتدا) مطابقت داشته باشد؛ چنانچه اگر نهاد جاندار باشد؛ پس با نهاد مفرد، فعل مفرد و با نهاد جمع، فعل جمع می‌آوریم؛ مثلاً:

انسان پاک رستگار می‌شود. (درست)

انسان‌های پاک رستگار می‌شوند. (درست)

انسان‌های پاک رستگار می‌شود. (غلط)

2- حذف فعل یا بخشی از آن باید به قرینه‌ی لفظی صورت بگیرد؛ مثلاً:

ما وارد و به کار پرداختیم. (نادرست است؛ زیرا فعل «شدیم» بدون قرینه حذف شده است).

ما وارد و مشغول کار شدیم. (درست است؛ چون حذف فعل «شدیم» به قرینه‌ی لفظی است).

توجه به املا در نگارش

شکل درست نوشتاری کلمات و عبارات، نوشته‌ی ما را عاری از هرگونه نارسایی شکلی و محتوایی می‌کند و املاي غلط موجب تحریف معنا و سردرگمی خواننده در گرفتن پیام نوشته می‌گردد.

چند نکته‌ی قابل تذکر در درست نویسی افعال و کلمات:

1) فعل‌هایی که با (الف) شروع می‌شوند، هرگاه با پیشوندهای صرفی /ب- / تاکید و /ن- / نفی همراه شود، (الف) حذف و به (ی) تبدیل می‌شود؛ مثلاً:

ب+ افکندم بیفکندم

ب+ انداختیم بینداختیم

ب+ اندوز

ب+ افتادند

ب+ افزود

ب+ فعل‌هایی که با (آ) شروع می‌شوند، هنگام پیوستن به پیشوند /ب- علامت مد آن به (ی) تبدی می‌شود؛

مثلاً:

ب+ آمد

ب+ آورد

ب+ آلود

نکته: در نگارش برخی از کلمات عربی رایج در فارسی به شیوه‌ی ذیل عمل باید کرد:

چنین بنویسیم

مسأله

سؤال

هیأت

جرات

مسؤول

زکات و صلات

داوود، کاووس

طاووس

چنین ننویسیم

مسله

سوال

هییت

جريت

مسول

زکوة و صلوة

داود، کاوس

طاووس

رعایت نشانه گذاری در نگارش

نشانه گذاری دقیق نویسنده را در انتقال کامل پیام به خواننده یاری می‌رساند و عدم نشانه گذاری درست باعث کج فهمی در معنای جملات می‌شود. در یک متن جملات پرسشی، امری، بیانی، تعجبی، خبری و حالات عاطفی نویسنده را فقط با نشانه‌های نگارشی می‌توان از همدیگر تفکیک کرد. به مثال زیر دقت کنید:

نادیه از سفر برگشت. (خبری)

نادیه از سفر برگشت؟ (پرسشی)

نادیه از سفر برگشت! (تعجبی)

حال به بیان موارد استفاده‌ی برخی از این نشانه‌ها می‌پردازیم:

1- نقطه یا dot (.)

1. در پایان جملات امری و خبری (بیانی) استفاده می‌شود؛ مثلاً: همواره تلاش کن.
2. برای جدا کردن کلمات و اسم‌های که به صورت اختصاری نوشته می‌شوند، بین حروف و پس از آن نقطه گذاشته می‌شود؛ مثلاً:

ر.ک. (رجوع کنید به) ن.ک. (نگاه کنید به)
 ق.م. (قبل از میلاد) الخ. (الی آخر)
 صص. (صفحه‌ها) ه.ق. (هجری قمری) و ...

3. وقتی مطالب به گونه‌ی لیست و با شماره گذاری ذکر می‌شود، پس از شماره‌ها می‌توان قوس، خط دش و یا نقطه گذاشت که هر سه حالت آن درست بوده، استفاده می‌شود؛ مثلاً:

نگارش دارای مراحل زیر می‌باشد:

1. ایجاد فکر؛
2. تنظیم فکر؛
3. بیان فکر.

2- سوالیه یا Question mark (?)

1. این علامت در آخر جملات پرسشی می‌آید؛ مثلاً: نام تان چیست؟
2. اگر مواردی بر نویسنده نامعلوم باشد و در باره‌ی شان اطلاعات دقیقی نداشته باشد، به جای آن نشانه‌ی پرسشی را می‌گذارد؛ مثلاً:

نام: احمد

تاریخ تولد: ؟

تاریخ وفات: 1394

3- علامت تعجب، نداییه یا Exclamation mark (!)

1. در آخر جمله‌ی تعجبی و عاطفی به کار می‌رود؛ مثلاً:
 ماشالله چه پسر هوشیاری دارید!
2. پس از اصوات و گاهی بعد از منادا قرار می‌گیرد؛ مثلاً: آفرین! خدایا! احمد! ماشالله!
3. پس از جملات تحذیری و یا امر تأکیدی: هنگامی که یک جمله با تاکید بیشتر بیان شود و جنبه‌ی هشدار دهنده باشد از این نشانه به جای نقطه استفاده می‌کنیم؛ مثلاً:
 با سلاح وارد نشوید!
 حتماً با من به تماس شو!

4- ویرگول یا Comma (,)

1. در پایان جمله‌های ناقص پیرو می‌آید؛ مثلاً: تا رسیدم، آنها رفته بودند.
2. هرگاه چند کلمه در جمله، دارای نقش مشترک باشد؛ در این صورت دو تای آخر آن را با واو عطف به هم پیوند می‌دهیم؛ اما بقیه را با نشانه‌ی کامه؛ مثلاً:
تا می‌توانیم باید با انگیزه، پر انرژی، مصمم و هدفمند برای تحقق رویاهای مان تلاش کنیم.

5- سیمیکولن Semi colon (;)

1. برای جداکردن جمله‌هایی که از جهت ساختمان و مفهوم، مستقل به نظر می‌رسند؛ ولی در یک عبارت طولانی، از جهت بیان کلی یک مطلب، به یکدیگر پیوسته باشند و یا از یک حکم کلی پیروی کنند؛ مثلاً:
شب می‌کوشم؛ خستگی روز را به جان می‌خرم؛ تشنگی و گرسنگی نمی‌شناسم تا اینکه به اهداف خود دست پیدا کنم.

6- خط فاصله Dash (-)

1. هرگاه بخشی از یک نوشته به صورت سوال و جواب یا بحث و مکالمه باشد، گوینده‌گان آن مشخص نباشد، برای بار نخست نام‌ها را می‌نویسند؛ ولی پس از آن، سخن هر کدام را بعد از خط فاصله در اول سطر می‌نویسند؛ مثلاً:
احمد: دیروز کجا بودی رفیق؟
محمود: شفاخانه رفته بودم.
- چیزی شده؟
- عیادت یکی از دوستانم رفته بودم.

7- گیومه Quotation (« »)

1. هنگامی که سخنی را عیناً از کسی یا جایی نقل قول کنند (نقل قول مستقیم)؛ مثلاً: پیامبر(ص) فرموده اند: «طلب علم بر هر مسلمان فرض است».
2. هرگاه بخواهند عنوان آثار هنری، مقاله، شعر یا کتاب را در جمله‌ی بیابورند؛ مثلاً: سعدی «بوستان» را در 655 سرود و «گلستان» را در 656 نوشت.

8- شارحه یا دو نقطه بیانی Colon (:)

1. هرگاه در جمله به سخن کسی یا مطلبی از جایی اشاره شود و سپس عین آن مطلب نقش شود؛ مانند:
وی همچنان افزود: شاگردان ما امسال با روحیه‌ی عالی و با اعتماد به نفس بالایی در کانکور شرکت خواهند کرد.

نگارش تشریحی

- نوشته‌هایی را گویند که در آن موضوعی با مو شگافی و دقت هر چه بیشتر شرح داده شده باشد. این نوع نوشته به دو دسته‌ی عینی و ذهنی تقسیم می‌شود:

1. **نگارش‌های تشریحی عینی:** عبارت است از نوشته‌هایی که نویسنده صحنه یا موضوعی را به چشم خود می‌بیند و آن را شرح می‌دهد. نمونه‌ی کلاسیک این نوع نوشته یکی هم نثر تاریخ بیهقی می‌باشد.

2. **نگارش‌های تشریحی ذهنی:** در این نوع نگارش نویسنده صحنه یا موضوعی را در ذهن خود مجسم کرده و جزئیات آن را در نوشته‌اش تشریح می‌کند. داستان ابن سماک بیهقی نمونه‌ی از این دست نوشته‌ها می‌باشد.

نگارش توصیفی یا وصفی

- نوشته‌ی توصیفی یا وصفی مخلوطی از حقیقت و تخیل می‌باشد؛ زیرا در این نوع نوشته‌ها نویسنده بر علاوه‌ی تشریح چشم‌دیدهای خودش، به توصیف مناظر و زیبایی‌های آن می‌پردازد و با قوت قلم، نیروی تخیل و فن نویسنده‌گی‌اش پدیده‌ها را یا خوبتر از آنچه که هست می‌نمایاند یا بدتر از حالت موجودشان جلوه می‌دهد؛ بنابراین نوشته‌های وصفی مملو از توصیف خوب یا بد دنیای خیالی و حقیقی نویسنده می‌باشد.

نگارش تخیلی

- این نوع نوشته بیشتر نماینده‌ی روح نویسنده است؛ زیرا نویسنده در آن با الهام از طبیعت یا با تاثیر پذیری از دنیای پیرامونش، در ذهن خود عالم بهتری را خلق کرده به شکل نوشته به خواننده تحویل می‌دهد. ساده‌تر بگوییم، نگارش‌های تخیلی معجونی از تخیل و حقیقت است. در حقیقت نویسنده با پردازش ذهنی و هنری، تخیلات خود را نقش کاغذ می‌کند که عصاره‌ی کارش رگه‌های در عالم هستی و دنیای واقعی‌اش دارد.

نگارش تحقیقی

- در این نگارش نویسنده در باره‌ی موضوع علمی، اجتماعی، ادبی، تاریخی و مانند اینها از راه مطالعه و مشاهده با استفاده از انواع تحقیقی معتبر به تحقیق و نگارش می‌پردازد.
- نویسنده باید امانتداری را در تحقیق خود اولویت بدهد و حاصل کارش را با پیام تازه، منظم، مستند و به زبان روشن و دور از تعقید و ابهام به ثمر بنشاند.

نگارش مطبوعاتی

- نوشته‌هایی اند که در روزنامه‌ها، مجلات، ماهنامه‌ها و دیگر نشریات درج و عامه‌ی مردم از قشرها و سطوح فرهنگی گوناگون مخاطبان آنها می‌باشند.
 - این نوشته‌ها بخش‌های متعددی دارد؛ از جمله: سرمقاله، خبر، گزارش خبری، تفسیری، مصاحبه و ممکن است عنوان‌هایی هم به ورزش، جوانان، زنان، صحت، ادبیات، خانواده، امور فرهنگی، اقتصاد و دیگر موضوعات اختصاص یابد.
 - مهمترین خصوصیت مشترک میان تمام بخش‌های نگارش مطبوعاتی «تازه بودن» و «زنده بودن» موضوع می‌باشد.
 - از دیگر خصوصیت مشترک آنها، زبان است که زبان روزنامه‌یی نام گرفته است و آن زبانیست معاصر، مردم پسند، ساده، بی‌پیرایه و دور از هر نوع تعقید و ابهام.
- سرمقاله:** سرمقاله سخنگوی روزنامه است؛ زیرا موضوع اصلی آن مهمترین حادثه و مسأله‌ی روز است که در یک ستون شرح و بسط داده می‌شود.
- خبر:** خبر باید کوتاه، ساده، موثر، بی‌پیرایه و حاوی اطلاعاتی باشد که خواننده به دنبال آن است.
- گزارش خبری (Reportage):** می‌تواند چند ستون روزنامه را اشغال کند. زبان آن باید شیرین و دلچسپ باشد.
- مصاحبه:** بخشی از نگارش مطبوعاتی بوده که زبان آن می‌تواند حسب مورد مصاحبه شونده، گاه خودمانی و زمانی هم رسمی و تشریفاتی باشد. جذابیت و میزان پذیرش مصاحبه از سوی خواننده در گرو سؤالاتی است که مصاحبه کننده از مصاحبه شونده می‌پرسد.

تقلید چیست؟

- از روی کار کسی کاری را انجام دادن تقلید است. تقلید از خواص اجتماعی شخصیت است که در اجتماع شکل می‌پذیرد.
- تقلید دو نوع است یکی تقلید آگاهانه (مثبت) و دیگر تقلید کورکورانه (منفی).

سبک در نگارش

- سبک طریقه و روش خاص بیان یک فرد را گویند.
- سبک در نگارش در حقیقت انعکاس شخصیت نویسنده است. اینکه کلمات و جملات متن خود را چگونه و با کدام روشی کنار هم می‌چینیم از یک فرد تا فرد دیگر متفاوت است؛ بنابراین همین تفاوت در نگارش مطالب می‌تواند برای هر فرد نویسنده به عنوان سبک وی مطرح شود.

چگونه دارای سبک شویم؟

- برای اینکه صاحب سبک شویم، ابتدا لازم است تا تقلید نکنیم و در ابتدای نویسندگی آن گونه که مطالب را بیان می‌کنیم؛ بنویسیم، بنویسیم، بنویسیم و باز هم بنویسیم. سعی شود تا داشته‌های ذهنی‌مان را همانگونه که به خودی خود تراوش می‌کند؛ به قلم خود و بدون تقلید از کسی بنویسیم.
- تنوع و تناسب در بیان موضوعات، انتخاب کلمه‌ها و عبارات متفاوت را تجربه کنیم تا به راحتی بتوانیم در نوشته‌های خود از وسعت اندیشه، قدرت تخیل، ابتکار و نوآوری‌ها سود جسته، به ابداع و نگارش دست یازیم.

نمونه‌های کانکوری از بخش آیین انشا و نگارش

- 1) زیر بنای خلاقیت چیست؟
 1) شعر 2) منقبت 3) اعتماد به نفس 4) مدح
- 2) حذف فعل در بخشی از جمله چگونه صورت می‌گیرد؟
 1) هیچکدام 2) به استعاره 3) به اساس قرینه لفظی 4) به اساس فعل
- 3) یکی از نشانه‌های زیر در پایان جمله‌های تعجبی می‌آید؟
 1) (!) 2) (:) 3) (،) 4) (?)
- 4) در فرهنگ و ادبیات ما باز نماد چیست؟
 1) برابری 2) وفا 3) جنگ 4) صلح
- 5) برای جداکردن جمله‌های که از جهت ساختمان مستقل به نظر میرسند نشانه زیر بکار می‌رود؟
 1) (?) 2) (!) 3) (;) 4) (.)
- 6) صورت نوشتاری درست را به گونه دقیق دریابید؟
 1) مسوول 2) مسؤول 3) سوال 4) سؤال
- 7) صورت درست نوشتاری را در گزینه‌های زیر دریابید؟
 1) بی افگند 2) بیا افگند 3) بیفگند 4) بیا فگند
- 8) یکی از نشانه‌های زیر در پایان جمله‌های خبری به کار می‌رود؟
 1) (:) 2) (،) 3) (!) 4) (.)
- 9) املاي کدام گزینه زیر به نظر تان درست است؟
 1) سوال 2) تأثیر 3) تاثیر 4) مصوون
- 10) صورت نوشتاری کدام یک از افعال ذیل درست است؟
 1) بیافتادند 2) بیفتادند 3) افتادند 4) هیچکدام
- 11) یکی از گزینه‌های زیر از ارکان نگارش به شمار می‌رود؟
 1) آغاز مطلب 2) هر سه جواب درست است 3) شرح و بسط 4) مقدمه
- 12) انشاء و نگارش عامل اصلی:
 1) خوشنویسی است 2) خلاقیت است 3) رفتار است 4) هیچکدام
- 13) یکی از این گزینه‌ها، از ارکان نگارش به شمار می‌رود؟
 1) آغاز مطلب 2) شرح و بسط 3) نتیجه 4) هر سه جواب درست
- 14) عامل اساسی نگارش، یکی از اینهاست؟
 1) فکر درست و ذوق سلیم 2) خوشنویسی

- (3) واژه‌گزینی
 (4) هیچکدام
 15) در انتخاب کلمه بیشتر به کدام علم توجه صورت می‌گیرد؟
 (1) منطق (2) عروض (3) صرف (4) نحو
- 16) یکی از نشانه‌های زیر در پایان جمله‌های تعجبی می‌آید؟
 (1) (!) (2) (:) (3) (،) (4) (?)
- 17) (انشا) در لغت به معنی:
 (1) ورق زدن (2) نشانی کردن (3) راه رفتن (4) ایجاد کردن
- 18) توجه روی ترتیب کلمه‌ها و جمله‌ها مربوط دانش زیر می‌شود:
 (1) بدیع (2) بیان (3) صرف و نحو (4) گرامر
- 19) هرگاه سخنی را عیناً از کسی نقل کنند؛ از علامه زیر استفاده می‌شود:
 (1) (.) (2) (...) (3) («») (4) (?)
- 20) در ادبیات ما (نرگس) نماد چیست؟
 (1) سختی (2) جنگ (3) صلح (4) شوخ‌چشمی
- 21) یکی از گزینه‌های زیر مطلب و اهداف نویسنده را به خوبی می‌سازد:
 (1) جناس (2) دستور زبان (3) جمله‌ها (4) نشانه‌گذاری
- 22) در جمله (ما وارد و مشغول کار شدیم) کدام فعل به اساس قرینه حذف گردیده است:
 (1) آمدن (2) کردن (3) رفتن (4) شدیم
- 23) گزینه درست را نشانی کنید:
 (1) با انباشتند (2) بیانباشتند (3) بینباشتند (4) بی‌انباشتند
- 24) هرگاه اسم فعل (آلودن) با جز پیشین «ب» بپیوندند، چگونه نوشته می‌شود؟
 (1) بی‌لودم (2) بیالودم (3) بی‌آلودم (4) بالودیم
- 25) بر مبنای املاي زبان دری یکی از گزینه‌های زیر درست می‌باشد:
 (1) صلاه (2) زکوه (3) حیوه (4) زکات
- 26) هرگاه اسم فعل (افراشتن) با جز پیشین «ن» همراه شود، شکل درست آن مطابق املاي دری:
 (1) نی‌افراشتند (2) نیافراشتند (3) نافراشتند (4) نیفراشتند
- 27) هرگاه اسم فعل (افراشتن) با جز پیشین «ب» همراه شود، شکل درست آن مطابق املاي دری:
 (1) بی‌افراشتند (2) بیافراشتند (3) بافراشتند (4) بیفراشتند
- 28) کدام گزینه در ادبیات و فرهنگ ما (عروس آسمان) خوانده می‌شود:
 (1) مشتری (2) ماه (3) زهره (4) عطارد

- (29) در ادبیات و فرهنگ ما، مورچه نماد چیست؟
- (1) ناتوانی (2) صلح (3) سردی (4) سخت کوشی
- (30) در گزینه های زیر درست ترین گزینه را نشانی کنید:
- (1) بی آلودیم (2) بی‌آلودیم (3) بآلودیم (4) بیالودیم
- (31) کدام یکی از گزینه های زیر درست نوشته شده است؟
- (1) سووال (2) سؤال (3) سوال (4) سؤال
- (32) درست ترین گزینه را نشانی کنید:
- (1) بی افتادند (2) بافتادند (3) بیفتادند (4) بیآفتادند
- (33) هرگاه اسم فعل (افروختن) با جز پیشین «ب» بیبوند، چگونه نوشته میشود؟
- (1) بیافروختند (2) بیآفروختند (3) بافروختند (4) ییافروختند
- (34) نثری که با زبان معاصر، بی پیرایه و مردم پسند نوشته شود:
- (1) متکلف است (2) بینابین است (3) مصنوع است (4) روزنامه‌یی است
- (35) رعایت کدام نکات در نگارش مهم است و ما را کمک می‌کند تا نوشته ما عاری از نواقص باشد:
- (1) توجه به دستور زبان (2) بدیع (3) بیان (4) عروض
- (36) افکار انسان از کدام منابع زیر سرچشمه میگیرد:
- (1) سیر و سفر (2) دیدن (3) تفریح و سرگرمی (4) مشاهدات شخصی و تجربه دیگران
- (37) هرگاه اسم فعل (آشامیدن) با جز پیشین «ب» بیبوند، چگونه نوشته میشود؟
- (1) بیافروختند (2) بیآفروختند (3) بافروختند (4) ییافروختند
- (38) درست ترین گزینه را نشانی کنید:
- (1) بیفزود (2) بیآفزود (3) بافزود (4) بی افزود
- (39) در ادبیات دری «خارا» نماد چیست؟
- (1) سکوت (2) شوخ چشمی (3) سختی (4) سکوت
- (40) در شعر و داستان واژه ها به چه شکل به کار می رود؟
- (1) مستقیم (2) مجازی (3) حقیقی (4) واقعی
- (41) نگارش دارای چند رکن می باشد؟
- (1) ۶ (2) ۲ (3) ۳ (4) ۴
- (42) هرگاه اسم فعل (انداختن) با جز پیشین «ب» بیبوند، چگونه نوشته میشود؟
- (1) بیانداخت (2) بیآنداخت (3) بی انداخت (4) بینداخت

43) هرگاه اسم فعل (آراستن) با جز پیشین «ب» بیوندد، چگونه نوشته میشود؟

- 1) بی آراست 2) بی‌آراست 3) باراست 4) بیاراست

کلید جوابات آئین انشاء و نگارش							
پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ
1	3	12	2	23	3	34	4
2	3	13	4	24	2	35	1
3	1	14	1	25	4	36	4
4	3	15	3	26	4	37	4
5	3	16	1	27	4	38	1
6	2	17	4	28	2	39	3
7	3	18	3	29	4	40	2
8	4	19	3	30	4	41	4
9	2	20	4	31	2	42	4
10	2	21	4	32	3	43	4
11	2	22	4	33	4		

آیین نامه نگاری

نامه چیست؟

- نامه پیامی است که بنا به ضرورتی برای کسی یا موسسه‌ای و یا مرجعی فرستاده می‌شود..
- اگر در نوشتن نامه دقت به خرج رود؛ افکار، احساسات و عواطف نویسنده در آن به خوبی منعکس شود، جنبه‌ی ادبی نیز به خود می‌گیرد.
- نامه‌یی که نوشته می‌شود، می‌تواند بیانگر شخصیت، فرهنگ، ادب، اندیشه، ذوق و سلیقه‌ی نویسنده باشد. اثری که نامه می‌گذارد در بسیاری از موارد، تاثیر آن از نفوذ کلام قویتر است.

برای نوشتن نامه اصول زیر را باید در نظر داشت:

- (1) **ایجاد طرح:** آنچه را که می‌نویسیم، چوکات آن را از نظر کمی و کیفی باید در ذهن خود آماده کنیم.
 - (2) **تسلط بر معانی لغات:** لغاتی را به کار ببریم که معنای آن را می‌دانیم.
 - (3) **ایجاز نویسی جمله‌ها:** کوتاه نویسی برای انتقال سریع و واضح پیام ضروری است.
 - (4) رعایت قواعد دستوری، علایم نگارشی و دقت در املاي درست کلمه‌ها.
 - (5) اصلاح مسوده‌ی نامه
 - (6) برای پاک‌نویس کردن نامه، باید به نکات زیر توجه کنیم:
- الف: از دو طرف نامه به اندازه‌ی ۲cm باید حاشیه بگذاریم.
- ب: سطر اول هر بند (پاراگراف) را کمی بیشتر از حاشیه‌ی سمت راست و چپ، به طرف داخل بنویسیم؛ مثلاً:
- اگر از دو طرف به اندازه‌ی ۲cm حاشیه گذاشته ایم، سطر اول هر بند را از ۴ سانتی متری شروع کنیم.
- ج: باید خوانا بنویسیم. فاصله میان کلمات را رعایت کرده، نقطه‌ی حرف‌ها را در جایش بگذاریم.
- د: پاک‌نویس که تمام شد، یک بار دیگر آن را بخوانیم.

آداب نامه نگاری

- (1) در نامه‌های دری نوشتن مطالب از سمت راست است. عنوان در سمت راست و امضا باید در سمت چپ باشد.
- (2) عموماً تاریخ و شماره‌ی نامه در سمت چپ قرار دارد.
- (3) در نامه‌های انگلیسی، آدرس گیرنده سمت راست، بالای صفحه و در زیر آن تاریخ ذکر می‌گردد. عنوان در سمت چپ و امضا در سمت راست نوشته می‌شود.
- (4) هرگز با پنسل نامه ننویسید. قلم خود رنگ بهترین قلم برای نگارش نامه است. در مکاتبات غیر رسمی می‌توانید از خودکار نیز استفاده کنید.

5) اگر در آدرس نامه، عنوان خاصی برای شخص به کار رفته؛ مثلاً: «جناب آقای دکتر احمدی» در سر نامه هم باید همان عنوان را استفاده کنید. هرگز هنگام امضای نامه برای خود عنوان (آقا/خانم) را به کار نبرید.

مأخذ و مراجع املایی، انشایی و دستوری

در زیر به معرفی چند منبع معتبر بسنده می‌شود که به شما کمک می‌کند تا نگارش درست، انشای درست و املای درست داشته باشید:

- 1) دستور معاصر زبان دری؛ نوشته‌ی پوهاند دکتر محمد حسین یمین.
- 2) غلط‌نویسیم (فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی)؛ نوشته‌ی ابوالحسن نجفی.
- 3) درست‌بنویسیم (فرهنگ املای زبان دری)؛ نوشته‌ی احمد یاسین فرخاری.
- 4) روش املای زبان دری؛ پذیرفته‌ی اتحادیه‌ی نویسندگان (به کوشش پویا فاریابی).
- 5) دستور زبان معاصر دری؛ نوشته‌ی محمد نسیم نگهت سعیدی.

انواع نامه‌ها

نامه‌ها را نظر به مضمون، محتوا، پیام و سایر مشخصات آن به چند دسته تقسیم کرده‌اند:

- 1) نامه‌های اداری (مکتوب‌ها)؛
 - 2) نامه‌های دوستانه؛
 - 3) نامه‌های عاطفی؛
 - 4) نامه‌های اشخاص به دفاتر رسمی؛
 - 5) نامه‌های دفاتر رسمی به اشخاص (مکتوب‌ها)؛
 - 6) نامه‌های آگاهی بخش و غیره.
- با توجه به همه‌ی موارد یاد شده، نامه‌ها در مجموع به دو دسته‌ی عمومی تقسیم می‌شوند:
- 1) نامه‌های خصوصی؛
 - 2) نامه‌های اداری (مکتوب‌ها).

نامه‌های خصوصی

نامه‌هایی است که میان دوستان، نزدیکان و خویشاوندان تبادل می‌شود. نامه‌های خصوصی نباید خشک و رسمی باشد؛ بل از هر گونه تعارف و تکلف و خودنمایی دور بوده، مظهر صفا و صداقت و صراحت باشد؛ تا بر مهر و محبت بیفزاید.

بخش‌های اصلی نامه‌های خصوصی

- 1) آدرس گیرنده (آدرس مرسل الیه) و آدرس فرستنده (آدرس مرسل)
 - 2) تاریخ
 - 3) عنوان که در خطاب به گیرنده‌ی نامه نوشته می‌شود.
 - 4) آغاز نامه (عبارت و جمله‌های احترامی آغازی)
 - 5) متن نامه
 - 6) پایان نامه (عبارت احترامی پایانی)
 - 7) نام و نام خانوادگی نویسنده و ذکر مشخصات او
 - 8) امضا (در صورت لزوم)
- آنچه روی پاکت نامه نوشته می‌شود: آدرس فرستنده و گیرنده.
- آنچه هم روی پاکت و هم روی نامه نوشته می‌شود: مشخصات نویسنده نامه، تاریخ و عنوان گیرنده.

بخش‌های اصلی نامه‌ی شخص به دفتر رسمی

- این نامه‌ها که به نام عریضه و درخواست هم یاد می‌شود، بخش‌های اصلی نامه‌های خصوصی را با اندکی تفاوت داراست که در زیر فهرست می‌شود:
- 1) آدرس فرستنده (کنار راست بالای صفحه)، آدرس گیرنده (کنار چپ بالای صفحه)
 - 2) تاریخ (کنار چپ زیر آدرس گیرنده)
 - 3) موضوع (کنار چپ زیر تاریخ)
 - 4) عنوان که در خطاب به گیرنده‌ی نامه نوشته می‌شود؛ مثل: (مدیریت محترم/ سازمان محترم / اداره‌ی محترم)
 - 5) آغاز نامه (عبارت و جمله‌های احترامی آغازی)
 - 6) متن نامه
 - 7) پایان نامه (عبارت احترامی پایانی)
 - 8) نام و نام خانوادگی نویسنده و ذکر مشخصات او (کنار چپ صفحه)
 - 9) امضا (حتمی است)
 - 10) ذکر ضمیمه‌ها با تعداد اوراق آن (کنار راست صفحه، سه سانتی پایین تر از امضا)
 - 11) گذاشتن حد اقل ۵cm فاصله‌ی سفید در پایین صفحه به منظور ارجاع، ملاحظه، تایید، یادداشت و ...

آدرس نویسی روی پاکت مراسلات

آدرس نویسی در زبان دری برخلاف زبان انگلیسی از موارد بزرگتر به سمت موارد کوچکتر می‌رود؛ به ترتیب زیر:

۱. نام کشور ۲. نام ولایت ۳. نام ولسوالی ۴. نام قریه ۵. نام ناحیه ۶. نام یا شماره‌ی سرک ۷. نام یا شماره‌ی کوچه ۸. شماره‌ی منزل ۹. نام و نام خانوادگی گیرنده.

➤ نکته:

- ✓ همه زبان‌های که از راست به چپ نوشته می‌شود (دری، پشتو، عربی، ازبکی و...) آدرس نویسی از موارد بزرگ شروع و به موارد کوچک ختم می‌شود.
- ✓ اگر نامه به کشور دیگری فرستاده می‌شود که ترتیب نوشتاری آن کشور از راست به چپ است، در آن صورت عین قاعده‌ی بالا بر آدرس گیرنده و فرستنده تطبیق می‌شود.
- ✓ اگر نامه به داخل کشور فرستاده می‌شود، نوشتن نام کشور ضروری نیست.
- ✓ اگر نامه از مرکز یک ولایت به مرکز ولایت دیگری فرستاده می‌شود، نام ولسوالی و قریه نوشته نمی‌شود.

محل نصب

تکت پستی

فرستنده: کابل - دشت برچی، ناحیه‌ی سیزدهم،

سرک ۸، منزل شماره (۲۰۷)، منوچهر ادیب

گیرنده: بامیان - ولسوالی یکاولنگ، قریه‌ی سبزدره،

سر بوم، منزل داکتر عبدالصمد.

آدرس نویسی روی پاکت مراسلات خارجی

نوشتن آدرس در زبان‌های که از چپ به راست نوشته می‌شود، برخلاف زبان دری است؛ یعنی همیشه باید از موارد کوچک شروع شده به طرف موارد بزرگ رفت؛ به ترتیب زیر:

۱. نام و نام خانوادگی گیرنده ۲. شماره‌ی منزل ۳. نام یا شماره‌ی عمارت ۴. نام یا شماره‌ی کوچه ۵. شماره‌ی سرک ۶. نام روستا ۷. نام ایالت یا ولایت ۸. کود پستی ۹. نام کشور.

➤ نکته:

- ✓ اگر نامه به کشور دیگری فرستاده می‌شود، که ترتیب نوشتاری آن کشور از چپ به راست است، در آن صورت آدرس فرستنده مطابق قاعده‌ی درس نوشته شده و آدرس گیرنده مطابق به قاعده‌ی زبان‌های چپ به راست نوشته می‌شود.
- ✓ جاهای نوشتن آدرس فرستنده و گیرنده روی پاکت تغییر نمی‌یابد؛ یعنی آدرس فرستنده در سمت چپ کنار بالای پاکت نوشته می‌شود و آدرس گیرنده در سمت راست، کنار پایینی آن.
- ✓ بهتر است در پایین آدرس فرستنده، کلمه‌ی Afghanistan را با حروف لاتین بنویسیم؛ تا در صورت پیدا نشدن گیرنده، شرکت پستی کشور خارج آن را به آسانی مسترد نموده از مفقود شدن آن جلوگیری کند.

From :

افغانستان-کابل، کمپنی، ناحیه‌ی ششم، آسیا بینی، سرک بیست متره،
کوچه‌ی بابہ بهسود، منزل شماره (۱۹۰)، رحیم رستگار
Afghanistan

محل نصب

تکت پستی

To : Mrs. Kim Jennifer

1066-22 Lawrence St.

Scarborough, Ontario

M7X 3k8

Canada

انواع نامه‌های اداری (مکتوب‌ها) از نظر شکل

- 1) **نامه‌های وارده:** که از خارج اداره، سازمان و یا موسسه دریافت شده باشد و در دفترهای اداره یا سازمان، شماره‌ی وارده به آن تعلق گیرد.
- 2) **نامه‌های صادره:** آن است که از سازمان یا اداره به خارج آن فرستاده می‌شود و شماره‌ی صادره به آن تعلق می‌گیرد.
- 3) **نامه‌های محرمانه:** دسترسی به آن برای همه مجاز نبوده، افراد خاص در هر اداره از آن مطلع می‌شوند.
- 4) **نامه‌های سری:** اسناد و نامه‌هایی‌ست که افشای آن برای امنیت و بقای اداره خطرآفرین است.

انواع نامه‌های اداری (مکتوب‌ها) از نظر موضوع

- (1) نامه‌های شخصی-اداری: به منظور انجام شدن امور شخصی از سوی افراد به اداره‌ها فرستاده می‌شود.
- (2) نامه‌های اداری-شخصی: که از طرف مراجع رسمی به افراد فرستاده می‌شود.
- (3) نامه‌های اداری-اداری: نامه‌هایی که بین قسمت‌های یک اداره و از یک اداره به اداره‌ی دیگر رد و بدل می‌شود.

انواع نامه‌های اداری (مکتوب‌ها) از نظر ماهیت

- (1) نامه‌های خبری: نامه‌هایی است که انجام شدن کاری را خبر می‌دهد.
- (2) نامه‌های بازدارنده: آن است که از انجام یافتن کار یا بروز حادثه‌یی به طور موقت یا دائم جلوگیری می‌کند.
- (3) نامه‌های دستوری یا درخواستی: دستور یا درخواست انجام شدن کار یا نتیجه‌ی آن را از مراجع رسمی و یا افراد می‌طلبد.

پیشنهاد

گونه‌ی از نامه‌های اداری است. وقتی به کار گرفته می‌شود که کسی از مقامات پایین رتبه از آمر خویش درخواست می‌کند تا دستور اجرا، ممانعت، پیگیری و... کاری را صادر کند؛ تا این مقام پایین رتبه نظر به دستور کتبی آمر خویش و به رویت این ورقه در مورد موضوع مربوط اقدام لازم را انجام دهد.

جمهوری اسلامی افغانستان وزارت معارف		د افغانستان اسلامی جمهوریت د پوهنی وزارت گڼه: نیټه: ...
احکام	پیشنهاد	

استعلام

در لغت معلومات خواستن، طلب معلومات کردن و آگاهی خواستن را گویند. استعلام نامه‌یی ست که در آن اداره‌یی از اداره‌ی دیگر و یا در میان خود همان اداره، پیرامون موضوعی خواستار معلومات می‌شود.

زندگی نامه

دارای چهار بخش می‌باشد:

۱. نام، آدرس؛ ۳. وظایف قبلی؛

۲. شرح تحصیلات؛ ۴. توانایی‌ها.

دعوت نامه: نامه‌یی که از طرف اشخاص به شخص یا افراد دیگری برای شرکت در نشستی تنظیم می‌شود. دعوت نامه به دو نوع است:

۱) **دعوت نامه عمومی:** که به صورت اطلاعیه بدون ذکر مخاطب از طریق رسانه‌ها با مخاطبان شریک ساخته می‌شود.

۲) **دعوت نامه خصوصی:** به شخص خاص صادر شده، به دو نوع زیر می‌باشد:

الف- شخصی: از سوی افراد به یکدیگر نوشته می‌شود.

ب- اداری: که از سوی ادارات به افراد یا ادارات دیگر ارسال گردیده، باید از سوی بالاترین مقام اداری امضا شود.

درخواست نویسی

آن است که در آن تقاضای اجرای کاری از کسی شود. قدیمی‌ترین نمونه‌ی درخواست، متعلق به زمان عباسیان است که امروزه آن را به نام عریضه نیز می‌خوانند.

نامه‌های عاطفی

نامه‌های ست که بیانگر احساسات و حالات درونی نویسنده بوده، برای بیان مطالب کوتاه در موقعیت‌های خاص نوشته می‌شود. برخی نمونه‌های آن:

۱. تبریک نامه؛ ۴. دعوت نامه؛

۲. تسلیت نامه؛ ۵. نامه‌ی سرگشاده.

۳. سپاس نامه؛

نامه‌های زیر از طرف ادارات صادر می‌گردد:

۱. تقدیر نامه؛

۲. تحسین نامه؛

۳. اخطار نامه.

سوالات کانکور از بخش آیین نامه نگاری

- (1) نامه های اداری از نظر موضوع به چند دسته تقسیم می شوند؟
 (1) پانزده دسته (2) ده دسته (3) هفت دسته (4) سه دسته
- (2) نامه های باز دارنده نامه هایی ست که:
 (1) از طرف مراجع رسمی برای اشخاص فرستاده میشود
 (2) بین قسمت ها و اداره های مختلف هر وزارتخانه مبادله میشود
 (3) از انجام افتن کار یا بروز حادثه جلوگیری میکند
 (4) از طرف مردم برای مراجع رسمی فرستاده میشود
- (3) نامه های که از انجام یافتن کار یا بروز حادثه جلوگیری میکند، چگونه نامه ها اند؟
 (1) باز دارنده (2) درخواستی (3) خبری (4) شخصی
- (4) استعلام در لغت به معنای:
 (1) گشاده رویی (2) تبسم کردن
 (3) معلومات خواستن (4) پريشان کردن
- (5) نامه های اداری از نظر ماهیت کار به چند دسته تقسیم میشود؟
 (1) چهار دسته (2) سه دسته (3) هشت دسته (4) دو دسته
- (6) قدیمی ترین نمونه ی درخواستی متعلق به کدام زمان است؟
 (1) سلجوقيان (2) عباسيان (3) سامانيان (4) ساسانيان
- (7) در پایان صفحه درخواست به منظور ارجاع و ملاحظه، چند سانتی متر فاصله سفید باید گذاشته شود؟
 (1) ۵ سانتی متر (2) سفید گذاشته نشود
 (3) ۲ سانتی متر (4) ۱۰ سانتی متر
- (8) کدام یکی از نامه های زیر نامه عاطفی نمی باشد:
 (1) استعلام (2) سپاسنامه (3) تبریک نامه (4) تسلیت نامه
- (9) در مجموع نامه ها به چند دسته تقسیم می شود؟
 (1) چهار دسته (2) سه دسته (3) هشت دسته (4) دو دسته
- (10) واژه های عنوانی در نامه های خصوصی یکی از گزینه های زیر است:
 (1) دوست عزیزم (2) مدیر صاحب
 (3) به مقام محترم (4) محترم جناب وزیر صاحب

11) نامه های خصوصی دارای چند بخش می باشد:

(1) ۵ بخش (2) ۸ بخش (3) ۴ بخش (4) ۹ بخش

12) در نامه نویسی فاصله حاشیه های دو طرف به چه اندازه می باشد؟

(1) ۵ سانتی (2) ۳ سانتی (3) ۲ سانتی (4) ۱۰ سانتی

13) دفترهای مسؤول، بازجویی از متهمان و مجرمان، پرسش های خود را به صورت تحریری در کدام نوع نامه نوشته میکنند؟

(1) دعوت نامه (2) نامه خصوصی (3) پیشنهاد (4) استعلام

14) زنده گی نامه دارای چند بخش عمده می باشد؟

(1) ۵ بخش (2) ۸ بخش (3) ۴ بخش (4) ۹ بخش

15) دعوت نامه خصوصی چند نوع است؟

(1) ۵ نوع (2) ۱ نوع

(3) دو نوع (خصوصی و اداری) (4) ۳ نوع

16) دعوت نامه به صورت کلی چند نوع است؟

(1) ۲ نوع (2) ۸ نوع (3) ۶ نوع (4) ۴ نوع

17) نامه یی که در آن تقاضای اجرای کاری یا امری از کسی شود:

(1) استعلام (2) پیشنهاد (3) دعوت نامه (4) درخواستی (عریضه)

18) در نامه های دری، امضا در کدام قسمت نامه قرار می گیرد؟

(1) سمت بالا (2) سمت راست (3) سمت چپ (4) سمت پایین

کلید جوابات آئین نامه نگاری							
پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ
1	4	5	2	9	4	13	4
2	3	6	2	10	1	14	3
3	1	7	1	11	4	15	3
4	3	8	1	12	3	16	1
						17	4
						18	3

آیین درست نویسی

یکم

(موصوف، مضاف، منسوب)

1. هرگاه حرف آخر واژه «الف» باشد و در جمله به حیث موصوف، مضاف یا منسوب قرار بگیرد، پس از الف یک «ی» به صورت مستقل به عنوان علامه‌ی اضافه نوشته می‌شود.

✓ خدای بزرگ، آشنای دیرین، گدای متکبر (توصیفی)

✓ گل‌های باغ، دریای کابل، مولانای بلخ (نسبتی)

✓ تذکره محمود، مهمان‌خانه حویلی، آرامگاه ناصر خسرو (اضافی)

2. هرگاه حرف آخری واژه «ی» باشد و در جمله به حیث موصوف، مضاف یا منسوب قرار بگیرد، چیزی به آن اضافه نشده جدا از واژه‌های مابعد نوشته می‌شود؛ مثلاً:

✓ زنده‌گی آرام، صراحی زیبا، روی سرخ (توصیفی)

✓ مثنوی مولوی، کافی لالا، گادی پهلوان (نسبتی)

✓ قاضی وجدان، مستی چشمان، تلافی گناه (اضافی)

3. هرگاه حرف آخری واژه «های غیر ملفوظ» باشد و در جمله به حیث موصوف، مضاف یا منسوب قرار بگیرد، بالای «هـ» یک (ء = یای ابتر) به عنوان کسره‌ی اضافه نوشته می‌شود؛ مثلاً:

✓ کتابچه سفید، ستاره درخشان، پرده رنگارنگ (توصیفی)

✓ خانه احمد، خاله محمود، قصه فرهاد (نسبتی)

✓ ستاره اقبال، قبله آمل، کعبه مراد (اضافی)

دوم

شیوه‌ی نگارش واژه‌های مختوم به (وای = ا، و، ی) و های غیر ملفوظ با برخی پسوندها

هرگاه حرف آخری واژه «الف»، «واو»، «ی» و «های غیر ملفوظ» باشد در پیوند با پسوندهای زیرین بازهم در میان واژه و پسوند یک «ی» علاوه شده با واژه‌های پس از خود پیوسته نوشته می‌شود:

پسوند جمع «آن»:

نانوا+ی+ان = نانوایان، گدایان، بینایان...

ماهرو+ی+ان = ماهرویان، بدخویان، نیکویان...

پسوند تنکیر «ی»:

آشنا+ی+ی = آشنایی، پارسایی، دلربایی...

ترسو+ی+ی = ترسوئی، کامجویی، آرزویی...

صوفی+ی+ی = صوفی‌بی، کابلی‌بی، شادی‌بی...

فرزانه+ی+ی = فرزانه‌ی، ستاره‌ی، دیوانه‌ی...

پسوند صفت نسبتی «ی»:

دریا+ی+ی = دریایی، کاپیسی، مولانایی...
 لیمو+ی+ی = لیمویی، آهوئی...
 دایکندی+ی+ی = دایکندی‌یی، دوشی‌یی...
 فرزه+ی+ی = فرزه‌یی، قرغه‌یی...

نوت:

1. هرگاه حرف پایانی واژه (ی) باشد، در پیوند با پسوندهای زیرین حرف دیگری اضافه نشده باید پیوسته نوشته شود؛ مانند:

پسوند جمع «آن»: مفتی+ی+ان = مفتیان، گردیزیان، منطقیان
 پسوند جمع «ها»: کشتی+ها = کشتیها، بلندیها، ساده‌گیها...
 پسوند اسم معنی (ی): صوفی+ی = صوفیی، حاجیی

2. هرگاه حرف آخری واژه «الف»، «واو»، «ی» و «های غیر ملفوظ» باشد، در پیوند تصغیر «-ک» در میان واژه و پسوند یک «گ» علاوه شده، با واژه‌های پس از خود پیوسته نوشته می‌شود:
 زیباگک، جولاگک، گیراگک...
 جاروگک، کدوگک، ترسوگک...
 گادیگک، گدیگک، کشتیگک...
 خانهگک، افسانهگک، قصهگک...

3. در حالات زیر میان واژه‌های مختوم به «های غیر ملفوظ» و پسوند، یک «گ» علاوه می‌شود؛ مانند:
 پسوند جمع «آن»: همسایه+گ+ان = همسایه گان، بیگانه گان، رفته گان...
 پسوند اسم معنی (ی): افسرده+گ+ی = افسرده گی، تازه گی، دیوانه گی...

سوم

کلمات عربی و شیوهی نگارش آن در زبان دری

- واژه‌های عربی جرأت، ملجأ، تأدیه، مأخذ، تأثیر، تأدیب، تأخیر، تأیید، تأکید، مأمور و امثال اینها، در زبان دری به همین شکل نوشته می‌شوند.
 - با در نظر داشت عدم موجودیت دسته بندی مذکرو مونث در زبان دری، بهتر است واژه‌های معلمه، شاعره، رئیس، مدیر، حاجیه و ... را با حذف «ت تأنیث {ة}» به شکل معلم، شاعر، رئیس، مدیر، حاجی و ... نوشته و با نشانه‌ی دری جمع بندیم؛ مانند: معلم/ شاعر/ شاعران، رئیس/ رئیسان، مدیر/ مدیران، حاجی/ حاجیان و....
- صورت درست نوشتاری برخی از کلمات عربی در زبان دری:

عربی	دری	عربی	دری
اسمعیل	اسماعیل	بلوی	بلوا
اسحق	اسحاق	تقوی	تقوا
رحمن	رحمان	قوی	قوا
زکوة	زکات	مبتلی	مبتلا
صلوة	صلات	مصفی	مصفا
مشکوة	مشکات	مستثنی	مستثنا
توریة	تورات		
حیوة	حیات		

ترکیبات عربی مستعمل در زبان دری جدا نوشته می‌شوند؛ مانند:

ان شاءالله	من جمله
عن قریب	علی هذا
مع هذا	من بعد
مع ذلک	

اگر «الف و لام عربی» میان کلمات یاد شده قرار داشته باشد، به شکل عربی نوشته می‌شود:

عندالمطالبه	مع الخیر
عندالطلب	علی الدوا

نوت:

هرگاه واژه‌ی «ابن» در آغاز و پیش از اسم خاص آید، چنین نوشته می‌شود:

ابن سینا، ابن بطوطه، ابن رشد، ابن زید و

اما اگر «ابن» میان دو اسم خاص آید، {ا} آن حذف می‌گردد: عیسی بن مریم، حمزه بن علی، محمد بن احمد دقیقی بلخی و

چهارم

شیوه‌ی نگارش واژه‌های مختوم به (وای = ا، و، ی) و های غیر ملفوظ با ضمائر

1. هرگاه حرف پایانی واژه، {الف} و {و} باشد، در هنگام پیوستن با ضمائر مشترک (خود، خویش، خویشان) و ضمائر اضافی (تان، شان، مان)، در میان واژه و پسوند یک {ی} علاوه می‌شود؛ اما این {ی} به صورت مستقل نوشته شده، با واژه های پسین و پیشین خویش نمی‌پیوندد؛ مانند:

خود: بالای خود، کالای خود، آشنای خود، سوی خود، جادوی خود، نیکوی خود...

خویش: سیمای خویش، سودای خویش، فردای خویش، آبروی خویش، گلوی خویش...

خویشتن: تنهای خویشتن، غم‌های خویشتن، تکاپوی خویشتن، آرزوی خویشتن...
تان: گل‌های تان، صدای تان، پیشوای تان، بازوی تان، کدوی تان، شفتالوی تان...
شان: غوغای شان، غذای شان، بقای شان، ترازوی شان، ناجوی شان، چاقوی شان...
مان: خدای مان، نوای مان، زیبای مان، هیاهوی مان، گلوی مان، آبروی مان...

اما اگر حرف پایانی واژه، {الف} و {واو} باشد و در هنگام پیوستن با ضمائر اضافی (-ت)، (-م) و (-ش) قرارگیرد، بازهم همان {ی} در میان واژه و ضمیر علاوه می‌شود؛ اما {ی} باید با ضمیر به صورت پیوسته نوشته شود؛ مانند:

ت: کالایت، دستهایت، ادایت، گیسویت، آهویت، زانویت...
 ش: زیبایش، مامایش، بهایش، آرزویش، بازویش، سویش...
 م: گپ‌هایم، جایم، کتاب‌هایم، ماهریم، آبرویم، آرزویم...

2. هرگاه حرف پایانی واژه، {ی} باشد، در هنگام پیوستن با ضمائر مشترک (خود، خویش، خویشتن) و ضمائر اضافی (تان، شان، مان)، در میان واژه و ضمیر چیزی اضافه نشده جدا از هم نوشته می‌شود؛ مانند:

خود: زنده‌گی خود، تنهایی خود، شادی خود...
خویش: آزادی خویش، مستی خویش، شادابی خویش...
خویشتن: جوانی خویشتن، بینایی خویشتن، بربادی خویشتن...
تان: گرفتاری تان، پیری تان، خسته‌گی تان...
شان: ستمکاری شان، افتاده‌گی شان، چربی شان...
مان: دوستی مان، دشمنی مان، همکاری مان...

اما اگر حرف پایانی واژه، {ی} باشد و در هنگام پیوستن با ضمائر اضافی (-ت)، (-م) و (-ش) قرارگیرد، بازهم چیزی اضافه نشده، با ضمائر پیوسته نوشته می‌شود؛ مانند:

ت: شادیت، گادیت، بربادیت...
 ش: ویرانیش، مهمانیش، پایانیش...
 م: پیروزم، آزادیم، گرفتاریم...

3. هرگاه حرف پایانی واژه، {های غیر ملفوظ} باشد، هنگام پیوستن با ضمائر مشترک (خود، خویش، خویشتن) و ضمائر اضافی (تان، شان، مان)، میان واژه و ضمیر یک کسره‌ی اضافه به شکل {ء = همزه} نوشته می‌شود؛ مانند:

خود: جامه‌ خود، گرده‌ خود، نوشته‌ خود...
خویش: خانه‌ خویش، پرده‌ خویش، گفته‌ خویش...
خویشتن: خامه‌ خویشتن، سروده‌ خویشتن، کرده‌ خویشتن...

تان: نامه تان، قصیده تان، کتابچه تان...

شان: خنده شان، گریه شان، مویه شان...

مان: رویه مان، دیده مان، طبله مان...

هنگام پیوستن با ضمائر اضافی (- ت)، (- م) و (- ش) میان واژه و پسوند یک {الف} علاوه می‌شود؛ مانند:

ت: خانه ات، خنده ات، گفته ات...

ش: نامه اش، کتابچه اش، بهانه اش...

م: گریه ام، دیده ام، نوشته ام ...

پنجم

الف مقصوره و تنوین

- در زبان عربی «الف مقصوره» یایی ست «ی» در پایان واژه‌ها که «آ» خوانده می‌شود. چنین واژه‌ها درامالای دری مانند اصل عربی نوشته می‌شوند؛ مانند: عیسی، موسی، مصطفی، معنی، مرتضی، یحیی، فتی، حتی، مجتبی، صغری، کبری، اعلی، ادنی، الی، اولی.
- هرگاه واژه‌ها مختوم به «الف مقصوره» در جمله‌ها مضاف، موصوف، منسوب و یا در عبارت‌ها و ساختارهای دستوری دیگر واقع شوند، «ی» به صورت «الف» (ا) نوشته شده قاعده‌ی واژه‌های مختوم به «ا» بر آنها تطبیق می‌شود؛ مثلاً:

عیسی	عیسای مریم
موسی	موسای کلیم الله
معنی	معنای واژه‌ها، واژه‌های چندین معنایی
لیلی	لیلای دانشجوی دانشگاه، انگور اعلای کوه‌دمانی
شوری	شورای وزیران
یحیی	یحیای برمکی
هرگاه این واژه‌ها منسوب قرار گیرند، در زبان عربی به صورت زیر نوشته می‌شود:	

موسی	موسوی
عیسی	عیسوی
معنی	معنوی
مصطفی	مصطفوی
و اما در امالای زبان دری به شکل زیر نوشته می‌شود:	
موسی	موسایی

عیسی	عیسایی
معنی	معنایی
مصطفی	مصطفایی

تنوین

- نون ساکنی ست در پایان کلمه‌های عربی که نوشته نشده اما خوانده می‌شود؛ مانند: صراحتاً، مجازاً، اصطلاحاً ...
- در عربی در آخر واژه‌های مختوم به همزه، الفی افزوده و نشانه‌ی تنوین را بر سر آن می‌گذارند؛ مانند: استثناءً، جزءاً، ابتداءً... اما در زبان دری، الف حذف شده و نشانه‌ی تنوین (ـَ = دو زبر) بر سر همزه نوشته می‌شود؛ مانند:

استثناء	استثناءً
جزء	جزءً
ابتداء	ابتداءً

ششم

شیوه‌ی نگارش کلمات با افعال اسنادی

هرگاه حرف آخر واژه‌ی «واو» و «الف» باشد، هنگام پیوستن با افعال اسنادی (استم، استیم، استی، استید، است، استند و اند)، «الف» از آغاز همه‌ی اینها، به استثنای (اند) حذف می‌شود.

استم: نیکوستم	استم: تنها ستم
استیم: ماهروستیم	استیم: جدا ستیم
استی: خوبروستی	استی: دانااستی
استید: کامجوستید	استید: بیناستید
است: جادوست	است: جویاست
استند: بدخوستند	استند: گویاستند

اما الف آغازین (اند) به «ی» مبدل می‌شود؛ مانند:

نامجویند، ترسویند، نیکویند و
پیدایند، زیبایند، گیرایند و

و اگر کلمه به «ی» و «های غیر ملفوظ» مختوم باشد، «الف» حذف نمی‌شود؛ مانند:

استم: زابلی استم	استم: فرزانه استم / ام
استیم: کابلی استیم	استیم: همسایه استیم / ایم
استی: ایرانی استی	استی: افسرده استی / ای
استید: منطقی استید	استید: مستانه استید / اید

استند: کاریزی استند

است: بیگانه است

اند: گردیزی اند

استند: بی خانه استند/ اند

اما الف «است» حذف شده، فعل با واژه پیوسته می‌شوند؛ مثلاً: معنویست/ طبیعت...

هفتم

شیوه‌ی نوشتن اعداد

1. اعداد ترکیبی تا حد ممکن یکجا نوشته می‌شود؛ مثلاً: هفتصد، شش‌هزار، پنجمصد
2. در صورت عدم امکان جدا نوشته می‌شود؛ مانند: بیست و چهار، دو هزار و یازده
3. اگر ماقبل عدد دومی، «هـ» غیر ملفوظ باشد، جدا نوشته می‌شود؛ مانند: سه صد
4. واحدهای شمارش، توزین، مقیاس جدا نوشته می‌شوند؛ مانند:

هفت سیر گندم	یک دانه قلم	ملی لیتر
سه چارک کشمش	شش دست دریش	کیلو گرام
هشت پاو زعفران	ملی گرام	سانتی متر

5. نوشتن اعداد ترتیبی (۱۱-۱۹):

نادرست درست

یازده هم/ یازده ام	یازدهم
دوازده هم/ دوازده ام	دوازدهم
سیزده هم/ سیزده ام	سیزدهم
چهارده هم/ چهارده ام	چهاردهم
پانزده هم/ پانزده ام	پانزدهم
شانزده هم/ شانزده ام	شانزدهم
هفده هم/ هفده ام	هفدهم
هژده هم/ هژده ام	هژدهم
نزده هم/ نزده ام	نزدهم

هشتم

نگارش پسوندها (تنکیر، اسم معنی و صفت نسبتی)

پسوند تنکیر(ی)، اسم معنی(ی) و صفت نسبتی (ی) در پیوستن با واژه‌های مختوم به الف ممدوده، الف مقصوره، واو، {ی} و های غیر ملفوظ، با دو {ی} به شکل (یی) نوشته می‌شود؛ مانند:

با الف ممدوده: آشنا+یی= آشنایی، بینایی، کانادایی

با الف مقصوره: شوری-ی+(=شورا)+یی= شورایی، لیلایی،

با واو: اگر پیش از واو حرف مضموم باشد، پسوند تنکیر، اسم معنی و صفت نسبتی با دو {ی} نوشته می‌شود؛ مثلاً: هندو+یی= هندویی، خوشبویی، جادویی

اگر پیش از واو حرف مفتوح قرار گرفته باشد، پسوند تنکیر، اسم معنی و صفت نسبتی با یک {ی} نوشته می‌شود؛ مانند: رهرو+ی= رهروی، خسروی

با های غیر ملفوظ: خاطره+یی= خاطره یی، قهوه یی

با {ی}: حاجی+یی= حاجی یی، پلخمری یی

نوت:

1. پسوند اسم معنی (ی) هنگام پیوستن با واژه‌های مختوم به های غیر ملفوظ، (های) پایانی واژه به (گ) تبدیل نمی‌شود؛ مانند:
زنده+گ+ی= زنده گی
2. پسوند اسم معنی (ی) هنگام پیوستن با واژه‌های مختوم به (ی)، میان واژه و پسوند حرف دیگری علاوه نگردیده به صورت پیوسته با واژه نوشته می‌شود؛ مانند:
حاجی+ی= حاجیی

نهم**پسوندهای فاعلی و شیوهی نگارش آن**

پسوندهای فاعلی در پیوند با واژه‌های پیشین‌شان به صورت زیر نوشته می‌شود:

پسوند	با حروف پیوند پذیر	با حروف پیوند ناپذیر و «هـ»
ار	خواستار	خریدار، پدیدار، برخوردار
الف	گویا، بینا، دانا	شنوا، گیرا، پذیرا
ان	خواهان، جوشان، خروشان	دوان، سوزان، خندان
باز	نیرنگباز، ریسمانباز	حقه باز، سرباز، چتربار
بان	پاسبان، باغبان، کشیان	مرزبان، آسیابان، بادبان
بر	رهبر، رنجبر	بادبر، نمابر، نامه بر
چی	فرشچی، پستچی، قابچی	شکارچی، جارچی
گار	ستمگار، خدمتگار، کامگار	آموزگار
گر	ستمگر، آهنگر، سیمگر	کارگر، دادگر، زرگر
گیر	پیام گیر، راهگیر، کفگیر	دزدگیر، مارگیر، بهانه گیر
نده	گوینده، بخشنده، جهنده	دارنده، گزنده، شنونده
کار	ستمکار، فراموشکار، گناهکار	مزدورکار، بسته کار

نمونه‌ی سوالات کانکور از آیین درست نویسی

1. بر مبنای زبان فارسی دری گزینه درست را در زیر دریابید؟
 (1) صلوٰه (2) توریّه (3) حیوّه (4) زکات
2. در گزینه های زیر صفت فاعلی کدام است؟
 (1) گزنده (2) کشته (3) آموزش (4) نوشیدن
3. کدام ترکیب زیر به صورت درست نوشته شده است؟
 (1) کرده خویشتن (2) کرده خویشتن
 (3) کرده یی خویشتن (4) کرده ای خویشتن
4. کدام ترکیب زیر به صورت درست نوشته شده است؟
 (1) مویه شان (2) مویه ای شان (3) مویه یی شان (4) مویه شان
5. (خاله محمود) چه گونه عبارتی است؟
 (1) نسبتی (2) توصیفی (3) استعاری (4) اضافی
6. هر گونه حرف پایانی واژه (الف) باشد، در هنگام پیوستن با ضمیر اضافی (شان) در میان واژه و پسوند چه علاوه می شود؟
 (1) / ء / علاوه می شود (2) / الف / علاوه می شود
 (3) / گ / علاوه می شود (4) / ی / علاوه می شود
7. پسوند اسم معنا در پیوستن با مصوت ها و های غیر ملفوظ چند شکل دارد؟
 (1) 3 (2) 12 (3) 8 (4) 20
8. در گزینه های ذیل جمله درست را دریابید؟
 (1) هندوی یی معبد خویش رفت (2) هندویی به معبد خویش رفت
 (3) هندوی به معبد خویش رفت (4) هندو ای به معبد خویش رفت
9. هر گاه حرف پایانی واژه (الف) باشد ، در همکاری با فعل اسنادی (استی) الف از آغاز این چه میشود؟
 (1) حذف نمی شود (2) حذف می شود
 (3) به / ی / تبدیل می شود (4) به / ء / تبدیل می شود
10. کدام ترکیب زیر به صورت درست نوشته شده است؟
 (1) رویّه مان (2) رویه ای مان (3) رویه یی مان (4) رویه مان
11. هرگاه حرف آخری واژه (های غیر ملفوظ) باشد ، هنگام پیوستن با ضمیر اضافی (مان) میان واژه و ضمیر چه علاوه میشود؟
 (1) / الف / علاوه می شود (2) هیچ چیز علاوه نمیشود

- (3) / ء / علاوه میشود
(4) / ی / علاوه میشود
12. کدام یکی از نوشته های زیر درست است؟
(1) یازدهم (2) یازده ام (3) یازده هم (4) هیچکدام
13. در جمله (در تصویب این قطعنامه ، شورایی دست داشته است) پسوند نکره در اخیر کدام کلمه با کار رفته است؟
(1) دست (2) قطعنامه (3) شورا (4) تصویب
14. در جمله (من بالا پوش قهوه یی خود را گم کرده ام) واژه قهوه یی صفت :
(1) فاعلی است (2) نسبتی (3) پرسشی است (4) عادی
15. در جمله (این تسبیح را حاجی یی به من بخشیده است) پسوند نکره در اخیر کدام واژه به کار رفته است؟
(1) تسبیح (2) حاجی (3) بخشیده (4) این
16. واژه (مجتبی) هنگامیکه مضاف قرار گیرد، در زبان دری چه گونه نوشته میشود؟
(1) مجتبی خوش کلام است (2) مجتبی ئی خوش کلام است
(3) مجتبی ای خوش کلام (4) مجتبیای خوش کلام
17. در جمله (لیلا از هر خوب رویی بر نمی آید) پسوند اسم معنا در اخیر کدام واژه قرار دارد؟
(1) لیلا (2) خوب (3) نمی آید (4) روی
18. هر گاه حرف آخری واژه (الف) باشد و به حیث منسوب قرار گیرد ، پس از (الف) چه حرفی علاوه شود؟
(1) هیچ چیزی علاوه نمیشود (2) (ء) علاوه میشود
(3) (یی) علاوه میشود (4) (ی) علاوه میشود
19. کدام واژه عربی در املائی دری درست نوشته شده است؟
(1) تاثیر (2) تتثیر (3) تأثیر (4) تاءثیر
20. در جمله (من بالا پوش قهویی خود را گم کرده ام) واژه (قهوه یی) صفت :
(1) فاعلی است (2) پرسشی است (3) عادی است (4) نسبتی
21. کدام یک از گزینه های زیر به صورت درست نوشته شده است؟
(1) سزده هم (2) سیزدهم (3) سیزده هم (4) سیزد ام
22. واژه (مصطفی) هنگامیکه مضاف قرار گیرد، در زبان دری چه گونه نوشته میشود؟
(1) مصطفی بر گزیده (2) مصطفی ای بر گزیده
(3) مصطفی ای بر گزیده (4) مصطفای بر گزیده
23. واژه (شفتالو) هنگامیکه با ضمیر اضافی (تان) بیاید ، چه گونه نوشته می شود؟
(1) شفتالوی تان (2) شفتالوئی تان

(3) شفتالو ای تان (4) شفتالو یی تان

24. هر گاه حرف اخير واژه های غير ملفوظ باشد، هنگام پيوستن به فعل اسنادی (اند) الف ا ز آغاز اين چه می شود؟

(1) به / ی / تبدیل می شود (2) حذف می شود

(3) به / ء / تبدیل می شود (4) حذف نمیشود

25. احمد بزرگتر از برادرش است، در جمله فوق {بزرگتر} چه نوع صفت است:

(1) صفت فاعلی (2) صفت عالی (3) صفت تفضیلی (4) صفت مفعولی

26. یکی از واژه های زیر در املاي دری به گونه درست نوشته شده است؟

(1) تأکید (2) تاءکید (3) تاکید (4) همه درست است

27. هر گاه واژه بی منسوب قرار گیرد، در زبان عربی به یکی از اشکال ذیل نوشته میشود؟

(1) عیسوی (2) عیسایی (3) عیسای (4) عیسا ای

28. تنوین (دوزیر) بر واژه های عربی مختوم به همزه (ء) چه گونه نوشته میشود؟

(1) بر سر همزه (2) در بالای الف (3) قبل از همزه (4) در کنار همزه

29. هر گاه حرف پایانی واژه (الف) باشد ، در هنگام پيوستن با ضمير اضافی (ت) در میان واژه و پسوند چه علاوه میشود؟

(1) (الف) علاوه میشود (2) (گ) علاوه میشود (3) (ی) علاوه میشو (4) (ه)علاوه میشود

30. هر گاه حرف پایانی واژه (ی) در پیوند با پسوند اسم معنا (- ی) میان شان کدام حرف اضافه میشود؟

(1) چیزی اضافه نمی شود (2) ی / ای / اضافه میشود

(3) ء / ا / اضافه می شود (4) الف / اضافه می شود

31. واژه (ادا) هنگام پيوستن با ضمير اضافی (ت) چه گونه نوشته می شود؟

(1) ادایت (2) ادای ات (3) ادات ات (4) ادانت

32. هرگاه حرف آخر واژه (الف) باشد و در جمله به یحث موصوف، مضاف یا منسوب قرار گیرد پس از الف:

(1) (یی) افزوده می شود (2) (ای) افزوده می شود

(3) (ی) افزوده می شود (4) (هیچ چیز افزوده نمی شود

33. هرگاه حرف آخر واژه (های غیر ملفوظ) باشد در جمله به حیث موصوف، مضاف یا منسوب قرار گیرد چگونه باید نوشته شود؟

(1) بعد از (های غیر ملفوظ) یکی افزوده می شود

(2) بعد از های غیر ملفوظ دوی افزوده می شود

(3) بعد از های غیر ملفوظ ای افزوده می شود

4) بالای های غیر ملفوظ همزه نوشته می شود

34. موصوف یعنی چی:

1) در صف قرار گرفته 2) توصیف شده 3) صوفی زاده 4) صاف

35. هرگاه حرف آخری واژه (های غیر ملفوظ) باشد و درجمله به حیث مضاف قرار گیرد، بالای (ه) چه

اضافه می شود؟

1) ی / اضافه می شود 2) هیچ چیز اضافه نمیشود

3) ء / اضافه می شود 4) ای / اضافه می شود

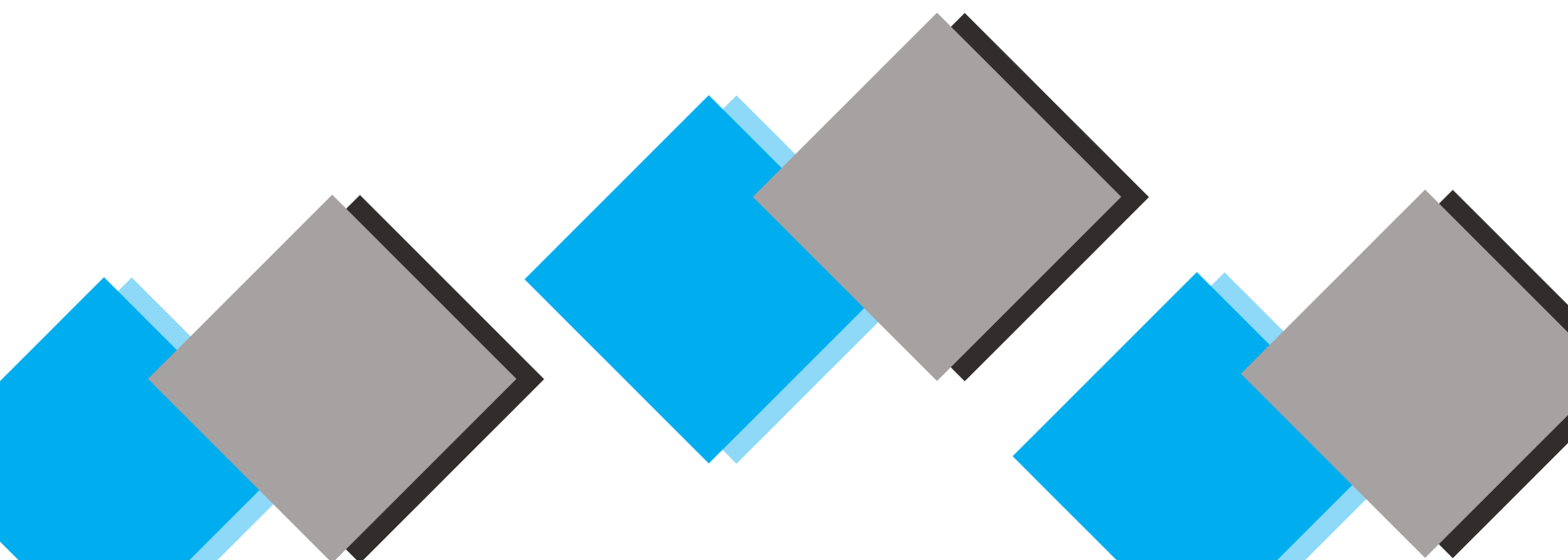
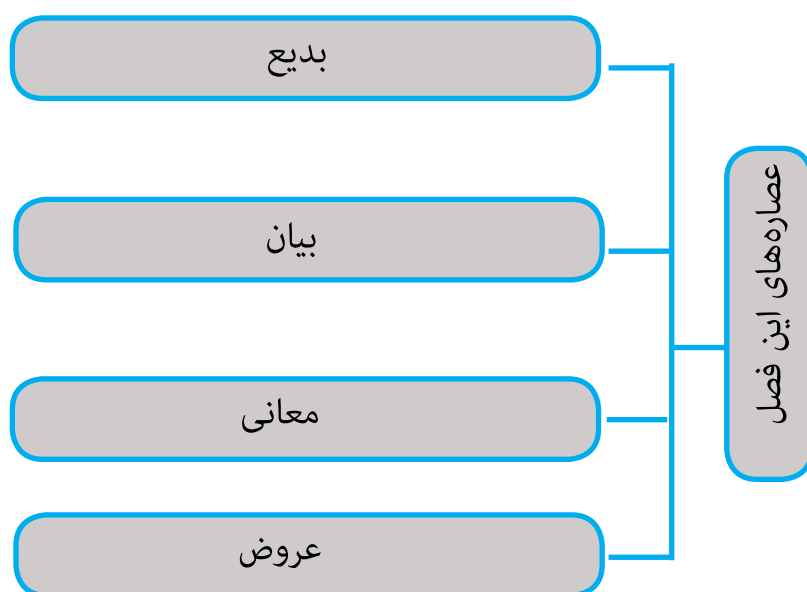
36. کدام ترکیب درست است؟

1) محمد ابن احمد 2) محمد بنت احمد 3) محمد ابنا احمد 4) محمد بن احمد

کلید جوابات آئین درست نویسی

پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ
1	4	10	1	19	3	28	2
2	1	11	3	20	4	29	3
3	2	12	1	21	3	30	2
4	1	13	3	22	4	31	1
5	1	14	2	23	1	32	3
6	4	15	2	24	4	33	4
7	1	16	4	25	3	34	2
8	2	17	1	26	1	35	3
9	2	18	4	27	1	36	4

فصل دوم - فنون ادبی



مصرع

مصرع، در لغت به معنای «یک لنگه» و در اصطلاح حد اقل سخن موزون و نیمی از یک بیت است.

گر مرا هیچ نباشد نه به دنیا نه به عقبی چون تو دارم همه دارم دگرم هیچ نباید

مصرع اول

مصرع دوم

بیت

بیت در لغت به معنای «خانه» و در اصطلاح حد اقل شعر است که از دو مصرع تشکیل شده باشد.

ای که نزدیک تر از جانی و پنهان ز نگه هجر تو خوشترم آید ز وصال دیگران

یک بیت

قافیه

قافیه مشتق از قفاست و قفا در لغت، دنبال کسی رفتن و نیز به معنای از پی رونده است و به دو کلمه‌ی متفاوت که در پایان مصرع‌ها آمده و حروف آخر شان یکی باشد در اصطلاح قافیه می‌گویند. یا قافیه، کلماتی است که در آخر ابیات بی ردیف آید و اگر ردیف داشته باشد قافیه پیش از ردیف می‌آید. قافیه از مشخصات شعر است؛ اما گاهی در نثر نیز دیده می‌شود که در نثر آن را «سجع» گویند؛ مثلاً: آنچه نیاید؛ دلبستگی را نشاید. (گلستان سعدی).

نه هوای لقمه‌ی سلطان مرا نه قفا و سیلی دربان مرا

اندر دل من عشق تو چون نور یقین است

در دیده‌ی من نام تو چون نقش نگین است

یا:

در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم

بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم

و یا:

چون سر و کار تو با کودک فتاد

پس زبان کـــودکی باید گشاد

ردیف: در لغت به معنای رده، رسته و سواری‌ست که بر یک اسب پس سوار نشیند و در اصطلاح ادبیات کلماتی که در پایان مصرع‌ها و بیت‌ها به عین شکل یا همسان تکرار می‌شوند و دارای معنای واحد نیز باشند و آن، ردیف خوانده می‌شود. شعری که ردیف داشته باشد آن را «مُرَدَف» خوانند؛ مثلاً:

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش

باز جوید روز گزار وصل خویش

یا:

عاشق چو شوی تیغ به سر باید خورد
 زهری که رسد همچو شکر باید خورد
 هرچند ترا بر جگر آبی نبود
 دریا دریا خـون جگر باید خورد

و یا:

غمناکم و از کوی تو با غم نروم
 جز شاد و امیدوارم و خرم نروم
 از درگهٔ همچو تو کریمی هرگز
 نومید کسی نرفت و من هم نروم

رَوی

روی مشتق از رواست و روا در لغت رسانی باشد که بدان بار شتر را ببندند. در اصطلاح علم قافیه، روی عبارت از حرف آخر کلمه یا حرف اصلی قافیه بوده که اگر این حرف را ساقط نمایند، کلمه بی معنا گردیده و یا هم معنای خود را از دست می‌دهد.

بـه دیدارم نمی آیی چـرا؟ دلـتنگ دیدارم
 همین بـود اینـکه می گفتی وفـا دارم وفـا دارم؟
 تـو آن لـیلا که لـیلا هم بیابانگرد عشقت شد
 من آن مجنون که مجنون نیز حیران مانده در کارم

یا:

حتی مرا به نام، صدا هم نمی‌کند
 دردا که فکر حال مرا هم نمی‌کند
 بیمار چشم اویم و آن سنگدل مرا
 درمان که بگذریم، دعا هم نمی‌کند!

و یا:

چیـزی از عشق بلاخیز نمی دانستم
 هیچ از این دشمن خونریز نمی دانستم
 در سرم بود که دوری کنم از آتش عشق
 چـه کنم؟ شیوۀ پرهیز نمی دانستم

فنون ادبی

فنون ادبی شامل چهار بخش (بدیع، بیان، معانی و عروض) بوده؛ در بخش بدیع از تمام نوآوری‌های معنوی و لفظی ادبیات؛ در بخش بیان، از بیان چگونگی بیان مطالب؛ در بخش معانی از نگاه فصاحت و بلاغت و در بخش عروض، بحرهای عروضی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

علم بدیع

- بدیع در لغت به معنای نوآورده، تازه، زیبا و آراسته است و در اصطلاح عبارت از آرایش سخن فصیح و بلیغ، خواه نظم باشد یا نثر.
- مرادف آن سخن آرایبی، نادره گویی و نغز گفتاری می‌باشد.
- نخستین کسی که به زیبایی‌های لفظی و معنوی در کلام عرب توجه کرد، عبدالله بن المعتز بود که در سال 274 هـ.ق. کتاب البدیع را نوشت.
- کتاب‌های «ترجمان البلاغه» محمد عمر رادویانی، «حدایق السحر فی دقایق الشعر» رشیدالدین محمد وطواط و «المعجم فی المعاییر اشعار العجم» نوشته‌ی قیس رازی نیز در زبان دری در مورد فن بدیع می‌باشد.
- علم بدیع یکی از علوم ادبی بوده از صنایع کلام و زیبایی‌های لفظی و معنوی بحث می‌کند.
- اموری را که موجب زیبایی و آرایش سخن ادبی می‌گردد، محسنات و صنایع بدیعی می‌گویند و آن را به دو قسم لفظی و معنوی تقسیم می‌کنند.

الف) صنایع لفظی: آن است که زینت و زیبایی سخن منوط به الفاظ باشد؛ چنانکه اگر الفاظ را با حفظ معنی تغییر بدهیم، زیبایی آن زایل گردد؛ مانند: صنعت سجع در جمله‌ی «هنر، چشمه‌ی زاینده است و دولت پاینده» اگر کلمه پاینده را به جاویدان تبدیل کنیم همان معنی را می‌رساند؛ لیکن زیبایی نثر مسجع در آن از بین می‌رود. برخی از صنایع لفظی شامل در کانونکاور:

1- سجع: در لغت آواز فاخته و کبوتر را می‌گویند و در اصطلاح علم بدیع آوردن دو کلمه‌ی هماهنگ است در پایان فقره‌ها، که با هم متوافق باشند.

سجع بر سه قسم است:

سجع متوازی: آن است که از نظر وزن و حرف آخر «روی» یک سان باشد؛ مثلاً: «منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت»
«هر کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال»

دیوانه و دلبسته اقبال خودت باش

سرگرم خودت عاشق احوال خودت باش

xxx

کو هم نفسی که بوی درد آید از او
صد پاره دلی که آه سرد آید از او

و یا:

هر که سخن نسنجد؛ از جوابش برنجد.

یا:

عشق تو قضای آسمانی است
وصل تو بقای جاودانی است

سجع مُطَرَف: آن است که در الفاظ آن حروف روی متفق است؛ ولی وزن مختلف؛ مثلاً: خال و خیال

جایی که تو باشی اثر غم نبود
آنجا که نباشی دل خرم نبود

xxx

گل نیست چنین سرکش و رنا که تویی
مه نیست بدین گونه فریبا که تویی

و یا:

هر که ناموخت از گذشت روزگار
نیز ناموزد ز هیچ آموزگار

یا:

ما اسیر غم و اصلاً غم ما نیست تو را
با اسیر غم خود رحم چرا نیست تو را

سجع متوازن: آن است که کلمات در وزن یکی باشد نه در حرف آخر؛ مثلاً: بحری است مواج و شخصی است

نقاد.

گفته بودم چو بیایی غم دل با تو بگویم
چه بگویم که غم از دل برود چون تو بیایی

xxx

نامه‌هایم چشم‌هایت را اذیت می‌کند
درد دل کردن برای تو حضوری بهتر است

xxx

بزن باران که دین را دام کردند
شکار خلق و صید خام کردند
 بزن باران خدا بازیچه‌یی شد
 که با آن کسب ننگ و نام کردند

و یا:

ای دل، نگفتمت
 که مخواه از لبش مراد
 دیدی که چون شکسته شدی
 از سوال خویش ...

یا:

لبخند تو خلاصه خوبی‌هاست
لختی بخند، خنده گل زیباست

2- جناس یا تجنیس: واژه‌ی تجنیس به معنی هم جنس آوردن و جناس به معنی هم جنس بودن است و در اصطلاح علم بدیع جناس یا تجنیس آن است که در آن دو کلمه از نظر شکل نگارش و حرکت یک سان بوده؛ ولی از دیدگاه معنی تفاوت داشته باشد؛ مثلاً:

کار پاکان را قیاس از خود مگیر گرچه باشد در نوشتن شیر شیر
جناس تام: آن است که دو لفظ در گفتن و نوشتن یکسان؛ لیک در معنا متفاوت از هم باشد؛ مثلاً:

نوشته است بر گور بهرام گور
 که دست کرم به ز بازوی زور
 xxx

خرامان بشد سوی آب روان
 چنان چون شده باز یابد روان

و یا:

شیوه‌ی باد سحر عقده گشایی است رهی
 شعر پژمان، بگشاید دل پژمان مرا

یا:

ندانم از سر و پایت کدام خوبتر است
 چه جای فرق که زیبا ز فرق تا قدمی

جناس ناقص: آن است که کلمه های همجنس در حرکت مختلف باشد؛ مثلاً: مُلک و مَلک.

خُلُق خوش خَلُق را شکار کند
خُلُق خوش بیش از این چیکار کند

xxx

زمان خوشدلی دَریاب و دُر یاب
که دایم در صدف گوهر نباشد

ویا:

صبحدم ناله قُمَری شنو از طرف چمن
تا فــــراموش کنی فتنه دور قَمَری

یا:

هر که او عاقل بود او جان ماست
روح او روح و ریحان ماست

جناس زاید: آن است که یکی از متجانسین را حرفی زیاده باشد، در اول، وسط یا در آخر؛ مانند:

از حسرت رخسار تو ای زیبا روی از ناله چو نال گشتم و از مویه چو موی
حرف زاید در آغاز:

باز از دِیَار ما به سفر رفت یار ما
ای دل دیگر به هیچ نیرزد دِیَار ما

شرف مرد به جود است و کرامت به سجود
هر که زین دو ندارد عــــدمش به ز وجود

حرف زاید در وسط:

نَگــــردد جمع با عادت عبادت
چون عبادت می کنی بگذر عادت

حرف زاید در آخر:

هر چه هست از پشت ماهی تا به ماه
جمله ی ذرات بر ذاتش گــــواه

جناس خطی: آن است که در آن دو کلمه در صورت یکی؛ ولی فرق شان در نقطه است؛ مثلاً: بیمار و تیمار.

ملت عشق از همه دین ها جد است
عاشقان را ملت و مذهب خداست

ویا:

بامــــداد که تفاوت نکند لیل و نهار
خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار

یا:

دولت باهنران را فلک مرد افگن
زند آسیب ولیکن نکند زیر و زیر

سوالات فورم

1. آخرین حرف یک کلمه را به نام یکی از گزینه های زیر یاد میکند؟
 (1) روی (2) قافیه (3) سجع (4) وزن
2. در شعر ذیل چه نوع سجع به کار رفته است:
3. ما به خدا تا خیال خال تو داریم حال پریشان تر از خیال تو داریم
 (1) متوازی (2) متوازن (3) مطرف (4) 1 و 2 درست است
4. سجع متوازن به چه نوع سجع گفته می شود:
 (1) از نظر حرف آخر یکسان باشد (2) از نظر حرف آخر و وزن یکسان باشد
 (3) از نظر وزن یکسان باشد (4) 1 و 3 درست است
- از حسرت رخسار تو ای زیبا روی از ناله چو نال گشتم و از مویه چو موی
5. در بین (ناله و نال، مویه و موی) چه نوع جناس به کار رفته است:
 (1) جناس زاید (2) جناس ناقص (3) جناس خطی (4) جناس تام
6. در جمله (حکایت کرد مرا دوستی که در سر وفایی داشت و در دل صفایی) میان اجزای (وفایی و صفایی) چه نوع سجع به کار رفته است؟
 (1) سجع متوازی (2) سجع مطرف (3) هیچکدام (4) سجع متوازن
7. سجعی که در الفاظ آن حروف روی متفق ولی وزن مختلف است، عبارت است از:
 (1) سجع متوازی (2) موازنه (3) سجع مطرف (4) سجع متوازن
8. دو کلمه ای که باهم از نظر وزن و حرف آخر یکسان باشند، به نام یکی از گزینه های ذیل یاد می شود؟
 (1) سجع متوازی (2) سجع متوازن (3) جناس تام (4) سجع مطرف
9. علمی که از زیبایی های لفظی و معنوی در کلام بحث می کند.
 (1) معانی است (2) بیان است (3) عروض است (4) بدیع است
10. در بیت (یار ناپایدار دوست مدار - دوستی را نشاید این غدار) میان واژه های (دوست و دوستی) چه نوع جناس موجود است؟
 (1) جناس زاید (2) جناس خط (3) جناس ناقص (4) جناس تام
11. در عبارت (مراتب نفسانی و مناصب انسانی) یکی از صنایع ادبی زیر موجود است؟
 (1) استعاره (2) تشبیه (3) سجع (4) مجاز
12. در بیت (کار پاکان را قیاس از خود مگیر گرچه باشد در نوشتن شیر شیر) کدام صنعت ادبی موجود است؟

1) تجنیس (2) تلمیح (3) تضاد (4) سجع متوازی

13. در جمله «هنر چشمه زاینده است و دولت پاینده» کدام صنعت ادبی موجود است:

1) تلمیح (2) طباق (3) جناس (4) سجع

14. در جمله «هرکس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال» میان واژه های (کمال و جمال) کدام نوع سجع موجود است؟

1) سجع متوازن (2) سجع مطرف (3) سجع متوازی (4) هیچکدام

15. در جمله «طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت» میان کلمات «قربت و نعمت» :

1) سجع متوازن (2) سجع متوازی (3) سجع مطرف (4) هیچکدام

16. در جمله (بحری است موج و شخصی است نقاد) میان واژه های «مواج و نقاد» چه نوع سجعی است؟

1) متوازی (2) مطرف (3) متوازن (4) هیچکدام

17. در بیت «کار پاکان را قیاس از خود مگیر / گرچه باشد در نوشتن شیر شیر» کدام صنعت ادبی موجود است؟

1) تلمیح (2) تضاد (3) تجنیس (4) سجع متوازی

18. یکی از بخشهای صنایع لفظی است:

1) تناسب (2) سجع مطرف (3) ایهام (4) تضاد

19. دو کلمه همگون که در صورت یکی ولی در نقطه اختلاف داشته باشند، چه نوع جناس است؟

1) جنس ناقص (2) جناس زاید (3) جناس تام (4) جناس خط

20. در مصراع «این رقص موج خون نگر / صحرا پر از مجنون نگر» میان کلمات خون و مجنون کدام

صنعت ادبی موجود است؟

1) تضاد (2) تناسب (3) سجع (4) ایهام

کلید جوابات صنایع معنوی

پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ
1	1	11	1	16	3	21	3
2	2	12	4	17	2	22	3
3	3	13	3	18	4	23	3
4	4	14	2	19	3	24	3
5	1	15	3	20	3	25	3

(ب) صنایع معنوی: آن است که زیبایی سخن مربوط به معنی باشد نه به لفظ؛ چنانکه اگر الفاظ را با حفظ معنی تغییر دهیم بازهم زیبایی آن باقی بماند.

تناسب یا مراعات النظیر: آوردن دو یا چند کلمه است که باهم مناسبت داشته باشند؛ مثلاً:

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو

به گلستان نروم تا تو در آغوش منی
بلبل ار روی تو بیند، طلب گل نکند

ویا:

در یاد منی حاجت باغ و چمن نیست
جایی که تو باشی خبر از خویشتم نیست

یا:

در آرزوی جلوه‌ی مهتاب جمالش
یا رب! گذرانندیم چه شب های سیاهی ...

نیز:

کنون که صاحب
مژگان شوخ و چشم سیاهی
نگاه دار دلی را
که برده ای به نگاهی

تضاد یا طباق: آوردن کلماتی است که باهم ضدیت داشته باشد.

مثلاً در این بیت حافظ:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است
با دوستان مروت با دشمنان مدارا

در نومیدی بسی امید است
پایان شب سیه سپید است

گاه سوی وفا روی، گاه سوی جفا روی
آن منی، کجا روی؟ بی تو به سر نمی شود ...

و یا:

خوشا دردی که درمانش تو باشی
خوشا راهی که پایانش تو باشی

ایهام یا توریه: ایهام از وهم است به معنی به گمان انداختن و توریه به معنی پوشیده و پنهان کردن است. در اصطلاح صنعتی ست که شاعر و نویسنده در نظم و نثر واژه‌یی را بیاورد که دارای دو معنا باشد، یکی نزدیک به ذهن شنونده و دیگری دور؛ دیگران به معنای نزدیک کلمه توجه می‌کنند در حالیکه منظور شاعر معنای دور کلمه می‌باشد؛ مثلاً:

به مهلتی که سپهرت دهد ز راه مرو ترا که گفت که این زال ترک دستان کرد
زال (معنای نزدیک): نام پدر رستم در شاهنامه‌ی فردوسی
زال (معنای دور): پیر زن
دستان (معنای نزدیک): حيله، نیرنگ و فریب
دستان (معنای دور): لقب زال پدر رستم در شاهنامه‌ی فردوسی

ماهم این هفته برون رفت و به چشمم سالی است
حال هجران تو چه دانی که چه مشکل حالی است

گر هزار است بلبل این باغ
همه را نغمه و ترانه یکی است

چشم چپ خوشتن برآرم
تا روی نبیندت به جز راست

یا:

ز گریه مردم چشمم نشسته در خون است
بین که در طلبت حال مردمان چون است

و یا:

اگر عاقل بود داند که مجنون صبر نتواند
شتر جایی بخواباند که لیلی را بود منزل

ارسال المثل: شاعر یا نویسنده در شعر و نوشته‌ی خود از ضرب المثل استفاده می‌کند؛ مثلاً:

کارم از اشک و آه پیش نرفت
که زمین سخت و آسمان دور است

ندارم اختیار گریه امشب
به در می‌گویم ای دیوار بشنو

پای ما لنگ است و منزل بس دراز
دست ما کوتاه و خرما بر نخیل

یا:

بزرگی بایدت بخشندگی کن
که دانه تا نیفشانی نروید

و یا:

با خرابات نشینان ز کرامات ملاف
هر سخن وقتی و هر نکته مقامی دارد

نیز:

عاقبت گرگ زاده گرگ شود
گرچه با آدمی بزرگ شود

تلمیح: در لغت یعنی به گوشه چشم اشاره کردن می‌باشد و در اصطلاح عبارت از صنعتی است که شاعر در آن به داستان‌ها و روایات قدیمی اشاره می‌کند.

مثلاً در این بیت سعدی:

قصه‌ی لیلی مخوان غصه‌ی مجنون
عهد تو منسوخ کرد ذکر اوایل

رخ یوسف لب عیسی ید و بیضا داری
آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری

ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی بر کند
چون تو را نوح است کشتیان ز طوفان غم مخور

نمونه‌ی سوالات کانکور از صنایع معنوی

1. یوسف گم گشته بازآید به کنعان غم مخور کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور
در بیت بالا این صنعت به کار رفته است:
(1) سجع (2) تلمیح (3) جناس (4) طباق
2. یکی از بخش های صنایع معنوی می باشد:
(1) سجع (2) تجنیس تام (3) جناس (4) تناسب
3. در بیت (امید هست که روی ملال در نکشد ایهام در کدام کلمه موجود است:
(1) سخن (2) دلتنگی (3) ملال (4) گلستان
4. در مصراع (بلند و پست جهان هر چه هست در کار است) یکی از صنعت های ادبی زیر به کار رفته است؟
(1) تجنیس (2) سجع (3) تضاد (4) ایهام
5. در بیت (ناف شب آگنده ز مشک لبش نعل مه افگنده سم مرکبش) یکی از صنعت های ادبی زیر موجود است؟
(1) تلمیح (2) تناسب (3) ارسال المثل (4) تضاد
6. هر گاه در یک بیت شاعر کلمه یی را که دارای دو معنی است یعنی نزدیک و دور به کار گیرد کدام صنعت ادبی حاصل می شود؟
(1) تضاد (2) حسن تعلیل (3) تلمیح (4) ایهام
7. در مصراع «زو قوی گردد ضعیف و زو غنی گردد فقیر» کدام صنعت ادبی به کار رفته است؟
(1) تلمیح (2) حسن تعلیل (3) تضاد (4) جناس تام
8. در بیت (مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو - یاد از کشته خویش آمد و هنگام درو) کدام صنعت ادبی موجود است؟
(1) تلمیح (2) حسن تعلیل (3) تناسب (4) تضاد
9. در مصراع (پیر ازو گردد جوان ، غمخوار ازو یابد طرب) کدام صنعت ادبی موجود است؟
(1) جنس تام (2) تضاد (3) جناس ناقص (4) تلمیح
10. در بیت (ندارم اختیار گریه امشب / به در میگویم ای دیوار بشنو) کدام صنعت ادبی موجود است؟
(1) ایهام (2) ارسال المثل (3) تلمیح (4) جناس تام
11. در بیت (آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است ... با دوستان مروت با دوستان مدارا) کدام صنعت ادبی به کار رفته است؟
(1) استعاره (2) ایهام (3) تضاد (4) اطناب

12. ایهام، تناسب و ارسال المثل از جمله کدام صنایع ادبی اند:

(1) معنوی (2) لفظی (3) لفظی و معنوی (4) هیچکدام

13. معنای درست واژه (تلمیح) را دریابید:

(1) اشاره کردن به قصه (2) کوشش و تلاش (3) گشودن (4) ملامت کردن

14. کتاب (المعجم فی معاییر اشعار العجم) اثر یکی از اینهاست:

(1) عبدالله بن معتمر (2) رشید و طواط (3) عمر رادویانی (4) شمس قیس رازی

15. مترادف علم بدیع عبارت است از:

(1) نادره گویی (2) نغز گفتاری (3) ۱ و ۲ (4) ۱ درست است

کلید جوابات صنایع معنوی

پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ
1	2	6	4	11	3
2	4	7	3	12	1
3	4	8	3	13	1
4	3	9	2	14	4
5	2	10	2	15	3

علم بیان

بیان به معنای پیدا و آشکار شدن است و در اصطلاح عبارت است از مجموع قواعد و قوانینی که به وسیله‌ی آنها یک معنی به راه‌های گوناگون نشان داده می‌شود. مباحث علم بیان به چهار بخش تقسیم می‌شود:

1- تشبیه؛

2- استعاره؛

3- مجاز؛

4- کنایه.

1- تشبیه

تشبیه عبارت از پیوند برقرار کردن میان دو چیز و همانند کردن آنهاست با واژه‌ها یا عباراتی ویژه. یا به عبارتی دیگر تشبیه عبارت از مانند کردن چیزی است به چیز دیگری در امر یا در صفتی مشترک.

ارکان تشبیه

ارکان تشبیه چهار پایه بوده قرار زیر می‌باشد:

1- مُشَبَّه: چیزی که آن را به چیز دیگری مانند کرده ایم. (تشبیه کننده)

2- مُشَبَّه به: چیز دوم که مُشَبَّه، به آن مانده شده است. (تشبیه شده)

3- ادات تشبیه: واژه‌هایی که میان مشبه و مشبه به، پیوند برقرار می‌کند یا کلماتی اند که بر همانندی

دلالت می‌کند؛ برخی از این ادات عبارت اند از: چون، چو، همچون، مانند، به سان، مثل، پنداری، گویی،

وش، فام، سام، گون، به کردار، به صفت، به گونه و

4- وجه شبه: عبارت از صفت و حالت مشترک میان مشبه و مشبه به است.

1- تشبیه مؤکد: آن است که ادات تشبیه در آن حذف می‌شود؛ مانند:

روی او ماه است؛ اگر بر ماه مشک افشان شود (که در اصل: روی او چون ماه است، بوده است).

قامتش سرو است ابرو ماه نو

این قیامت قد چه توفان می‌کند

یا:

زلف او را رشته جـان گفتم و گشتم خجل

زانکه این معنی چو زلفش پیش پا افتاده است

و یا:

تیر مژگانش مرا در خاک و خون بنشاند و لیک

هیچ پروایی به حال زار این بسمل نکـرد

2- تشبیه مجمل: تشبیه‌ی که وجه شبه در آن حذف می‌شود؛ مثلاً:

تنم چون سایه موی است و دل چون دیده موران (وجه شبه در اینجا باریکی مو و تنگی دیده است).

از قامت و روی و زلف داری

طوبی و بهشت و مار باهم

یا:

ز تیر آسمان شد چو پر عقاب

نگه کرد تیره دل افراسیاب

ویا:

چون دریای خون شد همه دشت و راغ

جهان چون شب و تیغ ها چون چراغ

3- تشبیه تسویه: آن است که در آن چند مشبه را به یک مشبه به تشبیه کنند؛ مثلاً:

نقش خورنق است همه باغ و بوستان

فرش ستبرق است همه دشت و کوهسار

یا:

قطره‌ی اشک ماه و دندانش

گـوهر آبدار را ماند

ویا:

یک نقطه آید از دل من و ز دهان تو

یک موی خیزد از تن من و ز میان تو

یعنی دل من و دهان تو مانند یک نقطه خورد و جسم من و کمر تو مانند یک موی باریک است.

4- تشبیه جمع: در این نوع تشبیه، یک مشبه را به چند مشبه به تشبیه می‌کنند؛ مثلاً:

من همچو خار و خاکم و تو آفتاب و ابر.

یا:

آب و آتش به هم آمیخته ای از لب لعل

چشم بد دور کن که بس شعبده باز آمده ای

ویا:

برآمد قیرگون ابری ز روی قیرگون دریا

چو رای عاشقان گردان چو طبع بیدلان شیدا

5- تشبیه بلیغ: آن است که در آن ادات تشبیه و وجه شبه هر دو حذف می‌شود. در زبان ادبی، گاه مشبه و مشبه به، با کسره به هم می‌پیوندند و به صورت اضافی تشبیهی بیان می‌شود؛ بنابراین اضافی تشبیهی، گونه‌یی از تشبیه بلیغ است. نمونه های از این دست:

قد سرو، تیر مژگان، شبنم عشق، باران رحمت، خوان نعمت، کلاه شگوفه، مهد زمین، دایه‌ی ابر بهاری، نور دانش، چراغ علم، تخم محبت، نسیم رحمت، سحاب رحمت، سیلاب اشک و

آرزوی روی ماهی می‌کشم
حسرت چشم سیاهی می‌کشم

یا:

زلف او مار است و من بیمار اویم کاشکی
حلقه گردد یک شبی در گردن بیمار مار

یا:

غیر من هیچ کسی تشنه دیدار تو نیست
عاشق موی میان و گل رخسار تو نیست

و یا:

یک سرو آرزو در این بوستان نماند
تا بهر قتل باغ تبر را خریده ایم

2- استعاره

استعاره در لغت به معنای عاریت (قرض) خواستن است و هرگاه واژه‌یی به دلیل شباهتش با واژه‌ی دیگری به جای آن به کار رود، استعاره پدید می‌آید. یا استعاره تشبیه مختصری است که یکی از طرفین تشبیه ذکر نشود یا به عبارتی دیگر استعاره عبارت از استعمال یک لفظ است به معنای غیرحقیقی.

استعاره از لحاظ ذکر یا حذف مشبه یا مشبه به، دو نوع است:

1- استعاره مُصَرَّحَه

2- استعاره‌ی مکنیه

استعاره مُصَرَّحَه

آن است که مشبه حذف و تنها مشبه به ذکر می‌شود و نیز قرینه‌یی آورده شود که به مشبه ارتباط داشته باشد؛ مثلاً: شیر که استعاره از شجاعت شخص، لعل از لبش، نرگس از چشمش، سرو استعاره از قد بالایش می‌باشد.

- یکی درخت گل اندر میان خانه‌ی ماست / که سروهای چمن پیش قامتش پستند «سعدی»
که بیت بالا استعاره از جوانی بلند بالا و خوش اندام است.

- ستاره‌یی بدرخشید و ماه مجلس شد «حافظ» (استعاره از یار زیبا روی)

- فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد. «سعدی» (استعاره از سبزه و چمن)

- همی زور کرد این بر آن بر این / نجنید یک شیر بر پشت زین «فردوسی» (استعاره از پهلوان).

گل عذاری ز گلستان جهان ما را بس
زین چمن سایه‌ی آن سرو روان ما را بس

در این بیت سرو مشبه به و قامت معشوق که محذوف است مشبه می‌باشد. اینجا «روان بودن» قرینه است و با مشبه مرتبط است.

از دیده در هوای تو پر گل کنم کنار
و طبع در ثنای تو پر در کنم کنار

گل برای اشک و در برای سخن موزون استعاره شده، یعنی گل و در مشبه به و اشک و شعر مشبه و دیده و طبع قرینه‌هایی است که به اشک و شعر ارتباط دارد.

مهر آن مه را به جان خواهم که بس لایق فتاد
عشق روز افزون من با حسن روز افزون او

مه در اینجا استعاره برای معشوق است.

استعاره مکنیه

این استعاره صورت معکوس استعاره‌ی مصرحه است؛ یعنی در آن مشبه به را حذف کرده و مشبه را ذکر می‌کند. ولیکن «مشبه به» جای خود را به یکی یا چند اوصاف خود می‌دهد؛ مثلاً:
وقتی می‌گوییم: کامِ ظلم، ظلم را به حیوانی تشبیه کرده ایم که کام و دهان برای بلعیدن دارد. نمونه‌های از این دست: یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود. دست روزگار، رخسار صبح، چنگال مرگ، آستین عقل، دست طرب، چشم بخت.

سوختم از آتش دل در میان موج اشک
شوربختی بین که در آغوش دریا سوختم

آغوش قرینه‌ی مستعار منه (شخص) است.

در سینه‌ی هر معنی بفروخته آتش‌ها
بر دیده‌ی هر دعوا بردوخته پیکان‌ها

«سینه‌ی معنی» استعاره‌ی بالکنایه و سینه متعلق مستعار منه یعنی انسان است.

3- مجاز

مجاز به کاربردن واژه در معنای غیر حقیقی است به شرط آن که میان معنای حقیقی و معنای غیر حقیقی پیوندی برقرار باشد؛ مثلاً هنگامی که می‌گوییم: «جهان انجمن شد بر تخت اوی» مراد از جهان، مردم جهان است.

1- رابطه‌ی حال با جا: در اینجا از محل نام گرفته می‌شود و مقصد از آن خود شی است؛ مثلاً:

سراسر همه دشت بریان شدند.(دشت به جای مردم دشت آمده است).

مرغی چو همای دل من گشته اسیرت

شکرانه‌ی این صید رها کن قفسی چند

یا:

جهان تلاش لگدکوب یک دیگر دارند

چو سبحة قافله‌ها در پی هم افتاده است

2- رابطه‌ی کل با جزء: در این مورد از کل نام می‌گیرند و مرام شان جزء می‌باشد؛ مثلاً:

افغانستان در مسابقات فوتبال قهرمان شد.(افغانستان به جای تیم فوتبال افغانستان آمده است).

به خونم زد رقوم تا با قلم شد آشنا دستش

پریروی که می‌بردم به مکتب من کتابش را

3- رابطه‌ی جزء با کل: در این صورت از جزء نام می‌گیرند؛ لیکن کل را در نظر دارند؛ مثلاً:

به کشتن دهند سر به یکباره‌گی (سر به جای تمام وجود آمده است).

گردیده فسرده محفل ما

تا پای رقیب کلفت آمد

یا:

چه می‌پرسی از داغ و درد سینه سوز من

که روز و شب هم آغوش تبم با یاد آغوشی

از آغوش که جز وجود انسان می‌باشد نام گرفته شده؛ مگر خود معشوق که کل است اراده گردیده است

4- رابطه‌ی لازم با ملزوم: در این مورد از ملزوم(معلول) نام برده، لازم(علت) مدنظر است؛ مثلاً:

فلان را در دوستی پای نیست. (پای به جای پایداری آمده است).

هوای خرم است و هر طرف باران همی بارد

نه باران بلکه از بالا گل و ریحان همی بارد

در این شعر گل و ریحان معلول یا ملزوم است که به عوض باران به حیت علت (لازم) به کار رفته است و مقصد شاعر باران می‌باشد.

یا:

شد بهاران و هر طرف نگرَم

اَبَر شاداب سبزه می‌بارد

به این گونه سبزه باریدن به مفهوم باریدن باران است در شعر فوق.

4- کنایه

کنایه به معنای سخن پوشیده گفتن است؛ اما در علم بیان عبارت است از گفتن لفظی در معنای غیر حقیقی (معنای نزدیک)، آن گونه که بتوان معنای حقیقی (معنی دور) آن را نیز اراده کرد؛ مثلاً:

در خانه‌ی او به روی همه باز است.

معنای نزدیک: همه می‌توانند وارد خانه‌ی او شوند.

معنای دور: مهمان نواز است

چشم به راه بودن

معنای نزدیک: یکسره و بدون توقف به راه دیدن

معنای دور: انتظار کشیدن

کمر بستن

معنای نزدیک: کمر بند را به کمر بستن

معنای دور: همت کردن

به دام افتاده ام اشک از شکست بال می‌ریزم

ولی سودی ندارد آب در غـربال می‌ریزم

آب در غربال ریختن مراد از انجام کار بیهوده است.

یا:

کنون کوش کآب از کمر در گذشت

نه آنکه که سیلاب از سر گذشت

سوالات فورم (بیان)

- 1- در مصراع (سپید روز به خوبی رخان تو ماند) جزء (رخان) یکی از گزینه های زیر است؟
 (1) مشبه به (2) مشبه (3) ادات شبه (4) وجه شبه
- 2- یکی درخت گل اندر میانه خانه ماست که سرو های چمن پیش قامتش پستند درین بیت کدام صنف ادبی به کار رفته است؟
 (1) تشبیه (2) استعاره (3) مجاز (4) کنایه
- 3- علم بیان از نظر سنجش حالات سخن به چند نوع است؟
 (1) دو نوع (2) سه نوع (3) چهار نوع (4) شش نوع
- 4- جمله (عمر برف است) چه نوع تشبیه است؟
 (1) تشبیه تسویه (2) تشبیه مؤکد (3) تشبیه بلیغ (4) تشبیه
- 5- در مصراع (من چو لب لاله شده خنده ناک) مشبه به کدام است؟
 (1) لب لاله (2) شده (3) خنده (4) من
- 6- در بیت (به همراه دلی چون طشت آتش - کویر ! آغوش وا کن آدمم من) کدام صنعت ادبی به کار رفته است؟
 (1) جناس (2) تلمیح (3) تشبیه (4) ایهام
- 7- در این بیت (وان قطره باران که بر افتد به سر خورد چون قطره سیماب است افتاده به زنگار) مشبه را دریابید؟
 (1) زنگار (2) قطره باران (3) قطره سیماب (4) چون
- 8- تشبیه چند رکن دارد؟
 (1) هشت رکن (2) دو رکن (3) شش رکن (4) چهار رکن
- 9- در بیت (سر از البرز برزد قرص خورشید چو خون آلوده دزدی سر ز ممکن) جز (چو) یکی از گزینه های زیر است؟
 (1) وجه شبه (2) مشبه به (3) ادات تشبیه (4) مشبه
- 10- در مصراع (همچو روی عاشقان بینم به زردی روی باغ) جزء (همچو) یکی از گزینه های زیر است؟
 (1) مشبه به (2) ادات تشبیه (3) وجه شبه (4) مشبه
- 11- در مصراع (شمیم خلق تو چون غنچه های خندان است) مشبه را دریابید؟
 (1) خندان (2) شمیم خلق (3) چون (4) غنچه ها
- 12- علم بیان به چند بخش تقسیم شده است؟
 (1) دو (2) سه (3) شش (4) چهار

13- هر گاه مشبه حذف گردیده و تنها مشبه به ذکر گردد، یکی از گزینه های زیر حاصل میشود:

- (1) کنایه (2) استعاره مصرحه (3) مجاز (4) استعاره مکنیه
14- در بیت (دوش گفتی ز تیره گی شب من - زلف حور است و رای اهریمن) ترکیب (شب من) یکی از گزینه های زیر است؟

- (1) مشبه به (2) ادات تشبیه (3) وجه شبه (4) مشبه
15- در مصراع (به همراه دلی چون طشت آتش) جزء (طشت آتش) یکی از گزینه های زیر است؟

- (1) مشبه (2) وجه شبه (3) مشبه به (4) ادات تشبیه
16- در مصراع (گوری است سیاه رنگ دهلیزم) یکی از صنایع ادبی زیر به کار رفته است؟

- (1) ارسال المثل (2) تشبیه (3) جناس (4) سجع
17- در بیت (همی زور کرد این بر آن، آن بر این) نجنید یک شیر بر پشت زین) کدام صنعت ادبی به کار رفته است:

- (1) ارسال المثل (2) کنایه (3) تشبیه (4) استعاره
18- در مصراع (تا ببرند آن گدا را سر چو شمع) ادات تشبیه را دریابید؟

- (1) گدا (2) شمع (3) چو (4) سر
19- در مصراع (ابر از هوا بر گل چکان ماند به زنگی دایگان) واژه (ابر) یکی از گزینه های زیر است؟
(1) مشبه به (2) مشبه (3) وجه شبه (4) ادات تشبیه
20- در بیت (کم گوی و گزیده گوی چون در) تا ز اندک تو جهان شود پر (کدام صنعت ادبی به کار رفته است؟

- (1) تشبیه (2) استعاره (3) حسن تعلیل (4) مدعا مثل
21- در مصراع (من همچو خار و خاکم تو آفتاب و ابر) کدام نوع تشبیه بکار رفته است؟

- (1) تشبیه تسویه (2) تشبیه مؤکد (3) تشبیه جمع (4) تشبیه بلیغ
22- در جمله (ستاره یی بدرخشید و ماه مجلس شد) کدام نوع صنعت ادبی به کار رفته است؟

- (1) استعاره (2) ارسال المثل (3) تشبیه (4) ایهام
23- واژه یی که صفت مشترک میان مشبه و مشبه به میباشد، یکی از گزینه های زیر است؟

- (1) استعاره (2) ادات تشبیه (3) مشبه (4) وجه شبه
24- هر گاه مشبه به را حذف کرده و مشبه را ذکر کنند، یکی از گزینه های زیر بدست می آید؟

- (1) مجاز (2) تشبیه بلیغ (3) استعاره مکنیه (4) استعاره مصرحه
25- در مصراع (آدم چو پیاله باشد و روح چو می) مشبه را دریابید؟
(1) آدم (2) پیاله (3) باشد (4) می

26- در مصراع (عشق دریا است و موجش نا پدید) واژه (دریا) یکی از گزینه های زیر است؟

- (1) وجه شبه (2) مشبه (3) ادات شبه (4) مشبه به

27- در مصراع (موی چون نامه گنجهکاران) واژه (موی) یکی از گزینه های زیر است؟

- (1) مشبه به (2) مشبه (3) وجه شبه (4) ادات تشبیه

28- در مصراع (همچو روی عاشقان بینم به زردی روی باغ) مشبه را دریابید؟

- (1) همچو (2) زردی (3) روی باغ (4) روی عاشقان

29- در مصراع (ذکا و طبع تو چون آفتاب تابان است) جزء (چون) یکی از گزینه های زیر است؟

- (1) ادات تشبیه (2) مشبه به (3) مشبه (4) وجه شبه

30- در مصراع (موی چون نامه ای گنجهکاران) وجه شبه کدام گزینه است؟

- (1) چون (2) سیاهی (3) نامه (4) موی

31- در مصراع (شعر او چون طبع او هم بی تکلف هم بدیع) جزء (شعر او) یک از گزینه های زیر

است؟

- (1) مشبه به (2) مشبه (3) ادات تشبیه (4) وجه شبه

32- در مصراع (همچو روی عاشقان بینم به زردی روی باغ) وجه شبه کدام است؟

- (1) روی عاشقان (2) زردی (3) همچو (4) روی باغ

33- در مصراع (همچو گلبرک طری هست وجود تو لطیف) جزء (وجود تو) یکی از گزینه های زیر

است؟

- (1) مشبه به (2) وجه شبه (3) مشبه (4) ادات شبه

34- در تشبیه موکد:

- (1) ادات تشبیه حذف می گردد (2) وجه تشبیه حذف می گردد

- (3) گاهی ادات تشبیه حذف می گردد (4) چند مشبه را به مشبه به تشبیه کند

35- در جمله { روی او ماه است ، اگر برماه مشک افشان شود } کدام نوع تشبه به کار رفته است:

- (1) تشبه مجمل (2) تشبه بلیغ (3) تشبه موکد (4) تشبه جمع

36- مشبه به آن است که:

- (1) چیزی که آن را به چیز دیگری مانند کند

- (2) چیز دوم که مشبه، به آن مانند می شود

- (3) واژه های که میان مشبه و مشبه به است

- (4) اول و دوم هر دو درست است

37- وجه شبه آنست که:

- (1) صفت مشترک میان مشبه و مشبه به است
- (2) واژه های که میان مشبه و مشبه پیوند برقرار کند
- (3) چیزی دوم که مشبه به آن مانند شده است
- (4) چیزی که آن را به چیزی دیگر مانند کنند.

38- در تشبیه مجمل:

- (1) ادات تشبیه حذف می گردد
 - (2) وجه شبه و ادات تشبیه هردو حذف می گردد
 - (3) وجه شبه حذف می گردد
 - (4) وجه شبه حذف نمی گردد
- 39- در بیت (نقش خورنق است همه باغ و بوستان - فرش ستبرق است همه دشت و کوهسار) کدام نوع تشبیه مطالعه می گردد؟

- (1) تشبیه بلیغ
 - (2) تشبیه مؤکد
 - (3) تشبیه تسویه
 - (4) تشبیه مجمل
- 40- مباحث علم بیان به طور مکمل عبارت است از:

- (1) تشبیه، ایهام، تجنیس، کنایه
 - (2) تشبیه، استعاره، تصدیق، کنایه
 - (3) کنایه، تشبیه، مجاز و استعاره
 - (4) استعاره، تجنیس، ارسال المثل، مجاز
- 41- در علم بیان گفتن لفظی در معنای غیر حقیقی به گونه ای که بتوان معنای حقیقی آن را نیز اراده کرد، به کدام نام یاد می شود؟

- (1) حسن تعلیل
- (2) کنایه
- (3) تناسب
- (4) تشبیه

کلید جوابات بیان							
پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ
1	1	2	2	3	3	4	4
2	2	3	3	4	4	5	5
3	3	4	4	5	5	6	6
4	4	5	5	6	6	7	7
5	5	6	6	7	7	8	8
6	6	7	7	8	8	9	9
7	7	8	8	9	9	10	10
8	8	9	9	10	10	11	11
9	9	10	10	11	11		
10	10	11	11				
11	11						

علم معانی

- معانی جمع معنی است و منظور از «معنی» در این علم، «مقصود» و «غرض» است و علم معانی علمی است که در آن از مطابقت کلام با مقتضای حال بحث می‌شود.
- یا بهتر بگوییم علم معانی (معنی شناسی) دانشی است که به بررسی معانی ثانوی جملات و تغییرات معنایی کلام می‌پردازد.
- کلام معمولاً دو معنی دارد؛ یکی معنای عرفی که کلام برای آن وضع شده و معنای اصلی و اولی آن است و دیگر معنای است که گوینده بلیغ در نظر می‌گیرد تا به گونه لطیف سخن را متناسب با حال و مقام و شان مخاطب بیان کند.
- در علم معانی بیشتر به معانی ثانوی توجه صورت می‌گیرد.
- **سکاکي** در تعریف این علم می‌نگارد: «قواعدی است که به واسطه آن، احوال لفظ شناخته می‌شود؛ احوالی که به سبب آنها، لفظ با مقتضای حال برابری کند».
- **فایده علم معانی** در این است که ما را با امکانات پنهان و فراوان زبان آشنا می‌سازد و نیز از دیگر فایده آن آگاهی از اسرار بلاغت در نظم و نثر می‌باشد.
- در این علم یک طرف قضیه گوینده است و طرف دیگر مخاطب یا شنونده که قسمت مهم علم معانی مربوط است به احوال شنونده یا مخاطب از آگاهی یا عدم آگاهی مخاطب، حال و حوصله او، پذیرش یا انکار یا عناد وی و... . این فن به بخش‌های زیرین تقسیم می‌شود:

- 1- اسناد خبری
- 2- احوال مسندالیه
- 3- احوال مسند
- 4- انشا
- 5- قصر و حصر
- 6- فصل و وصل
- 7- ایجاز، اطناب و مساوات

اسناد خبری: کلامی است که احتمال درستی و نادرستی؛ احتمال صدق و کذب در آن می رود.

باران بارید. احمد در باغچه اش کار می کند.

مسند الیه (مبتدا، فاعل): کلمه یا بخشی از جمله است که فعل، صفت، یا حالتی را به آن نسبت می دهند؛ مثلاً:

علی داناست و توانا. این جا علی مسند الیه است که صفت دانایی و توانایی را به وی نسبت داده ایم.

اسناد: پیوندی است که بین مسند الیه و مسند وجود دارد؛ مثلاً: خداوند بزرگ است. در اینجا فعل اسنادی "است"

اسناد است میان مسند و مسند الیه.

انشاء: در لغت به معنای ایجاد کردن و در اصطلاح، آوردن جملات است به گونه‌یی که در آن احتمال صدق یا

کذب نرود.

الهی چنان کن که پایان کار

تو خشنود باشی و ما رستگار

قصر یا حصر: قصر و حصر هر دو به معنای ویژه کردن و حبس و منحصر کردن است و در اصطلاح آن است

که حکم یا صفتی را به کسی یا چیزی منحصر کنیم.

فصل و وصل: فصل در لغت به معنای گسسته‌گی است و وصل به معنای پیوسته‌گی و در اصطلاح فصل آن

است که دو جمله را از یکدیگر جدا کنند و میانه آنها حرف پیوندی نباشد و وصل آن است که جمله‌یی را به جمله

دیگر یا کلمه‌یی را به کلمه دیگر توسط حرف پیوند، متصل کنند. مهم‌ترین و با ارزش‌ترین حرف پیوند در بلاغت،

حرف «و» است.

چون گرانی‌ها اساس راحت است

تلخ‌ها هم پیشوای نعمت است

جمال و زینت انسان به دانش است و هنر

که آدمی شرف از دانش و هنر دارد

مساوات: آن است که لفظ و معنی برابر باشند.

چه دانند مردم که در جامه کیست

نویسنده داند که در نامه کیست

ایجاز: در لغت به معنای مختصر و کوتاه کردن و کوتاه‌گویی بوده، عبارت از بیان معنی است در کوتاه‌ترین لفظ،

یا ایجاز عبارت از آوردن لفظ اندک است برای معنای بسیار که به رسایی سخن کمک کند؛ مثلاً:

ره نیک مردان آزاده گیر

چو ایستاده‌ای دست افتاده گیر

اطناب: در لغت به معنای دراز ساختن و طولانی کردن است و در اصطلاح، آوردن الفاظ بسیار برای بیان معنای

اندک می باشد.

علم عروض

- علم عروض در مجموع از یک سلسله اوزان قانونمند و پذیرفته شده بحث می‌کند که هریک آن را به نام (بحر) می‌شناسد.
- تعداد بحرهای عروضی در زبان دری به 19 بحر می‌رسد که از جمله 16 بحر آن را دانشمندان زبان عربی بنا نهاده اند و 3 بحر دیگر را دری زبانان بدان نهاده است.
- همه بحرهای از قالب‌های مخصوصی تشکیل شده است که به نام (ارکان، افاعیل و یا تفاعیل عروضی) یاد می‌شوند و تعداد این (تفاعیل) یا (تفعله)ها به هشت تا می‌رسد و عبارتند از:

فَعُولُنْ، فَاعِلُنْ، مَفَاعِيلُنْ، فَاعِلَاتُنْ، مُسْتَفْعِلُنْ، مُتَفَاعِلُنْ، مُفَاعِلَتُنْ، مَفْعُولَاتُ.

هریک از این تفعله‌ها از دو بخش تشکیل یافته اند: سبب و وتد.

سبب: در لغت ریسمان را گویند و در اصطلاح عروض کلمه‌یی را می‌نامند که از دو حرف تشکیل یافته باشد. اگر حرف دوم کلمه ساکن باشد، آنرا (سبب خفیف) گویند؛ مثلاً: سر، گل، غم. و اگر حرف دوم کلمه نیز متحرک باشد، آنرا به نام (سبب ثقیل) می‌شناسند؛ مانند: رمه، گله، همه. (در علم عروض، {هـ} غیر ملفوظ و {و} مجهول به شمارش نمی‌آیند).

وتد: در لغت میخ خیمه و در اصطلاح عروض کلمه‌یی را گویند که از سه حرف تشکیل شده باشد. اگر حرف سوم آن ساکن باشد، آنرا (وتد مجموع) نامیده میشود؛ مانند: دهن، شرف، چمن، فلک، سبد. اما اگر حرف دومی ساکن باشد در آنصورت (وتد مفروق) نام دارد؛ مانند: ژاله، لاله، نامه، بسته، جامه.

نوت: در زبان عربی عدد 8 را ثمانیه و هر چیزی را که از هشت جز و یا رکن تشکیل شده باشد (مثنی) می‌گویند. همچنان اشعار چهار رکنی را (مربع) و اشعار شش رکنی را به نام (مسدس) می‌خوانند.

سوالات فورم (معانی و عروض)

- 1- فایده کدام علم ما را با امکانات پنهان و فراوان زبان آشنا می سازد؟
 (1) علم معانی (2) علم بدیع (3) علم عروض (4) علم بیان
- 2- مساوات یکی از مباحث علوم زیر است؟
 (1) علوم معانی (2) علوم عروض (3) علم بدیع (4) علم بیان
- 3- آوردن لفظ به اندازه معنا که برای رسید مقصود گوینده مناسب باشد، یکی از گزینه های زیر است؟
 (1) مساوات (2) اسناد (3) اطناب (4) ایجاز
- 4- اوزان قانون مند و پذیرفته شده عروض به یکی از نام های ذیل یاد میشود.
 (1) وتد (2) فاصله (3) سبب (4) بحر
- 5- موضوعاتی از قبیل اسناد خبری، احوال مسند الیه و احوال مسند، مربوط یکی از علوم ادبی زیر میشود؟
 (1) علوم معانی (2) علوم عروض (3) علم بدیع (4) علم بیان
- 6- هرگاه پیوندی بین مسند الیه و مسند وجود داشته باشد، به کدام یک از نام های ذیل یاد می شود؟
 (1) وصل (2) اسناد و خبر (3) اسناد (4) انشا
- 7- آوردن لفظ اندک برای معنای بسیار که باعث رسایی سخن گردد، به نام یکی از گزینه های زیر یاد می شود؟
 (1) تجنیس (2) ایجاز (3) اطناب (4) مساوات
- 8- معنی یکی از گزینه های زیر کلامی است که احتمال صدق و کذب در آن میرود؟
 (1) خبر (2) اخبار (3) اسناد (4) انشا
- 9- واژه (گل) در اصطلاح علم عروض یکی از گزینه های زیر است؟
 (1) سبب خفیف (2) وتد مفروق (3) وتد مجموع (4) سبب ثقیل
- 10- وتد در لغت میخ خیمه و در اصطلاح علم عروض دارای:
 (1) پنج حرف است (2) سه حرف است (3) دو حرف است (4) چهار حرف است
- 11- در جمله ی (نجیب آمد) واژه ی نجیب کدام یکی از گزینه های ذیل می باشد:
 (1) مسند (2) اسناد (3) مساوات (4) مسند الیه
- 12- مهمترین و با ارزشترین حرف پیوند در بلاغت کدام یکی است:
 (1) ی (2) هـ (3) هیچکدام (4) و
- 13- در جمله ی (خدا بزرگ است) واژه ی (است) کدام یکی از گزینه های ذیل می باشد:
 (1) مسند (2) مسند الیه (3) اسناد (4) فعل ربط

14- یکی از افاعیل عروضی است:

(1) مفعول (2) مستفعل (3) مفعولات (4) فاعل

15- چند بحر عروضی را دانشمندان دری زبان بنا نهادند:

(1) ۱۰ بحر (2) ۵ بحر (3) ۱۵ بحر (4) ۳ بحر

16- در اصطلاح علم عروض سه حرفی را که حرف وسطی آن ساکن باشد، چه می گویند:

(1) وند مجموع (2) وند مفروق (3) سبب ثقیل (4) سبب خفیف

17- واژه‌ی (ناله) از لحاظ عروض چیست:

(1) وند مفروق (2) سبب خفیف (3) سبب ثقیل (4) وند مجموع

18- معنای سبب:

(1) ریسمان (2) میخ خیمه (3) هر دو درست است (4) هیچکدام

19- ابیات شش رکنی به کدام نام یاد می شود:

(1) مربع (2) مثنی (3) مسدس (4) ربع

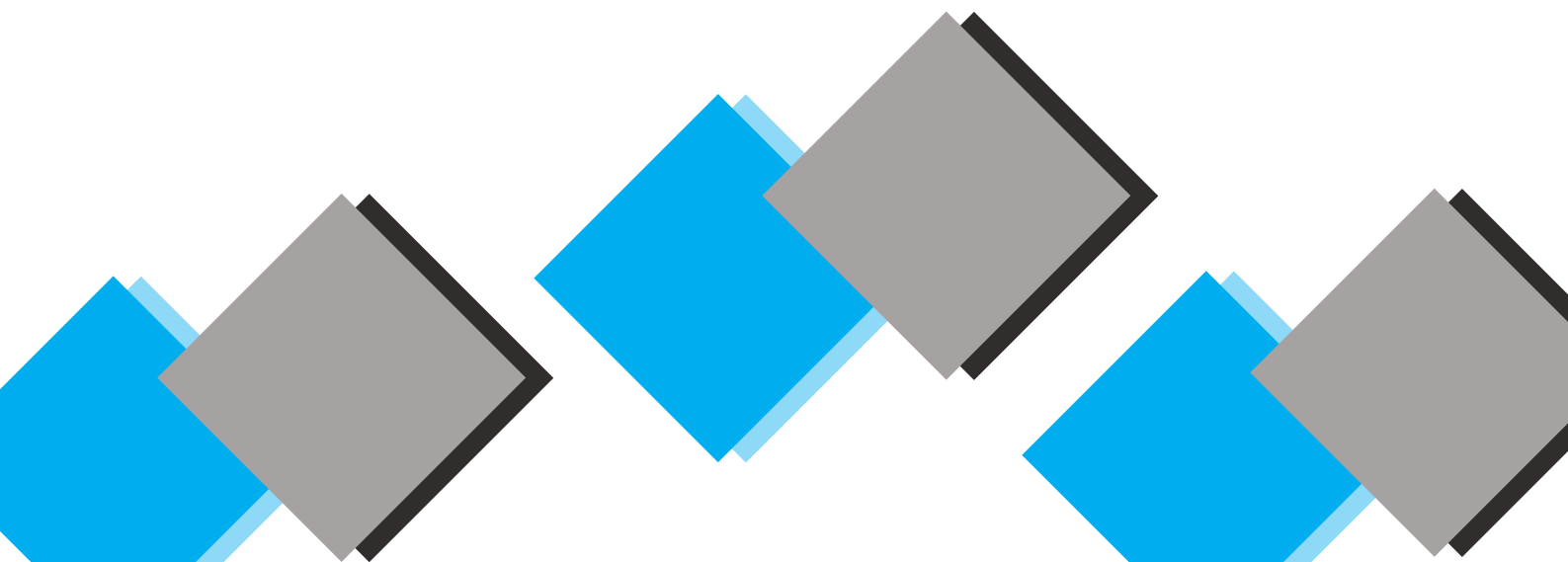
20- چند بحر عروضی را عرب ها بنا نهادند:

(1) نوزده بحر (2) پانزده بحر (3) هشت بحر (4) شانزده بحر

کلید جوابات عروض

پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ
1	1	6	3	11	4	16	2
2	2	7	2	12	4	17	1
3	3	8	1	13	3	18	1
4	4	9	1	14	3	19	3
5	1	10	2	15	4	20	4

فصل سوم - چکیده ها



چکیده‌ی موضوعات کانکوری

صنف دهم

جامعه انسانی: جامعه انسان‌ها، جامعه‌یی که در آن اصول و حقوق انسانی تامین شده باشد.

دموکراسی: نظام و سیستمی که بر اساس اراده مردم و از طریق انتخابات آزاد به وجود آید و در برابر ملت مسئول باشد.

استقلال: آزادی ملی، حقی که بر اساس آن هر کشور و ملتی سرنوشت، اختیار و آزادی خود را در همه امور داشته و از هیچ کشور و ملت دیگری فرمان نبرد.

ادبیات در قرن نهم و دهم هجری

- امیر تیمور کورگان سه بار بر خراسان و فارس هجوم آورد در نتیجه ملوک کُرت هرات، سربداران سبزوار و آل مظفر فارس از صحنه بدر رفتند.
- پس از مرگ امیر تیمور قلمرو وسیع او در میان فرزنداناش تجزیه شد و بالاخره فرزند چهارم او شاهرخ میرزا توانست که بخش بزرگی از قلمرو پدرش را تحت تسلط خود بیاورد. پایتخت او شهر باستانی هرات بود. او که می‌خواست ویرانی‌های پدر خود را جبران کند دست به اصلاحات وسیع زد.
- زوجه شاهرخ میرزا ملکه گوهرشاد بیگم دختر غیاث الدین ترخان بود.
- به دستور گوهرشاد بیگم بود که مسجد جامع هرات، خانقاه هرات، مدرسه هرات و مسجد جامع مشهد آباد گردید.
- پسر شاهرخ و گوهرشاد بیگم شهزاده بایسنقر میرزا کتابخانه بزرگی را بنیاد نهاد و در آن خطاطان معروف، منشیان و صحافان را فراخواند و از جمله متن جامع شهنامه فردوسی را تهیه نمود.
- شهزاده بایسنقر میرزا خود خطاطی چیره دست بود.
- اوج افتخار تیموریان هرات روزگار فرمان روایی سلطان حسین بایقرا و وزیر با تدبیرش امیرعلی شیرنوایی بود. سلطان حسین بایقرا و امیرعلی شیرنوایی هر دو به زبان های دری و ترکی مسلط بودند و به هر دو زبان شعر می‌گفتند.
- امیرعلی شیرنوایی، نورالدین عبدالرحمان جامی، عارفی هروی، هلالی چغتایی، ملاحسین واعظ کاشفی و دیگران از شعرای معروف این دوره هستند.
- یکی از شعرای عارف این دوره سیدعلی بن هارون بن ابولقاسم معروف به قاسم انوار است، که در عهد شاهرخ به هرات آمد، سپس رهسپار بلخ گردید. بعد از آن به هرات بازگشت و در سال 838 هـ ق. در همان جا دیده از جهان پوشید. دیوان اشعار و مثنوی‌های انیس العارفین و مقامات العارفین از اوست.

- از شاعران قابل یادآوری این عصر بابا فغانی شیرازی است، که در شیراز شغل چاقوسازی داشت و در آغاز سکاکی تخلص می‌کرد. او به دربار اوزون حسن تقرب جست. در اواخر عمر عزلت گزید و به عرفان پناه برد. بابا فغانی را از پیشگامان سبکی دانسته اند، که بعدها به سبک هندی معروف شد.
- سلطان حسین بایقرا، در سال ۸۷۲ هـ. ق. بر سریر سلطنت هرات تکیه زد و پس از ۳۹ سال حکومت در سال ۹۱۱ هـ. ق. چشم از جهان پوشید. پس از او سلطنت تیموریان هرات رو به انقراض رفت و قدرت به صفویان ایران انتقال یافت.
- شاهان صفوی که می‌خواستند تشیع را مذهب مسلط ایران بسازند، درگیر مبارزه با خلافت عثمانی گردیدند و بدین ترتیب بازار علم و دانش، شعر و هنر در ایران کساد گردید و دانشمندان و شاعرانی که در دربار صفوی اقبالی ندیدند روی به سوی هند نهادند و در آنجا با استقبال گرم سلاطین مغولی، که مؤسس آن سلسله، ظهردین محمد بابر بوده، روبرو شدند.
- شاعران قرن دهم هجری: فیضی دکنی، عرفی شیرازی، کلیم کاشانی، ناصرعلی سرهندی و دیگران که در دربار جهانگیر، اکبر و شاه جهان شاعری کرده اند.
- دیگر از شاعران مشهور قرن دهم هجری عرفی شیرازی‌ست، که در قصیده، مثنوی و غزل شاعری توانا بود؛ او مثنوی‌های مخزن الاسرار و خسرو شیرین نظامی را استقبال نموده است. عرفی در سال 936 هـ. ق. در شیراز به دنیا آمد و در سال ۹۹۹ هـ. ق. در لاهور دیده از جهان فرو بست.

بررسی‌های ادبی در این سده‌ها

- دوران سلاله تیموری به خصوص در سده‌های 9 و 10 دوران اعتلای سرزمین ماست. این خانواده با آن که خود ترک زبان بود، در پرورش و شکوهمندی ادب دری بسیار تلاش ورزیدند. بسیاری از کشورها مانند: ترکیه، هند، آذربایجان، نواحی گرجستان و توابع آنها به مثابه زبان ادبی رونق تازه یافت.
- کلمه‌های مغولی و ترکی از راه کاربرد اصطلاحات اداری، سیاسی و نظامی یکی از خصوصیت‌هایی ست که زبان و ادب دری در این دوران به آن دچار گردید؛ همچنان کار برد اصطلاحات و کلمات نا مانوس عربی در ادبیات دری زیاد شد. اطناب و تعقید به ویژه در نثر از خصوصیت برجسته آثار این دوره است.
- شعر و نثر این دوره تقلیدی از سبک‌ها و مکتب‌های گذشته است. مکتب خاصی در این دوره پدید نیامد.
- شعرای این دوره در غزل به پیروی از حافظ، سعدی و مولانا، در قصیده به روش رودکی، فرخی، ظهیر فاریابی و انوری و در مثنوی به شیوه فردوسی، نظامی، امیر خسرو دهلوی و مولانا جلال الدین بلخی طبع آزمایی کرده اند.

موزیم ملی

- موزیم ملی افغانستان برای اولین بار در سال 1297 هجری خورشیدی در منطقه باغ بالای کابل، برای نگهداری آثار تاریخی تأسیس شد.
- در سال‌های اولیه تأسیس این موزیم به نام «عجایب خانه» داشت.
- در 25 عقرب سال 1303 هجری خورشیدی، موزیم ملی افغانستان از باغ بالا به ارگ کابل منتقل شد و به شکل رسمی توسط امان الله خان افتتاح گردید.
- در اولین قانون اساسی که در زمان امان الله خان به تصویب رسید، یک ماده مفصل بر حفريات و حفظ آثار تاریخی اختصاص داده شد.
- بر اساس این قانون مقرر شد که «شعبه حفريات وموزه» زیر نظر وزارت معارف فعالیت کند. از مهم ترین کارهای این شعبه، کشف آثار تاریخی، حراست از این آثار و انتقال آنها به موزیم ملی بود.
- محمد علی کهزاد که کشف بسیاری از آثار تاریخی افغانستان مرهون تلاش های او بوده است.

عضویت در یونسکو

- در دوره حکومت محمد ظاهر شاه، افغانستان به عضویت سازمان علمی، آموزشی و فرهنگی ملل متحد یونسکو پذیرفته شد و کاوشگرانی از فرانسه، ایتالیا، آلمان و شوروی سابق، برای کشف آثار تاریخی افغانستان به کشور ما آمدند.
- حکومت سردار محمد داوود خان این موزیم به یکی از گنجینه های مهم منطقه تبدیل شد.

آثار موزیم

- آثار تاریخی از صدر اسلام همچون قرآن کریم به خط کوفی منسوب به قلم حضرت عثمان بن عفان (رض) خلیفه سوم اسلام، آیاتی از قرآن مجید منسوب به خط حضرت امام حسن و نیز قرآن کریم به خط کوفی که در سال‌های 1334 هـ. ش. در شهر «غلغله» کشف شده بود اشاره کرد.
- در ولایات هرات، میمنه، غزنی، بلخ و قندهار نیز چند موزم به وجود آمد، که موزیم هرات با بیش از 4000 اثر تاریخی، بیشترین آثار را در خود جای داده بود.
- عمران خان مسعودی در دوران جنگ‌های تحمیلی بیش از بیست هزار اثر موزیم را به جاهای امن منتقل کرد تا از بین نرود. وی در سال 1384 خورشیدی جایزه جهانی «شاهزاده کلاوس» هالند را به خاطر نجات آثار موزیم افغانستان دریافت کرد. وی نهمین دریافت کننده جایزه شاهزاده کلاوس به شمار می‌رود.
- موزیم ملی افغانستان اکنون در دارالامان قرار دارد که تا سال 1371 هـ. ش. نزدیک به صد هزار اثر تاریخی را در خود جای داده در ساختمان بازسازی شده موزیم ملی افغانستان اکنون نزدیک به چهل هزار اثر قرار دارد که در میان آنها آثار برجا مانده از دوران یونان و باختری، کوشانیان و دوره

اسلامی به چشم می‌خورد. کاری بازسازی این موزیم با هزینه 350 هزار دالر در سال 2003 میلادی آغاز شد و یک سال بعد به پایان رسید.

بلخ باستان

- به نام‌های ام البلاد (مادر شهرها)، قبه الاسلام، بلخ بامی و شهر شاهان اساطیری و پیشدادی معروف است. بلخ که روزگاری باختر نامیده می‌شد، این شهر به وسیله سربازان چنگیز کاملاً ویران و مردمش قتل عام گردید. بلخ نقطه پیوند برای بازرگانی میان شرق و غرب، و نیز برای بیش از هزار سال، محلی برای تبادلات بازرگانی و هنری بود.
- پادشاهان قدیم بلخ عبارت بودند از: پیشدادیان، کیانیان، اسپه‌ها که در شاهنامه فردوسی و روایات مؤرخان نیز از آن‌ها یاد شده است.
- بلخ مرکز و آغازگر زبان اوستایی و دین زردشتی بود. زردشت خود اهل و متولد شهر بلخ بود و به قول بیشتر مستشرقین زادگاه زردشت را بلخ، باختر یا (بخدی) می‌دانند.
- بنابر روایتی بنیادگذار بلخ، جمشید (یما) بوده است.
- اولین حمله مسلمانان به بلخ در سال 652 م. یعنی 32 هـ. ق. به سرکرده‌گی احنف بن قیس صورت گرفت. بلخ در سال 43 هـ. ق. دوباره به تصرف مسلمانان درآمد؛ ولی در زمان قتیبۀ بن مسلم (متوفی 96 هـ. ق.) بود که کاملاً مغلوب آنان شد.
- در دوره اعراب، بلخ همراه با هرات، نیشاپور و مرو یکی از چهار رکن خراسان بود. در سال 118 هـ. ق. اسد بن عبدالله قسری پایتخت خراسان را از مرو به بلخ منتقل کرد.
- عمرو لیث صفاری نزدیک بلخ مغلوب اسماعیل سامانی شد و به قتل رسید و بلخ تحت سلطۀ سامانیان درآمد.
- در سال 451 هـ. ق. سلجوقیان تصرفش کردند و در دوره تیموریان 911 هـ. ق. تا اندازه شکوه گذشته را باز یافت؛ ولی پس از بنای مزار شریف در 21 کیلومتری آن، بلخ رو به انحطاط گذاشت.
- از جاهای دیدنی این شهر کوچک، ویرانه مدرسه سبحانقلی خان، مسجد و معبد خواجه محمد پارسا، مسجد نه گنبد، مزار محمد بن حسین خطیبی پدرکلان حضرت مولانا، مزار رابعۀ بلخی، مزار خواجه عکاشه و غیره می‌باشد.
- پروژه بازسازی شهر کوچک بلخ در سال 1312 هـ. ش. مطابق 1934 م. شروع شد.
- بلخ یکی از مراکز صنایع پنبه، پوست قره قل و قالین می‌باشد.
- بادام کاغذی و خربوزه بلخ هم در سراسر افغانستان شهرت دارد.
- رابعه بلخی، دقیقی بلخی، عنصری بلخی، ابن سینای بلخی، ابوالمؤید بلخی، شهید بلخی، حضرت مولانا جلال محمد بلخی از همین شهر برخاسته اند.

هنرهای هفتگانه

- هنرهای هفتگانه شامل موسیقی، نقاشی، ادبیات، مجسمه سازی (پیکر تراشی)، معماری، تاتر و سینما می‌باشد.

موسیقی

- موسیقی، به هر نوا و صدایی گفته می‌شود که شنیدنی و خوشایند باشد.
- موسیقی بیان احساسات انسان است به وسیله اصوات که مهم‌ترین عامل آن صدا و ریتم می‌باشد.
- تعریف پیشینان از موسیقی: معرفت الحان و آنچه التیام الحان بدان بود و بدان کامل شود.
- ارسطو موسیقی را یکی از شاخه‌های ریاضی می‌دانست.
- موسیقی در حقیقت بیان اندیشه در قالب اصوات است.

نقاشی یا نگاری نگری

- نقاشی به اثری می‌گویند که رنگ به روی سطحی مانند کاغذ یا دیوار به جا می‌گذارد.
- نقاشی نسبت به زبان نوشتاری دارای پیشینه بسیار قدیمی است. قدامت نقاشی در بین انسان‌ها، شش برابر قدامت استفاده از زبان نوشتاری است. کهن‌ترین نقاشی‌های شناخته شده مربوط به 20000 ق.م. است.

مجسمه سازی یا پیکر تراشی

- کهن‌ترین مجسمه را متعلق به 30000 سال پیش دانسته اند. در عصر قدیم مردمان ماقبل تاریخ مجسمه‌هایی از استخوان و عاج می‌ساختند.
- مجسمه سازی هنر همگذاری یا ریخت دادن اشیاء است که به آن تندیس، پیکره یا مجسمه گفته می‌شود.
- هر پیکر سه بعدی که به منظور دارا بودن یک بیان هنری آفریده شده را می‌توان تندیس نامید.
- یونانیان مجسمه‌هایی می‌ساختند و در معابد خود قرار داده آنها را پرستش می‌نمودند، آنان مجسمه‌های سنگی و برنزی نیز از قهرمانان خود در میدان‌ها و معابر عمومی می‌گذاشتند.
- مصریان نیز مجسمه‌های شان را به صورت موجوداتی در سنگ یا برنز ساخته و در معابدشان قرار می‌دادند.

معماری

- معماری هنر ساختمان است.
- عمومی‌ترین کار معماری طراحی و ساخت خانه‌ها، پل‌ها، مساجد، ساختمان‌های ادارات، کارخانه‌ها و بناها می‌باشد. معماری در کشور ما تاریخ 6000 سال دارد.

ادبیات

ادبیات هنری ست لسانی، که به صورت منشور و منظوم، شفاهی و نگارشی پدید می‌آید.

تئاتر

- آغاز تئاتر یا نمایش به یونان باستان باز می‌گردد.
- تیاتر دارای تاریخ دو هزار ساله بوده یکی از ابزار بیانی قدرتمند انسان در عرصه طرح مفاهیم و مسایل انسانی است.
- تیاتر بیان بی واسطه یک روایت توسط انسان برای انسان دیگر است.
- نور، صدا، صحنه پردازی و... امکانات و ابزاری هستند که برقراری ارتباط بهتر و مطلوب با تماشاگر را تسهیل کرده اند.

سینما

- در سال 1895م. سینما از ابتدای پیدایش یک هنر نبود؛ بلکه آن را تصویر متحرک می‌خواندند.
- تقریباً بیست سال طول کشید که سینما تکامل یافت و به عنوان یک هنر شناخته شد.
- در آغاز سینما را بیشتر یک پدیده علمی-صنعتی می‌دانستند.
- در سال‌های جنگ جهانی اول سینما به عنوان یک وسیله نمایشی و سرگرمی رونق تجاری یافت.
- قابلیت‌های هنری سینما توسط فلم‌سازان اروپایی و امریکایی کشف و شگوفا گردیده، در همان سال‌ها آن را هنر هفتم نامیدند.
- یکی از ویژه‌گی‌های سینما جمعی بودن آن است.
- نخست سینما صامت و بدون صدا و فلم‌ها سیاه و سفید بود؛ پس از اواخر دهه 1920م. عصر فلم صدا دار آغاز شد.
- از اواخر سال 1930م. با اختراع فلم رنگه سینمای رنگه به میان آمد.

رباعی

- رباعی عبارت از قالب شعری ست که دارای چهار مصراع بوده، مصراع اول، دوم و چهارم آن دارای قافیه واحد باشد.
- معنای رباعی اغلب در مصراع آخر تکمیل می‌گردد.
- رباعی در ادبیات عرب وجود ندارد.
- این قالب شعری در آغاز دور اسلامی در سرزمین ما پدید آمد.
- از دوره سامانیان شهید بلخی، ابوشکور بلخی، رودکی، ابن سینا، ابو سعید ابوالخیر، بابا طاهرعریان و خواجه عبدالله انصاری بدان روی آوردند و با عمر خیام به ذروه کمال رسید.
- مولانا جلال الدین محمد بلخی، سعدی، حافظ، بیدل و.... رباعیاتی سروده اند.

بابر نامه

- بابرنامه یا وقایع بابری که به نام «توزوک» بابر معروف است؛ تألیف ظهیرالدین محمد بابر شاه فرزند عمر شیخ و نواده تیمور کورگان، بنیان‌گذار سلسله کورگانیان هند می‌باشد.
- او در سال 899 هجری به سن 12 سالگی در فرغانه به جای پدر به تخت نشست.
- وی در سال 1504-1525 م. در بدخشان حکومت نموده؛ سپس قصد تسخیر هند کرد.
- پس از فتح پانی پت سلطان ابراهیم لودی پادشاه دهلی را شکست داد. در سال 1526 م. آگره دهلی و شمال هندوستان را از رود سند تا بنگال تصرف کرد.
- بابر در سال 910 هجری کابل و نواحی آن را تصرف کرد و این شهر باستانی را پایتخت خود قرار داد.
- بابر در سال 1530 م. در آگره هند وفات یافت. جسدش بنابر وصیت وی در کابل به خاک سپرده شد.
- پس از وفات بابر فرزندش همایون شاه به تخت سلطنت نشست.
- بابرنامه یکی از کتب جامع تاریخی در سده شانزدهم میلادی است، که در مورد تاریخ و جغرافیای افغانستان، آسیای میانه و هندوستان به ویژه دوره تیموریان می‌توان معلومات دقیق از آن حاصل کرد.
- بابرنامه به زبان ترکی چغتایی و با نثر ساده نگاشته شده است و حوادث سال‌های 899-936 هجری قمری را در بر می‌گیرد.
- بابرنامه از جنبه‌های مختلف تاریخی، جغرافیایی، مردم شناسی و ادبی دارای ارزش و اهمیت فراوان می‌باشد.
- این اثر توسط ادیب معروف آن روزگار عبدالرحیم خانخانا فرزند بیرام خان شاعر و مؤرخ نام آور از زبان ترکی چغتایی به زبان دری ترجمه گردیده است.
- از گفته‌های بابر و معلومات دخترش گلبدن بیگم در همایون نامه معلوم می‌شود که اول این کتاب به نام «واقعہ نامہ» یاد می‌شده است.
- بابرنامه به زبان‌های مختلف در ترکیه، انگلستان، آلمان، فرانسه، هندوستان و جاپان چندین بار چاپ گردیده است.

خانواده‌ی زبان‌ها

- زبان‌شناسان شمار زبان‌های جهان را بیش از ۳۰۰۰ تخمین کرده است.
- زبان‌شناسان برای مطالعه‌ی بیشتر و تثبیت زبان‌های هم‌ریشه به بخش بندی زبان‌ها پرداختند.
- نخست به بخش بندی بر اساس ساختمان زبان پرداختند.
- سپس با پیشرفت زبان‌شناسی تطبیقی و تاریخی به جای طبقه بندی بر پایه‌ی ساختمان به طبقه بندی بر اساس خانواده روی آوردند.

۱. خانواده‌ی زبان‌های هند و اروپایی

- هیچ خانواده‌ی زبانی مثل هند و اروپایی به طور همه جانبه مطالعه نشده است.
- هند و اروپایی یک خانواده‌ی خیلی دلچسپ بوده که بیشترین اسناد نوشتاری شاخه‌های آن از زمان‌های مختلفی حفظ شده است.
- زبان‌های هند و اروپایی به مجموعه‌ی زبان‌هایی گفته می‌شود که دارای ریشه‌ی مشترک بوده و دامنه‌ی از نیم قاره‌ی هند تا قاره‌ی امریکا گسترده می‌باشد.
- بیشتر دانشمندان نخستین پرورشگاه هند و اروپایی را سرزمین‌هایی بین سیر دریا و آمو دریا می‌دانند که گوینده‌گان نخست از مناطق متذکره برخاسته، از راه جنوب اورال و شمال بحیره‌ی خزر به سمت خاور رهسپار شدند و برخی دیگر از شمال اکسوس (رود آمو) به طرف جنوب مهاجرت کردند.
- میان زبان‌های هند و اروپایی؛ مانند: لاتین، سانسکریت و... شباهت‌هایی وجود دارد که این تشابهات نه تنها در عرصه‌ی همگونی واژه‌ها؛ بل از دیدگاه دستوری (گرامری) نیز همانندی‌هایی را دارا می‌باشد.
- تشابه دستوری (گرامری) این زبان‌ها را نخستین بار در سال (۱۸۷۶ م.) گرامر مقایسوی به اثبات رسانید.
- زبان‌های باستانی سرزمین ما نیز از مشتقات هند و اروپایی بوده که از مشهورترین شاخه‌های آن باختری باستان، اوستایی و پهلوی خراسانی می‌باشد.
- شاخه‌ی هند و آریایی زبان‌هایی (باستانی و نوین) هند، ایران، افغانستان و برخی کشورهای دیگر همسایه را در بر می‌گیرد. مهم‌ترین و کهن‌ترین این زبان‌ها، زبان سانسکریت است.
- کهن‌ترین متن‌های زبان سانسکریت ویداه‌ها بوده که تاریخ نوشتن آنها به پیشتر از (۱۲۰۰ ق.م. می- رسد.
- بسیاری از زبان‌های نوین هند؛ مانند: بنگالی، هندی و مراتی از پساینده‌گان گونه‌های سانسکریت به شمار می‌رود.
- در جانب آریایی، دو زبان مهم فرس باستان و اوستا می‌باشد.

- از فرس باستان سنگ نوشته‌هایی از سده‌های پنجم و ششم م. در دست است.
- از اوستا کتاب‌های مقدس آیین زردشتی می‌باشد که در حدود سال‌های ۱۲۰۰ ق.م. نوشته شده، زبان - های فارسی-دری، کردی، پشتو و اوسی را در بر می‌گیرد.
- سه شاخه‌ی دیگر هند و اروپایی که هر کدام زبان جداگانه‌ی را می‌سازند؛ ارمنی، یونانی و البانی می - باشد.
- کهن‌ترین متن‌های ارمنی از سده‌های پنجم ق.م. تاریخ گذاری می‌شود.
- بخش‌های حماسه‌ی هومر، الیاد، و اودیسه شاید تا ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد برسد که زبان یونانی در نسخه‌هایی از سده‌ی هفتم چهره نما می‌شود.
- شاخه‌ی آلمانی هند و اروپایی به سه بخش خاوری، شمالی و باختری تقسیم می‌شود و زبان‌های نوین آلمانی شمالی دنمارکی، نارویژی، سویدنی و آیسلندی می‌باشد.
- دسته‌ی بالت و سلاوی به دو دسته‌ی فرعی جدا می‌شود: بالتی و سلاوی، که زبان‌های لیتوانی و لتوی اساس دسته‌ی بالتی را تشکیل می‌دهد و این زبان‌ها در جمهوری لتوانی و لتوی هنوز هم گپ زده می‌شود.
- مهم‌ترین زبان‌های سلاوی روسی می‌باشد. همچنان زبان‌های اوکراینی، چک، سلواک، کروتی و بلغاری نیز شامل این دسته می‌باشند.

۲. خانواده‌ی زبان‌های حامی، سامی

- پس از هند و اروپایی، دسته‌ی که بسیار بالای آن تحقیق صورت گرفته خانواده‌ی سامی‌ست که شامل زبان‌های سراسر شبه جزیره‌ی عربستان و قسمتی از سرزمین‌های عراق، سوریه، لبنان، فلسطین، اردن و افریقای شمالی، حبشه و سومالی است.
- **شاخه‌ی سامی:** شامل زبان‌های اکدی کهن (بابلی، آشوری) کنعانی، فنیقی، آرامی، سریانی، عربی، عبری و حبشی می‌باشد.
- **شاخه‌ی حامی:** شامل زبان‌های قبطی، مصری، نوشته‌های هیروگلیفی، زبان‌های لیبیایی و بربری قدیم می‌باشد.

۳. خانواده‌ی زبان‌های اورالی یا فینو اوگریک

- شامل زبان‌های فنلاندی، لاپنی، مجاری، استونی و همچنین زبان‌هایی که در اورال و بعضی از نقاط شوروی سابق به آنها سخن گفته می‌شوند.

۴. خانواده‌ی آلتایی یا تورانی

- آلتایی سه شاخه دارد:

۱. **شاخه‌ی ترکی:** برعلاوه‌ی زبان ترکی این شاخه شماری از زبان‌های آسیای میانه؛ مانند: اوزبیکی، قزاقی، قرغزی و غیره را در بر می‌گیرد.

۲. **شاخه‌ی تونگوز:** یکی از زبان‌های این شاخه مانچو است. زبان‌های ایقینکی و گولدی است؛ که این زبان‌ها را قبیله‌های پراکنده در سایبریای شمالی به کار می‌برند.

۳. **شاخه‌ی منگولیایی:** زبان رسمی مردم منگولیا و زبان‌های اقلیت‌های شوروی سابق و چین را شامل می‌شود.

۵. **خانواده‌ی زبان‌های چینی و تبتی:** شامل زبان‌های چینی، تبتی، برمایی، سیامی می‌باشد.

۶. **خانواده‌ی زبان‌های افریقایی:** شامل زبان‌های سومالیایی، گینه‌یی و بانتو می‌باشد.

۷. **خانواده‌ی زبان‌های اقیانوسیه:** شامل زبان‌های اندونیزی، پلنزی و ماله می‌باشد.

چکیده‌ی موضوعات کانکوری

صنف یازدهم

زبان و ادبیات چیست؟

تعریف زبان: زبان مجموعه‌ی از علایم صوتی، اکتسابی و قراردادی‌ست که افراد یک جامعه به منظور افهام و تفهیم آن را به کار می‌گیرند.

اهمیت زبان: زبان مهارتی‌ست که انسان با آن، آنچه را در ضمیر دارد ابراز می‌دارد و خاطرات قلبی و افکارش را بیان می‌کند و به کمک زبان آنچه را که دیگران در باطن دارند، در می‌یابد.

زبان و هویت: زبان جزیی از هویت فرهنگی انسان است؛ یعنی بیان کننده شخصیت فرهنگی و هویت تاریخ فرهنگی است.

ادبیات چیست؟ ادبیات مجموعه آثار هنری، لسانی، مکتوب و نامکتوب، منظوم و منثور یک جامعه است.

- ادبیات نوع ویژه از کلام است که در پی ایجاد زیبایی بوده و با آفرینش نو، نظر مخاطبان را جلب می‌کند.
- ادبیات از دیدگاه مفهوم و محتوا عبارت است از: حماسی، غنایی، نمایشی و تعلیمی.
- ادبیات از نظر شکل ظاهری و شیوه بیان: نظم و نثر
- ویژه‌گی و عناصر اساسی ادبیات: مقبولیت، ماندگاری، گستردگی.
- قدما ادب را دانشی شامل 9 علم می‌دانستند: لغت، صرف، نحو، معانی، بیان، عروض، قافیه، قوانین خط و قوانین قرائت.
- و بعضی‌ها اشتقاق، قرض الشعر، انشا و تاریخ را هم به آن افزوده اند.
- نزد قدما علم ادب عبارت بوده است از معرفت به احوال نظم و نثر از حیث درستی، نادرستی و مراتب آن.

فولکلور و ادبیات

- فولکلور از دو واژه آلمانی folk (مردم) و lore (دانش) تشکیل شده، به معنای دانش عوام، فرهنگ عامه، یا فرهنگ مردم است.
- فولکلور شناسی تا سال 1848 م. چندان معمول نبود.
- در قرن نوزدهم دو دانشمند آلمانی به نام‌های «یاکوب» و «گریم» نخستین کارهایی را در این راستا به ثمر نشانیدند.
- برای اولین بار «ویلیام جی تامس» با امضای مستعار «آمبرویزمرتین» در یک مجله انگلیسی، واژه فولکلور را به کار برد.

- مهم‌ترین بخش‌های آثار داستانی: قصه‌ها، افسانه‌های تاریخی، قهرمانی، عاشقانه، اخلاقی، پند آموز، رمزی و تمثیلی، طنز آمیز و تخیلی است.
- آثار غیر داستانی: ضرب المثل‌ها، چیستان‌ها، لطیفه‌ها، شوخی‌ها، هزل و بذل، بدیهه و حاضر جوابی در هر دو نوع نظم و نثر می‌باشد.
- فولکلور به دو بخش تقسیم می‌شود:
 - 1- ادبیات شفاهی؛
 - 2- فرهنگ مردم.

- ادبیات شفاهی متشکل از: ضرب المثل‌ها، دوبیتی‌ها، سرودها و ترانه‌ها، حکایات و قصه‌ها، افسانه‌ها، لغز و معما، چیستان، فکاهی و مطایبه، بدیهه، هزل و بذل.
- فرهنگ مردم متشکل است از: انواع بازی‌ها، دوخت‌ها، بافت‌ها، رسوم، آداب و سنن (سوگواری، عروسی، نذر و خیرات) و دیگر عنعنات مروج.

پیوند فولکلور با ادبیات

- بهترین آثار ادبیات قدیم دری در موجودیت مواد فولکلوری به وجود آمده است از جمله شاهنامه ابوالقاسم فردوسی بر بنیاد و الهام مواد اساطیری و روایات فولکلوری مردم آریایی نژاد ایجاد شده است.
- داستان‌هایی لیلی و مجنون، ویس و رامین، خسرو و شیرین، سلامان و ابسال، طالب و مطلوب و... همه با الهام از داشته‌های مردم خلق شده است.
- در آثار ابوعبدالله رودکی، ناصر خسرو، نظامی گنجوی، مولانا، حافظ، سعدی، کمال، عبید زاکانی، جامی، واصفی، هلالی، بیدل، نسفی، شاهین و دیگران تماماً از فرهنگ مردم و دانش مردمی سود جسته اند در آثارشان.

ادبیات دری در قرون ۱۱ و ۱۲

- در اواخر دوره‌ی تیموریان در عصر سلطان حسین بایقرا که آن را «رنسانس شرق» گویند، مکتب ادبی عراقی به افول گرایید.
- جامی آخرین نماینده‌ی مکتب عراقی می‌باشد.
- میان مکتب عراقی و هندی دوره‌ی متوسطی در قرن دهم پدید آمد که به نام مکتب «وصال» و «فراق» یاد می‌شود.
- شعر «وصال» از اوایل قرن شانزدهم میلادی به وسیله‌ی چند تن از شعرا؛ چون: هاتفی، اهلی شیرازی، هلالی چغتایی و بیش از همه بابا فغانی به وجود آمد.
- شعر «وصال» که بازتاب دهنده‌ی یک عشق واقعی‌ست؛ با بیانی ساده و مضامین تازه چهره می‌نماید.
- «وحشی بافقی» از نامدارترین چهره‌ها و نمایانگر برجسته‌ی مکتب «فراق» در شعر فارسی دری است.
- شعر وحشی بافقی با آن که از نظر بافت سخن و آهنگ آن با اشعار همروزگارانش تفاوت چندانی ندارد؛ اما از نظر بیان سوز دل و حالت شوریدگی یک عشق واقعی و سادگی بیان، صادقانه‌ترین و شیرین‌ترین شعر آن دوره به شمار می‌رود.
- اگر مکتب «وصال» رسیدن عاشق را به معشوقه‌ی واقعی نه صوری و مجازی؛ با کلام شیرین و تصاویر دلنشین، بیان کرده است؛ مکتب «فراق» از شکست و ناکامی عاشق و عدم رسیدن او به وصال یار با سوز و گداز و زبان ساده و تصاویر عام فهم و محسوس، سخن به میان آورده است.
- تفاوت مکتب «وصال» و «فراق» نه در شیوه‌های بیان، بلکه در چگونگی رسیدن و نا رسیدن عاشق به وصال است.
- در مکتب هندی، «تک بیت» اساس کار غزل است که در آن صور خیال با ایجاز و ایهام بیان می‌شود.
- شاعران مکتب هندی در دربار شاهان هند؛ چون: جلال الدین اکبر، جهانگیر، شاه جهان و اورنگزیب گرد آمدند.
- عرفی شیرازی، قدسی مشهدی، ظهوری ترشیزی، طالب آملی، کلیم کاشانی و صایب تبریزی که همه از فارس (ایران امروز) بودند؛ به هندوستان رفتند.
- فیضی دکنی، جلال اسیر، حزین لاهیجی، طالب آملی، میرزا عبدالقادر بیدل، غنی کشمیری، محمد حسین نظیری نیشاپوری، ناصر علی سرهندی، هلالی چغتایی، وحشی بافقی که در ماورالنهر، خراسان، هند و ایران می‌زیستند؛ در غنا و تکمیل مکتب هندی نقش به سزایی از خود برجای گذاشته اند.
- کلیم کاشانی، صایب تبریزی و میرزا عبدالقادر بیدل در اوج مکتب هندی قرار دارند.
- در کلام بیدل تمام ویژگی‌های مکتب هندی به چشم می‌خورد.

- پیروان مکتب هندی به غیر از دهلی و آگره، در قندهار، بدخشان، بلخ، هرات، غزنه، کابل، اصفهان، شیراز، سمرقند و بخارا به سبک این مکتب به انشا و ابداع آثار شان پرداخته اند.
- در قندهار احمدشاه ابدالی، پسرش تیمورشاه و شماری از درباریانش ذوق شعر و ادب داشتند. در دربار تیمورشاه در کابل حلقه‌ی ادبی تشکیل شده بود که اعضای آن تیمورشاه، میرهوتک افغان، لعل محمد عاجز (طیب دربار) میرزا قلندر و شماری دیگر بودند که به طرز بیدل مشاعره‌هایی انجام می‌دادند.

شعر و اقسام محتوایی آن

- کلمه شعر برگرفته از کلمه «شعور» عربی ست معنای لغوی این واژه قوه ادراک یا احساس است.
- چون شعر با قوه ادراک، احساس و تخیل انسان سروکار دارد پس آن را شعر نامیده اند.
- شعر برانگیزنده تخیل و شعور انسان است.
- رساله «ایون» اثر افلاطون است که وی مایه و انگیزه سرودن شعر را الهام می‌داند.
- سقراط می‌گوید: «شاعران در حالت بی‌خودگی شعر می‌سرایند و آهنگ و وزن شعر آنها را مسحور می‌کند».
- ارستو شعر را سخن موزون می‌داند و می‌گوید که وزن ملازم دایمی شعر است و هیچ گاه شعر از وزن جدایی ندارد. همچنان وی معتقد بوده است که گرایش به توازن و آهنگ (هماهنگی) خود در نهاد فطری و غریزی انسان نهفته است.
- ابو علی بن سینا بلخی در تعریف شعر وزن را یک رکن اساسی شعر می‌داند و پذیرش هرگونه اثر زیر نام شعر را منوط به موزون بودن آن می‌داند. وی در تعریف شعر می‌گوید: «شعر سخنی ست رسا و خیال انگیز که از اقوال موزون و متساوی ساخته شده باشد».
- ابن خلدون نیز در تعریف شعر می‌گوید: «شعر سخنی ست مرکب از پارچه‌های نوشتاری گسسته که همه پارچه‌ها از وزن واحد پیروی نموده و حرف آخرشان با هم یکسان باشد. هر بیت خود بیانگر معنای مستقل است که از نظر القای معنایی نسبت به بیت قبلی و بعدی استقلال کامل دارد؛ چنانچه اگر بیتی را خارج از دایره بیان کلی یک شعر مطالعه کنیم خود به تنهایی بیانگر معنای مستقل باشد».
- شمس قیس رازی در کتاب «المعجم فی المعاییر اشعار العجم» و خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب «معیار الاشعار» بر علاوه عناصر ترکیبی دیگر شعر بر دو عنصر «خیال انگیزی» و «وزن» تاکید بیشتر دارند.
- «گوته» و «لاندرو» شعر را نوعی از هنرهای بیانی می‌داند که تعریف آن وابسته است به قوت تصویر پردازی هنری آن در ذهن.
- «ستدمن» در این مورد می‌گوید: «شعر زبان موزون تخیل و انعکاس دهنده معنای نو اندیشه، عاطفه و اسرار روح بشری است».
- شعر سخن است موزون یا آهنگین که تصویر پردازی هنری آن موجب خیال انگیزی در ذهن شود.

اقسام محتوایی شعر

- 1- **حماسی:** حماسه در لغت به معنای دلاوری و شجاعت است.
 - حماسه از زمانی که ملتی در راه حصول عظمت و تمدن گام نهاده است سخن می‌گوید.
 - در آن سخن از جنگ‌های است که برای استقلال یا بیرون راندن و شکست دشمن یا کسب نام و به دست آوردن ثروت صورت گرفته است.
- 2- **غنایی:** اشعار غنایی آن است که احساسات و عواطف شخصی را به صورت کوتاه مطرح کند.
 - عرب‌ها نیز اشعار عاشقانه و عاطفی را به نام «الشعر الغنایی» یاد می‌کنند.
 - معادل قدیم آن «غزل» است.
 - در شعر دری ادب غنایی به صورت داستان، مرثیه، مناجات، گلایه و تغزل در قالب‌های غزل، رباعی، مثنوی و حتی قصیده مطرح می‌شود.
- 3- **مدحی و هجوی:** مدح مضمون اصلی قصیده است.
 - در مدح باید شخص را بیش از آن که هست بنمایانند و به اصطلاح چهره‌یی را اسطوره کنند.
 - در هجو که صورت منظوم دارد، شاعر همه کوشش خود را به کار می‌برد تا طرف را هجو کند و در این زمینه کار را به غلو و گاهی به زشت نگاری می‌رساند.
 - مقدار زیاد اشعار شاعران ما در مدح پادشاهان و بزرگان بوده است.
- 4- **تعلیمی:** به سروده‌هایی گفته می‌شود که علمی را برای خواننده تشریح کند و یا مسایل دینی، اخلاقی، مذهبی و فلسفی را در قالب‌های شعری عرضه دارد.
 - اما در علوم عملی هم نظم‌هایی سروده شده است؛ مانند: نور الانوار از بحر الاسرار مظفر علیشاه کرمانی در علم کیمیا.
- 5- **مرثیه:** مرثیه از نظر ماهیت جز ادب غنایی است.
 - مرثیه در نخستین دیوان شعر دری یعنی «دیوان رودکی» دیده می‌شود.
 - مرثیه‌ها اغلب در باره مرگ پادشاهان، صاحبان قدرت و مقام یا بزرگان علم و ادب سروده شده است.
 - بعضی مرثیه‌ها هم در مورد فوت یکی از خویشان است؛ مانند: مراثی فردوسی، خاقانی و حافظ در باره مرگ فرزندان‌شان.
 - گاهی مرثیه در سوگ کسی سروده نشده است؛ بلکه در باره از بین رفتن ارزش‌ها و گذشت ایام جوانی و شادکامی یا از بین رفتن عظمت یک تمدن است.
 - مرثیه ممکن است در هر قالبی باشد: قصیده و قطعه، ترجیع بند و ترکیب بند و گاهی هم غزل و رباعی و مثنوی.

6- طنزی: طنز از اقسام هجو است.

- فرق طنز با هجو این است که تندی و تیزی و صراحت هجو در طنز نیست.
- در طنز معمولاً مقاصد اصلاح طلبانه و اجتماعی مطرح است.
- طنز کاستن از مقام و کیفیت کسی یا چیزی است به نحوی که باعث خنده و سرگرمی شود و نیز گاهی در آن تحقیر باشد.

7- مناظره: مناظره نیز از نظر ساختمان جز ادب حماسی است؛ زیرا در آن بین دو چیز بر سر برتری و فضیلت بر دیگری نزاع و اختلاف در می‌گیرد.

- ظاهراً اولین شاعر که به نوع ادبی مناظره پرداخته است اسدی (صاحب گرشاسبنامه) است او مناظراتی به نام‌های «آسمان و زمین»، «مغ و مسلمان»، «نیزه و کمان»، «شب و روز» و «عرب و پارسی» به جا مانده است.
- قالب شعری مناظره قصیده یا قطعه است.

8- حبسیه: حبسیه از فروع ادب غنایی می‌باشد و در آن شاعر اندوه و رنج خود را در زندان توصیف می‌کند.

- نخستین و بیشترین حبسیه‌ها در دیوان مسعود سعد سلمان دیده می‌شود؛ چنان که خاقانی چند حبسیه دارد.
- غیر از آنچه گفته آمد محتویات دیگری؛ مانند: دینی، انتقادی، وصفی و قصصی، مناجات و غیره نیز در اشعار زبان دری موجود است.

انجمن‌های ادبی افغانستان

- انجمن جایی‌ست که گروهی به طور موقت یا دائم برای مشوره در امری گرد هم بیایند.
- انجمن ادبی گردهمایی ادیبان، شاعران و نویسندگان به منظور کار بر روی مسایل ادبی در زیر چتر یک سازمان یا بنیاد را نامند.
- شکل رسمی انجمن ادبی در افغانستان با تشکیل (انجمن ادبی کابل) در 15 ماه جوزای سال 1310 هـ.ش. آغاز شد.

1- انجمن ادبی کابل

- انجمن ادبی کابل با مدیریت محمد انورخان بسمل به میان آمده؛ مرامنامه‌ی در 14 ماده تدوین کرد و در آن هدف اصلی خود را همسان کردن اصول نگارش و ایجاد سبک معین نظم و نثر، تربیت روحیه ادبی و تکامل آن و تحقیق در تاریخ افغانستان خواند.
- این انجمن به نشر (مجله کابل) پرداخت که تا 12 شماره انتشار یافت.
- همچنان سالنامه‌ی به نام (سالنامه مجله کابل) از سوی این انجمن نشر می‌شد.

- شعبه‌های تاریخ، تالیف، ترجمه، لغت، ادب عامه و ادبیات جز تشکیل انجمن ادبی کابل بود.
- نخستین اعضای آن ملک الشعرا قاری عبدالله، استاد بیتاب، عبدالعلی مستغنی، میرغلام محمد غبار، غلام سرور جویا، محمد سرور جویا و دیگران بودند.
- انجمن ادبی کابل حدود 7 سال فعالیت داشت.
- انجمن کتابخانه‌ی کوچکی با کتاب‌های علمی، تاریخی، ادبی و لغت به زبان‌های دری و پشتو، عربی، انگلیسی، ترکی و فرانسوی تاسیس نمود.
- تالیف، ترجمه و تصحیح کتاب‌های متعدد از دیگر فعالیت‌های مهم انجمن ادبی کابل شمرده می‌شد.
- از نخستین کتاب‌های که انجمن تالیف نمود اخلاق عسکری، قرایت فارسی برای صنوف چهارم و پنجم، تاریخ افغانستان، تاریخ ادبیات افغانستان و تذکره مشاهیر افغانستان را می‌توان نام برد.
- یکی دیگر از کارهای بزرگ این انجمن تدوین دایرة المعارف آریانا بود که اولین شماره آن در سال 1327 هـ.ش. به زبان‌های دری و پشتو منتشر شد.

2- انجمن ادبی هرات

- این انجمن در سال 1309 هـ.ش. به ریاست قاضی محمد صدیق خان تشکیل شد و پس از انجمن ادبی کابل رسمیت یافت.
- انجمن مذکور ماهنامه‌ی را به نام «مجله هرات» در موضوعات ادبی، تاریخی، هنری و اجتماعی به چاپ می‌رساند.
- نخستین شماره این ماهنامه در 15 حوت 1310 هـ.ش. منتشر شد و انتشار آن تا سال 1348 هـ.ش. ادامه داشت.
- از اعضای انجمن می‌توان از منشی عبدالکریم احرار و محمد سرور جویا نام برد.
- کنفرانس‌های آموزنده و بزمهای ادبی آگاهی دهنده و چاپ آثار قلم زنان هرات در نامه انجمن از دستاوردهای این نهاد است.
- این انجمن به مدت 11 سال از 1311 تا 1322 هـ.ش. فعالیت داشت و با انتشار 144 شماره مجله ادبی هرات خدمات پر ارجی را انجام داد.

3- انجمن ادبی قندهار

- این انجمن در سال 1311 هـ.ش. شروع به فعالیت کرد.
- انجمن ادبی قندهار «مجله قندهار» را به زبان پشتو به نشر می‌رساند.

چکیده‌ی موضوعات کانکوری

صنف دوازدهم

نثر مسجع: نثری است که در آن جمله‌ها دارای سجع باشد، سجع در نثر به منزله‌ی قافیه است در شعر.

- سجع در لغت به معنای «آواز پرنده» است و عموماً «آواز فاخته و کبوتر» را گویند.
- و در اصطلاح، آوردن کلمات هم وزن یا هم قافیه است در پایان جمله‌ها.

ادبیات از دیدگاه اسلام

- واژه ادب به معنای تادیب، تهذیب و برخی هم به معنی معارف و تجربه‌های انسانی گفته اند و نیز این واژه به معنای تادیب و آموزش انسان و توجیه به سوی خوبی‌ها و زیبایی‌های کلامی و کرداری و دعوت به امور خیر و ارزش‌های عالی می‌باشد.
- پیامبر(ص) در مورد ادب فرموده: «همانا قرآن ادبگاه خداوند بر روی زمین است؛ پس از این بیاموزید» و «پروردگارم مرا ادب آموخت، پس تادیب مرا نیکو گردانید».
- معنای لغوی «ادب» دانش، فرهنگ، معرفت، روش پسندیده، خوی خوش و «آداب» جمع کلمه ادب است.
- «علم ادب» دانشی است که با تسلط بر آن، شخص می‌تواند درست شعر بگوید و نثر زیبا بنویسد، سخن درست و نادرست و زشت و زیبا را تفکیک کند.
- واژه «ادبیات» به علمی اطلاق می‌شود که مربوط به «ادب» باشد که قدما این علوم را صرف، نحو، لغت، اشتقاق، معانی، بیان، بدیع، عروض و قافیه و بهره یافتن از هر علم به قدر حاجت دانسته اند.
- صاحب نظران عرصه ادب دو عنصر اساسی را در تعریف و مفهوم ادب ضروری می‌دانند که عبارتند از: «مفکوره» و «قالب فنی» و یا «مضمون» و «شکل هنری».
- صفات و ویژه‌گی‌های ادب اسلامی عبارتند از:

- 1- التزام عقیدتی و اخلاقی؛ 4- واقع گرایی؛
- 2- رسالت و هدفمندی؛ 5- مثبت گرایی و سازندگی؛
- 3- تکامل و فراگیری؛ 6- ادب برای ادب.

هنر برای هنر: در اواخر قرن نوزدهم مفکوره ادبی «هنر برای هنر» بر ضد مکتب ادبی «رومانتیسم» ظهور کرد.

- به عقیده پیروان این مکتب شاعر به هیچ وجه نمی‌خواهد شعرش دارای امید و آرزو و خواهشی باشد.
- فقط برای هنر محض احترام قایل است و به زیبایی شکل و طرز بیان اهمیت می‌دهد.

- به عقیده پیروان این طرز فکر «شعر نباید بخنداند و نه بگریاند؛ بلکه باید فقط زیبا باشد و هدف خود را در خود بجوید».

ادبیات دری در قرون ۱۳ و ۱۴

- سده‌ی سیزدهم هجری قمری از روزگاران پر آشوب و بی‌سامان تاریخ کشور ما دانسته می‌شود.
- در امتداد سده‌ی سیزدهم بیش از (۳۰۰) تن انسان متفکر و صاحب نظر و با فضیلت به سر می‌بردند که اهل سخن و ادب بوده، آثاری از خویش بر جای نهاده‌اند.
- میرزا محمد نبی دبیرمتخلص به واصل، میر مجتبی الفت، محمد محسن دبیر، ادیب پیشاوری، جنید الله حاذق، عبدالواحد صدر صریر، لعل محمد عاجز، محمد نبی احقر، حبیب الله آخندزاده یا محقق قندهاری، مهردل مشرقی، عبدالواسع طبیب، ولی طواف کابلی، گل محمد افغان، میر هوتک افغان، حمید کشمیری، کلب علی شرر جغتویی، غلام محمد طرزی، میر ظهور الدین ظهور انصاری و دیگر از نام‌آوران سده‌ی سیزدهم می‌باشند.
- در دهه‌های وسطی سده‌ی چهاردهم، تکلفات مصنوع و منشیانه‌ی سده‌ی گذشته در شعر و در نثر کنار گذاشته شده و ساده نویسی آغاز می‌یابد، انواع دیگر ادبی؛ مانند: داستان کوتاه، طنز، شعر نو و اندکی بعدتر رمان نویسی در ادبیات ما راه باز می‌کند و معانی و مفاهیم نو در شعر گنجانیده می‌شود.
- بنا بر اسناد موجود، سه شاعر در افغانستان اولین شعرهای نو را سروده‌اند که نخستین آن استاد خلیل الله خلیلی می‌باشد. شاعر دومی استاد محمد یوسف «آیین» است که دو شعر دارد: یکی «بهار کابل» و شعر دیگرش در باره‌ی استقلال است. شاعر سومی هم فتح محمد منتظر است.
- در مدارس دینی و مساجد در کنار علوم دینی، بوستان و گلستان سعدی، دیوان حافظ و بهارستان جامی تدریس می‌شد.
- شهنامه خوانی و مثنوی خوانی در شب‌های زمستان یکی از عادت مردم ما بود.
- بعدها حاجی اسماعیل سیاه‌هراتی و شایق جمال با وصف حاکمیت سانسور توانستند طنز منظوم را رواج بدهند. سپس ضیا قاریزاده، عبدالصبور غفوری، مینه‌ور، غلام علی امید، شایق جمال، شیرعلی قانون، طالب قندهاری، ناصر نصیب از رواج دهنده‌گان طنز منظوم در افغانستان‌اند.
- نخستین اثر داستانی «جهاد اکبر» از مولوی محمد حسین است که در چندین شماره‌ی پیه‌م مجله‌ی «معرف معارف» به نشر می‌رسید.
- دومین داستان دری «تصویر عبرت» نام دارد. «جشن استقلال بولیویا» اثر مرتضی احمد محمد زایی و «ندای طلبه‌ی معارف» از محیی الدین انیس از دیگر داستان‌های دری می‌باشند.

- نمونه‌های نثر ساده و فصیح در آثار اینها قابل ملاحظه است: سلمان علی جاغوری، عزیزالرحمن فتحی، نجیب الله توروایانا، محمد شفیع رهگذر، محمد عثمان صدقی، محمد حیدر ژوبل، محمد حسین غمین، عبدالغفور برشنا، علی احمد نعیمی، میر محمد صدیق فرهنگ، ماگه رحمانی و دیگران.
- ویژگی‌های نثر داستانی در این دوره عبارتند از:
 - ۱- کلمات و واژه‌های فارسی دری آنبر عربی غلبه‌ی کلی دارد.
 - ۲- فیصدی ناچیز لغات عربی و بقیه دری خالص است.
 - ۳- لغات دری آن غالباً ساده و روان است و واژه‌هایی به کاربرده شده که در گفتگوهای روزانه رواج کامل داشته است.
 - ۴- از موازنه، مترادفات، سجع و دیگر صنایع ادبی خالی است.

کلیله و دمنه

- مجموعه ارزشمندی از دانش و حکمت است.
- اصل کتاب به زبان سانسکریت بوده که به نام پنجه تتره «Panchatantra» در پنج باب بود.
- برزویه طبیب مروزی در عصر انوشیروان خسرو پسر قباد پادشاه ساسانی آن را به پهلوی در آورد و ابواب و حکایاتی چند در آن اضافه کرد.
- نام‌های این کتاب: کلیله و دمنه، انوار سهیلی، عیار دانش، همایون نامه و افسانه‌های بید پای.
- کلیله و دمنه در زمان سلطان بهرام شاه غزنوی بازهم به زبان دری تکثیر شد که به نام کلیله و دمنه بهرامشاهی نیز یاد می‌شود.
- نام کتاب از نام دو شغال گرفته شده است.
- ابن ندیم کلیله و دمنه را در 17 و 18 باب می‌داند.
- رودکی و در سال 1384 هـ.ش. میربهادر واصفی بدخشی آن را به نظم دری کشیده اند.
- علی بن داوود و بشر نیز این کتاب را به شعر عربی در آورده اند.
- عبدالله بن مقفع این کتاب را از پهلوی به عربی ترجمه کرده است.
- برخی‌ها عقیده دارند که این کتاب به دستور خسرو انوشیروان توسط طبیبی به نام برزوی یا برزویه از هندوستان به کشور ما آمد و به زبان پهلوی ترجمه شد.
- ابوالمعالی نصرالله بن محمد بن عبدالحمید منشی کلیله و دمنه را که در زمان بهرام شاه غزنوی ترجمه کرده، می‌گوید که کتاب کلیله و دمنه 15 باب است.

- اصل کتاب را که هندوان نوشته اند 10 باب می‌باشد.
 - دری زبانان آن را از هندوستان آورده؛ بدان 2 باب افزوده اند:
 - 1- داستان ماموریت برزویه در هندوستان؛
 - 2- زندگانی برزویه.
 - کتاب پنج‌تترا با کلیله و دمنه شباهت تام دارد.
 - کلیله و دمنه ترجمه و تحریر نصرالله منشی از لحاظ انشا و تحریر بهتر و برتر از همه ترجمه‌های دیگر است.
 - نصرالله منشی در کتابش کالبد اصلی داستان را از ترجمه ابن مقفع می‌گیرد.
 - نصرالله منشی در کتابش، علاوه بر افزودن چند باب؛ داستان‌ها را گسترش می‌دهد؛ در میان داستان، عبرت آموزی‌ها می‌کند؛ هر جا لازم بداند، تمثیل و یا تلمیح می‌افزاید؛ به آیات قرآنی و احادیث نبوی استشهاد می‌کند؛ اشعار دری و عربی را متناسب می‌آورد و از نظر کیفی نثر کلیله و دمنه مصنوع است.
 - **پنجه تترا:** قصه‌های هندی بوده به برهمنی و یشنویی منسوب است.
 - در اواخر قرن پنجم میلادی تدوین و از پنج کتاب تشکیل شده است:
- (پنجا = پنج، تترا = اندرز)
- 1- جدایی دوستان؛
 - 2- به دست آوردن دوستان؛
 - 3- جنگ بومان و زاغان؛
 - 4- از دست دادن مزایای مکتب؛
 - 5- فاعل اعمال نسنجیده.
- کتاب اصلی توسط برهمنی و یشنویی گردآوری شده که در قرن سوم پس از میلاد در کشمیر می‌زیسته است.
 - این کتاب شامل یک مقدمه و پنج باب است که هریک به نام «تترا» نامیده می‌شود.

شعر دری از لحاظ قالب شعری

- انواع شعر دری را از لحاظ شکل و قالب می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:
- 1- **انواع شعر کلاسیک:** قصیده، غزل، مثنوی، رباعی، قطعه، مسمط، ترکیب بند، ترجیع بند، مستزاد و دوبیتی.
- 2- **انواع شعر معاصر:** شامل: شعر نو و یا شعر نیمایی، شعر سپید و ...

قصیده

- شعری است بر یک وزن و قافیه با مطلع مصرع مربوط به یکدیگر دربارهٔ موضوع معین (مدح، هجو، مرثیه، تعزیت، مسایل اخلاقی و...).
- حد متوسط ابیات قصیده بین 20 تا 70 و 80 بیت می‌باشد و تا حدود 150 بیت هم افزون است.
- حد اقل ابیاتش کمتر از 20 تا 15 و 16 بیت هم می‌باشد.
- کاهش و افزایش تعداد ابیات قصاید بستگی به اهمیت موضوع، قدرت و قوت طبع شاعر و خصوصیت قوافی و اوزانی مطبوع و نا مطبوع دارد که گوینده برای سرایش قصیده انتخاب می‌کند.

شکل قصیده

الف.....	الف.....
الف.....	ب.....
الف.....	ج.....

قصیده دارای اجزا و ارکان زیر می‌باشد:

(الف) مطلع (محل طلوع آفتاب)

(ب) تغزل یا نسیب و یا تشبیب

(ج) تخلص، مخلص و یا گریزگاه

(د) مدح (تنه)

(هـ) دعا و شریطه و یا دعا و شرطیه

(ح) مقطع

(الف) مطلع (محل طلوع آفتاب): بیت اول قصیده است که در دو مصرع آن، حروف و ردیف با هم توافق دارند.

- مطلع باید در لفظ و معنا نهایت مطبوع، دلنشین و جذاب باشد تا در روح شنونده تولید رغبت و نشاط به شنیدن باقی اشعار کند و این امر را در اصطلاح حسن مطلع و حسن ابتدا می‌گویند.
- اگر بیت اول غزل یا قصیده‌یی خوب، مرغوب و زیبا باشد، می‌گویند دارای «حسن مطلع» است.

ب) تغزل، نسیب و یا تشبیب: تشبیب در اصطلاح شعرا قسمت پیش درآمد قصیده را گویند که مقدمه‌یی ست در ذکر محاسن محبوب، حکایت حال معشوق یا وصف مناظر طبیعی و نیز آوردن ابیاتی در ذکر عشق و جوانی.

- هرگاه موضوع قصیده باده گساری، وصف طبیعت باشد آن را نسیب خوانند و چون موضوع پیش درآمد قصیده در ذکر عشق و عاشقی و وصف معشوق باشد، آن را به نام تغزل یاد می‌نمایند. چنانچه موضوع پیش درآمد قصیده در ذکر اسباب جوانی باشد، به نام تشبیب یاد می‌شود.
- در صورتیکه قصیده دارای تغزل، نسیب و یا تشبیب نباشد آن را به نام قصیده محدود یا مقتضب یاد می‌کنند.

ج) تخلص، مخلص و یا گریزگاه: تخلص قصیده به معنی گریز و انتقال یافتن از پیش درآمد تشبیب و تغزل به مدح یا مقصود دیگر است.

- تخلص یک بیت بوده؛ نقطه پیوند میان تغزل و نسیب و تشبیب و مدح می‌باشد.
- این قسمت قصیده محل هنرنمایی شاعر است و آن را چنان ماهرانه انجام باید داد که خواننده تصور کند که ادامه نسیب و تغزل و تشبیب می‌باشد.

د) مدح (تنه): تنه قصیده یا قسمت اصلی آن مدح است. شاعر در این قسمت به مدح ممدوح پرداخته و به اغراق وی و یا هم ذمش می‌پردازد.

ه) دعا و شریطه و یا دعا و شریطه: قصاید را به ابیاتی که مشتمل به دعای ممدوح باشد، ختم می‌کنند که این حالت یا قسمت قصیده شریطه (دعاییه) است و ادبای قدیم آن را مقاطع قصیده گفته اند.

- این جز از قصیده می‌تواند حداقل دارای ۴، ۵، و ۶ و گاهی اوقات ۱۰ بیت و اضافه از آن هم باشد.

ح) مقطع: یک بیت می‌باشد که توسط آن قصیده پایان می‌یابد.

- چنانچه اگر بیت آخر غزل یا قصیده‌یی مطبوع و دلپسند شده باشد؛ می‌گویند دارای «حسن مقطع» است.

غزل

- اشعاری را گویند که بر یک وزن و قافیه با مطلع مصرع باشد و قافیه آن مانند قصیده است.
- حد اقل ابیات آن ۵ بیت و حد اکثر ابیات آن ۱۲-۱۵ و گاهی ۱۶ و ندرتاً ۱۹ بیت می‌باشد.
- غزل کمتر از ۵ بیت را چون سه و یا چهار بیت باشد، می‌توان آن را غزل ناتمام گفت.
- کمتر از سه بیت را به نام غزل نشاید نامید.
- غزل از قرن ۶ روی کار شد و تاکنون مروج است.

- غزل قالبی ست برای بیان هر نوع موضوع، لیکن در غرب بیشتر برای ارایهٔ مطالب عاشقانه از آن بهره گرفته می‌شود.
- در این قالب شعری قافیه در مصراع دوم مراعات می‌گردد و آخرین بیت آن را مقطع گویند.

شکل غزل

الف.....	الف.....
الف.....	ب.....
الف.....	ج.....
الف.....	د.....

مثنوی

- معنی دوگانگی است و اشعاری ست که در وزن یکی باشد و هر بیت آن دارای قافیهٔ مستقل می باشد.
- کلمه مثنوی منسوب است به مثنی مرادف اثنین اثنین به معنی دوتا دوتا یا دوگانی.
 - تعداد ابیات مثنوی محدود نیست. لذا از آن جهت در سرایش تواریخ، قصص و افسانه‌های طولانی کار گرفته می‌شود.
 - سرودن آن در زبان دری از قرن سوم و چهارم هـ آغاز شد.
 - در عربی به مثنوی بیشتر مزدوج می‌گویند.
 - اول کسی که در عربی مُزْدَوَج گفت بشار بن برد است.
 - در زبان دری از قدیم‌ترین مثنوی سرایان یکی هم رودکی (متوفای 329 هجری) است که کلیله و دمنه را در حدود سال 325 هجری به نظم در آورد.
 - به طور کل می‌توان ازین قالب در موارد زیر سود جست:
- 1- داستان‌های حماسی: شاهنامهٔ فردوسی، گرشاسب نامه اسدی طوسی
 - 2- داستان‌های عاشقانه: خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، سلامان و اقبال
 - 3- طرح اندیشه‌های عرفانی: حدیقهٔ سنایی، منطق الطیر
 - 4- طرح مطالب اخلاقی و تعلیمی: بوستان سعدی

صورت ساخت مثنوی

الف.....	الف.....
ب.....	ب.....
ج.....	ج.....
هـ.....	هـ.....

رباعی

- منسوب به رباع مرادف اربعه اربعه یعنی چهارگانه و چهار تایی است.
 - آن را ترانه یا دو بیتی نیز می‌گویند.
 - لیکن در وزن و موضوع با دوبیتی تفاوت دارد.
 - دوبیتی که قافیه هر دو مصراع بیت اولی و مصراع چهارم رعایت شده ولی قافیه در مصراع سوم اختیاری است.
 - رباعی به وزن «لا حول و لا قوة الا بالله» می‌باشد.
 - رباعی از ابداعات شعرای دری زبان است و عرب‌ها از آن تقلید کرده اند.
 - اولین کسی که رباعی سرود، رودکی می‌باشد.
 - این قالب شعری در زبان عربی وجود ندارد.
- موضوع رباعی:** طرح تمام معانی فکری، ادبی و شعری می‌باشد و علاوه بر آن در موارد اندیشه‌های فلسفی، عرفانی، عاشقانه و پند و اندرز کاربرد دارد.
- رباعی را از لحاظ موضوع به سه دسته تقسیم کرده اند:
- 1- **رباعی عاشقانه:** رباعیات رودکی
 - 2- **رباعی عارفانه و صوفیانه:** رباعیات ابو السعید ابوالخیر، عطار و مولوی
 - 3- **رباعی فلسفی:** رباعیات منسوب به خیام

صورت‌های ساخت رباعی می‌تواند شکل‌های زیر را دارا باشد:

الف.....	الف.....
الف.....	ب.....
الف.....	الف.....
الف.....	الف.....

و یا:

دو بیتی

دوبیتی عبارت از چهار مصراع دارای معنای مستقل به وزن «مفاعیلن فعولن / مفاعیل» می‌باشد.

- دوبیتی با هجا کوتاه «م» یک حرفی آغاز می‌گردد.
- زبان آن عامیانه بوده؛ موضوع آن نیز عامیانه و مردمی می‌باشد.
- معمولاً سراینده آن نیز نامعلوم می‌باشد.
- دوبیتی از رهگذر قافیه بندی با رباعی همانند است اما در وزن با آن تفاوت دارد.
- هر چند رباعی و دو بیتی هر دو برای ارایه مضامین عاشقانه و عارفانه به کار می‌روند؛ لیکن تفاوت عمده آنها در وزن و هجای نخست می‌باشد؛ چنانچه رباعی با هجای دو حرفی «لا» و دو بیتی با یک هجای یک حرفی «م» شروع می‌شود.

صورت ساخت دو بیتی به دو روش ذیل می‌باشد:

الف..... الف.....

الف..... ب.....

ویا:

الف..... الف.....

الف..... الف.....

قطعه

در لغت یک پاره‌یی از هر چیزی است و در اصطلاح نوع ابیاتی است بر یک وزن و قافیه بدون مطلع مصراع که از اول تا آخر همه مربوط به یکدیگر، راجع به یک موضوع اخلاقی، تعلیمی و حکایات یا مدح و هجو، تهنیت و تعریف و غیره موارد می‌باشد.

- حداقل بیت قطعه 2 و حداکثر ابیات آن (15-16) می‌باشد.
- نظر به ضرورت تا 40 و 50 و حتی بیش از آن هم می‌باشد.
- قطعه چون شبیه پاره‌یی از ابیات اواسط قصیده بوده؛ مطلع مصراع ندارد به همین دلیل قطعه نامیده شده است.
- رعایت قافیه در مصراع دوم هر بیت از قطعه الزامی می‌باشد.

صورت ساخت قطعه

الف.....	ب.....
ج.....	ب.....
د.....	ب.....
ح.....	ب.....

ترکیب بند و ترجیع بند

اشعاری ست در وزن یکی و در قافیه‌ها مختلف باشند قسمی که ابتدا چند بیت به یک وزن و قافیه گویند و در پایان آن بیتی مقفی می‌آورند که با ابیات پیشین در وزن یکی ولی در قافیه مختلف می‌باشد.

- هرگاه همان بیتی که در فواصل عیناً تکرار می‌شود با یکدیگر فرق نداشته باشد یعنی در هر فواصل همان بیت تکرار شود، به نام ترجیع بند یاد می‌شود.
- اگر ابیات فواصل با یکدیگر فرق داشته باشد به نام ترکیب بند یاد می‌گردد چون این نوع شعر از فواصل و بندهای مختلف ترکیب شده است.

صورت ساخت ترکیب بند و ترجیع بند

الف.....	الف.....
ب.....	الف.....
ج.....	الف.....
د.....	الف.....
ی.....	ی.....

مُسمَط

از سمط به معنی رشته مروارید که مانند تسبیح در آن مهره‌ها را کرده باشد، گرفته شده است.

- بنابراین بخش‌ها و لخت‌های مختلف مسمط همچون مهره‌ها و دانه‌های جواهر به یک رشته در آمده است.
- در اصطلاح نوع اشعاری ست هموزن، مرکب از بخش‌های که همه در وزن و عدد مصراع‌ها یک و در قوافی مختلف باشند؛ مثلاً: در ابتدا پنج مصراع بر یک وزن و قافیه سروده شده و در آخر یک مصراع آورده می‌شود که در وزن با مصراع‌های قبلی یکی ولی در قافیه مختلف باشد و از مجموع آن (6) مصراع، یک بخش تشکیل می‌شود که به نام یک لخت یا رشته از مسمط نامیده می‌شود.
- مبتکر مسمط منوچهری می‌باشد.

صورت ساخت مسمط

الف.....	الف.....
الف.....	الف.....
ی.....	الف.....
ب.....	ب.....
ب.....	ب.....
ی.....	ب.....

مُستزاد

در لغت زیاد شده؛ در اصطلاح نوع شعری است که در آخر هر مصراع در (رباعی، غزل، قطعه...) جمله‌یی کوتاه و مسجع اضافه کنند قسمی که در معنا با مصراع‌های قبلی مربوط باشد اما از وزن اصلی شعر اضافه شده یا زیاد شده و خارج باشد، روی همین دلیل مستزاد به آن گفته اند.

- در حوزه ادبیات دری نخستین مستزاد را به مسعود سعد سلمان نسبت می‌دهند.

مفرد

شعری است تک بیت و قالبی است کم استعمال، که دو مصراع می‌توانند هم قافیه باشند یا نباشند.

- این نوع شعر بیشتر برای بیان نکته‌های اخلاقی به کار می‌رود.
- در این شعر شاعر تمام مقصود خود را در دو مصرع بیان می‌کند.

شعر معاصر

- این اصطلاح به مجموعه اشعاری که در نیم قرن اخیر خارج از اسلوب متقدمان سروده شده است، اطلاق می‌شود.
- در سال ۱۳۱۸ هـ.ش. نیما یوشیج در مجله‌ی موسیقی به نشر شعرهای پرداخت که در آنها علاوه بر تازگی در بیان، تشبیهات، استعارات و موازین عروضی شعر دری نیز به شیوه‌ی قدیم رعایت نشده بود.
- این گونه شعرها در ساله‌های پس از ماه اسد ۱۳۲۰ هـ.ش. طرفدارانی یافت که امروز اصطلاحاً آن را «شعر نو» و گاهی «شعر نیمایی» می‌گویند؛
- یعنی شعری که در یکی از وزن‌های عروضی قدیم سروده می‌شود؛ اما شاعر بر حسب نیاز معنوی در کوتاهی و درازی مصراع‌ها و همچنین در به کار بردن قافیه آزاد است.
- نوع دیگری از شاخه‌های تحول شعر دری که در آن وزن مطلقاً رعایت نمی‌شود؛ بلکه بیشتر کوشش در انتخاب کلمه و توجه به تخیل و اندیشه است که به «شعر سپید» معروف شده است.

رمان چیست؟

داستان یا ناول (Novel) روایتی است منثور که مبتنی بر جعل و خیال؛ اگر طولانی باشد، آن را رمان و اگر کوتاه بود، آن را داستان کوتاه می‌گویند.

- در ابتدا رومان، شعر روایتی بود و بعد به تدریج به نثر گرایید.
- ناول اصطلاح انگلیسی است و معادل آن در اکثر زبان‌های اروپایی رمان است.
- اصل واژه انگلیسی ناول، واژه ایتالیایی «ناولا» به معنای مطلب کوچک تازه است.
- ناولا در قرن چهاردهم در ایتالیا مرسوم بود؛ نمونه آن «قصه‌های دکامرون» اثر بوکاچو است.
- از اجداد دیگر رمان امروزی، روایات «پیکارسک» است که در قرن شانزدهم در اسپانیا مرسوم بود و نشانه‌های از این شیوه، در آثار «مارک توین» دیده می‌شود.
- پیکارسک مشتق از کلمه هسپانوی «پیکار» به معنای تصویر و محل است و پیکارسک صفتی بوده برای داستان‌هایی که در آن به بررسی اعمال پیکارها می‌پرداختند.
- معروف‌ترین نمونه این سبک، رمان «دن کیشوت» اثر «سروانتس» نویسنده هسپانوی است.
- رمان از کلمه رمانس گرفته شده است.

تعریف رمان: روایت منثور داستانی‌ست که سرو کارش با ماجراها و احساسات آدم‌های خیالی و تصویری است؛ به این منظور که از طریق توصیف عمل و فکر، گوناگونی‌های زندگی و شخصیت آدمی را تصویر کند.

- رمان از لحاظ زمینه و موضوع، اقسام گوناگون دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

رمان تاریخی؛ رمان هجو آمیز؛

رمان روستایی؛ رمان مکاتبه‌یی؛

رمان آموزشی؛ رمان عاطفی؛

رمان طنزی؛ رمان روانی؛

رمان فرهنگی؛ رمان حادثه‌یی.

چهار مقاله

چهار مقاله، مرکب از چهار مقاله به ترتیب عبارتند از:

1. در ماهیت علم دبیری؛ 3. در ماهیت علم نجوم؛

2. در ماهیت علم شعر؛ 4. در ماهیت علم طب.

- مؤلف آن ابوالحسن احمد سمرقندی ملقب به نظامی عروضی است.
- تالیف این کتاب در حدود 550 هـ.ق. شروع و به نام ابوالحسن حسام الدین علی شاهزاده غوری اتحاف شده است.
- چهار مقاله را همدوش تاریخ بیهقی و کلیله و دمنه می‌دانند.
- نام اصلی کتاب «مجمع النوادر» بود که در سال (551/552 هـ.ق.) تالیف گردیده است.
- نظامی خود شاعر بود و اشعارش در کتاب‌های چهار مقاله، لباب الالباب، تاریخ گزیده و تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی موجود است.
- این کتاب مشتمل بر یک مقدمه و چهار مقاله است.
- نویسنده، مقاله خود را با دیباچه‌یی آغاز می‌کند که موضوع را به معرفی می‌گیرد و در آخر هر مقاله ده حکایت بیان گردیده است.
- در مقاله دوم، از شعرای قدیم دوره‌های سامانی، غزنوی، سلجوقی، غوری و دیالم نام برده شده؛
- و از جمله افراد متذکره؛ چون: رودکی، عنصری، فرخی، معزی، فردوسی، ازرقی، رشیدی، مسعود سعد سلمان را نقل نموده و در باره کلام شان تبصره کرده است.
- در مقاله سوم در باره عمر خیام معلومات مهم ارایه گردیده است.

مکتب‌های ادبی

در مقوله‌های ادبی و هنری، مکتب عبارت است از راه، روش، سبک و شیوه‌هایی که دارای قواعد مشخص بوده و آفرینش آثار ادبی یا هنری بر مبنای پیروی از آن قواعد شکل گرفته باشد.

- اولین مکتب ادبی اروپا در قرن شانزدهم یعنی در اوج نهضت رنسانس و اومانیسم پدید آمده، در قرن هفدهم گسترش یافته و دارای اصولی مدون شده است.
- این مکتب کلاسیسیزم نامیده می‌شود.

کلاسیسیزم (Classicism): در شناخت مکتب‌های ادبی اروپا، آثار ادبی کلاسیک، به آثاری گفته می‌شود که متعلق به مکتب کلاسیسیزم باشد.

- هنر کلاسیسیزم اصلی در حقیقت همان هنر یونان و روم قدیم است که در قرن شانزدهم در ایتالیا و اسپانیا، و سپس در قرن هفدهم در فرانسه، به دنبال نهضت اومانیسم، سرمشق قرار گرفت.
- در نظر کلاسیک‌ها، هنر اصلی شاعر یا نویسنده، رعایت دقیق اصول و قواعد کلاسیسیزم بود.
- قواعد کلاسیسیزم عبارت بود از:

روشنی و ساده گی؛	توجه به طبیعت؛
زمان و مکان در اثر؛	حقیقت نمایی اثر؛
تقلید از آثار خردمندان؛	وجود هماهنگی در اثر؛
حفظ وحدت موضوع در اثر؛	رعایت خوشایندی و آموزنده گی؛
پای بندی به اصول مذهبی و اخلاقی.	

• در دوره کلاسیک ها هنر به طبقه اعیان و اشراف اختصاص داشت.

• نماینده گان معروف این مکتب عبارت بودند از:

در انگلستان در فرانسه

«میلتون» و «ورنی»

«فرانسیس بیکن» و «راسین».

و «بن جانسون».

رمانتیسم (Romantism): نهضت رمانتیک در اواخر قرن هژدهم و آغاز قرن نوزدهم پا به پای انقلاب صنعتی پدید آمد.

- پیروان این مکتب معتقد بودند که شکل ها، سنت ها و قید و بندهای مکتب کلاسیک شاعر و نویسنده را از درک درست طبیعت و لذت بردن از آن و بیان و توصیف صحیح باز می دارد.
- آنها قواعد و قالب های کهن را درهم شکستند.
- رمانتیک ها به جای اهمیت دادن به عقل و منطق، هنر را بر پایه احساس و تخیل و تصور و عشق و ذوق و قریحه و بیان آزادانه احساس بنیان نهادند.
- آنان هنر را در راه خدمت به مردم به کار گرفتند.
- بعدها این نهضت بر موسیقی و نقاشی نیز اثر گذاشت.
- رمانیزم از کلمه (رُمان) گرفته شده است.
- تا قرن یازدهم و دوازدهم موضوعات ادبی، ماجراهای پهلوانی شوالیه ها و مردان شمشیر زن و کارهای شگفت انگیز و خارق العاده به زبان رومی بود که رُمان نامیده می شد.

- ولی کلاسیک‌ها آثار خود را به زبان لاتینی می‌نوشتند.
- از این رو پیروان مکتب رمانتیسم که مخالف مکتب کلاسیک بودند خود را «رمانتیک» نامیدند.
- نماینده‌گان مهم مکتب رمانتیک عبارت بودند از:

در فرانسه در آلمان در انگلستان در روسیه

«ژان ژاک روسو»؛ «شیلر»؛ «بایرون» «لرمانتوف»

«شاتوبریان»؛ و «گوته»؛ و «پوشکین»

«ویکتور هوگو»؛

«لامارتین»؛

«آلفرود دوموسه»؛

«مادام استاندال»؛

و «آلفرد دووینی».

ریالیسم (Realism): مکتب ریالیسم در اوسط قرن نوزدهم به عنوان واکنشی در برابر مکتب رمانتیسم پدید آمد.

- ریالیسم یعنی واقع گرایی.
- بنیان گذار این مکتب «بالزاک» فرانسوی است.
- هنرمند ریالیست در آفرینش اثر خود جهان را آنچنان که هست باز می‌نماید نه آنچنان که باید باشد.
- نماینده‌گان این مکتب عبارتند از:

در انگلستان در روسیه

«چارلز دیکنز»؛ «داستایوسکی» و «تولستوی».

ناتوراليزم (Naturalism): يعنى طبيعت گرايى.

- در اواخر قرن نوزدهم پديد آمد.
- در اين مكتب نويسنده در اثر خود به تقليد از طبيعت مى‌پردازد.
- طرفداران اين مكتب به اين امر باور دارند كه طبيعت آنچنان كه ديده و درك مى‌گردد در آثار ادبى و هنرى‌شان بايد انعكاس داده شود و به صيقل نمودن واقعيت‌هاى بيرون ذهن انسان پرداخته نشود.

سمبوليزم (symbolism): سمبوليزم از واژه «سمبول» به معنای نماد گرفته شده است.

- سمبوليست‌ها گروهى از شاعران فرانسوى بودند كه در اواخر قرن نوزدهم در برابر مكتب رياليزم و ناتوراليزم به پا خاستند.
 - آنها از شيوه بيان صريح در شعر خوددارى مى‌كردند.
 - آنان افكار و عواطف خود را با اشاراتى رمزى و استعارى و سمبوليك (نمادين) بيان مى‌داشتند.
 - طرفداران اين مكتب در آثار خود به خواب و خيال و روىا و رازهاى نهفته روان و اندیشه‌هاى دور و دراز توجه داشتند.
 - سمبوليست‌ها شاعران نااميد و بدبين بودند.
 - آنها را باور اين بود كه واقعيت اشيا همان دركى است كه ما توسط حواس خود از آنها در درون ذهن خود داريم.
 - آنها در شكل شعر و در تركيب و كاربرد كلمات و وزن شعر آزادى نامحدودى قايل بودند.
 - نماينده‌گان اين مكتب:
- «موريس مترلينگ»؛ «ادگار آلن پو» و «شارل بودلر».
- مكتب‌هاى ديگر ادبى كه بعد از مكتب سمبوليزم پديد آمده اند به ترتيب عبارتند از:

وريزم؛	سورياليزم؛
داديزم؛	امپرسیونیسم؛
ناتوريزم؛	پارناسيزم؛
يومانيزم؛	فوتوريزم.

ژانرها یا انواع ادبی

ژانر، برگرفته از کلمه فرانسوی و اصل واژه‌ی لاتینی (Genus) به معنای نوع، دسته و گونه است.

- تقسیم بندی ادبیات به (ژانرهای ادبی) از دوران یونان باستان معمول بوده است.
- ژانرهای اصلی که در آن دوران برای شعر قایل بودند، عبارت است از:

- 1- حماسه؛
- 2- شعر غنایی؛
- 3- کمیدی؛
- 4- هجو و تراژیدی.

- 1- ژانر حماسی: حماسه در لغت به معنای دلاوری، شجاعت و رجز است و در اصطلاح اثری است که در آن از جنگ‌ها و قهرمانی‌های دلاوران سخن گفته می‌شود.
- حماسه‌ها به طور کلی به صورت منظوم (شعر) است.
- با این همه حماسه‌های نیز به نثر به وجود آمده است که برای مثال می‌توان به شاهنامه ابو منصوری اشاره کرد.
- نمونه‌های از ژانر حماسی:

«بهمن نامه»؛ «شاهنامه» فردوسی؛

«فرامرزنامه»؛ «گرشاسب‌نامه» اسدی طوسی؛

«برزنامه».

- 2- ژانر غنایی: غنا در لغت به معنای سرود، نغمه، آواز خوش و طرب انگیز است و اثر غنایی به شعر و نثری گفته می‌شود که گزارشگر عواطف و احساسات شخص شاعر از عشق، دوستی، رنج، نامرادی، و هرآنچه روح آدمی را متأثر می‌کند، باشد.
- این احساسات و اندیشه‌ها می‌تواند عاشقانه، دینی، فلسفی یا اجتماعی باشد.
- غزل‌های عاشقانه، آثار عرفانی، آثار هجو آمیز یا طنزگونه، مدیحه، نعتیه، مرثیه و توصیف طبیعت همه ژانر غنایی محسوب می‌شود.
- منظومه‌های داستانی از قبیل «ویس و رامین» اثر فخرالدین اسد گرگانی، «خسرو و شیرین و لیلی و مجنون» نظامی گنجوی و... در شمار اشعار غنایی به حساب می‌آیند.

- نویسندگانی که به خلق آثار غنایی پرداخته اند می‌توان از حافظ، سعدی، جامی، سنایی، مولانا، نظامی و دیگران نام برد.

3- **ژانر تعلیمی:** آن است که هدف آفریننده آن آموزش اخلاق و تعلیم اندیشه‌های فلسفی، عرفانی، اجتماعی، دینی یا علوم و فنون باشد.

- کسایی مروزی، ناصر خسرو بلخی، ابوالفضل بیهقی، شیخ فرید الدین عطار، مولانا جلال الدین محمد بلخی، ملک الشعرا قاری عبدالله، استاد بیتاب، حیدری وجودی، عبدالرازق فانی و... آثاری بیشمار در این زمینه آفریده اند.

- بخش عمده‌یی از آثار متصوفه و اشعار عرفانی با تعلیم همراه است و در شمار آثار تعلیمی به حساب می‌روند.

• بزرگترین اثر تعلیمی «بوستان» سعدی است که از سوی شاعران متعدد مورد تقلید قرار گرفته است.

4- **ژانر نمایشی:** هنر نمایش را (مادر همه هنرها) نامیده اند؛ زیرا در آن همه هنرها حضور دارند و تشریک مساعی می‌کنند.

- محققان سابقه نمایش در سرزمین ما را تا 3 قرن قبل از میلاد به پیش برده است.
- نمونه آن تعزیه‌نامه و نمایش‌نامه به نام «ایاتگار زریران» می‌باشد.
- ایاتگار زریران «یادگار زریر» اثری بوده است منظوم با موضوع جنگ‌های «زریر» و برادرش «گشتاسپ» (پادشاه کاوی بلخی) با ارجاسپ تورانی خیونی، که می‌خواستند دودمان سلطنت بلخی را از قبول آیین اوستایی منصرف سازند. در نتیجه جنگی سخت میان طرفین در گرفت و گشتاسپ و طرفدارانش بر دشمن غلبه کردند.
- این اثر در قرن ششم میلادی از صبغه اصلی خویش برگردانده شده و صورت پهلوی ساسانی به آن داده شده است.
- «بن نیست» زبان‌شناس فرانسوی به اثبات رسانید که این اثر در اصل منثور نه؛ بلکه منظوم بوده و قدامت تاریخی آن به 3 قرن ق.م. می‌رسد.
- نخستین وجه مشخصه ژانر نمایشی سادگی و بی‌پیرایه گی در بیان و زبان است.
- سروده‌های مربوط به این ژانر که بیشتر از زبان مداحان، روضه خوانان و تعزیه خوانان شنیده می‌شود اغلب به زبان ساده و نزدیک به زبان عامیانه است.

نقد ادبی

نقد در لغت جدا کردن دینار و درهم و سره از ناسره، تمیز کردن خوب از بد و برگزیدن بهترین چیز را گویند.

- ایام باستان پول در مجموع دو نوع بود: پول نقره (درهم) و پول طلا (دینار).
- اما در اصطلاح ادب، نقد عبارت است از تشخیص محاسن و معایب سخن و نشان دادن بد و خوب اثر ادبی.
- در گذشته‌ها مراد از نقد معمولاً این بوده است که معایب اثری را بیان کند.
- «میشل فوکو» در تعریف نقد می‌گوید: «کار نقد آشکار ساختن مناسبات اثر با مولف نیست و نیز قصد ندارد تا از راه متون، اندیشه یا تجربه‌ی را بازسازی کند؛ بلکه می‌خواهد اثر را در ساختار، شکل ذاتی و بازی مناسبات درونی‌اش تحلیل کند».
- به قول الیوت: «معیارهای ادبی فقط مشخص می‌کند که اثری ادبی است؛ ولی عظمت یک اثر تنها با معیارهای ادبی مشخص نمی‌شود. آیا اهمیت شاهنامه فقط به لحاظ مسایل ادبی است؟»

انواع نقد یا مکتب‌های نقادی

1- نقد ساختاری

به نقدی گفته می‌شود که مربوط به شکل ظاهر یا صورت‌های عینی یک اثر ادبی باشد. نقد ساختاری دارای انواع زیرین می‌باشد:

2- **نقد لغوی:** بررسی و ارزیابی کاربرد زبان و اصول و قواعد آن در یک اثر ادبی است و همه انواع آثار ادبی (نظم و نثر) را شامل می‌شود.

3- **نقد فنی:** بررسی چگونگی کاربرد فنون بلاغی در شعر و نثر و میزان ارزش و اعتبار آنهاست.

4- **نقد زیباشناسی:** بررسی جوهر هنر به دور از محتوای خاص آن است.

- ریشه و اساس این شیوه نقادی را می‌توان در نظریه‌های «کالریج» انگلیسی و «ادگار آلن پو» امریکایی دریافت.

5- نقد معنایی

به نقدی گفته می‌شود که با محتوا و درونمایه اثر ادبی ارتباط دارد.

انواع آن قرار ذیل است:

1- **نقد اخلاقی:** از قدیمی‌ترین شیوه‌های نقد ادبی است.

- در این نوع نقد ارزش‌های اخلاقی اصل و ملاک نقادی شمرده می‌شود.
- افلاتون در شعر و درامه به تاثیر اخلاقی و اجتماعی اثر توجه می‌کند.

- ارستو نیز معتقد است که هدف شعر باید تصفیه و تزکیهٔ نفس باشد.
- 2- **نقد اجتماعی:** عبارت است از نشان دادن ارتباط ادبیات با جامعه و تاثیر جامعه در ادبیات و همچنین تاثیر ادبیات در جامعه.
«میپولیت تن» از منتقدان مشهور نقد اجتماعی است و ادبیات را محصول سه عامل (زمان، محیط اجتماعی و نژاد) می‌داند.
- 3- **نقد تاریخی:** حوادث یا امور مربوط به تاریخ را مورد بررسی قرار می‌دهد و به بحث در باب حیات شاعر و نویسنده و معاصران او، تحقیق در باب اسناد و مدارک، صحت و سقم نسخه یا نسخ کتاب، تحریف و تصحیف و تصحیح اثر و جستجوی اشارات و حوادث تاریخی می‌پردازد.
- 4- **نقد روانشناسی:** نقاد سعی می‌کند جریان باطنی و احوالی درونی شاعر و نویسنده را درک و بیان نماید و قدرت و استعداد هنری و ذوق و قریحه او را سنجیده، نیروی عواطف و تخیلاتش را تعیین نماید.

شناسنامه‌ی شعرا و نویسندگان

صنف دهم

عطار

- شیخ فریدالدین محمد عطار در نیشاپور در سال 513 هـ.ق. تولد یافت.
- وی دارو فروش بود، بنابراین او را عطار گویند.
- عطار اشعار عرفانی و تصوفی می‌سرود؛ اما مدح نگفته است.
- اشعارش را در حدود صد هزار بیت دانسته اند.
- معروف‌ترین آثارش دیوان قصاید و غزلیات عرفانی می‌باشد.
- عطار در نثر نویسی هم ماهر بود، مشهورترین اثر نثر او تذکره الاولیاست در شرح احوال عارفان و مکارم اخلاق‌شان.
- سایر آثار عطار:
 1. پند نامه؛
 2. الهی‌نامه؛
 3. خسرو نامه؛
 4. مصیبت‌نامه؛
 5. اسرار نامه؛
 6. جواهر نامه.

نظامی گنجوی

- حکیم جمال الدین بن یوسف نظام گنجوی از شاعران بنام قرن ششم « هـ.ق. است.
- زادگاه وی شهر گنجه در آذربایجان می‌باشد.
 - نظامی در علوم طبیعی، طب و نجوم مهارت داشت.
 - وی هنر معماری، موسیقی و رسامی را فرا گرفت و با زبان‌های عربی و پهلوی نیز آشنا بود.
 - نظامی در شیوه داستان سرایی استاد و پیشرو دیگران بود.
 - وی در ضمن داستان پردازی از مطالب اخلاقی و حکمی، پند و اندرز غفلت نکرده و همواره در اشعارش انسان را به آزاده گی و بریدن از طمع و آز دعوت کرده و به آموختن دانش فرا می‌خواند.
 - بزرگ‌ترین اثر نظامی خمسه بوده، که در قالب مثنوی سروده شده و حاوی بیست و هشت هزار بیت می‌باشد.
 - خمسه شامل پنج کتاب است:
 1. مخزن الاسرار؛
 2. لیلی و مجنون؛
 3. خسرو و شیرین؛

4. اسکندرنامه؛

5. هفت پیکر یا بهرام نامه.

رشیدالدین وطواط

رشیدالدین وطواط شاعر قرن ششم در بلخ متولد شد.

- وی تحصیلاتش را در مدرسه نظامیه آنجا به پایان رسانید و در زبان دری و عربی مهارت یافت.
- پس از آن به خوارزم رفت و در خدمت خوارزم شاهیان درآمد و صاحب دیوان رسایل دربار گردید.
- اثری منثور دارد (سخنان حضرت علی (ع) را به دری) در آورده است.
- منظومه‌یی در عروض فارسی و همچنین چند رساله به زبان عربی در مسایل ادبی دارد.

شمس قیس رازی: شمس قیس رازی از دانشمندان قرن هفتم هجری اهل ری بود.

- ولی مدت درازی در خراسان و ماوارالنهر و خوارزم اقامت کرد.

دقیقی بلخی

ابومنصور محمد بن احمد دقیقی بلخی شاعر قرن چهارم هـ.ق. بود.

- تاریخ تولدش دقیق معلوم نیست.
- او در عصر فرمان‌روایی خانواده بلخی الاصل سامانیان می‌زیست.
- دوره سامانیان یکی از دوره‌های تابناک و درخشان فرهنگ سرزمین ما به شمار می‌رود.
- دوره سامانیان عصر خلق شاهکارها و احیای فرهنگ ملی ماست و با ارزش‌ترین اثری که در این دوره نگاشته شده است؛ شهنامه دقیقی بلخی است.
- بخش از آن به گشتاسب نامه معروف است که در مورد جنگ گشتاسب و ارجاسپ و ظهور زردشت سروده شده است.
- دقیقی اولین سراینده شهنامه می‌باشد، که هزار بیت آن را به نظم درآورد.
- وی نتوانست کارش را به پایان اكمال برساند؛ زیرا توسط غلامش در سال 365 هـ.ق. کشته شد و کار ناتمامش را فردوسی کامل کرد.
- از دقیقی جز گشتاسب نامه قصاید معدود و غزل‌ها و ابیات پراکنده در تذکره‌ها و کتاب‌های تاریخی باقی مانده است.
- وی خصوصاً قصاید مدحی را کمال بخشیده و در شعر حماسی نیز راهبر فردوسی شده است.
- دقیقی در سرودن شعر حماسی بهترین وزن را برگزید و این کار او سر مشقی شد برای تمام حماسه سرایان سرزمین ما.

سنایی

حکیم ابوالمجد محدود بن آدم سنایی از شاعران بزرگ قرن ششم است.

- ابتدا به دربار غزنویان راه یافت و شاهان غزنه را مدح می‌کرد؛ سپس حال او دگرگون گشت، از دربار شاهان دوری گزید و گوشه نشینی اختیار نمود.
- او سفری به مکه کرد بعد از آن چندی در بلخ، سرخس، مرو و نیشاپور زیست و سپس به غزنه برگشت.
- سنایی در سال ۵۴۵ هـ.ق. وفات یافت.
- آثار وی عبارت اند از:
 1. حدیقه الحقیقه؛
 2. کارنامه بلخ؛
 3. سیر العباد الی المعاد؛
 4. مثنوی عقل‌نامه؛
 5. مثنوی عشق‌نامه.

بهارستان

بهارستان اثری است از مولانا نورالدین عبدالرحمان جامی فرزند نظام الدین احمد بن شمس الدین محمد.

- وی در سال 817 هجری قمری در شهر جام هرات متولد شد.
- جامی معاصر سلطان حسین بایقرا و وزیر دانشمند او امیر علی شیرنوی بود.
- جامی در شعری به سعدی و حافظ توجه خاص داشت و در مثنوی‌های خود از نظامی پیروی کرده است.
- بهارستان اثری است که به پیروی از گلستان سعدی در سال 892 هجری نگاشته شده است.
- منظور نویسنده در این کتاب بیان نکته‌های تربیتی و اخلاقی می‌باشد.
- این اثر شامل نثر و نظم بوده، نثرش با صنایع لفظی آراسته است.
- جامی در آغاز کتاب گفته است، که چون فرزندش ضیاءالدین یوسف به آموختن فنون ادب اشتغال داشت، این کتاب را برای وی فراهم آورده و به نام سلطان حسین بایقرا نموده است.
- عبارت کتاب بهارستان بسیار ساده و شیرین است.
- بهارستان نظر به گلستان سعدی سخن منظوم بیشتر دارد.
- سجع و تکلف به وفور در آن دیده می‌شود.
- بهارستان در هشت روضه، مقدمه و خاتمه ترتیب گردیده است.
- روضه نخستین حکایاتی دارد در ذکر مشایخ صوفیه و بعضی از اسرار و احوال آنان؛
- روضه دوم متضمن حکم و مواعظ و مشتمل بر چند حکایت؛
- روضه سوم در باره اسرار حکومت و ذکر حکایاتی از شاهان؛
- روضه چهارم در باره بخشش؛

- روضه پنجم در تقریر حال عشق و عاشقان؛
- روضه ششم حاوی مطایبات و لطایف؛
- روضه هفتم در شعر و احوال شاعران؛
- و روضه هشتم در حکایتی چند از زبان جانواران.
- در اشعار جامی افکار صوفیانه، داستان‌ها، حکمت، اندرز و تصورات غنایی، بسیار فروان دیده می‌شود.
- آثار منظومش شامل دیوان اشعار و هفت اورنگ بوده که به پیروی از نظامی گنجوی سروده شده، در برگزیده‌ی کتاب‌های زیر است:
 1. سلسله الذهب؛
 2. سلامان و ايسال؛
 3. تحفه الاحرار؛
 4. سبحة الابرار؛
 5. يوسف و زليخا؛
 6. لیلی و مجنون؛
 7. خردنامه سکندری.
- آثار منشور جامی عبارت اند از:
 1. نقدالنصوص؛
 2. نفحات الانس؛
 3. مناسک حج؛
 4. شواهد النبوه؛
 5. لوايح و لوايح؛
 6. رساله‌ی موسیقی؛
 7. بهارستان؛
 8. اشعة العمات؛
 9. رساله در علم قوافی؛
 10. رساله تهليلیه در علم دین؛
 11. رساله‌ی در اخلاق صوفیان؛
 12. فواید الضیائیه معروف به شرح جامی.

مثنوی معنوی

یکی از بزرگ‌ترین آثار ادبی جهان و متضمن بیست و هفت هزار بیت و دارای شش دفتر است.

- مثنوی اثری ست از مولانا جلال الدین محمد بلخی.
- این کتاب کامل‌ترین دیوان تصوف زبان دری به شمار می‌رود؛
- همچنان یکی از عالی‌ترین شاهکارهای نبوغ و الهام بشر بوده، روح عمیق، حرارت و شور، زیبایی، تعلیمات اخلاقی و آهنگ روح‌نواز، آن را از با ارزش‌ترین کتاب‌ها ساخته است.
- مثنوی معنوی دارای حکایات مسلسل منظوم است.
- مولانا این حکایات را به زبان ساده و از راه تمثیل و حوادث روز بیان می‌کند.
- بسیاری از آیات قرآن‌کریم، احادیث نبوی و اخبار به سبک عرفانی در مثنوی شرح شده است.

مولانا جلال الدین محمد بلخی

مولانا جلال الدین فرزند سلطان العلما بهاء الدین محمد بن حسین خطیبی بکری، بزرگترین شاعر متصوف زبان دری است.

- وی در سال 604 هجری در بلخ تولد یافت.
- در سال 617 ه. ق. با خانواده‌اش از بلخ مهاجر شد.
- نخست به هرات و سپس به نیشاپور و از آنجا به مکه و بالاخره به دعوت سلطان علاءالدین کیقباد دوازدهمین پادشاه سلجوقی به قونیه مرکز حکومت او رفت.
- جلال الدین تحصیلات خود را نزد پدر آغاز کرد.
- پس از وفات پدرش از مجالس درس سید برهان الدین محقق ترمذی که از شاگردان پدرش بود کسب فیض نمود. نه سال از وی ارشاد گفت.
- آنگاه به حلب و دمشق و سایر شهرهای سوریه سفر کرد و در آنجا اقامت گزید.
- سپس به قونیه برگشت و به تدریس مشغول شد.
- مولانا روزی بر حسب اتفاق با شمس الدین علی بن ملک داد تبریزی برخورد و این ملاقات در زندگی وی تاثیری بزرگ داشت. حال مولانا دیگرگون شد، ترک مدرسه کرد و پس از ریاضت‌ها در عالم عرفان به مقام بلندی رسید.
- وی در سال 672 هجری به قونیه وفات نمود.

شمس تبریزی: صوفی شوریده حالی بود که سحیه مبارز، جاذبه بزرگ و بیان موثر داشت و با اهل ریاضت و درویشان و عارفان الفت می‌نمود.

- در حدود 642 ه. ق. به سراغ مولانا آمد و او را شیفته خود ساخت.

ابوالفضل بیهقی

ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی از ناحیه بیهق خراسان بود.

- ولادتش در سال 385 هجری در حارث آباد بیهق اتفاق افتاد.
- او اوایل عمر را در نیشاپور به تحصیل علم گذرانید و بعد از کسب تحصیل به دیوان رسایل سلطان محمود غزنوی راه جست و زبردست ابونصر مشکان به کار پرداخت.
- بعد از مرگ استادش زیر دست «ابوسهل زوزنی» صاحب دیوان رسایل مسعود به کار اشتغال داشت.
- در عهد مودود و عبدالرشید و جانشینان مسعود خدمت می‌کرد.
- گویا در عهد این پادشاه به صاحب دیوانی رسید و پس از چندی به زندان افتاد و بعد از رهایی از زندان میل به انزوا کرد.
- در سال 470 هجری در غزنین وفات یافت.

- اثر معروف ابوالفضل بیهقی تاریخ مشهورش در شرح سلطنت آل ناصر ویا آل سبکتگین بود در سی جلد که اکنون قمست از آن در باره سلطنت مسعود بن محمود و تاریخ خوارزم، از زوال دولت خوارزم شاهیان آل مامون تا غلبه سلجوقی‌ها در دست است.
- وی کتاب دیگری به نام «زینة الکتاب» در آداب کتابت داشت.

نصر احمد سامانی: سومین پادشاه سامانی از سال 301 تا 331 هـ. ق. پادشاهی کرد.

بلعمی: بلعمی وزیر نصر بن احمد سامانی بوده نام مکمل او ابوالفضل محمد بن عبدالله بلعمی است.

ابوطیب مصعبی: ابوطیب مصعبی از شاعران معروف دوره سامانی به شمار می‌رود.

پروین اعتصامی

- وی در سال 1285 هـ.ش. در خانواده‌یی که اهل علم و ادب بودند در ایران متولد شد.
- جدش میرزا ابراهیم خان مستوفی و پدرش یوسف اعتصام الملک نویسنده و مترجم چیره دست بود که بر علاوه زبان مادری‌اش به زبان‌های ترکی، عربی و فرانسوی نیز تسلط کامل داشت.
 - پروین در کودکی همراه پدر به تهران رفت و به تحصیل ادامه داد.
 - او از سن 13 سالگی به سرودن شعر پرداخت.
 - وی در سال 1313 هـ.ش. با پسر کاکایش ازدواج کرد؛ اما این ازدواج دوام نیافت و او بعد از یک سال مجبور به جدایی شد.
 - پروین در قصاید خود از حیث الفاظ پیرو شاعران قرن پنجم و ششم به خصوص ناصر خسرو بلخی است.
 - در قطعه، مثنوی و غزل سخن وی بیشتر رنگ سخن عراقی دارد و غالباً ساده و روان است.
 - اما اندیشه‌های وی، نو و متضمن نکات مهم اجتماعی، اخلاقی و اعتقادی است.
 - او در غالب آثار خویش به حیث مادر مهربان است که با فرزندان خود سخن می‌گوید و به نصیحت کردن آنها می‌پردازد.
 - پروین اعتصامی در خلق مناظرات و پرسش‌ها و پاسخ‌هایی که غالباً میان اشخاص، اشیاء جانوران و گیاهان ترتیب می‌دهد، دست بلند داشت.
 - وی تقریباً در همه آثارش شاعر حقیقی جو و واقع بین بود.
 - نخستین دفتر شعر پروین اعتصامی در سال 1314 هـ.ش. به همت برادرش انتشار یافت.
 - پروین سر انجام در سال 1320 هـ.ش. به بیماری حصبه (محرقه) مبتلا شده در سن 35 سالگی وفات یافت و در شهر قم به خاک سپرده شد.

شاه عبدالله یمگی بدخشی

- شاه عبدالله یمگی بدخشی فرزند محمد سیدخان در سال 1291 هـ.ش. در جرم بدخشان متولد شد.
- وی تعلیمات نخستین را تا صنف چهارم در مکتب رشادیه زادگاهش فراگرفته؛ سپس مقدمات زبان عربی و علوم دینی را آموخته و جهت آموزش بیشتر رهسپار کابل گردیده و در لیسه غازی شامل شد.
- باری نخست در سال 1308 هـ.ش. به حیث خزانه دار جرم؛ کارمند گمرک در زیباک و تالقان به کمار گماشته شد.
- پس از یک سال در ریاست تنظیمیه ولایت قطن و بدخشان به کتابت گماشته شد.
- در سال 1312 هـ.ش. در آنجا مدیر تحریرات شد.
- در سال 1316 هـ.ش. صدراعظم کشور او را به کابل فراخواند.
- شاه عبدالله تا سال 1326 هـ.ش. در صدارت عظمی و وظیفه مدیریت داشت.
- وی از فاکولتة حقوق و علوم سیاسی فارغ التحصیل شد.
- چندی بعد عضو انجمن ادبی کابل گردید.
- وی به زبان‌های دری، پشتو، اردو، عربی و انگلیسی آشنایی داشت.
- یمگی پس از برکناری امان الله خان به جرم طرفداری از او در خان آباد زندانی شد.
- در سال‌های پایانی عمر به بیماری سل مبتلا شد؛ برای درمان به هند سفر کرد و چند بار هم در شفاخانه علی آباد بستری گردید.
- در سال 1327 هـ.ش. در سن 36 سالگی وفات یافت جسدش را در مرکز جرم بدخشان انتقال داده در گورستان آبایش به خاک سپردند.

آثار شاه عبدالله یمگی بدخشی

ارمغان بدخشان: نخستین اثر شاه عبدالله است.

- این اثر در سال 1311 هـ.ش. در باره شاعران بدخشان نگاشته شده است؛ وی این تذکره را که به شیوه تذکره نگاری نوشته است در سه مجلد به نشر رساند.
- بار دیگر به کوشش فرید «بیژند» با نگارش مقدمه کوتاه و افزایش معرفی چند تن از شعرای متأخر در سال 1367 هـ.ش. به تیراژ دو هزار نسخه در مطبعه کابل به چاپ رسید.
- در آغاز این کتاب داکتر عبدالاحمد جاوید نیز سرآغازی بر آن نگاشته است.
- **فرهنگ علما و فقهای افغانستان:** این اثر شناسنامه 324 تن از رجال نامور، دانشمند، فقیه، محدث، عارف و پیشوای مذهبی است، که از زمان امام ابوحنیفه (رح) تا سده هفتم هـ.ق. را در برمی گیرد.
- این اثر به صورت دایرة المعارف به ترتیب الفبا نوشته شده است.
- یمگی در تألیف این اثر بیشتر از کتب و مأخذ عربی استفاده کرده است.
- **تاریخ یفتلی‌ها:** این اثر یک تحقیق تاریخی می‌باشد که نویسنده دوره امپراطوری یفتلی‌ها را در آن بررسی کرده است.

قاموس زبان‌های آریایی افغانستان: این کتاب، فرهنگ لغات زبان‌های پامیری می‌باشد که در دو جلد ترتیب شده است.

- جلد نخست آن شامل واژگان لهجه‌ها (گویش‌های) موجود پامیری (اشکاشمی، منجی، زیباکی، روشانی و شغنی) می‌باشد.
- این مجلد از طرف ریاست «پشتو تولنه» به نام «د افغانستان د ځینو ژبو او لهجو قاموس» در سال 1339 هـ.ش. با افزایش واژه‌های پشتو به جای معادل عربی آنها در کابل به چاپ رسیده است.
- جلد دوم در شرح واژه گان شغنی، پراچی و پشه‌یی می‌باشد، که تا هنوز به چاپ نرسیده است.
- از آقای یمگی مقالات و نوشته‌هایی جداگانه در مجله‌های کابل و آریانا به چاپ رسیده است.

غلام محی الدین انیس

- غلام محی الدین انیس فرزند غلام نقشبند می‌باشد.
- زادگاه اصلی‌اش شهر مقر ولایت غزنی است.
- تاریخ تولدش دقیق معلوم نیست.
- کودکی وی مقارن دوره زمامداری عبدالرحمن خان 1258-1279 هـ.ش. بود.
- مظالم که عبدالرحمن خان علیه قوم اندر و مبارز مشهور ملا مشک عالم در غزنی نموده بود سه هزار خانواده تحت ظلم و شکنجه قرار گرفتند خانواده انیس تبعید گردیده و در مصر سکونت اختیار کرد.
- انیس در مصر از روح مکتب سیدجمال الدین افغانی و اندیشه شاگردان مصری‌اش به خصوص شیخ عبده در قاهره، استفاده اعظمی برده؛ تحصیلات خود را در آنجا تکمیل کرد.
- وی با اسماعیل افندی عضو هیئت افغانی در مصر، تصمیم گرفت به افغانستان برگردد.
- در سال 1302 خورشیدی به هرات برگشت و به تدریس علوم اجتماعی و زبان عربی به جوانان اهل علم آغاز کرد و هم کتاب را به نام ندای طلبه معارف (حقوق ملت) نوشت که در مطبعه هرات به چاپ رسید.
- زمانی که اولین قانون مطبوعات آزاد در دوره امان الله خان در سال 1303 هـ.ش. نافذ گردید انیس به کابل آمد.
- انیس پس از جاگزین شدن در کابل جریده انیس را تأسیس کرد.
- جریده انیس برای بار نخست به حیث یک جریده آزاد ملی به تاریخ 15 ثور 1306 هـ.ش. به نگارندگی و سرمحرری غلام محی الدین انیس در شهر کابل در 45 صفحه به نشرات آغاز کرد.
- محتوای جریده بیانگر احساسات ملی؛ وطن دوستی؛ حفظ استقلال کشور؛ نشر اخبار اختراعات و اکتشافات در ساحه تمدن؛ رویدادهای داخلی و خارجی؛ تعلیم و تربیه و تدبیر منزل بود.
- این نشریه در زمان حبیب الله کلکانی طور موقت معطل گردید.
- در سال 1317 هـ.ش. دوباره به فعالیت آغاز نمود.
- در زمان محمد نادر شاه، این نشریه متوقف گردیده، محی الدین به زندان کشانیده شد.
- در زندان به بیماری سل مبتلا گردیده در آنجا وفات یافت.

- سپس سرور جويا، عبدالرشيد لطيفی، محمد عثمان صديقي، محمد هاشم ميوندوال و تعداد ديگري مسؤوليت اين روزنامه را به عهده گرفته اين نشریه تا امروز نشر می‌گردد.

آثار انيس

1. **ندای طلبه یا حقوق ملت:** این اثر به تشویق شجاع الدوله وزیر امنیه دوره امان الله خان که در آن زمان نائب الحکومه هرات نیز بود، در هرات چاپ شد.
- این کتاب در حقیقت یک رمان اجتماعی ست که در مورد آزادی و قانون بحث می‌کند.
2. **بحران و نجات:** این اثر از وقایع اخیر دوره امانیه و حبیب الله کلکانی بحث کرده است.

معزی

- امیر الشعرا ابوعبدالله محمد بن عبدالملک از شاعران بزرگ قرن پنجم دوره سلجوقی بود.
- معزی در دربار معزالدين ملکشاه بن آلپ ارسلان می‌زیست.
 - لقب امیر را هم ملک شاه برای وی اعطا کرد.
 - مدتی را در هرات، نیشاپور و اصفهان گذراند.
 - به خدمت سنجر بن ملکشاه رسید و تا آخر عمر در دربار او ماند.
 - در قصایدش اشارات تاریخی وجود دارد و به بسیاری از وقایع عصر سلجوقی پرداخته است.

وکتور هوگو

- وکتور هوگو در سال 1802 م. در فرانسه متولد شد.
- در 22 می 1885 وفات کرد.
- وی فرزند سوم جوزف لیوپولد ریگزبرت هوگو بود.
- پدرش در اردوی ناپلیون سمت جنرالی داشت و با اردوی ناپلیون به طور منظم سفر می‌کرد.
- سفرهای دراز مدت پدرش سبب اختلاف پدر و مادرش شد.
- مادر هوگو طرفدار خانواده سلطنتی فرانسه بود و پدرش به حکومت‌های بعدی که آمدند، ابراز وفاداری کرد.
- هوگو در ده سالگی به سرودن شعر آغاز کرد.
- وی با پدرش رهسپار ناپل و مادرید گردید و شاعر نظام شاهی و کلیسا شد.
- بعد از سقوط امپراطوری، شاگرد لیسه لویی-لی-گراند شد.
- بعد از فراغت شامل فاکولته حقوق گردید.
- با الهام از زندگی خودش کرکتر ماریوس را وارد ناول بینوایان کرد.
- هوگو از 1816 م. به بعد دنبال قانون را رها کرد.
- اشعار ویرژیل شاعر رومی را ترجمه کرده است.
- هوگو به تشویق مادر خود مجله ادبی تأسیس کرد و در آن به نقد شعرهای لامارتین پرداخت.
- در سال 1821 م. مادرش مرد و او با یکی از دوستان دوران کودکی خود ازدواج کرد.

- در سال 1823م. اولین ناول خود، هانس آیلند را نوشت، که در 1825م. چاپ شد.
- او در سال 1830م. چهار مجموعه مهم انتشار داد، که در آن شعر طبیعت گرای را با زندگی خانوادگی باهم آمیخته بود.
- قسمت عمده و قابل یادآوری شعرهای هوگو بعد از 1850م. به نشر رسید.
- از جمله سه مجموعه شعری هوگو مخفیانه به چاپ رسید.
- آثار معروف هوگو عبارت از:
 1. کارگران دریا؛
 2. تاریخ یک جنایت؛
 3. مردی که می‌خندند؛
 4. کلیسای نوتردام پاریس.
- شاهکار وکتور هوگو کتاب معروف بینوایان است.
- قهرمان اصلی این اثر مردی به نام ژان والژن است که برای سیر کردن یک کودک گرسنه نان از یک نانوايي می‌دزد و دو سال به همین جرم در زندان می‌ماند.

عمر خیام رباعی سرای بی نظیر

- حکیم ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیام نیشاپوری از دانشمندان، ریاضی‌دانان و شاعران بزرگ اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم می‌باشد.
- او معاصر سلطان ملک شاه سلجوقی بود.
 - خیام برعلاوه‌ی نجوم در فلسفه، طب و حکمت استاد بود.
 - رباعیات خیام شهرت جهانی دارد.
 - این رباعیات شامل معانی عالی فلسفی در الفاظ موجز و کوتاه می‌باشد.
 - 606 هزار رباعی را به او نسبت می‌دهند.
 - خیام را یک‌ه تاز میدان رباعی می‌دانند.

صنف یازدهم

نظامی گنجوی

- حکیم الیاس بن یوسف بن زکی بن موید ملقب به جمال الدین و معروف به حکیم نظامی گنجوی است.
- تولدش دقیق معلوم نیست.
- وفات گنجوی در 614 هـ.ق. در گنجه اتفاق افتاده است.
- داکتر صفا سال 530 هـ.ق. را تاریخ ولادت وی می‌داند.
- همه عمرش را در گنجه بود.
- سفر کوتاه مدت به سی فرسنگی گنجه به دعوت سلطان قزل ارسلان داشت که از این پادشاه حرمت و عزت دید.
- از معاصران خود با خاقانی ارتباط داشت و در مرگ وی رثایی گفته است.
- بزرگ‌ترین اثر نظامی خمسه بوده، که در قالب مثنوی سروده شده و حاوی بیست و هشت هزار بیت می‌باشد.
- خمسه شامل پنج کتاب است:
 1. مخزن الاسرار؛
 2. لیلی و مجنون؛
 3. خسرو و شیرین؛
 4. اسکندرنامه؛
 5. هفت پیکر یا بهرام نامه.

عبدالرازق فانی

- «سالار پیغمبران» از سروده‌های فانی است.
- فانی متولد 1322 هـ.ش. در کابل است.
- در بهار 1386 هـ.ش. روز دوشنبه سوم ثور فوت و در امریکا دفن شد.
- وی تحصیلات عالی‌اش را در سال 1356 هـ.ش. با به دست آوردن درجه ماستری در رشته اقتصاد سیاسی از بلغاریا به اتمام رساند.
- سرودن شعر را از 1340 هـ.ش. آغاز کرد.
- در سال 1367 هـ.ش. با خانواده‌اش در شهر سان‌دی‌اگوی ایالت کالیفورنیای امریکا مهاجر شد.
- مجموعه شعری آقای فانی:
 1. بارانه؛
 2. ابر و آفتاب؛
 3. ارمغان جوانی؛
 4. آیین و تصویر؛
 5. شکست شب و دشت.

- ابر و آفتاب، شکست شب و دشت، آینه و تصویر وی چاپ کالیفورنیا و سایر اشعارش چاپ کابل می‌باشد.
- «آمر بی صلاحیت» مجموعه طنز وی چاپ کابل می‌باشد.

سعدی

شرف الدین مصلح بن عبدالله شیرازی نویسنده و شاعر بنام قرن هفتم هـ.ق. است. اجدادش عالمان دینی بودند.

- سعدی در شیراز به کسب علوم پرداخت.
- بعد به بغداد شتافت و در مدرسه نظامیه مشغول علم آموزی گردید.
- در سال 656 هـ.ق. گلستان را تالیف نمود.
- مهارت وی در شعر، در غزل عاشقانه و عارفانه است.

فیض محمد کاتب هزاره

- ملا فیض محمد کاتب مشهور به «هزاره» در سال 1239 هـ.ش. در «زردسنگ» قره باغ غزنی تولد شد.
- پدرش سعید محمد و پدرکلانش خداداد فرزند الله داد است که در ناهور غزنی زندگی می‌کردند.
- کاتب در 16 جدی سال 1309 هـ.ش. به سن 70 سالگی در حالیکه 50 سال آن را در خدمت فرهنگ و ادب بود؛ فوت و در بالاجوی چنداول دفن شد.
- کاتب آموزش را پس از نوجوانی آغاز کرد.
- آقای کاتب به قندهار رفت و نزد «ملا محمد سرور اسحاقزی» عالم دین و شخصیت سیاسی به شاگردی نشست.
- بعداً به لاهور رفته، از آنجا به ایران رفت و در حوزه علمیه قم مصروف تحصیل گردید.
- آخرین مرجع تحصیل او حوزه علمیه نجف اشرف در عراق بود.
- تحصیلات کاتب، مسلسل و روی یک رشته خاص تحت نظر استادان مشخص صورت نگرفته است.
- کاتب در هنر خطاطی و خوشنویسی نیز صلاحیت استادی داشت؛ چنان که نسخه از قرآن کریم و چند جلد کتاب از گذشته گان را با خط «نستعلیق» نوشته است.
- از دلایل راه یافتن کاتب به دربار و دریافت عضویت دارالانشا استعداد خاص وی در نویسندگی و خوشنویسی می‌باشد.

وظایف رسمی

- کاتب از طریق هندوستان وارد جلال آباد شد.
- وقتی که کاتب به جلال آباد رسید این مصادف بود با زمانی که سردار نصرالله خان برادر امیر حبیب الله خان با ختم سفر زمستانی خود، جلال آباد را به قصد کابل ترک می‌کرد.
- آقای کاتب با وساطت استادش با سردار نصرالله خان آشنا شده با آنها به کابل آمد و در دربار امیر به حیث عضو دارالانشا و مجلس تالیف گماشته شد.

- پس از مرگ حبیب الله خان به وظیفه او در دارالانشا و مجلس تالیف خاتمه داده شد و به دارالتالیف منتقل گردید.
- «تاریخ متقدمین» را در جریان کار در دارالتالیف، تالیف و چاپ کرد.
- کاتب در تاریخ نگاری خویش از نوع واقعه نگاری استفاده کرده است او رویدادها را از سال 1160 تا 1348 هـ.ق. که نزدیک به دوصد سال می‌شود، با اتکا به مدارک موثق و دست اول منعکس ساخته است.
- وی 5000 صفحه در تاریخ، فرهنگ و سیاست افغانستان نگاشته است.
- تاریخ نویسان او را «بیهقی ثانی» لقب داده اند.

آثار کاتب

- 1- تحفه الحبيب: جلد اول شامل وقایع و حوادث دوران سدوزایی و جلد دوم شامل وقایع دوران محمد زایی هاست.
 - 2- سراج التواریخ: (پنج جلد) که امروز تنها سه جلد آن در دسترس است.
 - 3- فیضی از فیوضات: مهم‌ترین اثر قلمی کاتب است.
 - 4- تاریخ عصر امانیه: بنا به فرمان تاریخی 1299/2/16 امان الله خان نگاشته شده که در آرشیف ملی افغانستان موجود است.
 - 5- وقایع افغانستان
 - 6- استقلال افغانستان
 - 7- تاریخ حکمای متقدمین (کتاب درسی)
- و بیشتر از بیست جلد کتاب، رساله و نوشته‌های دیگر.

خواجه عبدالله انصاری

شیخ الاسلام ابواسماعیل عبدالله بن ابی منصور محمد معروف به «پیر هرات» دانشمند و عارف از اعقاب ابو ایوب انصاری در قرن پنجم است.

- خواجه متولد 396 هـ.ق و متوفای 481 هـ.ق. در هرات و محل دفنش محله گزرگاه می‌باشد.
- شهرت آقای انصاری در نثر نویسی و مهم‌ترین اثر وی مناجات نامه به نثر مسجع است.
- مادرش از مردم بلخ بود و عبدالله خود در هرات متولد شد.
- وی در تصوف از شیخ ابوالحسن خرقانی تعلیم گرفت و جانشین او بود.
- محل اقامتش بیشتر در هرات بود.
- آثار خواجه عبدالله انصاری عبارت است از:
 1. نصایح؛ 6. زادالعارفین؛
 2. الهی نامه؛ 7. هفت حصار؛
 3. قلندرنامه؛ 8. کنز السالکین؛
 4. محبت نامه؛ 9. رساله واردات؛
 5. مناجات نامه؛ 10. رساله دل و جان؛

علامه صلاح الدین سلجوقی

- در سال 1275 هـ.ش. در کنار قلعه اختیار الدین در هرات تولد شد.
- در جوزای سال 1349 هـ.ش. وفات و در شهدای صالحین دفن گردید.
- پدرش مفتی سراج الدین بود.
- او نخستین آموزش‌ها را از پدرش آموخت و تا سن 20 سالگی با علوم عربی کاملاً آشنا شده بود.
- بعد به مدرسه سلجوقیان هرات رفت و علوم مروجه آن زمان را آموخت.
- به پاکستان و هند و عربستان سفر کرد و زبان‌های اردو، عربی و انگلیسی را فراگرفت.
- همروزگاران استاد او را به عنوان ادیب، شاعر، منتقد، فقیه، محدث، مفسر، نویسنده، دیپلمات، مبلغ و استاد پر آوازه فلسفه، تصوف، الهیات و ماورالطبیعه می‌شناختند.
- در هند، پاکستان، ایران و کشورهای عربی وی را به عنوان دانشمند بزرگ و علامه می‌خواندند.
- استاد علی اصغر حکمت دانشمند بزرگ ایران که در استالف با استاد سلجوقی نشست داشته است، می‌نویسد که خودش را در برابر مرد دانشمند بزرگی می‌بیند که یادی از فارابی و ابن رشد می‌دهد.
- سلجوقی یگانه دانشمندی از عجمیان بود که به صورت استثنایی در «مجمع لغوی مصر» به عضویت پذیرفته شد.
- برخی از صاحب نظران او را همپایه با مولانا جامی و اناتول فرانس (نویسنده فرانسوی) دانسته اند.
- استاد در زمینه‌های فلسفه، اخلاق، سیاست، ادب، هنر، الهیات و علوم اجتماعی به زبان‌های دری و عربی کتاب‌ها، رساله‌ها و مقالاتی را تألیف کرده است.

وظایف رسمی

1. مفتی محکمه هرات؛
2. منشی دارالتحریر شاهی؛
3. رئیس مستقل مطبوعات؛
4. سفیر افغانستان در مصر؛
5. مدیر معارف و مدیر جریده اتفاق اسلام؛
6. استاد منطق و ادبیات در لیسه امانی کابل؛
7. معلم ادبیات لیسه‌های حبیبیه و استقلال کابل؛
8. وکیل مردم هرات در هفتمین دور شورای ملی.

آثار آقای سلجوقی

1. جبیره؛
 2. نقد بیدل؛
 3. تقویم انسان؛
 4. افسانه فردا؛
 5. افکار شاعر؛
 6. تهذیب الاخلاق؛
 7. مقدمه علم اخلاق؛
 8. نگاهی به زیبایی؛
 9. تجلی خدا در آفاق و انفس؛
 10. ترجمه اخلاق نیکوماسی ارسطو؛
 11. ترجمه کتاب محمد (ص) در شیرخواره‌گی و خردسالی.
- و چندین کتاب دیگر به زبان عربی.

اناتول فرانس

- نویسنده و فیلسوف فرانسوی در سال 1844 م. تولد شد.
- در سال 1924 م. فوت کرد.
- بیشتر از 30 سال عضو مجمع علمی فرانسه بود.
- جایزه ادبی نوبل را در سال 1922 م. به دست آورده است.

تولستوی

- لیون تولستوی نویسنده روسی در نهم سپتمبر 1828 م. در یک خانواده متمول و سرشناس تولد شد.
- مادرش را در 2 سالگی و پدرش را در 9 سالگی از دست داد و پس از آن تحت تکفل عمه‌اش قرار گرفت.
- در سال 1844 م. در رشته زبان‌های شرقی در پوهنتون قازان ثبت نام کرد و پس از سه سال تغییر رشته داده به فاکولته حقوق شامل شد.
- در سال 1851 م. به خدمت سربازی شتافت.
- تولستوی توجه و علاقه وافری به آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان داشت از همین سبب او در سال 1857 م. به مدت 5 سال از کشورهای غرب اروپا بازدید نموده و با مشاهیر آنجا؛ مانند: چارلیز دکنر، ایوان تورگنیف و فریدریش فروبل دیدار نمود.
- در همین راستا به پیروی از ژان ژاک روسو فرانسوی به تاسیس مکاتب ابتدایی در روستاها پرداخت.
- تولستوی در سال 1862 م. با یک دختر 18 ساله آلمانی به نام «سوفیا» ازدواج کرد.
- در 1881 م. با خانواده‌اش به مسکو رفته، آنجا اقامت گزید.
- آنگاه شاهکارهای جاودانه به نام «جنگ و صلح» و «انا کارنینا» را نوشت.
- نگارش رمان جنگ و صلح 5 سال را در بر گرفت.
- همسرش 1400 صفحه از پیشنویس جنگ و صلح را بیش از 7 بار پاکنویس کرده است.
- تولستوی بدون همسر خود با طبیب خانوادگی و دختر کوچکش به سوی جنوب روسیه مسافرت نمود.
- این آخرین سفر تولستوی بود که (به تاریخ 7 نوامبر 1910 م.) در ایستگاه راه آهن «آستاپوفو» به پایان رسید و او را در زادگاهش دفن کردند.
- تولستوی به حدی در کشورش محبوب و مشهور است که در این اواخر به نامش سکه طلایی را ضرب زده اند.

آثار آقای تولستوی

1. اعتراف؛ 6. هنر چیست؟
2. شیطان؛ 7. پول و شیطان؛
3. رستاخیز؛ 8. محکوم بی گناه؛
4. انا کارنینا؛ 9. بهترین داستان‌های کودکان و نوجوانان؛
5. جنگ و صلح؛ 10. خداوند حقیقت را می بیند اما صبر می کند.

ایوان تورگنیف

- ایوان سرگیویچ تورگنیف (9 نوامبر 1818 - 3 سپتمبر 1883 م.) رمان نویس، شاعر و نمایشنامه نویس روس بود.
- نخستین بار توسط او کشورهای غربی با ادبیات روسی آشنا شدند.
- آثار او تصویری واقع گرایانه و پر عطوفتی است از دهقانان روس و بررسی تیز بینانه از طبقه روشنفکر جامعه روسیه که می‌خواستند کشور را به سوی ترقی سوق دهند.

فریدریش فروبل

- دانشمند پیداگوزی سوئیسی ست که در قرن 19 می‌زیست.
- فروبل از جمله بنیان‌گذاران آموزش کودک محوری بود که باغچه کودکان را برای بازی و شادی آنها راه انداخت.

ژان ژاک روسو

- (1712-1778 م.) متفکر سوئیسی در قرن 18 و اوج دوره روشنگری اروپا می‌زیست.
- نقش فکری او که سال‌ها در پاریس به سر برد، به عنوان یکی از راهگشایان آرمان‌های انقلاب کبیر فرانسه قابل انکار نیست.

پوشکین

- الکساندر سرگیویچ پوشکین شاعر و نویسنده روسی سبک رومانیزم است.
- او در 6 جون 1799 م. در مسکو تولد شد.
- در 10 فبروری 1837 م. در سن پترزبورگ درگذشت.
- وی بنیان‌گذار ادبیات روسی مدرن به حساب می‌آید.
- برخی او را بزرگ‌ترین شاعر زبان روسی می‌دانند.

لومونوسف

- میخائیل لومونوسف دانشمند روسی در سال 1711 م. در یک خانواده ماهی‌گیر به دنیا آمد.
- در سال 1735 درگذشت.
- او در اکادمی علوم پترزبورگ روسیه و دانشگاه ماربورگ آلمان درس خواند.
- وی مؤسس دانشگاه مسکو است که تا امروز به نام او یاد می‌شود.

مولانا خسته و تذکره نگاری

- تذکره در لغت یادآوری، وسیله تذکر و یادگار را گویند.
- در اصطلاح مجموعه یا کتابی است که در آن خلاصه احوال شاعران و نویسندگان گرد آمده باشد.
- نمونه‌ی از تذکره نگاری را می‌توان در مقاله دوم کتاب «چهار مقاله» از نظامی عروضی دید که در سال 550 هـ.ق. تالیف شده است.
- عروضی در کتابش زیر عنوان «ماهیت شعر و شاعری» به صورت حکایت ذکری بعضی از شاعران به میان آورده و نمونه‌های از آثار آنان را درج کرده است.
- قدیم‌ترین، جامع‌ترین و معتبرترین تذکره شاعران فارسی که در سده هفتم هـ.ق. نوشته شده، تذکره «الباب الالباب» عوفی است که ترجمه احوال شاعران پس از اسلام تا زمان مولف را دربر دارد.
- حرکت فرهنگی در زمینه تذکره نویسی در سده‌های 13 و 14 هـ.ق. شکوه و رونق یافت.
- نمونه‌های از تذکره نویسی در کشور ما در قرن‌های پسین:
 1. «سیمها و آواها» اثر نعمت حسینی؛
 2. «پر طاووس» تالیف مولانا محمد حنیف بلخی؛
 3. «مشاهیر افغانستان» تالیف سید محی الدین هاشمی؛
 4. «رجال معاصر» تالیف مولانا غلام حضرت فرخاری؛
 5. «تذکره معاصرین سخنور» اثر مولانا خال محمد خسته؛
 6. «پرده نشینان سخنگوی» (تذکره زنان شاعر) تالیف خانم ماگه رحمانی.
- تذکره معاصرین سخنور، تذکره شاعران معاصر است که معرفی 179 تن از شعرای کشور از عهد امیر عبدالرحمان خان تا سال 1339 هـ.ش. را دربر می‌گیرد.
- مولانا خسته پژوهشگر، شاعر، نویسنده، خطاط، تذکره‌نگار، ژورنالیست، محدث، حافظ قرآن، سیاست مدار، مبارز مشروطیت و حکومت قانون پژوهنده‌ی است که با تصحیح و تنقیح کلیات چهار جلدی ابوالمعانی بیدل کار بزرگی را رقم زد.
- مبارزی که در دوره هفتم شورا از مشروطه و حاکمیت قانون سخن گفت و به آن جرم تا هنگام مرگ ممنوع الخروج بود و به زیستن در کابل محکوم.
- آقای خسته در سال 1281 هـ.ش. در دهکده «دهباز» ختلان تاجیکستان زاده شد.
- مولانا خسته روز شنبه 26 سنبله 1352 هـ.ش وفات کرد.
- پدرش ملارستم پنجشیری از جمله منشیان سردار محمد اسحاق خان بود.
- هنگامی که سردار محمد اسحاق خان علیه امیر عبدالرحمان خان قیام کرد و شکست خورد، ارکان حکومتش از جمله پدر مولانا خسته به ماورالنهر فرار نموده و در ختلان اقامت گزید.
- وی با دختری از همان ناحیه ازدوج کرد که مولانا خسته ثمره همان وصلت است.
- پدر خسته از ختلان به بخارا رفت و همانجا بود که خسته آموزش‌های ابتدایی را فرا گرفت، سپس ملا رستم با عایله‌اش به بلخ بازگشت.

- در این زمان خال محمد که نوجوان بود برای معیشت زندگی دست به کار شد؛ نخست در ناحیه سیاهگرد مزارشریف به دهقانی پرداخت و پس از آن در منطقه «بوینه قره» ملا امام مسجد شد.
- سپس به منظور اكمال تحصیلاتش در سن 21 سالگی به هندوستان رفت و 15 سال در هند ماند.
- مشق شاعری خود را در هندوستان پخته و استوار ساخت.
- در سال 1317 هـ.ش. به کشور برگشت و در مدرسه اسدیه شش سال تدریس نمود.
- وکیل مردم مزار شریف شد، کتابفروشی کرد.
- آقای خسته هشت تذکره دیگر نیز در شرح احوال شاعران، موسیقی دانان، خطاطان، تذکره نگاران و سخنوران دری زبان سرزمین هند نوشته و یا خطاطی کرده است که عبارتند از:

1. عقد ثریا؛ 5. یادى از رفتگان؛
2. فرقه ثالث؛ 6. تذکره تذکره نگاران؛
3. نفوذ دانش؛ 7. از معاصرین سخنور؛
4. تذکره خطاطان؛ 8. معاصرین سخنور (جلد دوم).
- و نیز بیش از 15 کتاب دیگر از وی به جا مانده است که مهم‌ترین آنها عبارت است از:
- «خمستان»؛ «دیرستان بلخ»؛
- «رمز حیات»؛ «کارستان بلخ»؛
- «نظم الحیات»؛ «موسیقی دانان بلخ»
- «ضرب المثل‌ها»؛

- «خمستان» دیوان شعر خسته و نخستین اثر چاپی اوست که در سال 1314 هـ.ش. به کمک جنرال قنسل افغانستان در هند (استاد صلاح الدین سلجوقی) چاپ شد.
- خمستان در 24 سالگی او چاپ شد.
- خسته در تذکره معاصرین سخنور از کلیات شش جلدی خود و از دو جلد منتخبات خود نیز خبر داده است.

پژواک

- شاعر، نویسنده، سیاستمدار و دیپلمات در سال 1296 هـ.ش. تولد شد.
- و در روز پنجشنبه 18 جوزای سال 1374 هـ.ش. در پشاور وفات یافت.
- استاد عبدالرحمان پژواک پس از اكمال تحصیلات زندگی کاری خود را از ترجمانی زبان انگلیسی در انجمن تاریخ آغاز کرد. در ضمن به نوشتن آثار ادبی و هنری نیز می‌پرداخت.
- چندی بعد در شعبات مستقل مطبوعات کار کرد.
- سپس مدیر مسول روزنامه اصلاح مقرر گردید و پسان‌ها آژانس باختر را رهبری کرد.
- استاد پژواک سالیان زیادی به صفت سفیر کبیر و نماینده دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد با مسولیت و علاقه‌مندی کار کرد.
- از وظایف ایشان می‌توان از ریاست کمیسیون تجدید نظر بر منشور سازمان ملل؛ ریاست کمیسیون حقوق بشر؛ ریاست مجمع عمومی و ریاست اسامبله خاص سازمان ملل نام برد.

- از استاد 19 کتاب به زبان‌های دری، پشتو و انگلیسی در زمینه‌های مختلف به چاپ رسیده است.

اندرزهای اخلاقی

- سستی در عمل موجب نرسیدن به مطلوب است (امام علی).
- برترین دانش‌ها، خدا پرستی است (بزرگمهر).
- اندیشه دریای است که مروارید آن فلسفه و فرزانه‌گی است (یحیای برمکی).
- از دو صفت همواره بهره‌بیزید: بی حوصلگی و تنبلی. اگر بی حوصله باشی بر هیچ حقی صبر نخواهی کرد و اگر تنبل باشی هیچ حقی را ادا نخواهی کرد (امام صادق).
- دوستی را که به عمری فراچنگ آرند نشاید که با یک دم بیازارند (سعدی).
- چنان نمای که هستی نه چنان باش که می‌نمایی (بایزید بسطامی).
- نزدیک‌ترین چیزها مرگ و دورترین چیزها آرزوست (سقراط).
- نبوغ جوهر تفکر است (ژان پل سارتر).
- افراد منطقی خودشان را با دنیا تطبیق می‌دهند و افراد غیر منطقی سعی می‌کنند دنیا را با خودشان تطبیق دهند (برنارد شاو).
- آنچه هستید شما را بهتر معرفی می‌کند تا آنچه می‌گویید (بزرگمهر).
- قدر زمان حال را بدانید که گذشته بر نمی‌گردد و آینده شاید نیاید (گالیله).
- حکمت درختی است که ریشه آن در قلب است و میوه آن در زبان (بطلموس).
- نخستین قانون موفقیت تمرکز فکری است (ویلیام ماتیوس).
- پیروزی آن نیست که هرگز نیفتی، آن است که بعد از هر افتادنی برخیزی (مهاتما گاندی).
- تمایلات خود را میان دو دیوار محکم (اراده) و (عقل) حبس کنید (ارستو).
- در باره آدم‌ها از سوالاتی که می‌پرسند قضاوت کنید نه از جواب‌هایی که می‌دهند (ولتر).
- تمام حقایق سه مرحله را پشت سر گذاشته اند: اول مورد تمسخر واقع شده اند، دوم به شدت با آنها مخالفت شده است و سوم به عنوان یک چیز بدیهی پذیرفته شده اند (شوپنهاور).
- هر چیز زیبایی‌ها و خصوصیت خودش را دارد ولی هر کسی نمی‌تواند آن را ببیند (کنفوسیوس).
- آنکه پریدن نمی‌داند نباید به پرتگاه آشیانه بسازد (نیچه).
- اگر با خونسردی گناهان کوچکی را مرتکب شدید روزی می‌رسد که بدترین گناهان را هم بدون خجالت و پشیمانی مرتکب می‌شوید (شوپنهاور).
- آنکه می‌تواند انجام می‌دهد و آنکه نمی‌تواند انتقاد می‌کند (دیل کارنگی).
- بر گرداندن تصاویر آویخته بر دیوار، مسیر تاریخ را عوض نمی‌کند (نهره).
- شاگردانی که بدون نوآوری همواره سخن استاد خویش را تکرار می‌کنند هیچ گاه برای خود و استاد شان فر و شکوهی به ارمغان نمی‌آورند (آرد).
- اگر به جای اسلحه با قلم به جنگ دنیا می‌رفتیم همه دشمنان نابود می‌شدند (بیسمارک).

- اگر هر شاگرد یک گام از معلم خویش پیش نشود جامعه در رکود باقی می‌ماند (پروفسور محمد کبیر).
- آنکه نمی‌تواند از خواب خویش برای فراگیری دانش و آگاهی کم کند، توانی افزودن بر بزرگی و برتری خویش را ندارد (ارد).
- حافظه گنجینه‌ی است که باید در آن سرمایه گذاری کنیم تا بتوانیم کمکی را که به آن نیاز داریم از آن دریافت کنیم (روو).
- تو در تمام دنیا فقط یک نفر؛ ولی برای بعضی افراد تمام دنیا هستی (مارکیز).
- برای شب پیری در روز جوانی چراغی باید تهیه کرد (بلوتارک)

صنف دوازدهم

سعدی

- مشرف الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی در سال‌های اول سده هفتم هـ.ق. در شیراز تولد شد.
- بین سال‌های (691-694 هـ.ق.) در شیراز وفات و در همانجا نیز دفن می‌باشد.
- خانواده وی از عالمان دینی بودند.
- او در جوانی به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه درس خواند.
- سعدی سفرهای به عراق، شام و حجاز کرد.
- در اواسط سده هفتم و در زمان سلطان اتابیک ابوبکر بن سعد بن زنگی (623-688 هـ.ق.) به شیراز بازگشت.
- در سال 655 هـ.ق. کتاب «بوستان» یا «سعدی نامه» را به نظم نگاشت و در بهار 656 هـ.ق. «گلستان» را تصنیف کرد.
- آثار: که همه در کلیات وی جمع شده اند، عبارت است از:
غزلیات؛ مقالات؛
ترجیع بند؛ قصاید عربی.
رباعیات؛
- گلستان وی دارای هشت باب است:
1. در سیرت پادشاهان؛
2. در اخلاق درویشان؛
3. در فضیلت قناعت؛
4. در فواید خاموشی؛
5. در عشق و جوانی؛
6. در ضعف و پیری؛
7. در تاثیر تربیت؛
8. در آداب صحبت.

ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل

- بیدل شاعر غزل‌سرای عرفانی و فلسفی فرزند میرزا عبدالخالق در سال 1054 هـ.ق. در شهر آباد پتنه در هندوستان تولد شد.
- وفات: 4 صفر سال 1133 هـ.ق. .
- نسبتش به قبیله «ارلاس» بدخشان افغانستان می‌رسد.
- خانواده او همه سپاهی پیشه و نظامی مسلک بودند.
- وی هنگامیکه بیش از چهار سال و نیم نداشت پدرش را از دست داد و تربیت و آموزشش به کاکایش «میرزا قلندر» رسید که خود صوفی بود.

- بیدل در کنار «میرزا قلندر» با مبانی تصوف آشنا شد و نیز از کمک‌های دوست پدرش «مولانا کمال» بهره‌ها برد.
 - وی وقتی که سیزده سال بیشتر نداشت به مدت سه ماه با سپاه «شجاع» یکی از فرزندان شاه جهان در ترهت (سرزمینی در شمال پتنه) به سر برد و از نزدیک شاهد درگیری‌های خونین فرزندان شاه جهان بود.
 - او با مامای خود «میرزا ظریف» در سال 1017 هـ.ق. به شهر «کتک» مرکز اورپسه رفت.
 - دیدار «شاه قاسم هواللهی» و بیدل در این سال از مهم‌ترین وقایع زندگی‌اش به شمار می‌رود که به مدت 3 سال در اورپسه از فیوض معنوی شاه قاسم بهره برد.
 - بیدل چهره‌ی خوشایند و جثه نیرومند داشت و فن کشتی را نیک می‌دانست.
 - در سال 1075 هـ.ق. به دهلی رفت و در آنجا دایم الصوم بود.
 - در سال 1076 هـ.ق. با «شاه کابلی» آشنا شد که این آشنایی تأثیر عمیق بر او گذاشت و در همین سال در فراق اولین مربی معنویش میرزا قلندر به ماتم نشست.
 - وی در سال 1078 هـ.ق. سرایش مثنوی «محیط اعظم» را به پایان رساند.
 - دو سال بعد مثنوی «طلسم حیرت» را سرود و به نواب عاقل خان رازی که از حامیان او بود هدیه کرد.
 - تلاش معاش او را به خدمت در سپاه شهزاده «اعظم شاه» پسر اورنگ زیب باز گرداند؛ اما پس از مدت کوتاهی، چون از او تقاضای مدیحه کردند، از خدمت سپاهی استعفا کرد.
 - بیدل در سال 1096 هـ.ق. به دهلی رفت و در همین سال‌ها به تکمیل مثنوی «عرفان» پرداخت.
 - آثار: به جز از دیوان غزلیاتش 90000 بیت سروده است.
1. نکات؛
 2. رقعات؛
 3. رباعیات؛
 4. طور معرفت؛
 5. مثنوی طلسم حیرت؛
 6. مثنوی عرفان؛
 7. مثنوی رقعات؛
 8. چهار عنصر؛
 9. مثنوی محیط اعظم.
- مثنوی محیط اعظم را شاعر در جوانی‌اش سروده است.
 - از مفاهیم فلسفی در شعر بیدل می‌توان به دو مفهوم «هستی» و «عدم» اشاره کرد.
 - بیدل را «شاعر آیین‌ها» نامیده اند.
 - واژه «حیرت» به مثابه مفهوم عرفانی-فلسفی نقش مهمی در تفکر و شعر بیدل دارد.
 - از دیگر واژه‌های پر کاربرد و کلیدی عرفانی-فلسفی در شعر بیدل واژه «هیچ» است که در نظریه‌های عرفانی کاربرد معنایی دوگانه‌ی دارد از نظر بیدل: هیچ در معنای عدم و نیستی و هیچ در مفهوم پوچی و بیهودگی.

- مهم‌ترین ویژگی‌های شعر بیدل:

خیال انگیزی؛	به کار گیری ترکیبات نو؛
تکرار قافیه؛	بهره گیری از نمادها و تلمیحات؛
بازی با کلمات؛	تشخیص بخشیدن به چیزهای بی‌جان؛
باریک اندیشی؛	استفاده از شیوه‌های شاعران گذشته؛
توصیف طبیعت؛	سادگی بیان و تازگی زبان شعری.
تناقض و عرفان؛	

سالک

- کسی که به طریق سلوک صوفیانه به مقام و مرتبتی برسد که از اصل و حقیقت خود آگاه شود.

نفس اماره

- اماره به معنای بسیار امر کننده است و نفس اماره یعنی نفسی که به لذات و شهوات جسمانی میل کند و قلب را به جهت سفلی بکشد. روح انسانی را به اعتبار غلبه نفس حیوانیت، نفس اماره گویند.

سکاکی

- سراج الدین ابو یعقوب یوسف خوارزمی، از ادبای معروف عربی زبان قرن ششم و هفتم (555-626 هـ.ق.) مولف کتاب «مفتاح العلوم» بود، وی در انواع علوم ادبی و به ویژه علوم بلاغی متبحر بود.

امیر علی شیر نوایی

- آقای نوایی متولد 844 هـ.ق. و متوفای 906 هـ.ق. در هرات می‌باشد.
- در 4 سالگی تحصیلات ابتدایی را شروع و در 10 سالگی به شعر سرایی پرداخت.
- به دو زبان ترکی و دری شعر می‌سرود؛ پس بدین سبب او را «ذواللسانین» می‌خوانند.
- وی شاعر، ادیب، مورخ، موسیقی‌دان، وزیر دانشمند، کاردان و از جمله اعیان دوره تیموریان هرات بود.
- او از ترکان چغتایی بود.
- نوایی در مشهد، توس، هرات و ماورالنهر علوم مروجۀ عروض، قرائت، فقه و نحو را فراگرفت.
- در آغاز حکمروایی سلطان حسین بایقرا به منصب امارت دیوان اعلی یا مہرداری حضور و سپس به وزارت رسید.
- نوایی 370 بنای خیریه از جمله مدرسه، کتابخانه، پل، خانقاه، مسجد، بنای مقابر، مزارها، شفاخانه، کاروانسرا، گرمابه و یک نهر بزرگ به طول 70 کیلومتر از توس تا مشهد اعمار کرده است.
- از آبادانی‌های مشهورش می‌توان از نهر اخلاصیه واقع انجیل، خانقاه اخلاصیه، شفاییه که در آن طب و حکمت می‌آموختند؛ نظامیه هرات، مسجد جامع امیر علی شیر، دارالحفاظ و مسجد چهار سوق هرات و بازسازی مسجد جامع هرات نام برد.

- نوایی در سن 35 سالگی از سمرقند به هرات رفت (876 ه.ق.) و مدت 30 سال تا 906 ه.ق. وزیر سلطان حسین بایقرا بود.
- بیش از 60000 بیت و بیش از 30 جلد اثر منشور و منظوم تصنیف و تالیف نموده است. او در آثار فارسی دری‌اش تخلص «فانی» را برگزیده است.

• آثار:

الف) خمسه:

1. حیرت‌الابرار؛
2. فرهاد و شیرین؛
3. لیلی و مجنون؛
4. سد سکندری؛
5. سبعة سیاره.

ب) دیوان‌ها:

1. غرایب الصغر؛
2. نوادر الشباب؛
3. بدایع الوسط؛
4. فواید الکبر.

ج) دیگر آثار:

1. بدایع اللغة؛
2. تاریخ انبیا؛
3. نسایم المحبه؛
4. نظم الجواهر؛
5. اربعین منظوم؛
6. محبوب القلوب؛
7. ترجمه نثر الیالی؛
8. مناجات نامه؛
9. میزان الاوزان؛
10. منشآت ترکی؛
11. رساله عروضیه؛
12. سراج المسلمین؛
13. خمسه المتحیرین؛
14. ترجمه نفحات الانس؛
15. محاکمه اللغتين؛
16. تاریخ الملوک عجم؛
17. قصه شیخ صنعان؛
18. تذکره مجالس النفايس؛
19. مفردات در فن معما؛
20. حالات پهلوان محمد ابوسعید؛
21. حالات سید حسن اردشیر؛
22. مثنوی لسان الطیر ترجمه منطق الطیر شیخ عطار.

تذکره الشعرا

1. این کتاب شرح حال قریب 105 تن از شعرای دری زبان را در بر دارد.
2. دولت‌شاه علا الدوله سمرقندی از امیر زاده گان و رجال و اعیان و پدرش از ندمای شاهرخ و خود در هرات از مقربان ابوالغازی سلطان حسین و امیر علی شیر نوایی و معاصر مولانا جامی بوده است و اسم و مدح و فضایل هر سه تن را در اواخر این کتاب آورده و این تذکره را به نام علی شیر کرده است.

حبیب السیر

- تاریخ عمومی معروفی ست که غیاث الدین بن هماد الدین خواند میر تألیف کرده و وقایع را از ابتدای تاریخ بشر تا 930 هـ.ق. آورده و در سه جلد می‌باشد.

بوکاپیو

- جووانی بوکاپیو اهل ایتالیا است.
- در 1313 م. تولد و در 1373 م. فوت کرد.
- بوکاپیو را در کنار دانته یکی از اصلاح‌گران زبان ایتالیایی می‌دانند.
- همچنین او از مقامات دولتی شهر فلورانس بود.
- «دکامرون» کتاب معروف وی می‌باشد.
- او قصه نویسی را از 7 سالگی آغاز کرد و در طول عمر خود شیفتهٔ مسافرت و تفحص در آداب، رسوم و روایات مردم بود.

قابوسنامه

- تألیف عنصر المعالی کیکاووس بن سکندر بن قابوس بن دستگیر که آن را در سال 475 هـ.ق. در نصیحت به فرزند خود گیلان‌شاه نوشته کرده که دارای 44 باب است.

پوهاند عبدالحی حبیبی

- متولد 1289 هـ.ش. در کندهار و متوفای 20 ثور 1363 هـ.ش. می‌باشد.
- تعلیمات همان وقت را در کندهار به پایان رسانید و در همان جا به حیث معاون جریدهٔ «طلوع افغان» و پس از آن به حیث مدیر و گردانندهٔ آن جریده تقرر حاصل نمود، طلوع افغان را ده سال رهبری کرد.
- حبیبی پس از آن به حیث معاون ریاست مستقل مطبوعات در کابل مقرر شد.
- با تأسیس فاکولتهٔ زبان و ادبیات در دانشگاه کابل، موصوف با اخذ رتبهٔ علمی پوهاند در آن فاکولته تقرر حاصل نمود.
- پوهاند در سال 1327 هـ.ش. از طرف مردم کندهار به حیث عضو شورای ملی کشور انتخاب گردید.
- مدتی در کراچی به سر برد.

آثار:

1. پنجاه مقاله؛
2. هفت کتیبهٔ قدیم؛
3. افغان و افغانستان؛
4. افغانستان بعد از اسلام؛
5. زندگینامهٔ بو علی سینا؛
8. جنبش مشروطیت در افغانستان؛
19. ترجمه پته خزان به زبان دری؛
10. نگاهی به سلامان و ابدال جامی؛
11. شناختنامه میا فقیر الله جلال آبادی؛
12. تاریخ مختصر افغانستان در دو جلد؛

6. ده هزار لغت فارسی به پشتو؛ 13. تاریخچه سبک‌های شعر پشتو به زبان دری؛
7. تاریخچه خط در افغانستان؛ 14. ظهیر الدین محمد بابر (زندگی و شخصیت او)؛
15. مجموعه شعری زیر عنوان درد دل و پیام عصر؛
16. داستان کوتاه «صندوق جواهر» در باره دیوارهای شیر دروازه و آسمایی.

جمشید شعله

- متولد 1287 هـ.ش. در چاه آب تخار و متوفای ماه دلو 1374 هـ.ش. در زادگاهش است.
- از داملا عبدالکریم، مدرس مدرسه سر حوض چاه آب و آشنایی با آثار عبدالقادر بیدل، حافظ، سعدی و دیگران سواد ابتدایی را آموخت.
- در دوره امانی در چاه آب و خان آباد مرکز ولایات قطن و بدخشان، آموزش دید، سپس به معلمی و ادراة مکتب پرداخت.
- کلیات چاپ شده وی حاوی 800 صفحه می‌باشد.
- او به حیث وکیل منتخب مردم در لویه جرگه سال 1312 هـ.ش. اشتراک ورزید. شعله پس از کناره گیری از وظایف رسمی به پیشه کشاورزی پرداخت.
- وی در سرایش شعر از سبک هندی پیروی می‌کرد.
- آثار:

1. جهاد ملت بخارا؛ 5. یاد داشت‌های زندان؛
2. تفسیر سورة والعصر؛ 6. کلیات شعری 800 صفحه‌یی؛
3. تاریخ ادیبان بدخشان؛ 7. حوادث لقی در شمال هندوکش.
4. تاریخ پهلوانان چاه آب.

گابریل گارسیا مارکیز

- گابریل گارسیا مارکیز نویسنده، ژورنالیست، ناشر، روزنامه نگار و فعال سیاسی برازنده آمریکای جنوبی در ششم مارچ سال 1928 م. در دهکده آرکاتاکای کشور کولمبیا تولد شد.
- والدینش تربیت او را به عهده پدرکلانش «نیکولامارکیز» که یک افسر نظامی بود، گذاشتند.
- مارکیز اولین نوشته‌هایش را در روزنامه «جوونتود» که مخصوص شاگردان مکاتب بود، منتشر کرد.
- نخستین داستانش زیر عنوان «سومین استعفا» در سال 1947 م. به نشر رسید.
- همچنان وی در همین سال به تحصیل رشته حقوق و ژورنالیزم در دانشگاه ملی «بوگوتا» پرداخت.
- نخستین مجموعه داستانی‌اش در سال 1940 م. به نشر رسید.

- در سال 1955 م. نخستین ناول او زیر عنوان «توفان برگ‌ها» به دسترس علاقه مندان قرار گرفت.
- بزرگترین اثرش «صد سال تنهایی» نام دارد که در خلال سه سال آن را به پایان رسانیده است.
- وی در سال 1982 م. برای همین رمان، برندهٔ جایزه نوبل ادبیات شناخته شد.
- مارکیز در سال 1999 م. رسماً مرد سال امریکای لاتین شناخته شد.
- در سال 2000 م. مردم کولمبیا با ارسال نامه‌هایی، از وی خواستار پذیرش ریاست جمهوری کولمبیا گردیدند، که او نپذیرفت.

احمد شاه بابا

- تولد: 1101 هـ.ش. و بعد از 25 سال سلطنت در سال 1151 هـ.ش. به عمر 50 سالگی وفات کرد.
- احمد شاه بابا مرد متدین بود. او به عرف و عادات پسندیدهٔ ملی احترام داشت.
- وی 8 پسر داشت به نام‌های (سلیمان، تیمور، شهاب، سنجر، یزدان، سکندر، داراب و پرویز).
- وی در پایتخت دوایری تشکیل کرد؛ از قبیل وزارت (در منزلهٔ صدارت)، دیوان اعلی (وزارت مالیه)، خزانه داری دفتر ضبط بیگی (امنیه و کوتوالی).

دکتور عبدالاحمد جاوید

- دکتور جاوید فرزند میرزا عبدالصمد خان، در نهم جدی سال 1305 هـ.ش. در محلهٔ «پایان چوک» کابل تولد شد؛ اما بیشتر ایام کودکی و نوجوانی را در محلهٔ «ریکاخانه» کابل گذراند.
- در شامگاه چهارشنبه 9 اسد 1381 هـ.ش. بر اثر بیماری سرطان سن 75 سالگی در شهر لندن وفات و در 13 اسد همان سال در شهدای صالحین شهر کابل دفن گردید.
- وی دوران آموزش‌های ابتدایی را در مکتب شماره دو و متوسطه و لیسه را در مکتب حبیبیه به پایان رسانید.
- در 16 سالگی به سرودن شعر آغاز کرد.
- در سال 1322 هـ.ش. شامل دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه کابل شد و پس از یک سال تحصیل با استفاده از یک بورس تحصیلی به ایران رفت و در رشته حقوق و علوم سیاسی در دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد.
- علاقهٔ فراوانش به ادبیات سبب شد که همزمان در دو رشتهٔ حقوق و ادبیات به تحصیلات خود در تهران ادامه دهد.
- او در سال 1329 هـ.ش. پس از به دست آوردن لیسانس از دانشگاه تهران به همراه شادروان استاد سعید نفیسی به افغانستان بازگشت و به تدریس مشغول گشت.
- در سال 1331 هـ.ش. دوباره به تهران برگشت و موفق شد که دکتورای ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران به دست آورد.
- در سال 1345 هـ.ش. به حیث استاد زبان دری به دانشگاه تاشکند رفت که تا سال 1348 تدریس زبان دری را در تاشکند ادامه داد.

- استاد جاوید افزون بر زبان مادری (فارسی دری) به زبان‌های پشتو، انگلیسی، عربی، فرانسوی و تا حدود به زبان روسی آشنا بود و ترجمه‌های از انگلیسی و پشتو به دری دارد.

وظایف رسمی

- در سال 1340 هـ.ش. موفق به کسب به رتبه علمی پوهاند گردید.
- در سال 1365 از سوی اکادمی علوم افغانستان به عنوان اکادمیسین و در سال 1366 از سوی وزارت اطلاعات و کلتور لقب «کارمند شایسته فرهنگ» را حاصل کرد.
- عضویت وی در شورای بررسی کتب درسی وزارت معارف و عضویت در انجمن دوستی افغانستان و سازمان ملل متحد؛ عضو لوی جرگه؛ عضو افتخاری انجمن نویسنده گان افغانستان؛ عضو انجمن دوستی افغانستان و فلسطین از دیگر وظایف آقای جاوید است.
- ریاست دانشگاه کابل نیز از فعالیت‌های دیگر استاد جاوید است.
- انتشار مجلات دانشگاهی از مهم‌ترین دستاوردهای دکتور جاوید حساب می‌گردد. دکتور در سال 1367 هـ.ش. از افغانستان به پاکستان رفت و بعد در لندن اقامت اختیار نمود.
- آثار:

دکتور در طی 10 سال از 1367 تا 1377 هـ.ش. بیش از 80 سخنرانی در محافل و مجالس مختلف داشته است.

1. اوستا؛
2. آثار برگزیده دری؛
3. جغرافیای افغانستان؛
4. تاریخ ادبیات دری؛
5. مدارا و مروت در ادبیات فارسی؛
6. نوروز خوش آیین؛
7. رایحه صلح در فرهنگ ما؛
8. افسانه‌های قدیم شهر کابل؛
9. تحقیق در املا و انشای فارسی؛
10. نگاهی به اشعار دری خوشحال خان خټک؛
11. قرایت دری صنوف هفتم، هشتم و نهم؛

عناوین مقالات

1. آریانا؛
2. آشنایی با بیدل؛
3. خراسان و افغانستان؛
4. افسانه باب‌نوروز؛

5. افغانستان مهد پیدایش زبان دری؛
6. درود بر زن درود بر مادر؛
7. سرگزشت تاج التواریخ؛
8. گستره ادب دری در جامعه ترکی زبانان.

فرخی

- از شعرای بزرگ دربار سلطان محمود و سلطان محمد غزنوی فرزند ابوالحسن علی بن جولوغ متخلص به فرخی است.
- او چنگ نیکو می‌زد و استاد بی نظیر در قصیده سرایی بود.
- دیوان فرخی بیشتر از 9000 بیت دارد.
- عنصری، رشید و طواط و دیگران او را ستوده اند.
- فرخی در سال 429 هـ.ق. وفات کرده است.

سوالات کانکور از زنده‌گی نامه شاعران

- 1) زوجه شاهرخ میرزا چی نام داشت؟
 (1) ملکه ثریا (2) ملکه ملالی (3) گوهر شاد بیگم (4) ملکه خاتون بیگم
- 2) جمشید شعله شخصیت فرهنگی کشور ما در یکی از این ولایات دیده به جهان گشود؟
 (1) بلخ (2) هرات (3) تخار (4) بدخشان
- 3) خواجه عبدالله انصاری در کدام یکی از محله های ذیل مدفون گردیده است؟
 (1) گازرگاه (2) خواجه غلتان (3) گوهرشاد بیگم (4) گذرپ
- 4) امیر علی شیر نوایی به چند زبان شعر سروده است؟
 (1) یک زبان (2) دو زبان (3) سه زبان (4) چهار زبان
- 5) امیر علی شیر نوایی در کدام سال جهان فانی را وداع گفت؟
 (1) 906 هجری قمری (2) 909 هجری قمری
 (3) 1026 هجری قمری (4) 1005 هجر قمری
- 6) دانشمندی که تحصیلاتش را در نظامیه بلخ به پایان رسانید، یکی از اینهاست؟
 (1) رشید و طواط (2) رابعه بلخی (3) ابوشکور بلخی (4) دقیقی بلخ
- 7) سال وفات پروین اعتصامی را معلوم کنید:
 (1) 1326 هـ ش (2) 1299 هـ ش (3) 1321 هـ ش (4) 1320 هـ ش
- 8) امیر علی شیر نوایی مدت چند سال به شغل دیوانی در دستگاه سلطان حسین بایقرا اشتغال داشت:
 (1) سی و پنج سال (2) سی سال
 (3) بیست و هشت سال (4) بیست و پنج سال
- 9) نظامی گنجوی از شاعران قرن:
 (1) هشتم (2) نهم (3) ششم (4) یازدهم
- 10) عبدالقهار عاصی در کدام یک از ولایات افغانستان دیده به جهان گشود؟
 (1) هرات (2) بلخ (3) بدخشان (4) پنجشیر
- 11) مولانا جلا الدین محمد بلخی در یکی از شهرهای ذیل به تدریس مشغول شد؟
 (1) قم (2) نجف (3) قونیه (4) دمشق
- 12) زادگاه (دقیقی) شاعر:
 (1) هرات است (2) بلخ است (3) توس است (4) نیشاپور است
- 13) پدر مولانا جلال الدین محمد بلخی به دعوت کدام پادشاه به قونیه رفت؟
 (1) سلطان سنجر (2) سلطان محمد
 (3) سلطان علاؤالدین کیقباد (4) تیمور لنگ

14 بیت (به نسیمی از نجابت چمن حضور داریم - دل چاک بال می زد سحری دمیده باشد) کدام یکی از شعرا سروده است؟

(1) حافظ (2) بیدل (3) رودکی (4) عبدالله انصاری

15 تعداد بناهای خیریه را که امیر شیر علی نوایی به اعمار آن دست زده است به چند می‌رسد؟

(1) 73 (2) 220 (3) 293 (4) 370

16 خانواده میرزا عبدالقادر بیدل به کدام یکی از مسلک های ذیل مشغولیت داشتند؟

(1) کتابداری (2) نظامی گری (3) زرگری (4) بازرگانی

17 امیر علی شیر نوایی به چند زبان شعر سروده است؟

(1) یک زبان (2) دوزبان (3) سه زبان (4) چهار زبان

18 وزیری که بیشتر از سی اثر منظوم و منثور به زبان دری و ترکی و ازبکی نوشت، یکی از اینهاست؟

(1) امیر علی شیر نوایی (2) نظام الملک (3) حسن میمندی (4) فضل بن سهل

19 یکی از شاعران است که در اشعارش افکار صوفیانه دیده می شود؟

(1) فردوسی (2) جامی (3) اسدی طوسی (4) رودکی

20 رازق فانی شاعر معاصر و توانای کشور ما در کدام یکی از ولایات چشم به جهان گشوده؟

(1) پنجشیر (2) هرات (3) بلخ (4) کابل

21 برای نخستین بار واژه فلکلور توط یکی از این اشخاص در یک مجله انگلیسی به کار برده شد؟

(1) ویلیام هارود (2) ویلیام جی تامس (3) ویلیام جکسن (4) البردبوف

22 امیر علی شیر نوایی به چند زبان شعر سروده است؟

(1) یک زبان (2) دو زبان (3) سه زبان (4) چهار زبان

23 شاعری که حالش دگرگون شد و از مدح دست کشید، کدام یک از اینها است؟

(1) عنصری (2) فرخی (3) سنایی (4) منوچهری

24 محمود طرزی، قاری عبدالله، داوی و واصل کابلی از جمله شاعران یکی از دوره های ادبیات دری است؟

(1) دوره عراقی (2) دوره جدید (3) دوره هندی (4) دوره خراسانی

25 ملک الشعرا قاری عبدالله از نخیه های علمی و فرهنگی کشور ما مدیر مسئول یکی از نشریه های ذیل بود؟

(1) حبیب الاسلام (2) امان افغان (3) اصلاح (4) کابل

26 نقش زنان در ادبیات ما به نام یکی از این چهره های فرهنگی آغاز می یابد؟

(1) مخفی بدخشی (2) رابعه بلخی (3) محجوبه هروی (4) عایشه درانی

27 سعدی شیرازی در کدام قرن می زیست؟

(1) پنجم هـ ق (2) هفتم هـ ق (3) نهم هـ ق (4) ششم هـ ق

28 امیر علی شیر نوایی از جمله شاعران دوره:

(1) صفویان (2) غزنویان (3) تیموریان (4) هیچکدام

29 بیت (حمد بی پایان مر خدای پاک را - انکه ایمان داد مشیت خاک را) از کدام شاعر زیر است؟

- (۱) جامی (۲) عطار (۳) فرخی (۴) سعدی

30 نیاکان عبدالقادر بیدل اصلاً از کجا بود؟

- (۱) هندوستان (۲) آسیای میانه (۳) افغانستان (۴) ایران

31 شاعری که در اشعارش تصورات غنایی فراوان است:

- (۱) اسدی توسی (۲) فردوسی (۳) جامی (۴) دقیقی بلخی

32 یکی از شاعران معروف دوره سامانیان است:

- (۱) عنصری (۲) فرخی (۳) منوچهری (۴) ابوطیب مصعبی

33 عبدالرحمن پژواک، شاعر و نویسنده توانای کشور در کدام سال دیده به جهان گشود؟

- (۱) 1252 هـ ش (۲) 1273 هـ ش (۳) 1296 هـ ش (۴) 1304 هـ ش

34 عبدالرزاق فانی یکی از شاعران معاصر در یکی از این کشورها مدفون است:

- (۱) پاکستان (۲) انگلستان
(۳) ایالات متحده آمریکا (۴) هندوستان

35 (بوکاجیو) یکی از چهره‌های ادبیات کشور:

- (۱) ایتالیا می باشد (۲) انگلستان می باشد (۳) آمریکا می باشد (۴) فرانسه می باشد

36 از نظر تاریخی دولتشاه سمرقندی با کدام یک از اشخاص ذیل هم عصر بوده است؟

- (۱) ناصر خسرو (۲) جلال الدین بلخی (۳) امیر علی شیر نوایی (۴) انوری

37 امیر علی شیر نوایی در طی مدت شغل دیوانی چند هزار بیت سروده است:

- (۱) چهل هزار (۲) پنجاه هزار (۳) شصت هزار (۴) هفتاد هزار

38 ملاقات کدام شخصیت در زنده گی مولانا تغییر بزرگ ایجاد کرد؟

- (۱) نصیرالدین توسی (۲) ناصر خسرو (۳) شمس تبریزی (۴) صایب تبریزی

39 شهزاده که خود خطاط چیره دست بود کدام یک اینهاست؟

- (۱) بایسنقر (۲) شاهرخ میرزا (۳) بابر شاه (۴) سلطان سنجر

40 اندرز {نزدیکترین چیزها مرگ و دورترین چیزها آرزوست} متعلق به یکی از بزرگان و دانشمندان است؟

- (۱) برناردشاو (۲) سقراط (۳) بطليموس (۴) یحیی برمکی

41 بیدل در طی مدت سه سال در اورپسه از فیوض معنی کدام یکی از اشخاص ذیل برخوردار شد؟

- (۱) شاه قاسم هواللهی (۲) اورنگزیب (۳) شاه جهان (۴) شاه یوسف

42 از شاعران و نویسندگان بزرگ قرن پنجم هجری است:

- (۱) رودکی (۲) سعدی (۳) حافظ (۴) ناصر خسرو

43 کدام یکی از گزینه‌های ذیل از مشهورترین شاعران و بنیانگذار ادبیات مدرن روسی میدانند؟

- (۱) ایوان تورگنیف (۲) پوشکین (۳) لومونوسف (۴) گورکی

44 بیهقی در زمان کدام پادشاه رئیس دیوان رسایل غزنویان بود؟

- (1) محمود (2) مسعود (3) عبدالرشید (4) سبکتگین

45 پوهاند عبدالحی حبیبی در کدام سال جهان فانی را وداع گفت:

- (۱) ۱۳۷۳ هـ ش (۲) ۱۳۸۳ هـ ش (۳) ۱۳۶۲ هـ ش (۴) ۱۳۶۳ هـ ش

46 پروین اعتصامی در کدام سال تولد یافت:

- (1) 1279 هـ ش (2) 1305 هـ ش (3) 1311 هـ ش (4) 1285 هـ ش

47 عبدالرزاق فانی تحصیلات عالی اش را تا چه درجه یی به تمام رسانیده بود؟

- (1) لیسانس (2) ماستری (3) دوکتورا (4) هیچکدام

48 چرا امیر علی شیر نوایی به شاعر ذواللسانین معروف بود:

- (1) به زبان دری و ترکی شعر می سرود (2) به زبان دری و عربی شعر می سرود

- (3) به زبان ترکی و عربی شعر می سرود (4) به زبان پشتو و دری شعر می سرود

49 میرزا عبدالقادر بیدل در چند سالگی پدرش را از دست داد:

- (۱) هفت (۲) دو (۳) شش و نیم (۴) چهار و نیم

50 مادر خواجه عبدالله انصاری از یکی از شهرهای زیل است:

- (1) بلخ (2) هرات (3) فراه (4) کندهار

51 عبدالرازق فانی درجه ماستری خویش را در کدام رشته بدست آورد؟

- (1) جامعه شناسی (2) اقتصاد (3) حقوق و علوم سیاسی (4) فلسفه

52 امیر علی شیر نوایی در کدام سال دیده به جهان گشوده است؟

- (1) 761 هجری قمری (2) 901 هجری قمری

- (3) 844 هجری قمری (4) 836 هجری قمری

53 امیر علی شیر نوایی در دربار کدام یکی از شاهان ذیل به شغل دیوانی مشغول بود؟

- (1) سلطان حسین بایقرا (2) تیمور

- (3) احمد شاه بابا (4) علاء الدین

54 نام پدر علامه صلاح الدین سلجوقی یکی از گزینه های ذیل است؟

- (1) مولوی عبدالحکیم حکمت (2) مفتی شمس الدین سراج

- (3) مفتی سراج الدین (4) مولوی تاج الدین

55 بیدل همراهی کدام یک از اعضای خانواده اش در سال (1017) در شهر کتک مرکز اورپسه رفت؟

- (1) برادر (2) پدر (3) ماما (4) کاکا

56 محل تولد امیر علی شیر نوایی را معلوم کنید؟

- (1) فاریاب (2) جوزجان (3) غور (4) هرات

57 جمشید شعله شخصیت فرهنگی کشور ما دریکی از این ولایات دیده به جهان گشود؟

- (1) بلخ (2) هرات (3) تخار (4) بدخشان

- 58** بیهقی در زمان کدام پادشاه رئیس دیوان رسایل غزنویان بود؟
 (1) محمود (2) مسعود (3) عبدالرشید (4) سبکتگین
- 59** میرزا عبدالقادر بیدل بعد از وفات پدرش تحت سرپرستی یک از این اقاربش قرار گرفت:
 (1) میرزا عبدالخالق (2) میرزا قلندر (3) میرزا ظریف (4) میرزا کمال
- 60** آنکه میان خاندان عالمان دین در شیراز تولد یافت؟
 (1) فردوسی (2) سعدی (3) منوچهری (4) انوری
- 61** آنکه به آسان الغیب مشهور بوده یکی از اینهاست؟
 (1) حافظ (2) سعدی (3) نظامی (4) رابعه
- 62** امیر علی شیر نوایی در طی مدت شغل دیوانی چند هزار بیت سروده است؟
 (1) چهل هزار (2) پنجاه هزار (3) شصت هزار (4) هفتاد هزار
- 63** یکی از شاعران ذیل در نیشاپور تولد یافته؟
 (1) مولانا جلال الدین (2) عطار (3) جامی (4) سعدی
- 64** رودکی، فردوسی، عنصری، فرخی، ناصر خسرو و مسعود سعد سلمان از جمله شاعران زبر دست کدام دوره ادبیات دری است:
 (1) دوره هندسی (2) دوره عراقی (3) دوره خراسانی (4) دوره جدید
- 65** کدام یکی از شخصیت های ذیل مدیریت مجله کابل را به عهده داشت؟
 (1) عبدالحق بیتاب (2) کریم نزیهی (3) قاری عبدالله (4) ندیم کابلی
- 66** محمود طرزی، قاری عبدالله، عبدالهادی داوی و واصل کابلی از جمله شاعران یکی از دوره های ادبیات دری است:
 (1) دوره عراقی (2) دوره جدید (3) دوره هندی (4) دوره خراسانی
- 67** ترکیباتی را که حافظ در شعر خود آورده است، یکی از ویژگی های ذیل را دارد؟
 (1) تازه است (2) بدیع است (3) بی سابقه است (4) همه درست است
- 68** علامه اقبال سند دوکتورا خود را در کدام رشته به دست آورد؟
 (1) اقتصاد (2) فلسفه (3) حقوق (4) جامعه شناسی
- 69** زادگاه دقیقی شاعر:
 (1) هرات است (2) بلخ است (3) توس است (4) نیشاپور است
- 70** خواجه عبدالله انصاری بیشتر به نگارش کدام نوع نثر شهرت داشت؟
 (1) نثر ساده (2) نثر مصنوع (3) نثر مسجع (4) هیچکدام
- 71** نظامی گنجوی از شاعران قرن:
 (1) هشتم (2) نهم (3) ششم (4) یازدهم

72 کدام یکی از شاعران ذیل به جز از دیوان غزلیاتش اثار دیگری دارد که مجموع تعداد ابیات او را بیشتر از نود هزار بیت ذکر نموده اند؟

- (1) فردوسی (2) مولوی (3) بیدل (4) امیرخسرو دهلوی

73 مولانا جلال الدین محمد بلخی در یکی از شهرهای ذیل به تدریس مشغول شد؟

- (1) قم (2) نجف (3) قونیه (4) دمشق

74 سال تولد بیدل را معلوم کنید؟

- (1) 1024 هجری قمری (2) 978 هجری
(3) 1063 هجری (4) 1054 هجری

75 پروین اعتصامی در کدام سال تولد یافت؟

- (1) 1297 (2) 1305 (3) 1311 (4) 1285 هـ ش

76 شاعری که حالش دگرگون شد و از مدح دست کشید، کدام یک اینهاست؟

- (1) عنصری (2) فخری (3) سنایی (4) منوچهری

77 سعدی شیرازی در جوانی جهت فراگیری علوم به کدام کشور سفر کرد؟

- (1) عربستان سعودی (2) عراق (3) سوریه (4) ترکیه

78 نظامی گنجوی از شاعران قرن:

- (1) هشتم (2) نهم (3) ششم (4) یازدهم

79 به دستور یکی از اینها مسجد جامع هرات آباد گردید؟

- (1) گوهر شاد بیگم (2) سلطان حسین بایقرا
(3) امیر تیمور گرگانی (4) چنگیز

80 مکتب مستورات در افغانستان در کدام سال گشایش یافت؟

- (1) 1305 هـ ش (2) 1289 هـ ش (3) 1298 هـ ش (4) 1302 هـ ش

81 بر اساس قانون اساسی امان الله خان، شعبه حفريات و موزه زیر نظر کدام وزارت فعالیت می کرد؟

- (1) وزارت معارف (2) وزارت داخله (3) وزارت خارجه (4) وزارت عدلیه

82 امیر علی شیر نوایی به کدام یکی از القاب ذیل مشهور بود؟

- (1) شیخ الریس (2) ملک الشعرا (3) ملک الفصحا (4) ذواللسانین

83 میرزا عبدالقادر بیدل فرزند:

- (1) عبدالخالق (2) عبدالرزاق (3) شرف الدین (4) عبدالغفار

84 میرزا عبدالقادر بیدل از جمله مثنوی هایش این یکی را در روزگار جوانی خود سروده؟

- (1) عرفان (2) طلسم حیرت (3) محیط اعظم (4) طور معرفت

85 کدام یکی از گزینه های ذیل زبان مادری امیر شیر علی نوایی بود؟

- (1) دری (2) ازبکی (3) ترکی و چغتای (4) آذربایجانی

86 یکی از شاعران معروف دوره سامانیان است:

(1) عنصری (2) فرخی (3) منوچهری (4) ابوطیب مصعب

87 بیت (سکندر است نه تنها که زور مادیده --- هزار آینه را این غبار پوشیده) مربوط به یکی از این شاعران است:

(1) عبدالرزاق فانی (2) پرتو نادری (3) عبدالرحمن پژواک (4) واصف باختری

88 ابیات {جزمن اگر ت عاشق شید است بگو - و میل دلت به جانب ماست بگو - و هیچ مرا در دل تو جاست بگو - گر هست بگو، نیست بگو، راست بگو} را یکی از شاعران ذیل سروده است:

(1) بیدل (2) حافظ

(3) مولانا جلال الدین بلخی (3) خواجه عبدالله

89 امیر علی شیر نوایی پس از فراغت از تحصیل در سن 35 سالگی از سمر قند به کجا رفت؟

(1) کابل (2) قندهار (3) هرات (4) غزنی

90 امیر علی شیر نوایی در چند سالگی به شعر گوئی پرداخت؟

(1) ده سالگی (2) یازده سالگی (3) سیزده سالگی (4) چهارده سالگی

91 یکی از شاعران حقیقت جو و واقع بین می باشد؟

(1) حنظله بادغیسی (2) پروین اعتصامی (3) محمد بن وصیف (4) هروی

92 میرزا عبدالقادر بیدل در کنار میرزا قلندر به یکی از دانشهای ذیل آشنایی لازم را کسب کرد

علم نجوم (2) تصوف (3) تاریخ (4) فلسفه

93 کدام یکی از شاعران ذیل هم عصر نظامی گنجه بی است؟

(1) انوری (2) سعدی (3) خاقانی (4) جامی

94 سعدی از شاعران بزرگ قرن:

(1) هشتم ه ق (2) یازدهم ه ق (3) هفتم ه ق (4) نهم ه ق

95 ارمیتاژ یکی از موزیم های بزرگ تاریخی است در کشور؟

(1) انگلستان (2) روسیه (3) فرانسه (4) ایالات متحده

96 استاد عبدالرحمن پژواک، شاعر، نویسنده و سیاست مدار کشور در کدام سال داعی اجل را لبیک گفت؟

(1) 1364 ه ش (2) 1312 ه ش (3) 1354 ه ش (4) 1374 ه ش

97 بیبهقی در زمان کدام پادشاه رئیس دیوان رسایل غزنویان بود؟

(1) محمود (2) مسعود (3) عبدالرشید (4) سبکتگین

98 مولانا خال محمد خسته جهت اکمال تحصیل چند سال در هندوستان باقی ماند؟

(1) چهار سال (2) پانزده سال (3) ده سال (4) سه سال

99 میرزا عبدالقادر بیدل بعد از وفات پدر، مدرسه را رها کرده تحت آموزش کدام یک از اشخاص ذیل قرار گرفت؟

(1) مولوی عبدالقادر (2) میرزا قلندر (3) پادشاه صاحب (4) صوفی بابا

100 در کدام یکی از مقطع های تاریخ کشور ما ورود زنان به تدریج در عرصه فعالیت های فرهنگی آغاز یافت؟

- (1) اواسط سده بیستم
(2) اواخر سده بیستم
(3) اوایل سده بیست و یکم
(4) اوایل سده بیستم

101 از دانشمندان مشهور عصر تیموریان هرات یکی از اینها است:

- (1) ملا حسین واعظ کاشفی
(2) خواجو کرمانی
(3) بیهقی
(4) گردیزی

102 امیر علی شیر نوایی در کدام سال دار فانی را وداع گفت:

- (1) 906 هجری (3) 909 هجری (3) 1026 هجری (4) 1005 هـ ق

103 نسبت قبیله یی میرزا عبدالقادر بیدل به کدام یکی از اقوام ذیل در بدخشان می باشد:

- (1) یفتلی ها (2) پامیری (3) ارلاس (4) ازبک

104 کدام یکی از شاعران ذیل به جز از دیوان غزلیات آثار دیگر دارد که مجموعه تعداد ابیات آن را بیشتر از نود

هزار بیت ذکر نموده است؟

- (1) فردوسی (2) مولوی (3) بیدل (4) امیر خسرو دهلوی

105 گابریگل گارسیا مارکیز، از نویسندگان مشهور آمریکایی:

- (1) مرکزی است (2) شمالی است (3) جنوبی است (4) ایالات متحده است

106 امیر علی شیر نوایی در چند سالگی به شعر گویی پرداخت؟

- (1) ده سالگی (2) یازده سالگی (3) سیزده سالگی (4) چهارده سالگی

107 مردم کولمبیا به یکی از نویسندگان ذیل نامه نوشتند تا عهده دار ریاست جمهوری شود؟

- (1) جوزف کنراد (2) مارکیز (3) جورج واشنگتن (4) بوش

108 شاعری که در نثر نویسی هم ماهر بود:

- (1) فردوسی (2) عطار (3) منوچهری (4) رابعه بلخی

109 شاعری که حالش دیگرگون شد و از مدح دست کشید، یکی از اینهاست:

- (1) عنصری (2) فرخی (3) سنایی (4) منوچهری

110 نام اصلی سعدی شیرازی:

- (1) عبدالله بن عبید (2) قاسم بن شرف

- (3) مشرف الدین مصلح (4) مصلح

111 حکیم ابوالمجد مجدود فرزند آدم سنائی از شاعران قرن بود؟

- (1) سوم (2) ششم (3) هشتم (4) نهم

112 از بهترین وقایع زندگی میرزا عبدالقادر بیدل دیدار با یکی از اشخاص ذیل بود؟

- (1) شاه قاسم هواللهی (2) میرزا ظریف (3) اورنگ زیب (4) شاه جهان

113 پایتخت فرمانروایی شاهرخ میرزا در کجا بود؟

- (1) هرات (2) بخارا (3) مرو (4) هرسه درست است

- 114** شاعر که در علوم طبیعی، طبق و نجوم مهارت داشت کی بود؟
 (1) فرخی (2) عنصری (3) رابعه بلخی (4) نظامی
- 115** مردم کولمبیا به یکی از نویسندگان ذیل نامه نوشتند تا عهده دار ریاست جمهوری شود؟
 (1) جوزف کنراد (2) مارکیز (3) جورج واشنگتن (4) بوش
- 116** از شاعران عارف قرن هفتم می باشد؟
 (1) رودکی (2) رابعه بلخی (3) دقیقی (4) عطار
- 117** جامی نویسنده توانای کشور در کدام قرن میزیست:
 (1) هشتم (2) نهم (3) هفتم (4) پنجم
- 118** این گفته از کیست؟ «زیبایی سخن به کوتاهی و اختصار است.»
 (1) مامون الرشید (2) هارون الرشید (3) سقراط (4) حضرت محمد "ص"
- 119** آنکه به لسان الغیب مشهور بوده یکی از اینهاست:
 (1) حافظ (2) سعدی (3) نظامی (4) رابعه
- 120** در یکی از این سده ها بود که ورود زنان به تدریج در عرصه فعالیت های فرهنگی آغاز یافت؟
 (1) سده هفدهم (2) سده هژدهم (3) سده بیستم (4) سده نوزدهم
- 121** فیض محمد کاتب مشهور به هزاره در یک یاز محله های ولایت غزنی تولد یافته است؟
 (1) بکاول (2) زرد سنگ (3) ده نهال (4) قیاق
- 122** مولانا جلال الدین محمد بلخی فرزند:
 (1) برهان الدین (2) سلطان العلما بهالدین محمد (3) علاوالدین (4) عبدالقادر
- 123** بیت (پیش از انجام تماشا همه افسانه شمار --- دیدنی نیست که آخر به شنیدن نرسد) را یکی از شاعران ذیل سروده است؟
 (1) جامی (2) سنایی (3) حافظ (4) بیدل
- 124** کدام یک از نویسندگان معروف زیرن، به نام او سکه طلا ضرب زده شده است؟
 (1) تولستوی (2) لومونوسف (3) ژان ژاک روسو (4) ایوان تورگینف
- 125** میرزا عبدالقادر بیدل از جمله یی مثنوی هایش این یکی را در روزگار جوانی خود سروده است؟
 (1) عرفان (2) طلسم (3) محیط اعظم (4) طور معرفت
- 126** جمشید شعله شاعر و نویسنده کشور ما در کدام سال دیار فانی را وداع گفت؟
 (1) 1384 هجری شمسی (2) 1368 هجری شمسی (3) 1329 هجری شمسی (4) 1374 هـ ش
- 127** تاریخ نویسان یکی از نخبه های فرهنگی زیر را بیهقی ثانی لقب داده بودند؟
 (1) کاتب هزاره (2) مولانا خسته (3) صلاح الدین سلجوقی (4) عبدالهادی داوی

128 میرزا عبدالقادر بیدل بعد از وفات پدرش تحت قیادت و سرپرستی یکی از این اقاربش قرار گرفت؟

(۱) میرزا عبدالخالق (۲) میرزا قلندر (۳) میرزا ظریف (۴) میرزا کمال

129 امیر علی شیر نوایی در کدام سال جهان فانی را وداع گفت؟

(۱) ۹۰۶ هـ ق (۲) ۹۰۹ هـ ق (۳) ۱۰۲۶ هـ ق (۴) ۱۰۰۴ هـ ق

130 امیر علی شیر نوایی مدت چند سال به شغل دیوانی در دستگاه سلطان حسین بایقرا اشتغال داشت:

(۱) سی و پنج سال (۲) سی سال

(۳) بیست و هشت سال (۴) بیست و پنج سال

131 برای نخستین بار واژه فولکلور یکی از این اشخاص در یک مجله انگلیسی به کار برده شد؟

(۱) ویلیام هارود (۲) ویلیام جی تامسن (۳) ویلیام جکسن (۴) البردبوف

132 از میان ای شاعران یکی آنها ظغل چاقو سازی داشت؟

(۱) عنصری (۲) مسجدی (۳) بابا فغانی (۴) صایب تبریزی

133 پوهاند عبدالحی حبیبی در یکی از این ولایات کشور عزیز ما پا به جهان هستی نهاد؟

(۱) هرات (۲) قندهار (۳) غزنی (۴) کابل

134 خواجه عبدالله انصاری در کدام یکی از ولایات کشور مدفون میباشد؟

(۱) بلخ (۲) غزنی (۳) غور (۴) هرات

135 امیر علی شیر نوایی در دربار کدام یکی از شاهان زیر به شغل دیوانی مشغول بود؟

(۱) سلطان حسین بایقرا (۲) تیمرو

(۳) احمد شاه بابا (۴) علاء الدین

136 تولستوی یکی از شعرا چیره دست کشور:

(۱) فرانسه (۲) روسیه (۳) آمریکا (۴) آلمان

137 شاعری که در نثر نویسی هم ماهر بود؟

(۱) فردوسی (۲) عطار (۳) منوچهری (۴) رابعه بلخی

138 از شاعران معروف عصر تیموریان هرات یکی از اینهاست؟

(۱) امیر علی شیر نوایی (۲) فردوسی (۳) فرخی (۴) رودکی

139 گابریل گارسیا ماکیز، از نویسندگان مشهور آمریکایی:

(۱) مرکزی است (۲) شمالی است (۳) جنوبی است (۴) ایالات متحده است

140 بیت (گرت از دست براید دهنی شیرین کن --- مردی آن نیست که مثنی بزنی بر دهنی) را کدام یکی از

شاعران زیر سروده است:

(۱) حافظ (۲) بیدل (۳) سعدی (۴) جلال الدین بلخی

141 میرزا عبدالقادر فرزند:

(۱) میرزا عبدالرزاق (۲) میرزا عبدالخالق (۳) میرزا قلندر (۴) میرزا عبدالقاسم

142 امیر علی شیر نوایی در کدام سال دیده به جهان گشود؟

- (1) 76 هجری قمری
(2) 901 هجری قمری
(3) 844 هجری قمری
(4) 836 هجری قمری

143 امیر علی شیر نوایی در کدام سال جهان فانی را وداع گفت؟

- (1) 906 هجری قمری
(2) 909 هجری قمری
(3) 1026 هجری قمری
(4) 1005 هجر قمر

144 دانشمندی که تحصیلاتش را در نظامیه بلخ به پایان رسانید، یکی از اینهاست؟

- (1) رشید و طواط
(2) رابعه بلخی
(3) ابوشکور بلخی
(4) دقیقی بلخی

145 شاعری که در نثر نویسی هم ماهر بود؟

- (1) فردوسی
(2) عطار
(3) منوچهری
(4) رابعه بلخی

146 یکی از اینها از جمله شعرای عارف قرن نهم و دهم بشمار میرود؟

- (1) عنصری
(2) رودکی
(3) قاسم انوار
(4) فردوسی

147 بیت { عصر، عصر موتر و ریل است و برق --- گاهای اشتري بگذشت و رفت } مربوط به یکی از شاعران

ذیل است:

- (1) خلیل الله خلیلی
(2) محمود طرزی
(3) عبدالرزاق فانی
(4) عبدالهادی داوی

148 شته تحصلی رزاق فانی، شاعر معاصر و توانا؛ داستان نویس و طنز نگار نامدار زبان و ادب دری، چه بود:

- (1) طب
(2) اقتصاد
(3) ادبیات
(4) انجیری

149 در شیوه داستان سرایی استاد بود:

- (1) حافظ
(2) خاقان
(3) نظامی
(4) منوچهر

150 انجمن ادبی کابل در آغاز به مدیریت یکی از نخبه های فرهنگی ذیل شروع به کار کرد:

- (1) محمود طرزی
(2) غلام محی الدین انیس

- (3) محمد نوروز خان
(4) محمد انور خان بسمل

151 انجمن ادبی هرات در ابتدا به ریاست یکی از چهره های فرهنگی کشور ما رسمیت پیدا کرد؟

- (1) محی الدین انیس
(2) عبدالهادی داوی

- (3) نوروز خان
(4) قاضی محمد صدیق

152 رازق فانی در کدام سال دیده به جهان گشود؟

- (1) 1332 هـ ش
(2) 1311 هـ ش
(3) 1303 هـ ش
(4) 1322 هـ

153 امیر علی شیر نوایی متولد در یکی از این ولایت افغانستان میباشد؟

- (1) فاریاب
(2) جوزجان
(3) بلخ
(4) هرات

154 مردم کولمبیا به یکی از نویسندگان زیر نامه نوشتند تا عهده دار ریاست جمهوری شود؟

- (1) جوزف کنراد
(2) مارکز
(3) جورج واشنگتن
(4) بوش

155 اندرز (نزدیکترین چیزها مرگ و دورترین چیزها آرزوست) متعلق به یکی از بزرگان و دانشمندان است:

(1) برنارد شاو (2) سقراط (3) بطليموس (4) یحی برمکی

156 پایتخت فرمانروایی شاهرخ میرزا درک جا بود؟

(1) هرات (2) بخارا (3) مرو (4) همه درست است

157 اولین سراینده شاهنامه کیست:

(1) دقیقی (2) فردوسی (3) عنصری (4) فرخی

158 از جمله شاعران بود که در جوانی قرآن را حفظ داشت، یکی از اینهاست:

(1) دقیقی (2) فرخی (3) اسد طوسی (4) حافظ شیرازی

159 سنایی شاعر، شاهان کجا را مدح می گفت؟

(1) بلخ (2) غزنه (3) غور (4) سامانی

160 پادشاهی که به زبان دری و ترکی شعر می گفت کیست؟

(1) سلطان سنجر (2) سلطان محمد

(3) سلطان حسین بایقرا (4) نصر بن احمد

161 نام اصلی سعدی شیرازی؟

(1) عبدالله بن عبید (2) قاسم بن شرف (3) شرف الدین مصلح (4) مصلح

162 میرزا عبدالقادر بیدل در یکی از کشور های ذیل دیده به جهان گشود؟

(1) افغانستان (2) ایران (3) هندوستان (4) تاجکستان

163 یکی از شخصیت های عرفانی کشور ما است؟

(1) فردوسی (2) بهزاد (3) سنائی غزنوی (4) شیرشاه سوری

164 شاعری که در سال 1384 کتاب کلیله و دمنه را به نظم در آورد ، چه کسی بود؟

(1) جمشید شعله (2) ابن مقطع (3) عبدالرازق فانی (4) میر بهادر واصفی

165 بیت (به گاهواره مادر ، به کودکی بس خفت - سپس به مکتب حکمت حکیم شد لقمان) سروده یکی از

شاعران زیر است؟

(1) ناصر خسرو (2) رودکی (3) عراقی (4) پروین اعتصامی

166 جمله ای (الهی نگاه دار تا پشیمانی نشویم و به راه آر که سر گردان نشویم) از گفته های چه کسی است؟

(1) عنصری بلخی (2) خواجه عبدالله انصاری (3) دقیقی بلخی (4) خواجهی کرمانی

167 بیدل هنگام اقامت در یکی از شهر های زیر دایم الصوم بود.

(1) دهلی (2) متھرا (3) بمبئی (4) اگره

168 بیت (بسی رنج بردم بدین سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی) سروده یکی از شاعران زیر

است؟

(1) عشقزی (2) پروین اعتصامی (3) فردوسی (4) منوچهری

169 ویکتور هو گو نخستین شعر خود را در چند سالگی سروده است؟

- (1) سی ساله گی (2) بیست سالگی (3) چهل سالگی (4) ده ساله گی

170 عبد الحی حبیبی در یکی ازین ولایات کشو عزیز ما پا به جهان هستی نهاد؟

- (1) هرات (2) کابل (3) غزنی (4) قندهار

171 رواج دهنده طنز منظوم در افغانستان یکی از اینها است؟

- (1) قاری عبدالله (2) استاد بیتاب (3) اسماعیل سیاه هراتی (4) ابراهیم خلیل

172 نخستین شاعری که شعر نو را در افغانستان سرود یکی از اینها است؟

- (1) استاد خیلی (2) قاری عبدالله (3) عشقوری (4) ابراهیم خیل

173 زوجه شاهرخ میرزا چه نام داشت؟

- (1) گوهر شاد بیگم (2) ملکه خاتون بیگم (3) ملکه ثریا (4) ملکه ملالی

174 بیت (من طریق سعی می آرم بجا لبس للانسان الا ما سعی) را یکی از نخبه های فرهنگی سرود.

- (1) خواجه عبدالله انصاری (2) نظامی عروضی (3) واعظ کاشفی (4) جلالالدین محمد بلخی

175 مرغی که پیام آور حضرت سلیمان (ع) پیامبر بود.

- (1) هد هد (2) قمری (3) بلبل (4) کبک

176 جامی کتاب بهارستان خویش را بنام کدام یکی ازینها نموده است؟

- (1) سلطان رضیه (2) سلطان مسعود (3) سلطان حسین بایقرا (4) هیچکدام

177 مولانا خال محمد خسته در کدام سال دیده به جهان گشود؟

- (1) 1281 ه ش (2) 1301 ه ش (3) 1291 ه ش (4) هیچکدام

178 در زمان حکومت بهرام شاه غزنوی کدام یکی از کتاب های زیر از عربی به دری ترجمه شد؟

- (1) فیه ما فیه (2) المعجم فی معاییر اشعار العجم (3) کلیله و دمنه (4) سیر المل

179 وزیر ادیب و دانشمند نصر بن احمد سامانی است.

- فضل بن سهل (2) ابو نصر مشکان (3) نظام الملک (4) الو الفضل بلعمی

180 نخستین بار در زمان یکی از شاهان زیر زمینه تحصیل برای دختران و زنان مساعد گردید؟

- (1) امیر شیر علی خان (2) امان الله خان (3) حبیب الله خان (4) نادر شاه

181 یکی از شاعران در آغاز ، سکاکی تخلص میکرد؟

- (1) هیچکدام (2) صایب (3) کسای (4) بابا فغانی

182 عبدالحی حبیبی در کدامسال از جهان رحلت کرد؟

- (1) 1302 ه ش (2) 1283 ه ش (3) 1363 ه ش (4) 1333 ه ش

183 از قصیده سرایان بزرگ دوره اول غزنوی است.

- (1) فرخی (2) رودکی (3) انوری (4) معزی

- 184** یکی از مکتب‌های زیر ، بعداً به لیسه ملالی تغییر نام داده شد؟
 (1) مستورات (2) عصمت (3) بی بی سروری (4) نسوان افغان ترک
- 185** اولین مکتب ابتدائیه دخترانه بنام عصمت توسط کی تأسیس گردید؟
 (1) ملکه ثریا (2) مخفی بدخشی (3) هرد دو درست است (4) ممتاز بیگم
- 186** فیض محمد کاتب به کدام سال به دیار حق پیوست؟
 (1) 1279 هـ ش (2) 1309 هـ ش (3) 1298 هـ ش (4) 1314 هـ ش
- 187** در یکی از سده‌های ذیل داستان کوتاه در کشور مارایج گردیده است.
 (1) سده دهم هـ ش (2) سده نهم هـ ش (3) سده چهاردهم هـ ش (4) سده یازدهم هـ ش
- 188** آثار میناتوری یکی از هنر مندان زیر بسیار مشهور است؟
 (1) محمود طرزی (2) بهزاد (3) غلام محمد طرزی (4) فیض محمد کاتب
- 189** امیر شیر علی نوایی در کدام یک از این ولایات تولید یافته است؟
 (1) بلخ (2) جوزجان (3) فاریاب (4) هرات
- 190** چارلز دیکنز " از نویسندگان مشهور کدام کشور است؟
 (1) هالند (2) انگلستان (3) فرانسه (4) روسیه
- 191** از رباعی سرایان دوره سامانی است.
 (1) صایب (2) سعدی (3) بیدل (4) رودکی
- 192** یکی از اینها شاعرانی است که صایب به او اقتدا کرده است؟
 (1) نظامی (2) حافظ (3) بیدل (4) بابا فغانی
- 193** بیت (به نسیمی از اجابت چمن حضور داریم دل چاک بال میزد سحری دمیده باشد) را کدام یکی از شاعران ذیل سروده است؟
 (1) عبدالله انصاری (2) رودکی (3) حافظ (4) بیدل
- 194** شعر و نثر کدام دوره تقلید از سبکها و مکتب‌های گذشته است؟
 (1) دوره غزنوی (2) دور تیموری (3) دوره سلجوقی (4) دوره سامان
- 195** ام بخاری کتاب صحیح البخاری را در چند سال تکمیل نمود؟
 (1) 13 سال (2) 14 سال (3) 15 سال (4) 16 سال
- 196** جمشید شعله در کدام سال و در کجا دیده به جهان گشود؟
 (1) 1287 در تخار (2) 1387 در تخار (3) 1287 در بدخشان (4) 1387 در بدخشان
- 197** فرخی در کدام سال وفات نمود؟
 (1) 492 هـ ش (2) 429 هـ ش (3) 329 هـ ش (4) 450 هـ ش
- 198** شهزاده که خود خطاط چیره دست بود ، یکی از اینها ست؟
 (1) سلطان سنجر (2) بابر شاه (3) بایسنقر (4) شاهرخ میرزا

- 199** نظامی گنجوی در کدام یکی از سنوات ذیل چشم از جهان پوشید؟
 (1) 614 ه ق (2) 515 ه ق (3) 714 ه ق (4) 512 ه ق
- 200** یکی از دوره های تابناک و درخشان فرهنگ به شمار میرود؟
 (1) عصر خوارزمشاهیان (2) عصر سامانیان
 (3) عصر مغولیان (4) عصر طاهریان
- 201** زاد گاه نظامی کدام شهر است؟
 (1) بخارا (2) سمر قند (3) هرات (4) گنجه
- 202** یکی از اشخاص زیر از جمله شعرای عارف قرن نهم و دهم به شمار میرود.
 (1) قاسم انوار (2) رونگی (3) عنصری (4) فردوسی
- 203** زبان فارسی دری طی چند سال د رهندوستان زبان رسمی در بار بود؟
 (1) بیشتر از 900 سال (2) بیشتر از 700 سال
 (3) یک قرن (4) بیشتر از 500 سال
- 204** شاعریکه در سال 604 هجری در بلخ تولد یافته است.
 (1) دقیقی (2) منوچهری (3) عنصری (4) مولانا
- 205** بیت (گر تو می خواهی مسلمان زیستن نیست ممکن جز به قرآن زیستن) یکی از شاعران زیر سروده است.
 (1) واعظ کاشفی (2) بیدل (3) مولانا جلا الدین بلخی (4) اقبال لاهوری
- 206** بیت (متاز بر سر مظلوم ساکن ای ظالم کی دست فتنه ایام بر سرت تازد) را یکی از شاعران زیر سروده .
 (1) واعظ کاشفی (2) شنای غزنوی (3) خواجه عبدالله انصاری (4) موچهری دامغانی
- 207** بیت (گر زبی سرمایگی دست ز سیم و زر تهیست میتوان تسخیر دلها کرد با خلق حسن) سروده یکی از اینها است.
 (1) جامی (2) صایب (3) سنایی (4) بیدل
- 208** (بو کاپیو) از چهره های ادبیات کدم کشور است؟
 (1) انگلستان (2) فرانسه (3) امریکا (4) ایتالیا
- 209** عبدالرزاق فانی یکی از شاعران معاصر در یکی از این کشور ها مدفون است.
 (1) انگلستان (2) هندوستان (3) ایالات متحده امریکا (4) پاکستان
- 210** میرزا عبدالقادر بیدل بعد از وفات پدر ، مدرسه را رها کرده و تحت آموزش کدام یکی از اشخاص ذیل قرار گرفت؟
 (1) مولوی عبدالقادر (2) پادشاه صاحب (3) صوفی بابا (4) میرزا قلندر
- 211** نخستین کسی ه به زیبایی های لفظی و معنوی در کلام عرب توجه کرد.
 (1) حافظ (2) عبد الله بن معتر (3) فرز دق (4) ابو نواس

212 موسس مکتب ابتدایی عصمت یکی از زنان زیر است؟

(1) عایشه درانی (2) محبوبه هروی (3) مخفی بدخشی (4) ملکه ثریا

213 در زیر یکی از مثنوی ها متعلق به میرزا عبدالقدر بیدل است؟

(1) سلسه الذهب (2) محیط اعظم (3) هفت اورنگ (4) زینت الکتاب

214 یکی از شاعران زیر ملقب به جمال‌الدین بود.

(1) فرخی (2) حکیم نظامی (3) سعدی (4) رودکی

215 بلخ جایگاه یکی از شاعران زیر می باشد؟

(1) مسایب (2) بیدل (3) دقیقی (4) ابوسلیک

216 از قصیده سرایان درجه اول ادبیات دری است.

(1) فرخی (2) رابعه بلخی (3) حافظ (4) خواجه

217 کدام یکی از شاعران ذیل هم عصر نظامی گنجوی بود؟

(1) جامی (2) سعدی (3) انوری (4) خاقانی

218 از حبسیه سرایان مشهور ادب فارسی دری است.

(1) عنصری (2) حافظ (3) سعدی (4) مسعود سعد

219 شاعر بدخشی بیکه به زبان های دری ، پشتو، اردو ، عربی و انگلیسی آشنایی داشت.

(1) میر غیاث الدین غیاثی (2) شاه عبدالله یمگی

(3) مخفی بدخشی (4) واصفی بدخشی

220 شاعری که به سبک هندی شعر می سروده است.

(1) محبوبه هروی (2) ناصر خسرو (3) کلیم کاشانی (4) مولانا جلال‌الدین

221 از شاعرانی که در اوج مکتب هندی قرار دارد. یکی از اینها است؟

(1) کلیم کاشانی (2) سنایی (3) مسعود سعد (4) فرخی

222 بیت (آفت مرغ است چشم کام بین - مخلص مرغ است عقل دام بین) سروده یکی از اینهاست:

(1) ناصر خسرو (2) مولانا جلال‌الدین بلخی (3) اسدی طوسی (4) فردوسی

223 تخلص شعری حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم یکی از گزینه های زیر است؟

(1) سنایی (2) معزی (3) انوری (4) بلخی

224 " فریدریش فروبل " از دانشمندان کدام کشور است؟

(1) فرانسه (2) سوئیس (3) روسیه (4) آلمان

225 در ادبیات داستانی سده سیزدهم در آثار کدام یک از نویسنده گان زیر نثر ساده و فصیح به کار رفته است؟

(1) محمد عثمان صدیقی (2) ابوالمعانی نصر الله

(3) محمد عوفی (4) شمس قیس رازی

- 226** امپراتوری مغول به وسیله چه کسی در هند تأسیس شد؟
 (1) ظهر الدین بابر (2) سلطان حسین بایقراء (3) بایسنقر (4) شاهرخ میرزا
- 227** مولانا خال محمد خسته پژوهشگر، شاعر، نویسنده، محدث و حافظ قرآن کریم در چند سالگی به منظرو اکمال تحصیلات خویش به هندوستان رفت؟
 (1) 40 (2) 19 (3) 21 (4) 36
- 228** مجموعه شعری (در دل و پیام عصر) مربوط کدام یک از شاعران و نویسندگان زیر است؟
 (1) عبدالحی حبیبی (2) جمشید شعله (3) محمود طرزی (4) علی شیر نوایی
- 229** شعر (مردان پارو پامیزاد) مربوط به یکی از این نخبه های فرهنگی کشور ماست؟
 (1) سرور جويا (2) عبدالرحمن پژواک (3) محمود طرزی (4) عبدالهادی داوی
- 230** به گفته باستان شناسان قبلاً معبد بودایی بوده که در دوره اسلامی به مسجد تبدیل گردید؟
 (1) مسجد پل خشتی (2) مسجد هرات (3) مسجد مشهد (4) مسجد نه گنبد
- 231** شاعران سده نهم و دهم در مثنوی سرایی از روش کدام یکی از شاعران ذیل پیری میکردند؟
 (1) امیر خسرو دهلوی (2) بیهقی (3) فرخی (4) ردوکی
- 232** بابا فغانی از شاعران معرف کدام مکتب ادبی است؟
 (1) خراسانی (2) باز گشت ادبی (3) وصال و فراق (4) عراق
- 233** بلخ باستان خاستگاه یکی از دانشمندان مشهور زیر است؟
 (1) ابن خلدون (2) ابن سینا (3) ابن بطوطه (4) ابن رشد
- 234** در ادبیات داستانی سده سیزدهم (خورشیدی)، در آثار کدام یک از نویسندگان زیر نثر ساده و فصیح به کار رفته است؟
 (1) محمد عوفی (2) میر محمد صدیق فرهنگ (3) شمس قیس (4) ابولمعانی نصر الدین
- 235** قدامت نقاشی چند برابر زبان نوشتاری است؟
 (1) 6 برابر (2) 10 برابر (3) 4 برابر (4) 2 برابر
- 236** مولانا جلا الدین محمد بلخی در یکی از شهر های ذیل به تدریس مشغول شد؟
 (1) نجف (2) دمشق (3) قونیه (4) قم
- 237** یکی از دانشمندان مشهور عالم اسلام که در علوم طب و فلسفه شهرت جهانی دارد ، عبارت است از:
 (1) ابن رشد (2) عبد الله بن مقطع (3) ابن عربی (4) حافظ
- 238** بیت (لاف سر پنجگی و دعوی مردی گری - عاجز نفس فرومایه چه مردی چه زنی) سروده کدام شاعر است؟
 (1) سعدی (2) دقیقی بلخی (3) حنظله بادغیسی (4) وصیف سگری

239 یکی از مکاتب ادبی که اولین بار در اواخر هژدهم وارد ادبیات فرانسه شد ، یکی از اینهاست ؟

- (1) سمبولزم (2) ریالیزم (3) کلاسیسم (4) روماتیزم

240 بیت (مرغ را پر میرد تا اشیان - پر مردم همت است ، ای مردمان) سروده کیست؟

- (1) فرخی سیستانی (2) مسجدی (3) روده کی سمر قندی (4) مولانای بلخی

241 شاعران سده نهم و دهم در قصیده سرایی از سبک کدام یکی از شاعران زیر پیروی میکردند؟

- (1) مهستی (2) عبید زاکانی (3) رابعه بلخی (4) ظهیر فاریابی

242 قصید مشهور داغگاه را در مدح ابو المظفر چغایی یکی از شاعران زیر سروده :

- (1) فردوسی (2) عسجدی (3) عنصری (4) فرخی

243 د رادییات داستانی سده سیزدهم در آثار کدام یک از نویسندگان زیر نثر ساده وفصیح به کار رفته است؟

- (1) علی احمد نعیمی (2) ابوالمعانی نصر الله (3) شمس قیس (4) محمد عوفی

244 بیت (آدمی کی بود گزنده چه تو - دی و دد کی بود دنده چو تو) سروده کیست؟

- (1) سنایی (2) فرخی (3) رودکی (4) فردوسی

245 گوینده شعر (میشود اسرار دل روشن ز تحریک زبان میدهد این برگ بوی غنچه اندیشه را) عبارت است از:

- (1) سعدی (2) ناصر خسرو (3) بیدل (4) پروین اعتصامی

246 ملا فیض محمد کاتب مشهور به هزاره در کدام سال هجری شمسی به دنیا آمده است؟

- (1) 1239 (2) 1245 (3) 1259 (4) 1320

247 اناتول فرانس در کدام سال جایزه ادبی نوبل را دریافت کرد؟

- (1) 1934 م (2) 1922 م (3) 1977 م (4) 1998 م

248 پروین اعتصامی در کدام سال وفات کرد؟

- (1) 1320 م (2) 1340 م (3) 1330 م (4) 1230

249 میرزا قلندر چه نسبت با بیدل داشت؟

- (1) برادرش (2) پدرش (3) پدر کلانش (4) کاکایش

250 جمله (الهی اگر چه بهشت چشم و چراغ است ، بی دیدار تو در و داغ است) از گفته های کیست؟

- (1) خواجه عبدالله انصاری (2) بایزید بسطامی (3) ابو سعید ابی الخیر (4) عمر خیام

251 شاعران سده نهم و دهم در مثنوی سرایی از سبک کدام یک از شاعران زیر پیروی می کردند؟

- (1) عبید زاکانی (2) رابعه بلخی (3) مسجدی (4) نظامی

252 بیدل همراه با یک تن از اینها در سال (1017) به شهر کتک مرکز اوریسیه رفت؟

- (1) میرزا ظریف (2) میرزا قلند (3) شاه جهان (4) مولانا کمال

253 غزل های بیدل در کدام نوع شعر دسته بندی میشود؟

- (1) حماسی (2) غنایی (3) تعلیمی (4) نمایشی

- 254** مولانا خان محمد خسته جهت اكمال تحصيل چند سال در هندوستان باقى ماند؟
 (1) 19 چهار سال (2) پانزده سال (3) ده سال (4) سه سال
- 255** زردشت در کدام يك از شهرهاى زير متولد شده است؟
 (1) بلخ (2) هلمند (3) بغلان (4) فيض آباد
- 256** شاعر و نويسنده كه زندگى كارى خود را از ترجمان زبان انگلسى در انجمن تاريخ آغاز كرد ، يكي از اينها است.
 (1) باخترى كهڼ (2) عربى (3) سامى (4) مغولى
- 257** قبل از اسلام ادبيان عرب در کدام منطقه به خوانش اشعار شان مى پرداختند؟
 (1) بازار عراق (2) بازار يمن (3) بازار مدينه (4) بازار عكاظ
- 258** دكتور عبدالاحمد جاويد در کدام شهر وفات نمود؟
 (1) لندن (2) تهران (3) پاریس (4) مسكو
- 259** لرماتوف از نويسنده گان يكي ازين كشورهاست؟
 (1) فرانسه (2) ناروى (3) بلژيك (4) روسيه
- 260** يكي از مراكز بزرگ فرهنگ و ادبيات ما در دوره هاى مختلف بوده است.
 (1) بغلان (2) پكتيا (3) بلخ (4) كندز
- 261** كشف بسيارى از آثار تاريخى افغانستان مرهون تلاش يكي از اشخاص ذيل است؟
 (1) شمس الدين مجروح (2) رحيم الهام (3) سرور همايون (4) محمد على كهزاد
- 262** يكي از شاعران مشهور سبك هندی است؟
 (1) شهيد بلخى (2) طالب آملی (3) پروين اعتصامی (4) منو چهری
- 263** جمشيد شعله پس از چند ماه ماموريت و اشتراك در لويه جرگه هاى كشور ، به چه شغلى مصروف بود؟
 (1) بزازى (2) سلطنتى (3) تجارت (4) كشاورزى
- 264** مشرف الدين مصلح بن عبدالله نام مكمل يكي از شخصيت هاى زير است؟
 (1) سعدى (2) حافظ (3) فرخى (4) انور
- 265** نويسنده ايكه وزير دو تن از پادشاهان سلجوقى بوده يكي از اينها است.
 (1) ابوالفضل بلعمى (2) الو الفضل بيهيقي (3) نظام الملک (4) ابو الحسن ميمندى
- 266** اولين مكتب ابتدای دختران بنام عصمت توسط چه كسى اساس گذاشته شد؟
 (1) ملكه بلقيس (2) شاه امان الله خان (3) ملكه حميرا (4) ملكه ثريا
- 267** آنكه دانشمندان را لايق حاكميت ميدانست يكي از اينها است؟
 (1) افلاطون (2) ابن سينا (3) ارسطو (4) ابن رشيد
- 268** دانشمند كه عضو انجمن دوستى افغانستان و سازمان ملل بوده يكي از اينها است؟
 (1) عبد الاحمد جاويد (2) حيدر ژوبل (3) ابراهيم خليل (4) عشقري

- 269** امیر علی شیر نوایی در در بار کدام یکی از شاهان زیر به شغل دیوانی مشغول بود؟
 (1) سلطان حسین بایقرا (2) علاوالدین (3) تیمور (4) احمد شاه بابا
- 270** یکی از فیلسوفان یونانی است که مایه و انگیزه شعر را الهام میدانست؟
 (1) فیثاغورث (2) افلاطون (3) اقلیدس (4) ارسطو
- 271** یکی از اینها یکی از تذکره نگاران بر جسته ای کشور ما است.
 (1) لطیف ناظمی (2) عوفی (3) مولانا خسته (4) دولت شاه
- 272** یک از شاعران زیر را بنام (شاعر آینه ها) می شناسند؟
 (1) رودکی (2) پروین اعتصامی (3) بیدل (4) مخفی بد خشی
- 273** مثنوی خسرو و شیرین نظامی را یکی از این ها استقبال نموده است؟
 (1) خاقانی (2) انوری (3) عنصری (4) عرفی شیرازی
- 274** تقلید از طبیعت از قواعد اینها است؟
 (1) رمانتیک (2) اومانیزم (3) سمبولیزم (4) کلاسیک ها
- 275** شاعریکه در مدرسه نظامیه بغداد به تحصیل پرداخت ، یکی از اینهاست؟
 (1) ابوشکور بلخی (2) سعدی شیرازی (3) انوری (4) عنصری بلخی
- 276** شاعری که تا آخرین روز زنده گی خود از تفکرات ناب و عرفانی باز نماند یکی از اینهاست؟
 (1) عنصری (2) دقیقی (3) بیدل (4) رودکی
- 277** از شاعران مشهور قرن دهم هجری کدام یکی از اینهاست؟
 (1) عرفی شیرازی (2) فردوسی (3) انوری (4) رابعه بلخی
- 278** مرکز معروف مدنیت گریک و بودیک ، یکی از ساحات زیر است؟
 (1) قندهار (2) پکتیا (3) بلخ (4) غزنه
- 279** یکی از نماینده گان مهم مکتب رمانتیزم است.
 (1) تولستوی (2) بالزاک (3) گوته (4) راسین
- 280** از دانشمندان مشهور قرن هفتم هجری و از اهالی ری بود؟
 (1) رودکی (2) شمس قیس (3) بیدل (4) امام غزالی
- 281** آریانای کهن در محور یکی از شهر های ذیل ، مدنیت درخشان ادبی و فرهنگی داشت؟
 (1) هلمند (2) جوزجان (3) بامیان (4) بلخ
- 282** بیت (زنی که گوهر تعلیم و تربیت نخرید فروخت گوهر عمر عزیز را ارزان) سرده کیست؟
 (1) منوچهری (2) فردوسی (3) رودکی (4) پروین اعتصامی
- 283** کدام یک از گزینه های ذیل زبان مادری امیر علی شیر نوایی بود؟
 (1) قرغزی (2) ترکی چغتایی (3) ازبکی (4) دری
- 284** دانشمندیکه بصورت استثنایی در (مجمع لغوی مصر) به عضویت پذیرفته شده کیست؟

- (1) عبدالرحمن پژواک (2) استاد خلیلی (3) صلاح الدین سلجوقی (4) روان فرهادی
285 کدام دانشگاه به نام لومونوسف دانشمند یاد میشود؟
- (1) دانشگاه نیویارک (2) دانشگاه مسکو (3) دانشگاه مونیخ (4) دانشگاه برلین
286 یک از ستاره های درخشان ادب عرفانی ما است؟
- (1) اسدی توسی (2) فر دوسی (3) فرخی (4) مولانا بلخی
 287) از قصیده سرایان مشهور است:
- (1) منوچهری (2) سعدی (3) بیدل (4) عبید زاکانی
 288) از رباعی سرایان معروف است:
- (1) شهید بلخی (2) عمر خیام (3) عطار (4) امیر معزی
 289) از داستان‌های تراژیدی شاهنامه فردوسی است:
- (1) شیرین و فرهاد (2) رستم و سهراب (3) یوسف و زلیخا (4) لیلی و مجنون
 290) شاعری است داستانسرا:
- (1) ناصر خسرو (2) شهید بلخی (3) فرخی سیستانی (4) نظامی گنجه‌یی
 291) از شاعران دربار سلطان حسین بایقرا است:
- (1) دقیقی (2) عطار (3) ابوالقاسم فردوسی (4) نورالدین عبدالرحمن جامی
 292) از غزلسرایان معروف قرن هفتم هجری است:
- (1) جامی (2) انوری (3) سعدی (4) کلیم همدانی
 293) شاعری که هفت سال در قلعه های سود و دهک زندانی بوده:
- (1) فرخی سیستانی (2) مسعود سعد (3) عمر خیام (4) خواجه عبدالله انصاری
 294) از گفته های عرفانی خواجه عبدالله انصاری است:
- (1) فیه مافیه (2) خمسه (3) مناجات و مقالات (4) تذکره میخانه
 295) خمسه نظامی شامل:
- (1) چهار مثنوی است (2) پنج مثنوی است (3) هفت مثنوی است (4) سه مثنوی است
 296) انوار سهیلی اثر معروف است از:
- (1) نظامی عروضی (2) عطار (3) واعظ کاشفی (4) ابوالفضل بیهقی
 297) یکی از مثنوی‌های بیدل است:
- (1) الهی نامه (2) طریق التحقيق (3) فیه مافیه (4) طلسم حیرت

(298) اثر منشور عرفانی است از مولانا جلال الدین بلخی:

- (1) فیه مافیه (2) تذکره الاولیا (3) تاریخ گردیزی (4) نصیحه الملوک
(299) سفر نامه اثری ست از:

- (1) امیر خسرو (2) نورالدین عبدالرحمن جامی (3) عنصری بلخی (4) ناصر خسرو
(300) از آثار معروف عطار است در معرفی متصوفه:

- (1) تذکره الاولیا (2) تاریخ بخارا (3) تاریخ سیستان (4) تذکره الشعرا

کلید جوابات شاعران							
پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ
1	3	48	1	95	2	142	3
2	3	49	4	96	4	143	1
3	1	50	1	97	2	144	1
4	2	51	2	98	2	145	2
5	1	52	3	99	2	146	3
6	1	53	1	100	1	147	2
7	4	54	3	101	1	148	2
8	2	55	3	102	1	149	3
9	3	56	4	103	3	150	4
10	4	57	3	104	4	151	4
11	3	58	2	105	3	152	4
12	2	59	2	106	1	153	4
13	1	60	2	107	2	154	2
14	2	61	1	108	2	155	2
15	4	62	3	109	3	156	1
16	2	63	2	110	3	157	1
17	2	64	3	111	2	158	4
18	1	65	3	112	1	159	2
19	2	66	2	113	1	160	3
20	4	67	4	114	4	161	3
21	2	68	2	115	2	162	3
22	2	69	2	116	4	163	3
23	3	70	3	117	2	164	4
24	2	71	3	118	4	165	4
25	4	72	4	119	1	166	1
26	2	73	3	120	3	167	1
27	2	74	4	121	2	168	3
28	3	75	4	122	2	169	4
29	4	76	3	123	4	170	4
30	3	77	2	124	1	171	3
31	3	78	3	125	3	172	1
32	4	79	1	126	4	173	1
33	3	80	4	127	1	174	4
34	3	81	1	128	2	175	1
35	1	82	4	129	1	176	3
36	3	83	1	130	2	177	1
37	3	84	3	131	2	178	3
38	3	85	3	132	3	179	4
39	1	86	4	133	2	180	2

1	181	4	134	3	87	2	40
3	182	1	135	3	88	1	41
1	183	2	136	3	89	4	42
1	184	2	137	1	90	2	43
1	185	1	138	2	91	2	44
2	186	3	139	2	92	4	45
3	187	3	140	3	93	4	46
2	188	2	141	3	94	2	47

پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ
189	4	217	4	245	3	273	4
190	2	218	4	246	1	274	4
191	4	219	2	247	2	275	2
192	4	220	3	248	1	276	3
193	4	221	1	249	4	277	3
194	2	222	2	250	1	278	3
195	4	223	1	251	4	279	3
196	1	224	2	252	1	280	2
197	2	225	1	253	2	281	4
198	3	226	1	254	2	282	4
199	1	227	3	255	1	283	2
200	2	228	1	256	4	284	3
201	4	229	2	257	4	285	2
202	2	230	4	258	1	286	4
203	2	231	1	259	4	287	1
204	4	232	3	260	3	288	2
205	4	233	2	261	4	289	2
206	3	234	2	262	2	290	4
207	2	235	1	263	4	291	4
208	4	236	3	264	1	292	3
209	3	237	1	265	3	293	2
210	4	238	1	266	4	294	3
211	2	239	4	267	1	295	2
212	4	240	4	268	1	296	3
213	2	241	4	269	1	297	4
214	2	242	4	270	2	298	1
215	3	243	1	271	3	299	1
216	1	244	1	272	1	300	1

سوالات کانکور از آثار شاعران و نویسندگان

- 1) عنوان اصلی کتاب (کلیله و دمنه) از نام حیوان ذیل گرفته شده است؟
 1) دو شیر 2) دو خر گوش 3) دو شغال 4) دو گرگ
- 2) کتاب «کلیله و دمنه» کتابیست در اصل:
 1) ایرانی 2) هندی 3) خراسانی 4) تاجیکی
- 3) کتاب (سیرالعباد الی المعاد) اثر کیست؟
 1) سنایی 2) رودکی 3) عنصری 4) فرخی
- 4) مجمع النوادر نام اصلی کدام یک از کتاب های ذیل می باشد؟
 1) تاریخ طبری 2) تاریخ سیستان
 3) تاریخ آل سبکت‌گین 4) چهار مقاله
- 5) پندنامه اثر کدام شاعر است:
 1) عطار 2) سعدی 3) حافظ 4) فردوسی
- 6) مسجد جامع مشهد به دستور یکی از اینها اباد گردیده است؟
 1) امیر تیمور گورگانی 2) میر غیاث الدین 3) گوهرشاد بیگم 4) ملکه ثریا
- 7) رساله (دل و جان) متعلق به یکی از این شعرا است:
 1) خواجه عبدالله انصاری 2) جلال الدین بلخی
 3) جامی 4) فردوسی
- 8) ابن ندیم کتاب کلیله و دمنه را در چند باب می داند؟
 1) 15 – 16 2) پنج باب 3) 17 – 18 4) 12 – 13
- 9) از چهار کتاب زیر، کتاب متعلق به سنایی را مشخص سازید؟
 1) عقل نامه و عشق نامه 2) سکندر نامه 3) اقبال نامه 4) روضه الحکم
- 10) آنچه نکته هایی از روح پنهان کشور ها و ملت ها را به ما آشکار می کنند؟
 1) سفر نامه 2) اندیشه 3) خرد 4) استعداد
- 11) سعدی شیرازی کتاب (گلستان) را در کدام سال تصنیف کرد؟
 1) 603 هـ ق 2) 656 هـ ق 3) 524 هـ ق 4) 756 هـ ق
- 12) از معروفترین کتاب های نثر سعدی شیرازی است:
 1) بوستان 2) هفت گنبد 3) گلستان 4) دریاچه
- 13) سلسله الذهب، از آثار منظوم یکی از اینهاست:
 1) سلطان ولد 2) بهاء ولد 3) جامی 4) ابوسعید ابوالخیر
- 14) یکی از اثرهای ارزشمند عطار است:
 1) الهی نامه 2) گشتاسپ نامه 3) روزنامه 4) بانوگشسپ نامه

15 یکی از آثار منظوم سعدی به شمار می رود:

- (1) حدیقه (2) فیه ما فیه (3) بوستان (4) مجالس سبعه

16 سعدی در بغداد در یکی از مدارس ذیل به تحصیل پرداخت:

- (1) ناجیه (2) بیت الحکمه (3) نظامیه (4) بیت العلم

17 نام "کلیله و دمنه" در اصل از نام دو؟

- (1) روباه گرفته شده (2) شیر گرفته شده
(3) پلنگ گرفته شده (4) شغال گرفته شده

18 کتاب (جنبش مشروطیت در افغانستان) اثر کیست؟

- (1) محمود طرزی (2) پوهاند الهام
(3) پوهاند سرور همایون (4) عبدالحی حبیبی

19 تاریخ بیهقی نوشته شده در دوره غزنویان اصلی آن چی نام داشت؟

- (1) تاریخ آل سبکتگین (2) تاریخ طبری (3) تاریخ سیستان (4) تاریخ بلعمی

20 کدام یکی از اشخاص ذیل کتاب کلیله و دمنه را از پهلوی به عربی ترجمه کرد:

- (۱) برزویه (۲) بزگمهر
(۳) ابوالمعانی بن نصرالله (4) عبدالله بن مقفع

21 کدام یکی از گزینه هیا ذیل نام دیگری از کلیله و منه است؟

- (1) همایون (2) اصرار نامه (3) پند نامه (4) چهار مقاله

22 هفت اورنگ جامی به پیروی یک از شاعران زیر سروده شده است؟

- (1) فردوسی (2) خاقانی (3) رودکی (4) نظامی

23 مثنوی (انیس العارفین) اثر یکی از اینهاست؟

- (۱) حافظ (۲) ردوکی (۳) قاسم انوار (۴) حجره

24 از چهار کتاب زیر یکی آن متعلق به حکیم نظامی گنجه یی میباشد؟

- (۱) تبصیر کبیر (2) هفت پیکر (3) پند نامه (4) رساله دل و جان

25 اثر زیر جامی از جمله آثار منشور اوست؟

- (1) سبحة الابرار (2) اسکندر نامه (3) لواطح و لواجم (4) سلسله الذهب

26 آنچه مهمترین وسیله شناخت اعصار گذشته است:

- (1) اندیشه (2) خرد (3) استعداد (4) کتاب

27 تاب (طور معرفت) به قلم یکی از این شعرا نوشته دشه است؟

- (1) بیدل (2) ناصر خسرو (3) معین الدین اسفزاری (4) علی هجویری

28 مثنیه (کشتی شکست خورده طوفان کربلا - در خاک و خون فتاده به میدان کربلا - گر چشم روزگار برا و فشا

میگریست - خون می گذشت از سراپوان کربلا» را یکی از شاعران ذیل سروده است:

- (1) مبارک شاه (2) خاقانی (3) منوچهری دامغانی (4) محتشم کاشانی

- 29** نگارش رومان «جنگ و صلح» تولستوی چند سال را دربر گرفت؟
 (1) دو سال (2) پنج سال (3) سیزده سال (4) هفت سال
- 30** کتاب (کارنامه بلخ) از آثار مهشور کدام یکی از شخصیت های ذیل است؟
 (1) سعدی (2) حافظ (3) سنایی (4) مولانای بلخی
- 31** مثنوی (انیس العارفين) اثر یکی از این هاست؟
 (1) حافظ (2) رودکی (3) قاسم الوار (4) هجویری
- 32** (تهذیب الاخلاق) اثر کیست؟
 (1) ظهیر الدین فاریابی (2) صلاح الدین صلاجوقی (3) دقیقی بلخی (4) فیضی دکنی
- 33** کتاب کلیله و دمنه در کدام سده به دری ترجمه شده است؟
 (1) سده هفتم هـ ق (2) سده نهم هـ - ق (3) سده ششم هـ ق (4) سده یازدهم هـ ق
- 34** کتاب (بارانه) متعلق به یکی از نویسندگان است:
 (1) رازق فانی (2) پروین اعتصامی (3) اکرم عثمانی (4) محمد حجازی
- 35** کدام یکی از آثار ذیل تالیف «عنصر المعانی کیکاوس بن اسکندر» می باشد:
 (1) سیاست نامه (2) فارسنامه (3) قابوسنامه (4) الهی نامه
- 36** از آثار منثور جامی یکی از اینهاست؟
 (1) گلستان (2) قابوسنامه (3) بهارستان (4) نگارستان
- 37** «تاریخچه خط در افغانستان» از نوشته های کیست؟
 (1) عبدالحی حبیبی (2) قاری عبدالله (3) عبدالهادی داوی (4) کریم نزیهی
- 38** تاریخ بیهقی در کدام عصر ساخته شده است؟
 (1) غزنویان (2) سلجوقیان (3) سامانیان (4) غوریان
- 39** امروز چقدر از آثار تاریخی در موزیم ملی باقی مانده است؟
 (1) چهل هزار (2) دو هزار (3) بیست هزار (4) سه هزار
- 40** کتاب (تاریخ متقدمین) متعلق به یکی از این چهره های فرهنگ‌گی ذیل است؟
 (1) واسط کاشفی (2) بیهقی (3) فیض دکنی (4) فیض محمد کاتب
- 41** کدام یک از کتب زیر از جمله تالیفات محمد تقی بهار میباشد:
 (1) نقد ادبی (2) سبک شناسی (3) تاریخ ادبیات (4) تاریخ گزیده
- 42** «مثنوی عقل نامه» نوشته یکی از اینها است:
 (1) عنصری (2) فرخی (3) سنایی (4) سعدی
- 43** کتاب اصلی «پنجه تترا» که به برهمنی و یشنوی منسوب است در کدام قرن تدوین شده است؟
 (1) در اوایل قرن پنجم میلادی (2) در اواخر قرن پنجم میلادی

(3) در اواسط قرن پنجم میلادی (4) در اوایل قرن ششم میلادی

44 کتاب «سبعه سیاره» اثر کیست؟

- (1) دولت شاه سمر قندی (2) خواند میر
(3) امیر علی شیر نوایی (4) همام الدین
- 45** کتاب «طبقات ناصری» توسط کدام یکی از دانشمندان نگاشته شده است:

- (1) خواجه عبدالله انصاری (2) قاضی منهج سراج
(3) معین الدین اسفزاری (4) نظامی گنجوی

46 کتاب گلستان سعدی در چند باب نگاشته شده است؟

- (1) دو (2) شش (3) چهار (4) هشت

47 کتاب که در شرح سلطنت آل ناصر و یا آل سبکتگین نوشته شده است یکی از این ها است؟

- (1) تاریخ بیهقی (2) تاریخ بلعمی
(3) تاریخ سیستان (4) تاریخ جهان گشا

48 یکی از آثار مشهور حکیم نظامی گنجوی است:

- (1) بهمن نامه (2) هزار و یک شب (3) لیلی و مجنون (4) وامق و عذرا

49 در مورد جنگ با ارجاسپ و ظهور زردشت سروده شده است، کدام یکی از اینهاست:

- (1) ظفر نامه (2) بهمن نامه (3) بروز نامه (4) گشتاسپ نامه

50 بهارستان اثری است که به پیروی یکی از این آثار نگاشته شده است:

- (1) خمسه نظامی (2) دقیقی نامه (3) کلیله و دمنه (4) گلستان

51 اثر زیر جامی از جمله آثار منثور اوست:

- (1) سجنه الابرار (2) اسکندرنامه (3) لویح و لوامع (4) سلسله الذهب

52 کتاب تذکر الاولیا از آثار منثور اوست؟

- (1) سنایی (2) مولانا (3) حافظ (4) عطار

53 یکی از مثنوی های متعلق به میرزا عبدالقادر بیدل است؟

- (1) زینت الکتاب (2) محیط اعظم (3) هفت اقلیم (4) سلسله الذهب

54 نقد النصوص جامی:

- (1) منثور است (2) منظوم است (3) منظوم و منثور (4) هیچکدام

55 نام اصلی (چهار مقاله) چه می باشد؟

- (1) طلسم حیرت (2) قابوس نامه (3) مجمع النوادر (4) سیرالملوک

56 در کدام قرن مفکوره ادبی {هنر برای هنر} بر ضد مکتب ادبی رمانتیسزم ظهور کرد؟

- (1) اوایل قرن نهم (2) اواخر قرن نهم
(3) اوایل قرن بیستم (4) اواخر قرن بیستم

57) نخستین دیوان شعری و اثر چاپی مولانا خال محمد خسته، پژوهشگر و محدث کشور یکی از این چهار اثر

است:

(1) دبیرستان بلخ (2) نظم الحیات (3) خمستان (4) رمز حیات

58) کدام یکی از آثار ذیل تالیف خواجه نظام الملک می باشد:

(1) سیرالملوک (2) المعجم (3) تاریخ بیهقی (4) زین الاخبار

59) نخستین بار در زمان یکی از شاهان ذیل زمینه تحصیل برای دختران و زنان مساعد گردید؟

(1) حبیب الله خان (2) نادر شاه (3) امان الله خان (4) امیر شیر علی خان

60) «تاریخچه خط در افغانستان» از نوشته های کیست؟

(1) عبدالحی حبیبی (2) قاری عبدالله (3) عبدالهادی داوی (4) کریم نزیهی

61) نقد النصوص جامی:

(1) منشور است (2) منظوم است

(3) منظوم و منشور است (4) هیچکدام

62) نام «کلیله و دمنه» در اصل از نام دو:

(1) روبه گرفته شده (2) شیر گرفته شده

(3) پلنگ گرفته شده (4) شغال گرفته شده

63) ابوالمعالی نصر الله کتاب «کلیله و دمنه» را در زمان کدام یکی از شاهان ذیل ترجمه نموده است؟

(1) مسعود غزنوی (2) محمود غزنوی (3) بهرامشاه غزنوی (4) ابوالمظفر چغایی

64) کتاب (حدایق السحر فی دقایق الشعر) اثر یکی از دانشمندان ذیل است؟

(1) باو نواس (2) رشید وطواط (3) خاقانی (4) ابوحامد غزالی

65) اندرز (اگر به جای اسلحه با قلم به جنگ دنیا می رفتیم، همه دشمنان نابود می شدند) از گفتار یکی از بزرگان

است؟

(1) بلوتارک (2) مارکیز (3) بسمارک (4) حضرت علی "ع"

66) کدام یکی از آثار ریز تالیف خواجه نظام الملک می باشد؟

(1) سیرالملوک (2) المعجم (3) تاریخ بیهقی (4) سیاست نامه

67) {سپما و آواها} اثر یکی از نویسنده ها است:

(1) سید محی الدین هاشمی (2) نعمت حسینی

(3) مولانا محمد حنیف بلخی (4) مولانا غلام حضرت فرخاری

68) یکی از گزینه های ذیل مربوط به نوشته های میرزا عبدالقادر بیدل نمی باشد:

(1) رقعات (2) طور معرفت (3) چهار عنصر (4) اسرار نامه

69) اصل کتاب کلیله و دمنه به کدام زبان بوده است:

(1) اندواروپایی (2) پهلوی اشکانی (3) سانسکریت (4) اوستایی

70 سعدی کتاب بوستان را در کدام سال نوشت؟

- (1) 673 هـ ش (2) 761 هـ ش (3) 655 هـ ش (4) 755 هـ ش

71 یکی از آثار مشهور حکیم نظامی گنجوی است:

- (1) بهمن نامه (2) هزار و یک شب (3) لیلی و مجنون (4) وامق و عذر

72 تعداد بناهای خیریه را که امیرعلی شیر نوایی به اعمار آن دست یازیده است به چند میرسد؟

- (1) 73 (2) 220 (3) 293 (4) 370

73 اثری است از شیخ فریدالدین عطار:

- (1) اسرار نامه (2) سفر نامه (3) بهمن نامه (4) ظفر نامه

74 یکی از شاهکرای های جاودانه تولستوی نویسنده مشهور روسی است؟

- (1) قرار داد های اجتماعی (2) تفکرات شاعرانه

- (3) جنگ و صلح (4) دریاچه

75 کتاب تذکره الاولیا از آثار منشور اوست؟

- (1) سنایی (2) مولانا (3) حافظ (4) عطار

76 کتاب (بهارستان) متعلق به یکی از این شاعران است:

- (1) سعدی (2) فردوسی (3) جامی (4) امام غزالی

77 انجمن ادبی کابل در کدام سال ایجاد شد؟

- (1) 1345 هـ ش (2) 1306 هـ ش (3) 1310 هـ ش (4) 1298 هـ ش

78 قابوسنامه از مهمترین آثار ادبی زبان فارسی تالیف یکی از این اشخاص ذیل است؟

- (1) عنصر المعالی کیکاووس (2) ابو علی حسن بن علی

- (3) گیلان شاه (4) ابوالفضل محمد بن حسین

79 کتاب (مفتاح العلوم) تالیف یکی از این ادبای معروف است؟

- (1) سکاکی (2) مبارکشاه (3) مسعود سعد (4) استقراری

80 نخستین دیوان شعری و اثر چاپی مولانا خال محمد خسته، پژوهشگر و محدب کشور یکی از این چهار اثر

است:

- (1) دبیرستان بلخ (2) نظم الحیات (3) خمستان (4) رمز حیات

81 کتاب (حبیب السیر) تالیف غیاث الدین درچه مورد نگاشته شده است:

- (1) فلسفه (2) علم نجوم (3) تاریخ (4) شرح احوال شاعران

82 قدیمیترین تذکره شاعران زبان دری، توسط یکی از این شاعران نوشته شده است؟

- (1) مولانا خسته (2) عوفی (3) خانم ملکه رحمانی (4) مولانا

83 یکی از آثار مهم و مشهور فیض محمد کاتب است:

- (1) تحفه الحبيب (2) مخزن الابرار (3) تحفه الابرار (4) فراقنامه

84 نام اصلی کتاب (چهار مقاله) نظامی چه می باشد؟

- (1) کشف التواریخ (2) مجمع النوادر (3) تحفه الابرار (4) مجمع الشقایق

85 یکی از آثار حکیم نظامی گنجوی است:

- (۱) کلیده و دمنه (۲) مخزن الاسرار (۳) منطق الطیر (۴) الهی نامه

86 از چهار اثری که از آن تذکر به عمل آمده یکی آن متعلق به امیر علی شیر نوایی است:

- (1) هفت گنبد (2) زادالمسافرین (3) حیرت الابرار (4) جواهرالتفسیر

87 هفت اورنگ جامی کتابی است::

- (1) منثور (2) منظوم (3) مختلط (4) 1 و 2 درست است

88 کدام یکیا ز اشخاص ذیل کتاب کلیده و دمنه را در سال 1384 به نظم ترجمه کرد؟

- (1) میر بهادر واصفی (2) میر حسین شاه (3) واعظ کاشفی (4) طالب آملی

89 «تاریخچه خط در افغانستان» از نوشته های کیست؟

- (1) عبدالحی حبیبی (2) قاری عبدالله (3) عبدالهادی داوی (4) کریم نزیهی

90 داستان خسرو و شیرین از آثار مشهور یکی از این شاعران است؟

- (1) بلعمی (2) نظامی گنجوی (3) گردیزی (4) منوچهری

91 کتاب {سیاستنامه} اثری است متعلق به یکی از این اشخاص:

- (1) ازرقی هروی (2) انوری (3) بیهقی (4) خواجه نظام الملک

92 قابوسنامه از مهمترین آثار ادبی زبان فارسی تالیف بیک از این اشخاص است؟

- (1) عنصرالمعالی کیکاووس (2) ابوعلی حسن بن علی
(3) گیانشاه (4) ابوالفضل محمد بن حسین

93 کتاب (حبیب السیر) تالیث غیاث الدین درچه مورد نگاشته شده است؟

- (1) فلسفه (2) علم نجوم
(3) تاریخ (4) شرح احوال شاعران

94 آثار میناتوری یکی از هنر مندان زیر بیسار مشهور است:

- (1) فیض محمد کاتب (2) بهزاد (3) محمود طرزی (4) غلام محمد طرزی

95 کتاب (بارانه) مجموعه اشعاری است از:

- (1) واصف باختری (2) پرتونادری (3) خلیل الله خلیلی (4) رازق فانی

96 منظومه مشهور سجه الابرار در چه قالبی سوره شده است؟

- (1) ترجیع بند (2) مخمس (3) قطعه (4) مثنوی

97 از چهار اثری که از آن تذکر به عمل آمده یکی آن متعلق به امیر علی شیر نوایی است:

- (1) هفت گنبد (2) زادالمسافرین (3) حیرت الابرار (4) جواهرالتفسیر

98 کتاب کلیده و دمنه در اصل از نام دو حیوان ذیل گرفته شده است؟

- (1) روباه (2) شیر (3) خرگوش (4) شغال

99) (آنکه پریدن نمیداند بر پرتگاه آشیانه سازد) گفته یی یکی از بزرگان است؟

۱) ولتر ۲) شوپنهاور ۳) نیچه ۴) نهرو

100) اثر مشهور سنایی غزنوی کدام اینهاست؟

۱) المعجم ۲) التفهیم ۳) نوروزنامه ۴) حذیقہ الحقیقہ

101) کدام یکی از کتب ذیل از نوشته های سعدی میباشد؟

1) بوستان 2) الهی نامه 3) اسرار نامه 4) نی نامه

102) کتاب (کارنامه بلخ) از آثار مشهور یکی از اینهاست؟

۱) سعدی ۲) حافظ ۳) سنایی ۴) مولانا بلخی

103) کدام یکی از اشخاص ذیل کتاب کلیله و دمنه را از عربی به دری ترجمه کرد؟

1) عبدالله بن مقفع 2) رودکی 3) برزویه 4) ابوالمعالی بن نصرالله

104) کتاب کلیله و دمنه در کدام سال توسط یکی از شاعران کشور ما اخیرا از نثر به نظم در آمد؟

1) 1374 2) 1386 3) 1389 4) 1384

105) کتاب کلیله و دمنه ترجمه ابوالمعالی نصرالله بن عبدالحمید منشی دارای چند باب است؟

1) پانزده باب 2) بیست باب 3) یازده باب 4) ده باب

106) کتاب کلیله و دمنه ترجمه ابوالمعانی نصرالله منشی دارای چند باب است؟

1) یازده باب 2) بیست باب 3) پانزده باب 4) ده باب

107) از آثار وکتور هو گو می باشد؟

1) مردی که می خندد 2) کمیدی الهی 3) بهشت گمشده 4) درخت آسوریک

108) کتاب معروف (بینوایان) اثری یکی از اینهاست؟

1) همینگوی 2) میلتن 3) ویکتور هوگو 4) دانتہ

109) کتاب (لیلی و مجنون) اثر یکی از شاعران زیر است.

1) نظامی 2) خیام 3) منوچهری 4) عنصری

110) بزرگترین اثر گابریل گارسیا ماکیز که به او شهرت جهانی بخشید و برنده جایزه نوبل ادبیات شناخته شد ،

یکی از گزینه های زیر است؟

1) وداع با اسلحه 2) صد سال تنهایی 3) بینوایان 4) پیر مرد دریا

111) کتاب (تاریخ پهلوانان چاه آب) نوشته کدام یکی از شاعران زیر است؟

1) عبد اقهار عاصی 2) عبدالرازق فانی 3) عبدالحی حبیبی 4) جمشید شعله

112) قبل از اسلام کدام مدنیت در تاریخ قدیم جهان بحث های علمی دارد؟

1) مدنیت اسکندنویا 2) مدنیت آریایی 3) مدنیت هلمند 4) مدنیت جنوب افریقا

113) کتاب کلیله و دمنه در زمان بهرام شاه غزنوی توسط کدام دانشمندان زیر از عربی به دری ترجمه نمود؟

1) نصرالله منشی 2) گردیزی 3) ابو الحسن میمندی 4) بیهقی

- 114** کتاب (بارانه) مجموعه اشعاری است از:
 (1) عبدالرزاق فانی (2) خلیل الله خلیلی (3) پرتو نادری (4) تأثیر
- 115** از آثار مشهور نظام گنجوی است؟
 (1) خسرو و شیرین (2) سیرالملوک (3) زین الاخبار (4) سلامان و ابسال
- 116** یکی از آثار تولستوی به شمار می رود؟
 (1) رستاخیز (2) همه درست است (3) درخت آسوریک (4) کمیدی الهی
- 117** از تألیفات مهم عبدالله بن معتز عباسی است.
 (1) فیه ما فیه (2) انوار الربیع (3) البدیع (4) ترجمان البلاغه
- 118** (عیار دانش) نام دیگری از کتاب های زیر میباشد؟
 (1) سیاستنامه (2) کلیله و دمنه (3) سمک عیار (4) روضه النجات
- 119** کتاب (المعجم فی معاییر اشعار العجم) اثر یکی ازینها است؟
 (1) شمس قیس رازی (2) عبدالله بن معتز (3) رشید و طواط (4) رادویانی
- 120** (افسانه های بید پای) نام دیگر کدام یکی از کتاب های ذیل است؟
 (1) داستان راستان (2) چهار مقاله عروضی (3) اسرار نامه (4) کلیله و دمنه
- 121** مکتب مستورات در افغانستان در کدام سال گشایش یافت؟
 (1) 1302 هـ ش (2) 1198 هـ ش (3) 1089 هـ ش (4) 1360 هـ ش
- 122** بیت (دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پرشانی حالی و درماندگی) را یکی از شاعران زیر سروده است؟
 (1) سعدی (2) سنایی (3) فردوسی (4) حافظ
- 123** (بسیار امر کننده است ، یعنی نفسی که به لذات و شهوات جسمانی میل کند و قلب را به جهت سفلی بکشانند) تعریف کدام یکی از از گزینه های زیر می باشد؟
 (1) سالک (2) نفس اماره (3) مرشد (4) سلوک
- 124** انجمن ادبی کابل در کدام سال ایجاد شد؟
 (1) 1345 هـ ش (2) 1298 هـ ش (3) 1306 هـ ش (4) 1310 هـ ش
- 125** از رسایل منثور خواجه عبدالله انصاری که به نثر مسجع نگاشته شده ، کدام است؟ (1) کنز السالکین (2) سراج التواریخ (3) تخفه الحیب (4) سواطع الالهام
- 126** کدام یکی از آثار زیر مربوط نظامی عروضی میباشد؟
 (1) القافیه (2) چهار مقاله (3) سیرالملوک (4) تاریخ سیستان
- 127** دانشمندان که صاحب دیوان رسایل در بار خوارزمشاهیان بود.
 (1) ابو شکور بلخی (2) رشید الدین و طواط (3) حافظ شیرازی (4) سعدی

128 نام اصلی تاریخ بیهقی چیست؟

- (1) تاریخ آل سبکتگین (2) تاریخ بلعمی (3) تاریخ سیستان (4) تاریخ طبری
129 (مناجات نامه) متعلق به یکی از شاعران زیر است؟

- (1) ناصر خسرو (2) واعظ کاشفی (3) خواجه عبدالله انصاری (4) فیضی دکنی
130 کتاب کلیله و دمنه در زمان کدام پادشاه غزنوی از عربی به دری ترجمه شد؟

- (1) محمود (2) بهرام شاه (3) مسعود (4) عبدالرشید
131 کدام یک از دانشمندان زیر مدتی به حیث مفتی محکمه هرات ایفای وظیفه نموده است؟

- (1) مولانا خسته (2) ابن سینا (3) صلاح الدین سلجوقی (4) فیض محمد کاتب
132 محی الدین انیس در کجا توانست که از روح مکتب سید جمال الدین افغانی و اندیشه شاگردان به خصوص شیخ عبده استفاده اعظمی ببرد؟

- (1) فرانسه (2) مصر (3) هندوستان (4) سوریه
133 پند نامه اثر کدام شاعر است؟

- (1) سعدی (2) فردوسی (3) عطار (4) حافظ
134 موزم ملی در زمان کدام شخص به یکی از گنجینه های مهم منطقه تبدیل شد؟
(1) تره کی (2) ظاهر شاه (3) نادرخان (4) سر دار محمد داود خان
135 منظومه (سلامان و ابدال) سروده یکی از شاعران زیر است؟

- (1) منو چهری (2) واعظ کاشفی (3) جامی (4) سعدی
136 کتاب کلیله و دمنه در کدام سال توسط یکی از شاعران کشور ما اخیر از نثر به نظم در آمد؟
(1) 1384 (2) 1324 (3) 1346 (4) 1359

- 137 بهترین آثار ادیبان قدیم دری در موجودیت یکی از گزینه های زیر بوجود آمده است؟
(1) مواد فلکلوری (2) موسیقی (3) تندیس ها (4) نقاشی
138 کتاب معروف (دکامرون) مربوط به یکی از نویسندگان ذیل است؟ (فورم اول فراه)
(1) بو کاجیو (2) پوشکین (3) تولستوی (4) ویکتور هو گو

- 139 نخستین پرورشگاه زبان های هند و اروپایی شمرده می شود؟
(1) بین سیر دریا و آمو دریا (2) آسیای صغیر (3) بین النهرین (4) هند و یونان
140 در کلام کدام یکی از شاعران زیر تمام ویژگی های مکتب هندی به چشم میخورد؟

- (1) جامی (2) عنصری (3) منو چهری (4) بیدل
141 یکی از دانشمندان زیر مؤسس دانشگاه مسکو است؟

- (1) میلتون (2) ویکتور و هو گو (3) ژان ژاک روسو (4) لومونوسف
142 یکی از شاعران مشهور عرفانی و تصوفی دری است.

- (1) عطار (2) فرخی (3) فردوسی (4) عنصری

143 یکی از آثار حکیم نظامی گنجوی :

(1) منق الطیر (2) مخزن الاسرار (3) کلیله و دمنه (4) الهی نامه

144 بیدل همراه کدام یکی از اعضای خانواده اش در سال 1017 میلادی به شهر کتک اوریسه رفت؟

(1) مامایش (2) برادرش (3) کاکایش (4) پدرش

145 مسجد جامع به دستور یکی از اینها آباد گردید؟

(1) گوهر شاد بیگم (2) میر غیاث الدین (3) ملکه ثریا (4) امیر تیمور گورگانی

146 کدام یک از اشخاص ذیل کتاب کلیله و دمنه را به نظم در آورده است؟

(1) واعظ کاشفی (2) میر بهادر واصفی (3) میر حسین شاه (4) طالب آملی

147 کتاب (کلیله و دمنه) را یکی از اشخاص ذیل به دري ترجمه کرد.

(1) نصر الله منشی (2) منهاج سراج (3) بهرام منشی (4) مفتی سراج الدین

148 کتاب (هفت پیکر) اثر مشهور یکی از اینهاست؟

(1) حافظ (2) خاقانی (3) نظامی (4) سعدی

149 اثر مشهور (کلیسا نو تردام پاریس) نوشته یکی از اینهاست؟

(1) آنتون چخوف (2) دانته (3) همینگوی (4) ویکتور هو گو

150 جریده طلوع افغان به محرری و مدیریت کدام یکی از اشخاص زیر در قندهار به نشر آغاز کرد؟

(1) عبدالهادی داوی (2) عبد العزيز خان (3) محمود طرزی (4) شاه ولی الله

151 در شاهنامه فردوسی از پادشاهان زیر نام برده شده است؟

(1) سلجوقیان (2) پیشدادیان (3) تیموریان (4) ابدالی ها

152 داستان لیلی و مجنون از آثار مهم یکی از اینهاست؟

(1) فروخ فرخزاد (2) فردوسی (3) سیمین بهبهانی (4) نظام گنجوی

153 مکتبی که در اواسط قرن نهم به عنوان واکنشی در برابر مکتب رماتیزم پدید آمد، کدام است؟

(1) سمبولیزم (2) ناتورالیزم (3) ریالیزم (4) دادیزم

154 کلاسیک ها آثار شان را به یکی از زبان های زیر مینوشتند؟

(1) فرانسوی (2) لاتین (3) انگلیسی (4) یونانی

155 بر اساس قانون اساسی امان الله خان شعبه حفريات و موزه زیر نظر کدام وزارت فعالیت میکرد؟

(1) وزارت معارف (2) وزارت داخله (3) وزارت عدلیه (4) وزارت خارجه

156 درک و بیان جریان باطنی و احوال درونی شاعر و نویسنده را نقد:

(1) روانشناسی گویند (2) معنایی گویند (3) اخلاقی گویند (4) تاریخی گویند

157 در جمله (الهی مگوی که چه آورده اید که درویشانیم و مپرس که چه کرده اید که رسوایانیم) از گفته های

کیست؟

(1) بابا طاهر عربان (2) بایزید بسطامی (3) خواجه عبدالله انصاری (4) عمر

158 بیت (مرغ را پر میبرد تا اشیان - پر مردم همت است، ای مردمان) سروده کیست؟

(1) فرخی سیستانی (2) مسجدی (3) روده کی سمر قندی (4) مولانای بلخی

159 (آئینه حسن) از ترکیبات مورد کاربرد کدام یکی از شاعران زیر است؟

(1) حنظله بادغیسی (2) اسدی طوسی (3) بیدل (4) عنصری

160 یک از آثار مشهور حکیم نظامی است؟

(1) بهارستان (2) سفر نامه (3) خسرو و شیرین (4) ظفر نامه

161 کدام یکی از آثار زیر مربوط میزرا عبدالقادر بیدل میباشد؟

(1) الهی نامه (2) نفحات الانس (3) مثنوی معنوی (4) مثنوی عرفان

162 (پنجه تئترا) در ادبیات دری بکدام معنی بکار رفته است؟

(1) پنج فصل (2) پنج کتاب (3) پنج اندرز (4) پنج قصیده

163 شهر باستانی که به نام (ام البلاد) یاد شده است؟

(1) بلخ (2) پکتیا (3) هرات (4) زابل

164 بیت (علم چون بر دل زندیاری شود - علم چون بر تن زند ماری شود) سروده ای یکی از شاعران ذیل

است؟

(1) بابا طاهر (2) کسای مروزی (3) خیام (4) مولانا جلالالدین بلخی

165 (آئینه حسن) از ترکیبات مورد کار برد یک از شاعران زیر است؟

(1) بیدل (2) عنصری (3) اسدی توسی (4) حنظله بادغیسی

166 اثر (زندگی نام ابو علی سینا) نوشته یکی از اینها است؟

(1) استاد عبدالرحمن پژواک (2) استاد عبالحی حبیبی

(3) استاد بیتاب (4) استاد خلیل الله خلیلی

167 کتابی که در معرفی ، تلفیق و فرهنگ در قسمت بزرگی از جغرافیای نقش بزرگی را ایفا کرده است؟

(1) با بر نامه (2) سیاست نامه (3) کارنامه بلخ (4) کیمیای سعادت

168 کتاب (سد سکندر) اثر کیست؟

(1) امیر علی شیر نوایی (2) اما م غزالی (3) عروضی سمر قند (4) عطارنیشاپوری

169 از چهار اثری که از آن تذکر به عمل آمده ، یکی آن متعلق به امیر علی شیر نوایی است؟

(1) هفت گنبد (2) زاد المسافرین (3) حیرت الابرار (4) جواهر التفسیر

170 کتاب تذکره الاولیاء از آثار منشور اوست؟

(1) سنایی (2) عطار (3) مولانا (4) حافظ

171 اعمار مقبره حضرت علی در عصر حکومت کدام سلطان صورت گرفت؟

(1) سلطان حسین بایقراء (2) سلطان مسعود غزنوی

(3) بایسنقر میرزا (4) سلطان محمود غزنوی

- 172** (مثنوی عرفان) از جمله آثار یکی از این عرفان است؟
 (1) ابراهیم ادهم (2) بیدل (3) ابو سعید ابی الخیر (4) الوالحسن خرقانی
- 173** (ارمغان جوانی) اثر کیست ؟
 (1) عبد الرازق فانی (2) انور بسمل (3) قاری عبدالله (4) محمود طرزی
- 174** رساله (ایوان) که در آن پیرامون شعر بحث شده است ، متعلق به یکی ازینها است؟
 (1) ارسطو (2) افلاطون (3) فلوتین (4) پانینی
- 175** اثر مشهور نظامی عروضی سمرقندی یکی از گزینه های زیر است.
 (1) مجمع البلدان (2) شعر العجم (3) مجمع النوادر (4) مجمع القصا
- 176** کتاب (مفتاح العلوم) تألیف یکی از ادبای معروف است.
 (1) مسعود سعد (2) مبارک شاه (3) اسفزاری (4) سکاکی
- 177** انجمن ادبی هرات در ابتدا به ریاست یکی از این چهره های فرهنگی کشور ما رسمیت پیدا کرد؟
 (1) محی الدین انیس (2) عبد الهادی داوی (3) قاضی محمد صدیق خان (4) نوروز خان
- 178** اداره یی که در آن اسناد تاریخی، چون فرمان ها، وثایق قباله و روز نامه نگهداری میشود ، کدام است؟
 (1) مطبعه دولتی (2) موزیم ملی (3) دار الو کاله (4) آرشیف ملی افغانستان
- 179** کدام یکی از کتاب های نامبرده شده شباهت تام به کلیله و دمنه دارد؟
 (1) پازند (2) پنجه تنتره (3) زند (4) اوستا
- 180** کتابی که سه باب اول آن به ترتیب در سیرت پادشاهان در اخلاق درویشان و در فضیلت قناعت است.
 (1) قابوسنامه (2) بهارستان (3) بوستان (4) گلستان
- 181** یک از آثار جامی است.
 (1) بهارستان (2) گلستان (3) کشف المحجب (4) چهار مقاله
- 182** اثری که تاریخ نوشتن آن به 1200 ق م میرسید.
 (1) الیا (2) ویداها (3) یادگار از ایران (4) هیچکدام
- 183** (نوروز خوش آئین) نوشته کیست؟
 (1) شایق جمال (2) عبدا لاحمید جاوید (3) عشقوری (4) محمود طرزی
- 184** یکی از آثار مهم علامه صلاح الدین سلجوقی است.
 (1) انوار سهیلی (2) کیمیای سعادت (3) مقدمه علم اخلاق (4) اخلاق محسنی
- 185** از معروفترین آثار غنایی است.
 (1) خسرو و شیرین (2) شاهنامه (3) بهمن نامه (4) تاریخ بیہیقی

186 در دوره زمامداری اعراب ، یک از چهار رکن خراسان بود.

(1) بلخ (2) پکتیا (3) کابل (4) لغمان

187 نویسنده گان مشهور ما، چند باب دیگر بر کتاب کلیبه و دمنه افزده اند؟

(1) چهار باب (2) سه باب (3) دو باب (4) یک باب

188 قدیمی ترین ، جامع ترین و معتبر ترین تذکره شاعران فارسی که در سده هفتم هجری قمری نوشته شده است، عبارت است از:

(1) لباب الالباب (2) پرده نشینان سخنگوی

(3) سیما ها واواها (4) مشاهیر افغانستان

189 بهترین آثار ادبیات قدیم دری در موجودیت یکی از گزینه های ذیل به وجود آمده است:

(1) مواد فولکلوری (2) موسیقی (3) تندیس ها (4) نقاشی

190 کدام یکی از آثار زیر مربوط به عبدالقادر بیدل میباشد؟

(1) اسرار نامه (2) الهی نامه (3) نفحات الانس (4) محیط اعظم

191 گلستان شیوا ترین نثر فارسی اثر کیست؟

(1) رودکی (2) فرخی (3) سعدی (4) حافظ

192 کیمیای سعادت اثر کدام یکی از اشخاص ذیل است؟

(1) جامی هروی (2) امام محمد غزالی

(3) مولوی بلخی (4) میرزا عبدالقادر بیدل

193 آثار معروف هو گو عبارت اند از:

(1) کلیسای نو تردام پاریس (2) کارگران دریا

(3) مردی که میخندد (4) همه

194 عبد الله بن معتز در کدام سال کتاب (البدیع) را تألیف کرد؟

(1) 274 ه ق (2) 374 ه ق (3) 270 ه ق (4) 276 ه ق

195 (سالار پیغمبران) ازسروده های کی است؟

(1) عبدالرزاق فانی (2) نظامی گنجوی (3) کاتب هزاره (4) سعدی

196 سعدی گلستان را در کدام سال ه ق تألیف کرد؟

(1) 656 (2) 513 (3) 614 (4) 666

197 یکی از کتابهای مهشور متعلق به جامی است:

(1) ساغر (2) سیر العبادی الی المعاد

(3) حدیقه الحقیقه (4) هفت اورنگ

198 مهمترین اثر عرفانی منظوم مولاناست:

(1) فیه مافیه (2) عرفان (3) مثنوی معنوی (4) الهی نامه

199) اثر مشهور عطار است از زبان پرنده گان:

1) تذکره الاولیا 2) منطق الطیر 3) هفت اورنگ 4) حدیقه

200) کلیات شمس، اثر معروف:

1) عطار است 2) شمس تبریز است 3) مولانا جلال الدین است 4) سنایی است

کلید جوابات شاعران							
پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ
1	3	51	3	101	1	151	2
2	2	52	2	102	3	152	4
3	3	53	1	103	4	153	3
4	4	54	4	104	4	154	2
5	1	55	1	105	4	155	1
6	3	56	3	106	3	156	1
7	1	57	1	107	1	157	3
8	3	58	3	108	3	158	4
9	1	59	1	109	1	159	3
10	1	60	1	110	2	160	3
11	2	61	2	111	4	161	4
12	3	62	3	112	2	162	2
13	3	63	3	113	1	163	1
14	1	64	1	114	1	164	4
15	4	65	4	115	1	165	1
16	3	66	3	116	1	166	2
17	4	67	4	117	3	167	1
18	4	68	4	118	2	168	1
19	1	69	1	119	1	169	3
20	4	70	4	120	4	170	2
21	1	71	1	121	1	171	1
22	4	72	4	122	1	172	2
23	3	73	3	123	2	173	1
24	2	74	2	124	4	174	2
25	3	75	3	125	1	175	3
26	4	76	4	126	2	176	4
27	1	77	1	127	2	177	3
28	4	78	4	128	1	178	4
29	2	79	2	129	3	179	2
30	3	80	3	130	2	180	4
31	3	81	3	131	3	181	1
32	2	82	2	132	2	182	2
33	3	83	3	133	3	183	2
34	1	84	1	134	4	184	3
35	3	85	3	135	3	185	1
36	3	86	3	136	1	186	1
37	1	87	1	137	1	187	3
38	1	88	1	138	1	188	1
39	1	89	1	139	1	189	1
40	4	90	4	140	4	190	4
41	2	91	2	141	4	191	3
42	3	92	3	142	1	192	2

4	193	2	143	3	93	2	43
1	194	1	144	2	94	3	44
1	195	1	145	4	95	2	45
1	196	2	146	4	96	4	46
4	197	1	147	3	97	1	47
3	198	3	148	4	98	3	48
2	199	4	149	3	99	4	49
3	200	2	150	4	100	4	50

شماره	شاعر	شعر
1	مولانا	من طریق سعی می‌آرم به جا لیس للانسان الی ما سعی
		گفت پیغمبر بر رزق ای فتی در فروبسته است و بر در قفل‌ها
		در خود آن بد را نمی‌بینی عیان ورنه دشمن بوده ای خود را به جان
		مومنان آینه همدیگر اند این خبر از پیغمبر می‌آورند
		این رقص موج خون نگر، وین عشرت بی چون نگر صحرا پر از مجنون نگر، ایمن ز شمشیر اجل
		آفت مرغ است چشم کام بین مخلص مرغ است عقل دام بین
		علم چون بر دل زند یاری شود علم چون بر تن زند ماری شود
		هرکه رنجی برد گنجی شد پدید هر که جدی کرد در جدی رسید پس زبان محرمی خود دیگری‌ست همدلی از هم‌زبانی بهتر است
2	ادیب الممالک فراهانی	خوشا کمال و هنر خرما خردمندی که شاخسار وجودش ز دانش آرد بار
		هنر به نزد خردمند بس خطیر آید چنانکه در نظر مرد جوهری جوهر
		کسی که گنج درون آکند به گوهر علم چه احتیاج به گنجینه و گهر دارد
		خزینہ‌یی است دل مردمان با تدبیر که کس نیارد قفلش شکست با سندان
		چون گرانی‌ها اساس راحت است تلخ‌ها هم پیشوای نعمت است
		دانی که حفظ دین و وطن بهر مرد حق فرض است آن چنان که طهارت صلات را
		جمال و زینت انسان به دانش است و هنر

که آدمی شرف از دانش و هنر دارد تفاوت بشر از جانور به معرفت است جز این چه فخر و فضیلت به جانور دارد		
نخست موعظه پیر می فروش این است که از مصاحب ناجنس احتراز کنید مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو شبان وادی ایمن گهی رسد به مراد که چند سال به جان خدمت شعیب کرد یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروت با دشمنان مدارا	حافظ	3
دستگاه معنی نازک سخن را زیور است جوهر این تیغ جز پیچ و خم اندیشه نیست هوس در نسخه تسلیم ما صورت نمی بندد نگه نتوان نوشتن بر بیاض چشم قربانی کی روز فکر مضرت از مزاج اهل کین مار نتوان جدا از زهر دیدن کام را تا طبایع نیست مالوف انجمن ویرانه است ناقص افتد خوشه چون بی ربط بالذات می شود اسرار دل روشن ز تحریک زبان می دهد این برگ بوی غنچه اندیشه را آشنایی های ظاهر پرده بیگانه گiest آب و روغن است در یک جویبار ازهم جدا تب و تاب موج باید ز غرور بحر دیدن چه رسد به حاکم آنکس که تو را ندیده باشد دل ز مقصد غافل و آنگاه لاف جستجو شرم دار از معنی لفظی که در اندیشه نیست وضع خموش ما ز سخن دلنشین تر است با تیر احتیاج ندارد کمان ما به نسیمی از اجابت چمن حضور داریم	بیدل	4

دل چاک بال می‌زد سحری دمیده باشد		
طریق دلربایی یک جهان نیرنگ می‌خواهد		
به حسن محض نتوان پیش بردن نازنینی‌ها		
با عاجزان فروتنی آثار عزت است		
از هر که همسر تو نباشد فزون مباش		
پی اشک من ندانم به کجا رسیده باشد		
ز پی‌ات دویدنی داشت به رهی چکیده باشد		
بی ادب از سوز اشک عاجزان نتوان گذشت		
آبله در پا اگر بشکست صحرا آتش است		
غرق وحدت باش اگر آسوده خواهی زیستن	فردوسی	5
ماهیان را هر چه باشد غیر دریا آتش است		
حذر کنید ز انجام عیش این محفل		
کدام شیشه که آخر نزد به سنگ شراب		
بسی رنج بردم درین سال سی		
عجم زنده کردم بدین پارسی		
چنین است کیهان ناپایدار	اوحدی مراغه‌یی	6
تو در وی به جز تخم نیکی مکار		
بی آزاری و راستی برگزین		
چو خواهی که یابی به داد آفرین		
خرد راهنمای و خرد دلگشای	خلیل الله خلیلی	7
خرد دست گیرد به هر دو سرای		
علم بال است مرغ جانت را		
بر سپهر او برد روانت را	حاجب شیرازی	8
دل بی علم چشم بی نور است		
مرد نادان ز مردمی دور است		9
لب من لایق ثنای تو نیست		
فعل من در خور رضای تو نیست		
پرده پوش من و پناه منی		
تو مرا شاد کن که شاه منی		
در صدف سینه و دریای دل		
علم بیان در سخن پرورد		
میراث پدر خواهی علم پدر آموز		

سعدی	کاین مال پدر خرج نتوان کرد به یک روز
	نام نیک رفته گان ضایع مکن
	تا بماند نام نیکت ماندگار
	کرا دانش وجود و تقوی نبود
	به درس هیچ معنی نبود
	علم هرچه بیشتر خوانی
	چون عمل در تو نیست نادانی
	قصه لیلی مخوان و غصه مجنون
	عهد تو منسوخ کرد ذکر اوایل
	گرت از دست براید دهنی شیرین کن
پروین اعتصامی	مردی آن نیست که مشتی بزنی بر دهنی
	دوست آن باشد که گیرد دست دوست
	در پریشان حالی و درمانده گی
	بنی آدم اعضای یکدیگر اند
	که در آفرینش ز یک گوهر اند
	ره نیک مردان آزاده گیر
سنایی	چو ایستاده ای دست افتاده گیر
	وظیفه زن و مرد، ای حکیم دانی چیست؟
	یکی است کشتی و آن دیگر کشتیان
	زنی که گوهر تعلیم و تربیت نخرید
	فروخت گوهر عمر عزیز را ارزان
	حدیث نیک و بد ما نوشته خواهد شد
10	زمانه را سند و دفتری و دیوانی ست
	شیرین نشد چو زحمت مادر وظیفه یی
	فرخنده تر ندیدم از این هیچ دفتری
	مرد عاقل ز لهو پرهیزد
	زین چنین عمر عقل بگریزد
	جان بی علم تن بمیراند
11	شاخ بی بار دل بگریاند
	علم باشد دلیل نعمت و ناز
	خنک آن را که علم شد دمساز
	طایر بر یک بال نتواند فلک پرواز شد
12	

بی‌حضور دل مبر زندهار نام الله را گر ز بی سرمایه‌گی دستت ز سیم و زر تهی‌ست می‌توان تسخیر دل‌ها کرد با خلق حسن نرگس از چشم تو دم زد بر دهانش زد صبا درد دندان دارد اکنون می‌خورد آب از قلم دور دستان را به احسان یاد کردن همت است ورنه هر نخلی به پای خود ثمر می‌افکند	صایب تبریزی	
هیچ شادی نیست اندر این جهان برتر از دیدار روی دوستان هیچ تلخی نیست بر دل تلخ‌تر از فراق دوستان باهنر	رودکی	13
آنکس که به کوه ظلم خرگاه زند خود را به دم آه سحرگاه زند ای راهزن از دور مکافات بترس راهی که زنی تو را همان راه زند	ابو سعید ابوالخیر	14
شاعر اندر سینه ملت چو دل ملت بی‌شاعری انبار گل در هجوم کارهای ملک و دین با دل خود یک نفس خلوت گزین سروری در دین ما خدمت‌گری‌ست عدل فاروقی و فقر حیدری‌ست رزق از حق جو، مجو از زید و عمر مستی از حق جو، مجو از بنگ و خمر گر تو می‌خواهی مسلمان زیستن نیست ممکن جز به قرآن زیستن	اقبال لاهوری	15

معنی	لغت	معنی	لغت
زمان پایان ناپذیر، مقابل ازل، زمان جاویدان، زمانی که آنرا انتها نباشد	ابد	سرگردان، پریشان، شوریده	آشفته
خلقت، به وجود آوردن، ایجاد، نو آوری کردن	ابداع	بی نظمی، اغتشاش	آشوب
آلت، وسیله، سامان کار	ابزار	به وجود آوردن، انشاء، ابداع	آفرینش
رسانیدن، آگاه کردن	ابلاغ	آواز، بانگ، صوت	آوا
سخن پوشیده گفتن، پیچیده	ابهام	دین، کیش، شریعت	آیین
تباه کردن، تلف کردن	اتلاف	افسوس	آوخ
پرهیز کردن، دوری جستن، خویشتن داری	احتراز	خلل پذیرفتن، آشفته گی، نابسامانی	اختلال
اشتمال، شامل بودن، دربرداشتن	احتوا	خفه شدن، گلو گرفته شدن	اختناق
بردن بار، حمل کردن	احمال	جمع دور، زمانها	ادوار
خاصتر، مخصوصتر، ویژه تر	اخص	چرم	ادیم
درک کردن، دریافتن، فهمیدن، پی بردن	ادراک	میل، خواست، قصد، آهنگ، تصمیم	اراده
حرفی را در حرف دیگر داخل نمودن	ادغام	جمع رکن، مبنا، پایه، ستون	ارکان
ارزش، مقام، اعتبار، احترام، اندازه	ارج	محکم شدن، قوی شدن	استحکام
موزیم تاریخی و بزرگ در لیننگراد روسیه	ارمیتاژ	مدد خواستن	استمداد
زمانی را که آنرا ابتدا نباشد، زمان بی آغاز	ازل	بی اندازه و بیجا خرچ کردن	اسراف
ظلم، تعدی، جبر	استبداد	جمع سلف، گذشته گان، پیشینیان	اسلاف

معنی	لغت	معنی	لغت
جدا کردن، بیرون آوردن، خارج کردن	استثنا	پارچه ابریشمی که تارهای زر در آن کشیده شده باشد	اطلس زرکش
حاصل گرفتن، نتیجه گرفتن	استحصال	به شگفتی آوردن کسی را، عجیب دانستن، خودپسندی	اعجاب
جستجو کردن، کنجکاوی کردن، قریه به قریه گشتن	استقرا	آشوب، بی نظمی	اغتشاش
دلجویی کردن، دلخوشی دادن، به سوی خود متمایل ساختن	استمالت	تهیدستی، درویشی	افتقار
سند قرار دادن، پشت دادن و تکیه کردن	استناد	انداختن، گستردن و هموار کردن فرش	افکندن
استخراج حقایق، درک کردن، بیرون آوردن چیزی	استنباط	متابعت، پیروی کردن	اقتدا
طلب کشف کردن، آشکار ساختن	انکشاف	قدرت یافتن، توانا شدن	اقتدار
جمع صوت، آواز	اصوات	فراهم آوردن، کسب کردن، حاصل کردن	اکتساب
مشوش ساختن، پریشان و آشفته شدن، تشویش، پریشانی	اضطراب	بهم پیوند دادن، بهبود یافتن زخم	التیام
رها و آزاد کردن، استعمال کلمه‌ی به معنای مخصوص خواه به طریق حقیقی یا مجازی	اطلاق	جمع لحن، آهنگ و آواز	الحن
میانه روی، حد وسط	اعتدال	درد و رنج	الم
حرکت حرف آخر در واژه‌های عربی	اعراب	جمع لون، رنگها	الوان

معنی	لغت	معنی	لغت
اشراف، بزرگان، بزرگواران	اعیان	مزیت و برتری، حقوقی که برای افراد اجتماع داده شده است	امتیاز
جمع غرض، قصد، دشمنی، هدف	اغراض	جمع امیر، سرداران، فرماندهان	امرا
از خود رفتگی، بیهوشی	اغما	جمع میل، آرزوها، خواهش‌ها	امیال
یاد دادن، دانا کردن، فهماندن	افهام	برکندن، از جای بیرون کشیدن	انتزاع
غروب کردن، ناپدید، پنهان شدن	افول	ماده بی که به چیزی بمالند مثل کاه گل و قیر	اندوده
جمع قشر، طبقه و گروه، پوست	اقشار	همدمی، خرمی	انس
ورم، پندیده گی، پندیدن	التهاب	نابود شدن	انقراض
افگندن، تلقین کردن، یاد دادن، آموختن	القا	تحقیر کردن، خوارشمردن، پست شمردن	اهانت
القای امری از جانب خداوند در دل انسان، در دل افگندن امری یا مطلبی	الهام	جنبدن، جنبش	اهتزاز
آنچه مربوط به (اله) باشد، علم الهی	الهیات	قصر، کاخ	ایوان
بی نظمی، هرج و مرج، بی سرو سامانی	انارشی	بی قدری، پستی، کهنه گی	ابتذال
گشاده رویی، باز شدن، خوشی	انبساط	دم بریده، ناقص، ناتمام	ابتر
جمع نجم، ستاره گان، اختران	انجم	تبسم کردن، لبخند زدن، شگفتن	ابتسام
جمع شده، ذخیره شده، فراهم آمده	اندوخته	عادل، دانا، هوشیار	پِخرد

لغت	معنی	لغت	معنی
برازنده	شایسته، لایق، زینده	انسداد	بند آمدن، بند شدن، بسته شدن
بار	میوه	انفاق	نفقه دادن، خرج کردن مال
پاداش	عوض، مزدی که در برابر کاری پرداخته شود	انقسام	قسمت شدن، بخش بخش شدن، منقسم شدن
پرتو	فروغ، روشنی، شعاع	انکشاف	وسعت یافتن، آشکار و پدیدار شدن، گشاده شدن
پرچم	بیرق، علم، درفش	ایراد	خرده گیری، وارد کردن، بیان کردن
پدرود	وداع، خداحافظی، ترک کردن	اکلیل	تاج، افسر
پرتگاه	لغزشگاه، جایی که احتمال سقوط باشد	ایادی	جمع ایدی، دستها
پرخاشگری	درشتی و تندى، پیکار، جنگ و جدال	ایجاز	کوتاه و مختصر کردن
پژوهشگران	محققان	ایفا	حق کسی را تمام دادن، بسر آوردن، تمام کردن
پویا	جاری، دنده، رونده، بدون توقف	الغیاث	فریاد و فغان، دادخواهی
پوینده	جستجو کننده	اخضر	سبز
پود	عرض، تارى که در عرض نسج بافته میشود	ادبار	بدبختی
تاس	اندوه، بی قراری، بی طاقتی	ایام	جمع یوم، روزها
تبعیض	فرق قایل شدن	برنز	ماده یی است که از آمیزش مس و قلعی بوجود می آید
تبه	مخفف تباه	بسط	گستردن، فراخی، وسعت

لغت	معنی	لغت	معنی
تحقیر	خوار کردن، توهین، اهانت، کوچک شمردن	بلا طایل	بی فایده
تحلیل	حل کردن، گشودن	بلیغ	فصیح، سخن رسا و شیوا
تحمل	بردباری، با صبر بودن، طاقت داشتن، قبول رنج و سختی	باطن	حقیقت، پنهان، ضمیر، اهل و اندرون
تداعی معانی	به یاد آوردن، از یک معنا به معنای دیگر پی بردن	بحار	جمع بحر، دریا ها
تراکم	انباشته شدن	بحث	کنجکاوی، جستجو، کاوش
تساند	یاری دادن، کمک کردن	بدیهی	روشن، واضح، آشکار و ضروری در نظر عقل
تسلسل	پی در پی بودن	بدیع	نو، تازه، شگفت
تسلط	مسلط شدن، چیره شدن	بدیهه	ناگهانی، حاضر جوابی، بدون تفکر سخن یا شعر گفتن
تطبیق	باهم مطابقت کردن، برابر کردن، عمل کردن	بذل	سخن دلکش، شوخی و لطیفه
تعبیر	مطلبی را بیان کردن	برین	بالا تر و برتر
تعصب	سخت گرفتن در چیزی	بسمل	هر جانوری که آنرا ذبح کرده و سر بریده باشند، نیمه جان
تعقل	اندیشیدن	بصری	منسوب به بصر، چشمی، هنر بصری، دیداری
تعلقات	جمع تعلق، وابستگی ها	بن	بیخ، ریشه، اساس، بنیاد
التفات	توجه، توجه کردن	بنیاد	پایه، اصل، بیخ، ریشه، اساس
تفنن	سرگرمی	به تن خویش کردن	خود شخصاً عهده دار شدن

لغت	معنی	لغت	معنی
تکنالوژی	علم تخنیک	بَهِل	بخشیدن، گذشت
تلطف	نرمی، اظهار لطف و مهربانی	بِهِل	بگذار، بمان
تنفیذ	نفوذ کردن، تأیید کردن	بوار	نیست شدن، هلاک گشتن
توش	تاب، طاقت، توانایی و نیرو	بومی	محلی، منطوقی
تارک	قله، سر، فرق، نوک	بیشه	نیزار، نیستان، جنگل کوچک
تازیانه	شلاق، قمچی	بیضه	تخم مرغ
تامل	اندیشه کردن، دقت کردن در امری	تحقق	حقیقت، واقعیت، راستی، به حقیقت پیوستن
تاویل	بیان کردن، تعبیر کلام، باز گردانیدن، بازگشت کردن از چیزی	تحقیق	پژوهیدن، رسیدن، به حق پیوستن
تبعید	دوری کردن، راندن، کسی را از شهر بیرون نمودن	تحول	دگرگون شدن، برگشتن از یک حالت به حالت دیگر
تبلور	بلوری شدن، درخشنده شدن	تخصص	اختصاص، ویژه گی
تبع	دنبال کردن، جستجو کردن	تدوین	تالیف، گرد آوردن، فراهم کردن
تجانس	همجنسی، همجنس بودن	ترتیل	نرم و آهسته خواندن، قرآن را با قرائت درست خواندن
تجلی	جلوه گر شدن، هویدا شدن	تردد	دو دله شدن، دو دلی، رفت و آمد کردن
تجهیزات	جمع تجهیز، سامانها، لوازم، سازو برگها	تردید	دو دله بودن و مردد بودن، بازگردانیدن
تحریض	برانگیختن، ترغیب و تحریک نمودن	ترغیب	خواهان کردن، متمایل ساختن، راغب کردن

لغت	معنی	لغت	معنی
تحریف	تغییر و تبدیل، برخی از حروف یک کلمه را عوض کردن	تسهیل	آسان و سهل کردن
تکاپو	دویدن، جستجو، شتاب	تسویه	یکسان و مساوی کردن
تکامل	به کمال رسیدن، به تدریج کامل شدن	تشابه	همانندی، به یکدیگر شبیه کردن
تکفل	متعهد شدن، به عهده گرفتن	تشخیص	تمیز کردن، فرق کردن
تهی	خالی	تشنج	لرزش، لرزیدن، درهم کشیده شدن
جزالت	فصاحت و روانی سخن، محکم بودن الفاظ	تظاهر	خودنمایی، خود را به داشتن صفتی و نمود کردن، خود را خوب جلوه دادن
جغد	بوم	تعادل	میزان و برابری، با هم برابر شدن
جو	فضا مابین زمین و آسمان، هوایی که گرداگرد زمین را فرا گرفته	تعالی	ترقی، بلند و برتر شدن
جبن	هراس، بیم، ترس، اعاده کردن، جبران نمودن	تعذر	عذر و بهانه
جیره	وسایل و دارویی که در محل صدمه به کار می رود	تعریق	عرق کردن و به عرق در آوردن
جز	پایین رفتن آب دریا	تفاهم	درک کردن، سخن یکدیگر را فهمیدن
مد	بالا آمدن آب دریا	تفریط	ضایع کردن، کوتاهی کردن در کاری

لغت	معنی	لغت	معنی
جعبات	جمع جعبه، صندوق، صندوق کوچک و هر چیزی شبیه صندوق	تفهیم	فهماندن، یاد دادن، دانا کردن
جوانه	شاخه تازه درخت، جوانی و شباب	تلفیق	دو چیز را به هم آوردن، ترتیب و مرتب کردن
جوشن	زره، سلاح که حلقه های آهن سازند	تلقى	پذیرش، پذیرفتن، دانستن، ملاقات و برخورد
جور	زحمت، مشقت	تمدن	شهر نشین و با اخلاق و آداب شهریان خو گرفتن
جرم	گناه	تمسخر	مسخره و ریشخند کردن
حاوی	در بردارنده	تنازع	کشمکش، کشمکش موجودات با همدیگر برای بقای خود
حجاب	پرده، روپوش	تنقیح	اصلاح کردن، پاکیزه و خالص کردن
حراست	نگهبانی	تنگنا	راه تنگ، فشار و سختی
حسب	شمردن، شمار، کفایت، قدر، اندازه، شرف، قدر، بزرگی، گوهر	تهور	بی پروایی، گستاخی
حشمت	جاه و جلال، شرم، حیا، غضب، بزرگی، شکوه	توام	باهم، همراه
حصول	حاصل کردن	توحید	یگانه کردن، یکی ساختن
حضور	نزد، روبروی، حاضر شدن، نزد کسی بودن	توهم	وهم داشتن، گمان بردن، خیال و گمان
حطام	ریزه و شکسته چیزی، مال دنیا	حربه	آلت جنگ، سلاح
حقارت	خواری، پستی، زبونی	حرفوی	مسلکی، با مهارت

فصل سوم - چکیده‌ها

لغت	معنی	لغت	معنی
حقه	به ضم (ح) به معنی صندوقچه و قوطی کوچک	حرم	اندرون سرا، داخل و گرداگرد خانه
حُلّ	جمع حُلّه، پارچه ابریشمی	حزین	اندوه‌گین، غم‌گین، اندوهناک
حلم	بردباری، شکیبایی	حفریات	کنندکاری، کاوش کردن
حمال	باربر، جوالی، حمل کننده بار	حمایل	بندهای شمشیر، آنچه به شانه و پهلوی آویزند
حواله	آنچه به کسی واگذار شود	حمرا	سرخ
چاشنی	سخنان لطیف و دلکش، چیزی که به اندازه چشیدن باشد	حکمت	علم، دانش، عدل
چتر	سایه بان کوچک، آنچه که چیزهای را در زیر سایه خود قرار میدهد	خاطره	یاد، یادبود، یادگار، واقعه‌ای که بر کسی گذشته باشد
چراخور	چراگاه، علفچر	خجل	شرمنده‌گی، شرمگین
چله	زه کمان، تار کمان، نخ‌ای که از تارهای باریک تابیده شود	خطاب	سخنی که به کسی گویند و جواب بشتوند، سخنی که رویاروی گفته شود
چوگان	چوب نیزه بازی که دسته آن راست و باریک است	خطیر	بزرگ، مهم، عظیم، مشکل
حامی	حمایت کننده، نگاهدارنده، پشتیبان	خلاقیت	خلق کردن، آفریدن، خلقت
حدود	جمع حد، اندازه	خاتم	انگشتر، مهر، نگین
حذر	بیم و ترس، پرهیز و دوری کردن	خامه	قلم نی
دهشت	سرگشته‌گی، سراسیمه‌گی، ترس و خوف	خبرت	مجبرب بودن، آگاهی داشتن به حقیقت آگاهی
دکان	اتاقی که در جای بلند قرار داشته باشد	خدنگ	نوعی چوب سخت و تیری که از چوب خدنگ ساخته باشند، تیر، تیر کمان
دهلیز	راهرو	خرافات	افسانه‌ها، سخنان بیهوده
دینار	واحد پول قدیمی، پول طلایی، مسکوک طلا	خسوف	ماه گرفتگی، زمانی که زمین بین خورشید و ماه قرار میگیرد
ذروه	قله کوه	خِصب	فراوانی، حاصلخیزی، خوبی سال، فراوانی نعمت
ذیلان	جمع ذلیل، خوار، پست، زبون	خطه	شهر بزرگ، ناحیه، مملکت
ذلیل	خوار، پست، زبون، حقیر	خلل	گشاده‌گی بین دو چیز، رخنه، سوراخ

معنی	لغت	معنی	لغت
خفک کردن، بند آمدن نفس	خناق	آب شدن، گداخته شدن	ذوب
جمع خان، امیران، سرلشکران، پادشاهان	خوانین	برگشتن، باز آمدن	رجوع
شهری در ترکمنستان	خلخ	کوچیدن، وفات	رحلت
عادل	دادگستر	آسایش	رفاه
قاضی	داور	دوختن پاره گی و سوراخ جامه	رفو
پارچه ابریشمی	دیبا	سوراخ، منفذ	روزن
دفتری که در آنجا نامه‌ها، فرامین و دستورات پادشاهان و مقامات را می نویسد	دارالانشا	پیشرفت، تابش، درخشش	رونق
بزرگی، عظمت، شان و شکوه	دبدبه	لین و دسته، قطار، ردیف	راستا
نویسنده، منشی، کاتب	دبیر	مهربانی، شفقت، رحم، ترحم	رافت
مزاج، خوی، عادت، دانستن، عقل و دانش	درایت	سوار	راکب
گنجانیدن، جابجا کردن، نوشتن مطلبی در کتاب و رساله	درج	سوراخ، شکاف، چاک	رخنه
واحد پول قدیمی، پول نقره یی، مسکوک نقره یی	درهم	دسته، رده، صف، پشت سر هم	ردیف
دزدی، چپاول، غارت، تصرف	دستبرد	بزرگ شدن، نمو کردن	رشد
ترس، بیم، تشویش	دغدغه	آرام گرفتن، ایستادن، کساد، تنبلی، کاهلی	رکود
روزگار، زمان دراز، جهان	دهر	زشت، قبیح، سخیف	رکیک
گدایی، سوال کننده، طلب احسان	سایل	علامه، نشانه، ایما، راز نهفته	رمز
پیشی گرفتن، پیشدستی، تقدم جستن	سبقت	مرکب دونده فراخگام و خوش سوار	رهوار
حکم لازم الاجرا	سِجِل	نقل کردن مطلب، خبر یا سخنی از کسی	روایت
بقیه حیات را نگهداشتن، گرسنگی را بند آوردن	سد رمق	جان و روان	رُوح
صد سال، یک قرن	سده	نسیم خوشایند، بوی خوش	رُوح
پر، لبریز، لبالب	سرشار	خواب خوش، متضاد کابوس	رویا
روش، رفتار، سازش	سلوک	منسوب به ریه، شش (همردیف جگر)	ریوی
مقام، عنوان، رتبه	سِمَت	تحمل رنج و تعب، زحمت و رنج کشیدن	ریاضت
مضمون، مایه	سوژه	پاک و پاکیزه کردن	زدودن

لغت	معنی	لغت	معنی
زاهد	پرهیزگار، پارسا	سوق	راندن، حرکت دادن
زاید	افزودن، اضافه کردن	سوگ	اندوه، ماتم، مصیبت، غم
زایل	برطرف شوند، نا پدید	سوداء	فکر، چرت
زربفت	پارچه که از تار های زر بافته شده باشد	سودا	داد و ستد، خرید و فروش
زعارت	بد روی و شرارت	سزاوار	لایق، درخور
زمره	گروه، جماعت، دسته	سود	نفع، ضد نقص
زرکش	کسانی که کارشان استخراج طلاست	سپیدار	درخت عَرَعَر، اسپیدار
زمامدار	پیشوای قوم، حاکم	شحنه	پاسبان، نگهبان
زنهار	امان، پناه، مهلت	شقاوت	بدبخت شدن
زهره	طاقت، توان	شمسه	آفتاب
ژرف	گود، عمیق، دور و دراز	شیفته	عاشق، دلباخته، حیران گشته
ژولیده	شوریده، آشفته، درهم، پریشان	شارع عام	راه عمومی، راه بزرگ
سالک	پیرو، پارسا، زاهد و عارف	شرابین	جمع شربان، رگ که خون را از قلب به انساج میرساند
سانحه	حادثه، واقعه، پیش آمده	شرر	پاره آتش که به هوا بپرد، جرقه
سجیه	خلق، خوی، عادت	شط العرب	دریاچه ی است که ایران را از امارات متحده عربی جدا میسازد که آن را به نام خلیج فارس نیز یاد میکنند
سرهنگ	سردار، فرمانده قشون	شفاهی	زبانی، سخنی که با لب گفته و نوشته نشود
سَطَوْتُ	حمله کردن، قهر، غلبه	شکال	شغال، حیوانی است مانند روباه
سقوط	افتادن	شکوه	جاه و جلال، حشمت و شوکت
سماوی	آسمانی، منسوب به سما	شیوه	راه و روش، طریق
سهم	بهره، نصیب	صانع	آفریننده
سیمگون	نقره مانده	صحن	عرصه، فضا
صَوْرَ	جمع صورت، شکل، طریق، روی، چهره	صدر	مقدم، پیشوا
صوفیه	پیروان طریقه تصوف، اهل طریقت	صنم	بت، دلبر، معشوق زیبا
صولت	هیبت، قدرت، خشم، غلبه	صاحب غرضان	کسانی که فکر بدی دارند
صیقل	جلا، درخشش، زدودگی چرک و زنگ	صدمه	آسیب، آزار، مصیبت
صبا	صبحگاهی	صَدَمَات	جمع صدمه

لغت	معنی	لغت	معنی
ضیاع	تباه، بی ثمر، بی فایده، بیهوده، تلف	صراحت	آشکار، روشنی، خلوص بی آمیخته گی
ضیغم	شیر قوی، شیر درنده	صلابت	استواری، محکمی، سختی
طارم	خیمه، خانه چوبی، گنبد	طوتان خامون	آثار باستانی مصر قدیم مربوط عصر فرعون یازدهم از سلسله رامس دوم که در سال 1922 میلادی کشف شد.
طامع	طمع کننده، طمع دارنده	عتیقه	باستانی، قدیم
طبل	دهل	عدم	نیستی، نابودی، ضد وجود
طرب	نشاط و شادمانی	عدید	شماره، زیاد، بسیار و فراوان
طریقت	روش، مسلک، مذهب	عرش	فلک الافلاک، سقف، قصر
طوق	گردن بند	عرصه	محوطه، میدان، فضا، ساحه
طراز	طریقه، نمط، روش	عرضه	نمایش، ارایه، پیشنهاد
طنیان	از حد خود در گذشتن، از اندازه تجاوز کردن	عرف	رسم و رواج، عادت
طوایف	جمع طایفه، گروه، جماعت، دسته	عزیمت	قصد کردن، آهنگ کردن، دل به کاری نهادن
عجز	ناتوانی، سستی، درمانده گی	عفونت	بدبو شدن، گندیده گی، بد بویی، گندیدن، میکروبی شدن
عداوت	دشمنی	عقوبت	مجازات
عدن	اقامت در جایی، بهشت عدن بخاطری گویند که مومنان همیشه در آن خواهند بود.	عنصر	بیخ، اصل، ریشه
عریان	برهنه	عنف و کُره	به زور و به ناخواست
عشرت	عیش، خوشگذرانی، کامرانی	عهد	پیمان، شرط، میثاق
علایم	جمع علامت، نشانه ها	عهده	ذمه، مسوولیت، متقبل شدن
عیب	نقصان، نقیصه، بدی	عواطف	جمع عاطفه، شفقت، مهر و علاقه، مهربانی
غالیه	ماده خوشبو	ظل	سایه
غنا	صدای خوشی آور	عاری	فاقد، مبرا
غایت	نهایت، انتها، انجام	فحص	جستجو کردن، کاوش، تفتیش کردن
غنا	توانگری، بی نیازی، دولتمندی، ثروتمندی	فروع	جمع فرع، شاخه، آنچه از اصل چیزی جدا شود.
غلو	زیاده روی در کاری یا در وصف کسی یا چیزی گزافه گویی	فضایل	جمع فضیلت، افزونی در علم و معرفت، برتری، فزونی

لغت	معنی	لغت	معنی
غول	جانور ترس آور، بزرگ جثه و بد هیکل	فقاع	زشت، سخت، پلید، ناروا، نامشروع، ناپسند، سرخفام، سرخرنگ
غواص	آب باز	فقید	گم شده، از دست رفته، وفات یافته
غواصی	آب بازی	فلاسفه	جمع فیلسوف، حکیم یا دانشمندی که چندین علم را بداند.
فاقه	فقر	فرجام	آخر، سرانجام، پایان هر کار
الفت	همدمی، خو گرفتن، انس گرفتن، دوستی، مهر و محبت	فیروزی	کامیابی، موفقیت
فتی	سخی، کریم	قاموس	کتاب لغت
فصیح	خوش سخن، تیز زبان	قانع	قناعت کننده
فضول	آنکه کاری بی جا و بی فایده کند.	قبض	گرفته گی، تنگ کردن، مخالف بسط
فقر	تهیدستی، نیازمندی، فاقه	قربت	نزدیکی
فقیه	دانا، عالم به احکام شرع، جمع آنها فقها	قضا و قدر	حکم کردن، تقدیر و حکم الهی که در مورد مخلوق واقع شود.
فاقد	نادار، آنکه چیزی یا کسی از دست او رفته باشد.	قطاع الطريق	راهزن
قندیل	چراغدان، شمع دان، چراغ آویز	قهقرا	پس پس رفتن، به عقب برگشتن
قیود	جمع قید، دربند، بستن، در حبس ماندن	قبضه	جای گرفتن شمشیر، کارد، کمان و خنجر
قاقم	حیوان دارای پوست سفید و نرم	قریحه	طبع، ذوق و قدرت طبیعی در سرودن و نوشتن شعر و نثر
قدرم	تقدیرم	قصه	عرض حال
کافی	کفایت کردن، بس کننده، بی نیاز کننده	قضا	داوری
کاهلی	تنبلی	قلمرو	حوزه فرمانروایی، ناحیه حکومت
کتیبه	نوشته یی که بالای در و دیوار عمارت، روی سنگ یا کاشی نقش شده باشد.	مخروبه	ویران، جای تخریب شده
کرامت	بزرگی، بزرگواری، بخشنده گی	مخیله	قوة که موجب تخیل شود.
کرسی	سریر، تخت	مدور	چیزی گرد، دایره مانند
کشف	سنگ پشت	مرادف	ردیف شده، کلمه یی که در معنی شبیه کلمه دیگری باشد.
کوس	طبل	مراقبت	نگهبانی، حراست
کیش	دین و مذهب	مسجل	تثبت شده، قانونی شده

معنی	لغت	معنی	لغت
جمع مسکوک، سکه زده شده، پول فلزی	مسکوکات	دباغی شده	کیمخت
تکیه گاه، مقام و مرتبه	مسند	مرکز، محل اصلی	کانون
شرعی و قانونی شده، مورد قبول اکثریت قرار گرفته.	مشروعیت	مدیر، اداره کننده یک اداره	کدر
حفظ شده	مصون	آفتاب گرفتگی، زمانی که ماه بین زمین و خورشید واقع شود.	کسوف
جمع مظلومه، ظلم و ستمی که بر کسی شده باشد و یا جمع ظلم، آنچه به ظلم و ستم از کسی گرفته شده باشد.	مظالم	آنچه برای چرخاندن زنده گی کافی باشد.	کفاف
جمع معبر، راه ها، گذرگاه ها	معابر	گفتار، قول، سخنی که دارای معنی کامل باشد.	کلام
معیوب، بیمار، علیل	معلول	سخنان کوتاه	کلمات قصار
آبادان، آباد شده	معمور	سخن پوشیده گفتن، سخنی که معنی آن صریح نباشد.	کنایه
دارای عیب، دارای عیب جسمی و یا روحی	معیوب	کسی که به مال مردم دست درازی نکند.	کوتاه دست
جمع مسفده، تباهی، بدی، فساد	مفاسد	مجازات، پاداش، جزا، سزا، فاصله میان دو پا هنگام راه رفتن	کیفر
کلیدی	مفتاحی	صندوق بسیار بزرگ و مقاوم	گاو صندوق
نزدیک، همراه، همدم، با هم پیوسته	مقارن	میل، تمایل، خواهش، رغبت	گرایش
گفت و شنود	مقاوله	پهناء، سطح	گستره
تقاضا کرده شده، خواست شده	مقتضا	شکوه و شکایت، گله	گلایه
آنچه تقدیر شده، نصیب و قسمت	مقدر	لهجه، گفتار، کلام، سخن	گویش
ناتمام، سستی کرده در کاری، کوتاهی کرده	مقصر	یکی از نشانه های نگارشی، قوس کوچک («»)، قوس ناخنک	گیومه
آلوده، نا پاک	ملوث	آسمان	گردون
جمع ملک، پادشاهان،	ملوک	وسیع شدن، باز شدن	گسترش
جمع منبع، اصل و منشأ، سرچشمه	منابع	سقله، فرومایه، ناکس	لییم
پایان کار، نتیجه	منتج	لحظه، قسمت کوچکی از زمان	لُخت

معنی	لغت	معنی	لغت
کج رونده، کج شده	منحرف	چیستان، کلامی پیچیده، سخنی سر بسته	لغز
از بین برده شده، رد کرده شده	منسوخ	آلایش، آلوده کردن، آلوده گی، ناپاکی	لوث
کرسی که عروس را بر آن بنشانند، جای ظاهر شدن چیزی	منصه	ناچار، ناگزیر	لاجرم
نابود شده، از بین رفته	منقرض	اجابت کردن، قبول کردن امری	لییک
دارای نقش	منقش	کارهایی بیهوده بی که انسان را مشغول بسازد.	لهو
نورانی، درخشان	منور	شب	لیل
مربوط، وابسته	منوط	تا وقتی، تا زمانی	مادام
جمع موهبت، بخشش های غیر نقدی؛ مانند: زمین، ملک و... نعمت	مواهب	پایه یافته، بنا یافته	مبنی
مختصر، کوتاه	موجز	جمع متعب، آنچه انسان را به رنج اندازد.	متاعب
رابطه، جای ورود	مورد	حرکت کننده، جنبیده	متحرک
وهم و خیال	موهوم	دگرگون شونده	متحول
گهواره	مهد	صوفی	متصوف
خورشید	مهر	دگرگون، غمگین، آشفته	متغیر
تاکید کرده شده، محکم و استوار	موکد	با هم یکی شدن، همراه، متحد، هم عهد	متفق
گرداگرد، پیرامون، اطراف	ماحول	نگهدارنده، کسی که به چیزی چنگ بزند.	متمسک
در پس و در عقب طبیعت، آن سوی طبیعت	ماورالطبیعه	مانند، شبیه، فرمان	مثال
در پس و در عقب طبیعت، دنیایی که برای ما قابل دید نیست.	ماورای طبیعی	جمع حسن، خوبی و نیکویی	محاسن
پیشی گرفتن، تعجیل، شتاب کردن	مبادرت	عالم به علم حدیث	محدث
افراط و زیاده روی در مدح کسی و یا چیزی	مبالغه	خالص	محض
پیش پا افتاده، بی ارزش، خوار و نا پسند	مبتذل	در خطر انداختن، خطر	مخاطره
محکم، ثابت، قاطع، استوار شده	مبرم	باهم سخن گفتن، گفتگو	مجاوره
بیان کننده، آشکار و واضح و روشن کننده	مبین	دارنده حشمت و بزرگی و شکوه	مُحتشم
بلند، رفیع، بلند پایه، بلند مرتبه	متعالی	چیزی که وجود و اثر آن احساس شود.	محسوس

معنی	لغت	معنی	لغت
مردم پیشینیان، گذشته گان	متقدمین	جای چرخش، آنچه گرد بگردد، چرخه دولاب	محور
چیزی که اجزای آن از هم پراکنده و گسیخته شده باشد.	متلاشی	ترسیدن، خوف داشتن، بیمناک شدن	مخافت
طولانی، دایمی، دراز	متمادی	محل خروج، جای خارج شدن	مخرج
مالدار، ثروتمند	متمول	خراب شده، ویران شده	مخروب
هماهنگ، دارای تناسب	متناسب	محل رهایی، راه خلاص، راه نجات	مخلص
کسی که در مناظره مغلوب شود، جواب داده شده	مجاب	بالا رفتن آب دریا	مد
چرب زبانی، خوشامدگویی	مجامله	جای دوران و گردش، جایی که چیزی دور میزند.	مدار
از روی کوشش، با جدیت از روی سعی و تلاش	مجدانه	جمع مدرک، سند	مدارک
جذب شده، شیفته و فریفته	مجنوب	دوام دهنده، همیشه گی، ادامه دهنده	مداوم
جای روان شدن، محل جریان یافتن	مجرا	جمع مرثیه	مرائی
مختصر، کوتاه، خلاصه، خلاف مفصل	مجمل	مقصود، آرمان، هدف	مرام
جمع مَحَمَّد، کسی را ستودن، ستایش نمودن	محامد	شعر و سخن که در سوگواری میت و ذکر نیکی های او خوانده میشود.	مرثیه
عوضی، بدلی، چیزی که به عاریت گرفته باشد.	مستعار	جوانمردی، مردمی، نرم دل	مروت
بی نیاز، ثروتمند، توانگر	مستغنی	آمیزش، اختلاط، درهم آمیختن	مزج
آنچه که چیز دیگری را لازم دارد.	مستلزم	کهنه، دیرینه، آنچه که زمان درازی بر آن بگذرد.	مزمّن
بی نوا، بیچاره، اندوهگین	مستمند	افزونی، برتری	مزیت
جمع مستوره، پوشیده در پرده، عقیف، پاکدامن	مستورات	افزودن، زیاد، بسیار	مزید
مسلط شدن، غلبه یافتن، غالب و پیروز شدن	مستولی	سعی ها، کوشش ها، تلاشها	مساعی
تمرین کردن، بکاری پرداختن و همیشه به آن مشغول بودن	ممارست	سحر زده، جادو شده، فریفته شده	مسحور

لغت	معنى	لغت	معنى
مسلم	باور ڪرده، سپرده شده، قبول و پذيرفته شده	مناصب	جمع منصب، مقام، رتبه، شغل رسمى
مسير	رفتن، روان شدن، جاى سير و گردش	مناظره	مباحثه و مجادله، سوال و جواب
مشاهرت	شهريه، ماهانه	منتقد	نقد و انتقاد ڪنده، ڪسيكه ڪتاب يا نوشته يى را بخواند و محاسن و معايب آن را بگويد.
مشايخ	بزرگان، پيران	منجر	ختم شونده، منتهى شونده، سبب و علت
مشتق	چيزى كه از چيز ديگرى جدا شده باشد، جدا شده و گرفته شده	منجنيق	آلت مركب از فلاخن مانندى بزرگ، يكي از ابزارهاى جنگى در قديم
مُصَرَّحَه	تصريح شده، روشن و آشكار شده	منحصر	انحصار يافته، محدود و محصور
مضموم	حرفى كه حركت ضمه دارد.	مندرس	كهنه، فرسوده، پاره پاره
مطابقه	برابر كردن، متحد شدن	منزه	پاك و پاكيژه، بى آلايش، پاڪدامنى
مطاييه	خوش طبعى كردن، شوخى و مزاح نمودن	منزوى	گوشه نشينى، گوشه نشين
معتبر	با اعتبار، امين، محل اعتماد	منشا	اصل، مبدا، جاى پيدائش، محل نشو و نما
معضل	مشكل، سخت، دشوار، زشت	منطبق	مطابق و برابر
معقول	پسندیده عقل، آنچه كه به وسيله عقل درك شود.	منقول	نقل شده، روايت شده
مُع	مرد روحانى، زردشتى، آتش پرست	مهيار	زمام، افسار، كنترول كردن
معياد	مقياس، اندازه و پيمانه، آلت سنجش	مهمات	مجموعه لوازم و وسايل نظامى، وسايل، سامان، اسباب
مفتخرت	چيزى كه بدان افتخار ڪند، چيزى كه بدان نازند، آنچه باعث افتخار باشد.	مهيب	سهمناك، خوفناك، ترساننده
مقتضيات	شايسته ها، حاجات، ضرورات	مهيج	هيجان انگيز، برانگيزنده
مكنيه	كنايه دار، كنايه داده شده	موازى	برابر، يڪسان، باهم
ملاطفت	نيكويى و نرمى كردن، مهربانى كردن به كسى	موثق	مورد وثوق و اطمينان، عهد و پيمان و استوارى
ملكوت	عالم غيب، دنياى آسمانى	مهلك	هلاڪ ڪنده، ڪشنده، نابود ڪنده

معنی	لغت	معنی	لغت
عیب گفته، سرزنش شده	نکوهیده	بوجود آورنده، ایجاد کننده، آفریننده	موجد
تحریر، نگاشتن، نوشتن	نگارش	آنچه که در مدت محدود و معین باقی میماند.	موقت
راه، روش، طریقه	نمط	محل، مقام، مسکن	موقف
ساختمان، بنیاد، باطن	نهاد	بخشش، دهش، آنچه که به کسی بخشند.	موهبت
جمع ناموس، شرف، عصمت، عزت	نوامیس	بخاری تیره که نزدیک به زمین پدید آید، بخار، مه غلیظ، ابر	میغ
جنیبیدن، تکان خوردن چیزی در جای خودش	نوسان	شفقت و مهربانی	عاطفه
حاجت، ضرورت، میل و خواهش	نیاز	جوش و خروش	هیجان
دعا، ستایش، پرستش، دعا از روی تضرع	نیایش	اصل داشتن، با اصل بودن	اصالت
رسیدن به مقصود، به دست آوردن مراد	نیل	شرف، عزت و عصمت	ناموس
شنیدن، گوش کردن، پذیرفتن	نیوشیدن	کسی که با دیگری اظهارآشنایی کند.	متعارف
نقش کننده	نگارنده	سخن بی همتا و شیرین	نادره گویی
ناچار، بیچاره	ناگزیر	نفوذ کننده، در گذرنده، رسا و روان	نافذ
نشان دهنده	نماینده	نی میان تهی و باریک	نال
توانایی، قدرت	نیرو	دور از ذهن، نا آشنا، ناشناخته	نامانوس
سرچپه، واژگون	نگونسار	والی	نایب الحکومه
بدگویی کردن، بر شمردن معایب کسی	هجو	طرز، راه، شیوه، اسلوب، مثل، مانند، جهت	نحو
شوخی، مزاح کردن، سخن غیر جدی	هزل	نسخه، آنچه را که از روی نوشته کسی می نویسند.	نسخت
گیاهی دارای قویترین سمی که قویترین زهر دارد.	هلاهل	سهم، قسمت، حصه، بخت و طالع	نصیب
همانند، شبیه، مانند همدیگر	همسان	ثروت و دارایی	نعمت
میل، خواهش، هوس	هوا	خوب و نیکو	نغز
خطرناک، بیم و ترس، چیزی که از آن بیم و هراس آید.	هولناک	نقد کننده، سره کننده خوب از بد	نقاد
صورت، هیكل، حیوان ترسناک	هیولا	سره کردن، ظاهر کردن عیب و محاسن سخن	نقد

لغت	معنی	لغت	معنی
نگرش	نگریستن، دیدن	هین	حرف تنبیه به معنای هوشدار، توجه کن، هوشیار باش
نهار	روز	هیكل	جثه، اندام، قالب آدمی
نیایش	دعا، آفرین، ستایش، پرستش	همان	همچنان
ورطه	گرداب، منجلا ب، جای خطرناک	هیمه	هیزم، چوب سوخت
وسایط	جمع واسطه	وثیقت	سند، آنچه عهد و پیمان را محکم سازد.
وصله	پیوند، دوخت و دوز، ترمیم لباس	وجاهت	خوبرویی، زیبایی، مقبولیت عام
هزینه	خرچ	وجه	پول یا چیز دیگری که به وسیله آن زنده گی گذرانند.
هویدا	آشکار، واضح، روشن	وصمت	ننگ، عار، عیب
نازک	دقیق	ولوله	فغان و شور و فریاد
ناظم	نظم دهنده، کسی که کاری را نظم دهد.	یارا	توانایی
ناوک	تیر، تیر انداز، هر چیز میان خالی	یزک	پیشرو سپاه، مقدمه لشکر، نگهبان، پیش تاز، پیش آهنگ
نایل	یابنده، بهره مند، به مقصود رسیدن	یغما	چور و چپاول
نبض	جنبیدن رگ، حرکت قلب، ضربان قلب	آذین	زیب، زینت، آرایش، زیور
نحوه	طریقه، روش	آرایه	زیب، زینت، زیور
نستوه	خسته گی ناپذیر، کسی که از کار و کوشش به ستوه نیاید.	آرمان	آرزو، امید
نظارت	مراقبت کردن، نگریستن، نظر کردن	آمال	جمع امل، امید، آرزو
نقض	باطل کردن، منهدم کردن، شکستن عهد و پیمان	آمیخته	درهم ساختن و مخلوط کردن دو یا چند چیز با هم
نکوهش	بدگویی کردن، مذمت، ناستوده	آیات	نشانه ها، علامت ها و مفرد آن آیه است.
ابتذال	بی ارزش، مبتذل	تحت الشعاع	زیر پرتو، آنچه که در اثر پیدایش چیز دیگری از رونق افتد.
آبر	بزرگ، کلان، نیرومند	تعجیل	شتاب کردن، شتافتن، عجله کردن
اتباع	پیروی کردن، از پی رفتن	تعزیه	عزاداری کردن، سوگواری کردن
احاطه	گرداگرد چیزی را گرفتن	تفکر قدسی	اندیشه روحانی، افکارملکوتی
اختر	ستاره، بخت و طالع و اقبال، علم	تقدم	پیش بودن، جلو رفتن، پیشی گرفتن

لغت	معنی	لغت	معنی
ادراک	درک کردن، دریافتن، فهمیدن، پی بردن	تقلا	دست و پا زدن، کوشش و تلاش
اسباب	جمع سبب، وسایل	تلطیف	لطیف کردن، زیبا و دلپسند نمودن
استشهاد	شاهد آوردن از قول یا گفته کسی در نوشته خود.	تلمیح	اشاره کردن به قصه یا مثلی مشهور یا آوردن اصطلاحات علمی در شعر.
اشتغال	کار کردن، مشغول شدن، به کار پرداختن	تمایز	جدا کردن، متفرق کردن، از همدیگر تفاوت داشتن
اشراف	جمع شریف، بلند پایه گان، نجبا	تناقض	مخالف چیزی با چیزی، ضد یکدیگر
اشراق	درخشیدن، تابیدن، روشن شدن	تهوع	قی، استفراغ، دلبد شدن، انقلاب معده
اعتلا	بلند شدن، برتری یافتن، بلندی، برتری	توالی	پی در پی قرار گرفتن، پشت سرهم بودن، یکی پس از دیگری
اعتیاد	عادت کردن، خو گرفتن	توفیق	موافق، دست یافتن به کاری، موافقت داده شده از جانب خداوند
اعجاب	به حیرت واداشتن، کسی را به شگفت آوردن	تکلف	رنج و سختی نهادن بر خود، کاری به مشقت و خلاف عادت کردن
اعجاز	انجام دادن کاری که دیگران از آن عاجز باشند.	تکوین	بوجود آوردن، هستی دادن، آفریدن
اعراض	علایم، نشانه ها	تهذیب	پاکیزه کردن، خالص کردن
اعم	شامل، فراگیر، همه گانی	ثغور	جمع ثغر، سرحد، مرز، در بند
اعیان	بزرگان، بزرگواران	جسورانه	باجسارت، بی باکانه
اغراق	مبالغه کردن، افراط کردن در وصف یا بدگویی کسی.	جمل	تقلب کردن، ساختن سند یا چیزی دیگر بر خلاف حقیقت
اقتضا	لزوم، در خور بودن، مناسب بودن	چرخ	آسمان، فلک، روزگار، عصر و زمان
اکراه	کسی را به زور به کاری واداشتن خلاف میل او.	حجب	شرم، حیا، پوشاندن، پنهان کردن
التزام	ملازم شدن، ملزم شدن به امری	حریم	پیرامون و گرداگرد
إملاح	جمع ملح، نمکها، منرالها	حجت	برهان، دلیل، آنچه به آن دعوی یا مطلبی را ثابت کنند.
اوهام	جمع وهم، خیال، پندار، در دل گذاشتن	حسب	اساس، قدر، اندازه، شماره
ایجاز	کوتاه و مختصر کردن سخن	حکمت	راستی و درستی امری، کلام موافق حق
ایقان	یقین کردن، باور کردن	حماسه	شجاعت، دلیری، دلاوری

معنی	لغت	معنی	لغت
جمع خارق، آنچه که خلاف عادات مردم باشد.	خوارق	اشاره کردن، نشان دادن با انگشت	ایما
طلب کننده، خواهنده، دعوت کردن	داعی	جوان	بالغ
قاضی، حکم کردن میان دو نفر	داور	قسمت از وقت و زمان، روزگار	برهه
باده پرست، کسی که همیشه شراب میخورد و نشه است.	دایم الخمر	رسا، فصیح، کسی که دارای زبان رسا باشد.	بلیغ
آشکار شدن، ظاهر و هویدا	شیوع	حیرانی، شگفتی	بهت
مکانی بر سر کوه یا جایی بلند که راهب یا عابد جهت عبادت به آنجا بسر برد.	صومعه	سود، نفع، فایده	بهره
کلان، ستبر، هنگفت	ضخیم	جلو رفتن، قبول و استقبال، پیشواز	پذیره
گمراه شدن، گمراهی	ضالالت	محقق، پژوهش کننده، کسی که تحقیق می کند.	پژوهشگر
تر و تازه شدن، شادابی	طراوت	زینت، زیور، آرایش	پیرایه
عیب و ننگ	عار	استقبال، دم روی آمدن	پیشواز
عبرت، پند، پندی که از نظر کردن در احوال دیگران حاصل گردد.	عبر	جسم، جسد تن، هیكل	پیکر
گوشه نشینی، دوری و کناره گیری از مردم	عزلت	دیر شدن، عقب انداختن، پس ماندن	تاخر
جمع عقد	عقود	تربیت کردن، تنبیه کردن	تادیب
نازا، زن یا مردی که از او فرزند بوجود نیاید.	عقیم	کسی که همیشه روزه داشته باشد.	دایم الصوم
بلندترین چیز، برترین چیز، بلندی یافتن	علو	انبار، محل ذخیره کردن	دپیو
ثروتمندی، توانگری، پربار شدن	غنماندی	رحمت و مهربانی	رافت
فراموش کردن، از یاد بردن، بی خبری	غفلت	مرغزار، صحراء، دامن کوه، دامنه سبز کوه که وصل به صحرا باشد.	راغ
ضعف، سستی، کسالت، زمان میان دو نوبت تب	فترت	گریستن بر مرده و شعر گفتن در باره مرگ کسی با اظهار دلسوزی.	رثا
بلندی، بالای مقابل نشیب و فرود	فراز	صف، قطار، دسته، درجه	رده
اهتزاز صدا	فرکانسی	شعری که به هنگام جنگ برای مفاخرت خوانند.	رجز
ادب آموخته، عالم، ادیب، علم آموخته	فرهیخته	آسوده، نجات یافته، آزاد	رستگار

لغت	معنی	لغت	معنی
روال	نظم، اسلوب، ترتیب، جریان	فرود	زیر، نشیب، پایین، مقابل فراز
روند	روش، رفتار، طریقه	فقدان	گم کردن، از دست دادن، گم شدن
ریوی	منسوب به ریه به معنای شش	فوران	جوشیدن یا جهیدن آب از چشمه
زالال	گوارا، صاف، خوشگوار	فیوض	جمع فیض به معنای خیر و برکت
زوال	ناپایداری، نیستی و نابودی، آفت و بلا	قدسیت	پاکی، پاک شدن، منزّه بودن
ژست	وضع رفتار و حرکات، طرز حرکت و اعمال شخص	قرینه	بخش شفاف پردهٔ صلبیه که در جلوی چشم قرار دارد.
سانسور	تفتیش و مراقبت در مطالب کتب و جراید بوسیله دولت	قریحه	طبع، ذوق، ادراک، قدرت طبیعی در سرودن شعر و کتابت
سبیل	راه آشکار، طریق	قریحت	طبیعت، ادراک، طبیعت شاعر یو نویسنده گی
سترگ	بزرگ، عظیم، قوی هیکل، تنومند	قفا	پشت گردن و در فارسی به معنی دنبال و پشت سر نیز می گویند.
سجایا	جمع سجیه، طبع، خلق، خوی	کاخ	قصر، عمارت بزرگ که دارای چندین اتاق باشد.
سقم	مرض، بیماری، نادرست بودن، نا صحیح بودن	کالات	خسته شدن، مانده شدن
سالاله	نسل، نطفه، خلاصه	کلیوی	منسوب به کلیه به معنای گرده
سمر	شب و سیاهی، دهر، روزگار، قصه و افسانه که در شب بگویند.	گزند	آسیب، آزار، آفت
سمعی	منسوب به سمع، آنچه که از طریق گوش درک شود.	شبانان	چوپانان، نگهبانان گوسفندان
سنت	طریقه، سیرت، قول و فعل پیامبر(ص) که به آن عمل نموده است.	شتاب	عجله و تندى، چالاکی و سرعت
سوانح	جمع سانحه به معنای واقعه، حادثه، هر چیز ناگهانی، رویداد	شرور	جمع شر، بدکار، صاحب شر
سور	جشن، ضیافت، مهمانی، عروسی	شیوا	بلیغ، فصاحت و بلاغت
سُوق	بازار، جای خرید و فروش	مستمر	دایم، دوامدار، دوام یافته

معنی	لغت	معنی	لغت
آرزومند، مایل و راغب به چیزی	مشتاق	حیران، سرگشته، سرگردان	مات و مبهوت
اردا و خواست خداوند	مشیت	جمع ماخذ، سرچشمه، منبع، جای اخذ شده	مأخذ
مصیبت زده، سختی دیده، مشقت کشیده	مصاب	انس گرفته، آشنا	مانوس
جمع مصوبه به معنای قسمتی از قانون	مصوبات	میل کننده، گراینده به چیزی	مایل
خنده آور	مضحک	فخر کردن، نازیدن به کسی یا چیزی	مباهات
جمع مظهر، دیدنی، جای ظهور، پشتیبان	مظاهر	بنا کرده شده، پایه و بنیان، اساس	مبنا
طبق زمان ساختن	معاصرت	نیرومندی، وقار، محکم بودن، استوار بودن	متانت
جمله خارج از موضوع که میان کلام وارد شود.	معترضه	ترک شده، وا گذاشته	متروک
جمع معضل، مشکلات، دشواریها	معضلات	متصوفان، گروه صوفیان	متصوفه
بازگردانده، مورد توجه واقع شده، کلمه‌یی که به کلمه ماقبل عطف شود.	معطوف	بسیار، بی شمار، چیزی که بی شمار باشد.	متعدد
تغذیه کننده، غذا دهنده، پرورنده	مغذی	نگرنده به هم، نزدیک بهم	متناظر
جدا از هم، پراکنده شده، جدا از هم	مفروق	پیایی، پشت سرهم، پی در پی	متوالی
جمع مقطع، محل قطع و برش	مقاطع	جمع متن، عبارات اصلی کتاب، رساله و مکتوب، مقابل حاشیه	متون
خواهش شده، طلب شده	مقتضی	هشت رکنی، هشت تایی، هشت جزیی	مثمان
سخنی که بار بار گفته شده باشد، سخن گفته شده، گفتار	مقوله	داشتن وقت و فرصت، جولان کردن، جولانگاه	مجال
اصل هر چیز، مایه، معیاد	ملاک	تحریک کننده، جنباننده	محرک
پیوسته، وابسته، متصل	ملحق	زمینی که دور آن دیوار کشیده شده باشد.	محوطه
قابل لمس، لمس شده، قابل درک و دریافت	لمسوس	سنگی که طلا و نقره را به آن میمالند و عیار آنرا آزمایش می کنند.	مَحک
پی در پی، پیایی	ممتد	حیله گر، فریبکار	مخیل

معنی	لغت	معنی	لغت
فرهنگ، خوی نیک	ادب	تدوین شده، فراهم آمده، گرد آوری شده	مدون
ذخیره گاه، منبع و سرچشمه	خزینہ	سخن غیر منظوم، پراگنده، متفرق	منثور
آنچه که از موی ساخته شده باشد.	مویین	اثر پذیرفته، شرمنده، شرمسار	منفعل
دقت، راه علاج پیدا کردن، چاره جویی	تدبیر	جمع میراث	مواریث
بیرق	عَلَم	مختصر، کوتاه، سخن مختصر و کوتاه	موجز
بهشت	خلد	دوستی کردن	مودت
دوستی	تولا	جمع مکتوب، نوشته	مکاتیب
مجلس	بزم	کمیاب، آنچه کم به دست آید.	نادر
نوشیدنی و غذای صبحگاهی	صبح	عدم تناسب، بی تناسب بودن، نا متناسب	ناهنجاری
لباس، لباس زاهدانه	خرقه	برگزیده	نخبه
عاشقان	عشاق	اصل و نسب، تبار	نژاد
آسمان، دنیا	گردون	جمع نسخه، مطلبی که از روی کتاب نوشته باشند.	نسخ
زمین	ثری	جمع نص، کلام صریح و آشکار که دارای یک معنی باشد.	نصوص
چهل چراغ، ستاره پروین	ثریا	مصیبت، رنج، بیچاره گی	نکبت
خوش گذرانی، گردش	تفرج	نماینده، نشانه، علامه	نماد
بته گل	گلین	جنبش، حرکت، قیام	نہضت
معشوق	شاهد	گشاده گی میان دو کوه، دره	وادی
جمع مرجع، برگشت، مراجعه کردن	مراجع	عکس العمل	واکنش
ناحیه، محل، منطقه	حوزه	بالا، بلند، بلند مرتبه	والا
جمع آوری، تهیه و ترتیب کردن	تالیف	جمع وثیقه به معنای سند	وثایق
در ارتباط، اطراف	پیرامون	قفسه شیشه یی قطی مانند	ویترین
چراغ	سراج	پیراستن، منظم کردن، بی عیب ساختن	ویرایش
محل نگهداری اسناد دولتی	آرشیف	قسمت مرکز اتم و همچنان دانه میان میوه مثل دانه زرد آلو	هسته
رسم شده، فرمان و دستور	مرسوم	همانند، همرنگ، شبیه	همگون

لغت	معنی	لغت	معنی
هول	خوف، ترس، هراس	مورخ	تاریخ نهاده، آنچه که وقت آن از قبل تعیین شده باشد.
هویت	شناسنامه، حقیقت، هستی، وجود	مورخ	تاریخ نویس
هباهو	غوغا، جار و جنجال، داد و فریاد	ایمن	سمت راست، خجسته و مبارک، راست
هنر	فراست، کیاست، زیرکی و هوشیاری	شعور	ادراک و فهم
عروض	علمی که از شناخت وزن های شعر بحث کند.	توازن	هم وزن بودن، کم وزن بودن
معانی	علمی که از کیفیت تطبیق کلام با مقتضای حال بحث کند.	موزون	دارای وزن بودن
اصول	اصل ها، ارکان، اجزا	اقوال	گفتار
طرح	افگندن، انداختن، پایه گذاری نمودن	محتوا	در بر داشتن
مسوده	پیش نویس	تبعیت	پیروی کردن، دنبال کردن
حاشیه	کنار شی و کنار چیز	تغزل	غزل سرودن، سخنان عاشقانه گفتن
فولکلور	دانش عوام	فرع	شاخه، جز، رکن، پایه
خلال	بین	تعارف	یکدیگر را شناختن، به همدیگر خوشامد گفتن
لغز، چیستان، معما	کلامی که معنی آن پوشیده باشد.	تکلیف	خود را به رنج و زحمت انداختن
فکاهی، مطایبه، حزل و بذل	کلام خنده آور، شوخی نما	کدورت	تیره گی، دلتنگی
افاده	فایده دادن، بیان کردن	تسلیت	دلخوشی و دلداری دادن
بکر	تازه، دست نخورده	انبار	انباشتن، ذخیره گاه، غله جات
سیما	چهره، رخسار	ستبرق	پارچه که با ابریشم و طلا دوخته شده باشد.
کبریا	عظمت و بزرگی، نامی از نام های خداوند(ج)	حوالی	اطراف
فراش	فرش کننده، ترتیب کننده	چیره	غالب، کامیاب، پیروز، ماهر
ملزوم	لازم شده	نجوم، کواکب	ستاره، ستاره ها
اطناب	دراز گویی و طولانی سخن گفتن	مدار	جای چرخش
ضمیمه	پیوست، همراه و صاحب	تمجید	قدردانی، ستایش کردن
طبايع	خوی ها، طبیعت ها، عادت ها	استقرا	قریه به قریه گشتن
مالوف	خوی و عادت گرفتن	غور	بررسی و تحقیق کردن

لغت	معنی	لغت	معنی
بالیدن	افتخار و رشد کردن	عبت	بیهوده
تقینی	قانون گذاری	ازلی	اولی، ابتدایی
فتنه	آشوب، بلا و مصیبت	مجادله	جنگ و جدل
اعقاب	بازمانده گان	مقعر	چقر، فرورفته
حشو	گوشه و کنار، رایج و اضافی، زاید	گود	جقر، عمیق
خرگاه	خیمه	محدب	برآمده، کج پشت
قَدَر	سرنوشت	انحراف	برگشتن، کج شدن
اندام	جسم و تن	ماهیت	اصلیت، چگونگی
دکه	دوکان	إِجرام	چَرَم ها، جسم های فضایی
تار	طول	لطمه	آسیب، ضرر
پود	عرض	اناتومی	اعضا شناسی
منسوب	نسبت دادن، نسبت داده شده	تدوین	تهیه
موید	قاضی	سپهر	فضا و آسمان
تعریب	عربی کردن	کیهان	دنیا
مدحت	مدح، ستایش، تعریف	سفینه	کشتی
اصم	ناشنوا	مرهون	رهن شده، گرو گرفته شده
هَندو	منکر	فر	شان و شوکت
رند	عابد، تیز و چالاک، زاهد	زنهار	هرگز، امان، پناه
عصمت	پاکی	نافع	فایده مند، مفید
مستور	پوشیده، پنهان، در پرده	طینت	خلقت و سرشت، خوی و عادت
تنویر	روشن کردن	معاشرت	آداب و رفتار
متعاقب	از پی آینده، کسی که از پشت دیگری رود.	صیقل	روشن و زیبا
علاّمه	بسیار عالم و بسیار دانشمند	افت	بلا و مصیبت
تازی	عربی	کام	مراد و مقصد
دیپلومات	سیاستمدار	مَخْلَص	آزاد کننده و نجات دهنده
فلسفه	علمی که از مبادی و علل اشیا بحث کند.	ابدان	بدنها، جسم ها
مفتی	فتوا دهنده	معمول	عمل شده، کار شده
محکمه	دادگاه، داد رسی	اَکَنده	پر و مملو
آفاق	گوشه ها، کنارها	رهن	گرو، امانت
عجم	غیر عرب	ریاضت	رنج و زحمت، گوشه نشینی
انفس	جمع نفس، نفس ها	نجیف	لاغر
منشی	نویسنده	نبوغ	زیرکی و هوشیاری

معنی	لغت	معنی	لغت
بدست آوردن	فراچنگ	حیران شدن و تعجب کردن	شگفت
تخته	لوح	حالا و اکنون	حالی
جستجو گران	کاوشگران	مکرو فریب	غدر
بازگشت، حیات دوباره، تجدید حیات	رنساس	راست و درست	صواب
نزدیک شدن، پیوستن	وصال	ناشکری و نا سپاسی	کفران
نزدیکی، بهم رسیدن	وصلت	مکرو فریب	دمدمه
ظاهری، سطحی، ضد باطنی و معنوی	صُورِی	گفتن و بیان کردن	تقریر
نوشتن، خلق کردن	انشا	راه و روش، طریقه	منوال
دوری، جدایی	فراق	جانشینی	قایم مقام
تاب دادن، تأییدن	تافتن	زیادی، زیاد بودن	فرط
راست	صایب	مکرو حيله پنهانی	دسیسه
صاحب شدن، بدست آوردن	تصاحب	فقط و تنها	محض
آشفته گی، تغییر حالت	بران	چال و فریب	نیرنگ
بارکردن، بار بر دوش کسی گذاشتن	تحمیل	ریشه یی، بنیادی، اساسی	نهادینه
آتش	اخگر	پخش شدن، پراکنده شدن	اشاعه
جای وعده دادن، زمان وعده دادن	مَوَعِد	سبب، برخاسته، علت، بوجود آمده	ناشی
وعده داده شده	موعود	سوال شونده	مسوول
به عهده گرفتن، سر پرستی کردن	تکفل	طلب معلومات کردن، آگاهی خواستن	استعلام
فراوران، زیاد	وافر	جای، مکان	بوم
افسرده، پریشان، پژمرده	ژولیده	ستمه، ریسمان	فتراک
اندازه، قدر و مرتبه، درجه	مثابه	زیاد، فراوان	معدود
اندیشه بد، فکر خراب	وسواس	پیام آور	مرسل
سبک جدید داستان نویسی که در قرن 19 در فرانسه بوجود آمد.	رمانتیزم	نامدار	بهرام
مهربانی و توجه کردن	عطوفت	بلند، بزرگ	معلا
رهنمایی و تربیه اطفال	پیداگوژی	ابریشمی	پرنیانی
بیشتر، زیاد	اغلب	مخفف اگر	ار
عادت گیرنده	معتاد	تکرار شده	بازتاب
دود کردن	تدخین	بر اساس	مبنی
زشت، بد، ناپسند	سو	جایگاه	پایگاه
عرق کردن	تعریق	پیچیده گی	تعقید
خویشان، نزدیکان	اقارب	بلند و بالا	شامخ
بیهوده، بی فایده، بیکاره	هرزه	شکایت کننده	معروض
هیكل و پیکر، حیوان ترسناک	هیولا	جدی	قاطعیت

معنی	لغت	معنی	لغت
سست کننده اعصاب	مخدر	ضروریات	ملحوظات
قوطی و جعبه جواهرات	دُرچ	کوشش	اجتهاد
چرم ساز، چرم گر	دباغ	تخیلی	میناتور
گرز آهنی، گرز، چوبی که سر آن گره داشته باشد.	دَبوس	کمک و یاری	مدد
فریاد رس	غیاث	دراز و طولانی	مطول
چوب نیزه بازی که دسته آن راست و باریک است.	چوگان	بزرگ قریه	دهخدا
نماینده گی و خبر گذاری	آژانس	باز شدن، ترکیدن، پراکنده شدن، متلاشی شدن	منفجر
گوشزد کردن، مطلبی را یاد آوری کردن، خود را به خطر انداختن	إِخْطار	ترتیب کردن، دو چیز را یکجا کردن	تلفیق
نامه که توسط آن مطلبی را یاد آوری کنند.	إِخْطارنامه	نوشتاری، به شکل نوشته	کتبی
نماز	صلات	مروج، معمول	متداول
قطع کن	بِگسل	یاد آوری، وسیله ذکر کردن، یادگار	تذکره
دشمن	خصم	برگزیده، خالص از هر چیز	لُبات
غرق آب، جای خطرناک، گرداب	وَرطه	مغز ها، عقل ها، خردها	البات
وظیفه دادن	گماشتن	کراهت، زشتی، غلبه کردن	رغم
سفارش کردن، گوشزد کردن	توصیه	روزنامه نویس	ژورنالیست
متع کننده، باز دارنده	محتسب	میکده و میخانه	خَمستان
مجلس پر شکوه، انجمن و شورای قانون گذاری	اسامبله	سفید کوه	پاروپامیزاد
برقرار شده و وظیفه داده شده	منصوب	پادشاه قدیم ایران	دارا
خالص کردن، پاکیزه کردن، اصلاح کردن	تنقیح	لبه و دندانۀ دیوار	کُنْگَره
اسباب، وسایل خانه و مسافرت	رحل	ظرف سفالی برای نگهداری آب، سرکه و شراب	خُم
آویزان کردن، چیزی در پایان کتاب نوشتن	نعلیق	آرام گرفتن، ایستادن	رکود
پادشاه که پادشاهی را از پدر به میراث گرفته باشد.	شهنشه	آزرده و زخمی کردن	خستن
قلعه، دیوار و برج های محافظتی	دژ	شهری	مدنی
راه ها و روش های اداره کردن، اصول و طریقه های حکومتداری	سیاست	مانع، پرده، حجاب	سد
انعکاس صدا	پژواک	بزرگواری	جليله

معنی	لغت	معنی	لغت
منزل، مسکن، مقام، مرکز، خرگاه و خیمه	بنگاه	عهد و پیمان	میثاق
اسم فاعل پژوهنده، بازجو، جستجو کننده	پژوه	خدمت کرده شده و کسی که خدمتگار دارد.	مخدوم
بد قیافه، زشت رو، کابوس	سستبه	ستم کشیده، ظلم کشیده	متظلم
ترس، بیم، عظمت، هیبت	نهیب	دلسوز، مهربان	شفیق
ساز و برگ، زین و یراق	اُستام	نشان و نشان افتخار	مدال
چادر، مجاب	برقع	بسته شونده	منعده
دونده، اسپ تیز رو	تگاور	همتا، نظیر، شریک	هامال
اندیشه، خوی، نهاد، سرشت	منش	جنگی، دلاور، شجاع، پهلوان	نبرده
بلند اندیشه، بلند طبع، والامنش	برمنش	قوی جثه، نیرومند، بزرگ	ژنده پیل
خشم آلود، خشمگین، غضبناک، درنده	ژیان	اندیشه، فکر، جمع آن سگالان	سِگال
تیر، نوک آهنین و تیز، نیزه	پیکان	فردوس، جنت، بهشت برین	مینو
تالیف کننده، کسی که مطالب کتابی را جمع کرده باشد.	مؤلف	آزاد، مخفف زاده، زاییده شده، توشه، خوراکی که انسان در سفر با خود داشته باشد.	زاد
تالیف شده، کتابی که مطالب در آن گرد آوری شده باشد.	مؤلف	لانه و آشیانه مرغ، بار و اسباب، ساز و برگ	بُنه
ملالت آور، مرد لیم و حریص	مُبرِم	قد و قامت، عظمت و زیبایی	بُرز
قاطع، ثابت، استوار شده، محکم	مُبرَم	پسندیده، خوب، نیکو، خوبچهر	هُزیر
حاصل کننده، کسی که چیزی را حاصل و به دست آورد.	محصل	بد هیبت، زشت، ناهنجار، اهرمن، قوی جثه، شیطان	نره دیو
پهلوان، دلیر، دلاور	تگین	غم، اندوه، رنج	تیمار

نمونه‌های کانکور از لغات

- 1) مفرد معنی واژه (اصوات):
- 1) جمع صوت 2) صورت ها 3) صحیح 4) صوت
- 2) معنی لغوی (نگونسار):
- 1) بدبختی 2) نگارنده گی 3) سرچپه 4) آتش پرست
- 3) کدام یک از واژه های ذیل معنی «ترسیخ» را می‌رساند؟
- 1) دور ساختن 2) نزدیک ساختن 3) ثابت ساختن 4) ضعیف ساختن
- 4) معنی اصلی واژه {اعیان} را دریابید؟
- 1) بیسواد ها 2) نشانه ها 3) بزرگان 4) استقبال کننده
- 5) متضاد معنی واژه (شتاب) را دریابید؟
- 1) زمستان 2) سرعت 3) جمع شی 4) کندی
- 6) معنی واژه (ممارست):
- 1) مجادله 2) نیکویی 3) فرسوده 4) تمرین کردن
- 7) متضاد واژه (بهره):
- 1) فایده 2) بهانه 3) بهار 4) زیان
- 8) متضاد معنی واژه (تعزیه) را دریابید؟
- 1) سوگ اوری کردن 2) شادی کردن 3) عزت کردن 4) شتاب کردن
- 9) معنی کلمه (اصول) را دریابید؟
- 1) صورت 2) روزه 3) اصل ها 4) صادر کردن
- 10) متضاد معنی واژه (متوالی) را دریابید؟
- 1) سرگرمی 2) پی در پی 3) با وقفه 4) مساوی
- 11) معنی لغوی واژه (تعذر):
- 1) عزت 2) پیوستن 3) تغییر خوردن 4) بهانه
- 12) متضاد معنی واژه (تهذیب) را دریابید؟
- 1) خالص کردن 2) عذاب کشیدن 3) آلوده کردن 4) آرام گرفتن
- 13) معنی لغوی واژه (آوا):
- 1) تبسم 2) صوت 3) قصد 4) آواره

- 14** معنی واژه {چرخ} را دریابید؟
 (1) آسمان (2) روزگار (3) عصر و زمان (4) هر سه
- 15** معنی لغت (دد) را نشانی کنید؟
 (1) مخفف دیانت (2) درویش (3) حیوان درنده (4) دریافتن
- 16** متضاد معنی واژه (قریب) را دریابید؟
 (1) نزدیک (2) دور (3) نغمه (4) نفع
- 17** یکی از این واژه ها به معنی (بهبود یافتن زخم است):
 (1) جراحت (2) نورم (3) التیام (4) انسداد
- 18** معنی دقیق واژه (الوان) عبارت است از:
 (1) کشتزار ها (2) رنگ ها (3) دشت ها (4) کوه ها
- 19** معنی واژه {امیال} را دریابید؟
 (1) باز شدن (2) خواهش ها (3) خوشی ها (4) درک کردن
- 20** یک از واژه های ذیل به معنی آرزوها و خواهش ها به کار رفته است:
 (1) ابطال (2) امیال (3) الوان (4) ابرار
- 21** معنی اصلی واژه (بوار) را دریابید؟
 (1) خرد مند (2) هلاک شدن (3) رونده (4) متوازی شدن
- 22** معنی دقیق واژه (اختر) عبارت است از:
 (1) ستاره (2) علم (3) بخت و طالع (4) هر سه درست
- 23** متضاد معنی واژه {طراوت} را نشانی کنید؟
 (1) شادابی (2) توانگری (3) پژمرده گی (4) طهارت کردن
- 24** متضاد معنی واژه {ازل} را دریابید؟
 (1) ابد (2) زوال (3) ذلت (4) ظالم
- 25** متضاد معنی واژه {اقول}:
 (1) پنهان شدن (2) فوری (3) فوتبال کردن (4) طلوع
- 26** مترادف واژه {خوانین}:
 (1) منشی ها (2) خاتمه یافتن (3) خوشاوندان (4) امیران
- 27** معنی دقیق واژه «تراکم» یکی از گزینه های ذیل است:
 (1) کم نور (2) تاریکی (3) انابشته شدن (4) عوض شدن

(28) یکی از این واژه‌ها به معنی «بهبود یافتن زخم» است:

- (1) جراحات (2) تورم (3) التیام (4) انسداد

(29) معنی لغوی (تلطیف):

- (1) لطیف نمودن (2) زیبا و دلپسند (3) لطف نمودن (4) 1 و 2 م

(30) متضاد واژه (راکب) را دریابید؟

- (1) چالاک (2) رقت بار (3) کاتب (4) پیاده

(31) معنی دقیق لغت (استهشاد):

- (1) عادت کردن (2) سخن گفتن (3) سرو صدا (4) شاهد آوردن

(32) معنی دقیق واژه (احتراز) چیست:

- (1) در برداشتن (2) آگاه ساختن (3) دوری جستن (4) تباه کردن

(33) معنی درست واژه بسمل:

- (1) بسم الله گفتن (2) نیمه جان (3) سوداگر (4) سلام دادن

(34) معنی اصلی واژه (هلاهل) را مشخص سازید؟

- (1) زهر کشنده (2) هیزم (3) چیز حلال (4) هوس

(35) متضاد معنی واژه (حماسه):

- (1) داوری (2) راستی (3) احساس (4) ترسویی

(36) (پنچانترا) در ادبیات دری به کدام معنی به کار رفته است؟

- (1) پنج قصه (2) پنج اندرز (3) پنج فصل (4) پنج کتاب

(37) معنی واژه (قندیل) را مشخص سازید؟

- (1) قنداق (2) چراغدان (3) قدرت (4) قندانی

(38) معنی دقیق واژه (عارضه) را نشانی کنید؟

- (1) فراوشی (2) گمراه (3) عرض (4) بیماری

(39) معنی صحیح و درست واژه [دهر]:

- (1) راهرو (2) زمانه (3) شگاف (4) دیانت

(40) مزدی که در برابر کاری پرداخته میشود؟

- (1) پاداش (2) پادافرا (3) پادزهر (4) پازند

(41) مترادف لغت (هیمه):

- (1) هست (2) اهمیت (3) هیزم (4) هیولا

42 معنی درست واژه (دهر):

- (1) راهرو (2) زمانه (3) شگاف (4) دیانت

43 معنی لغت (خارا):

- (1) خرافی (2) خشنود (3) خدمت (4) سخت

44 به معنی حاصل کردن و فراهم آوردن است:

- (1) اکتساب (2) اجتناب (3) ارتکاب (4) التفات

45 به معنی قوی شدن به کار می رود؟

- (1) استملاک (2) استدراج (3) استقلال (4) استحکام

46 متضاد واژه (تجلی) :

- (1) نمایان شدن (2) پیوستن (3) پنهان شدن (4) جلا دادن

47 متضاد معنی واژه «لثیم» را دریابید؟

- (1) ناکس (2) تنبیه کردن (3) باوقار (4) دیوانه

48 معنی درست واژه (مبرم) را مشخص سازید؟

- (1) محکم (2) محسوس (3) ثابت (4) 1 و 3 درست است

49 معنی واژه (اعتیاد) را دریابید؟

- (1) سرگردان (2) خو گرفتن (3) باور کردن (4) مختصر کردن

50 متضاد معنی واژه (اشراق) را نشانی کنید؟

- (1) تابیدن (2) تاریک شدن (3) شق شدن (4) شرقی ها

51 {مقامه} به معنی:

- (1) بیان سر گذشت (2) اقامت گاه (3) قامت گفتن (4) سرشت

52 معنی دقیق واژه (پرتو) یکی از گزینه های ذیل است؟

- (1) پر فشانی (2) افشاندن (3) روشنی (4) انداختن

53 مترادف واژه (بدیهی) را دریابید؟

- (1) هدایت (2) واضح (3) نامعلوم (4) مخفی

54 متضاد واژه (متلاشی) را مشخص سازید؟

- (1) پراگنده شده (2) سعی و کوشش (3) منسجم (4) بی پروا

55 معنی لغت {تارک} را دریابید؟

- (1) ترکیب کننده (2) تراوش کردن (3) فرق (4) تاریکی

56 متضاد واژه {مشهون} را مشخص سازید؟

- (1) شهامت (2) خالی شده (3) پر شده (4) مملو

57 معنی لغت {زی} را دریابید؟

- (1) زیستن (2) طرف (3) سمت (4) گزینه دو و سه

58 معنی اصلی واژه {معايب} :

- (1) سلامتی (2) بد گویی (3) سلسله (4) اسم

59 واژه یی که به معنی ناحض و دویدن به کار می رود، کدام یک انیهاست:

- (1) تازش (2) سازش (3) کنش (4) روش

60 معنی دقیق (احتراز):

- (1) در بر داشتن (2) آگاه کردن (3) دوری جستن (4) تباه کردن

61 کدام یکی از واژه های ذیل معنی (حیوانی رکه آن را ذبح کرده سربریده باشند و یا با شمشیر نیم

کشته و یا نیمه جان کرده باشند) را می رساند؟

- (1) قتیل (2) بسمل (3) مقتول (4) از دست رفته

62 معنی واژه (کریم) را دریابید؟

- (1) بیننده (2) کنترل کننده (3) ترساننده (4) بخشنده

63 متضاد معنی واژه (مروت):

- (1) مردی (2) آمیزش (3) هماهنگ (4) ناجوانی

64 معنی دقیق واژه {التجا} را دریابید:

- (1) پناه بردن (2) لجام (3) حضور داشتن (4) پوشیده

65 متضاد معنی لغت «قرین» را دریابید:

- (1) دور (2) همدم (3) قربت (4) قناعت

66 معنی دقیق واژه «رکن» است:

- (1) رجوع (2) ستون (3) دایره (4) فرش

67 متضاد معنی واژه {عفونت} را نشانی کنید؟

- (1) گندیده گی (2) گرافه گویی (3) افتادن (4) خوشبویی

68 معنی واژه {چرخ} را دریابید؟

- (1) آسمان (2) روزگار (3) عصر و زمان (4) هرسه گزینه درست

69 معنی واژه {امیال} را دریابید؟

- (1) باز شدن س (2) خواهش ها (3) خوشی ها (4) درک کردن

70 یک از واژه های ذیل به معنی آرزوها و خواهش ها به کار رفته است:

- (1) ابطال (2) امیال (3) الوان (4) ابرار

71 {عدل} در لغت:

- (1) تحلیل (2) داد گری (3) اندیشیدن (4) ترجیح دادن

72 متضاد معنی واژه (افول):

- (1) پنهان شدن (2) فوری (3) فوتبال کردن (4) طلوع

73 مترادف واژه {خوانین} :

- (1) منشی ها (2) خاتمه یافتن (3) خویشاوندان (4) امیران

74 معنی دقیق لغت (مطالبه) را نشانی کنید؟

- (1) مطلب را فهمیدن (2) متحد شدن

- (3) خوش طبی کردن (4) طلب کردن

75 متضاد معنی واژه (تامل) را دریابید؟

- (1) اندیشه کردن (2) بی پروایی (3) دنبال کردن (4) درنگ کردن

76 معنی اصلی واژه (لموس):

- (1) شایسته (2) وابسته (3) قابل درک (4) خنده آور

77 متضاد معنی واژه ای (ابتذال) را دریابید؟

- (1) به حیرت واداشتن (2) با ارزش (3) بذل و احسان (4) پریشان

78 مفرد معنی واژه (آمال):

- (1) آرزو (2) امیدها (3) آرزو ها (4) می کردن

79 معنی دقیق واژه "تعبیر" است:

- (1) مطلبی را بیان می کند (2) عبارت

- (3) معبر (4) عبور

80 معنی دقیق واژه (حمال) است:

- (1) حمله کننده (2) دفاع کننده (3) حمل کننده بار (4) عمل کننده کار

81 متضاد واژه (طراوت) را نشانی کنید:

- (1) شادابی (2) توانگری (3) پژمردگی (4) طهارت کردن

82 متضاد واژه (بهره) :

(۱) قایده (۲) بهانه (۳) بهار (۴) زیان

83 کدام یکی از واژه های ذیل معنی (ترسیخ) را می‌رساند:

(1) دور ساختن (2) نزدیک ساختن (3) ثابت ساختن (4) ضعیف ساختن

84 متضاد واژه (تسویه) :

(1) مساوی کردن (2) پراکنده ساختن (3) سلامتی (4) ترس

85 یکی از این واژه ها، به معنی آهنگ ها و آوازه‌ها آمده است:

(1) آلوان (2) افغان (3) عنفوان (4) الحان

86 متضاد معنی واژه (انفاق):

(1) جمع کردن (2) خرج کردن (3) قسمت کردن (4) بند شدن

87 به معنی گذشتگان و پیشینیان است؟

(1) اخلاف (2) اشراف (3) اسلاف (4) اکناف

88 معنی دقیق واژه (حمال) است:

(1) حمله کننده (2) دفاع کننده (3) حمل کننده (4) عمل کننده کار

89 متضاد معنی واژه (اشراق) را نشانی کنید؟

(۱) تاییدن (۲) تاریک شدن (۳) شق شدن (۴) شرقی ها

90 متضاد معنی واژه (سود):

(1) نفع (2) نقص (3) سودا (4) سزاوار

91 معنی اصلی و درست واژه (مجامله) را دریابید؟

(1) چرب زبانی (2) کوشش (3) جنگ و جدل (4) نجات

92 معنی دقیق واژه «تراکم» یکی از گزینه های ذیل است:

(1) کم نور (2) تاریکی (3) انباشته شدن (4) عوض شدن

93 معنی دقیق واژه (احتراز):

(1) در بر داشتن (2) آگاه کردن (3) دوری جستن (4) تباه کردن

94 مترادف واژه (بلیغ) را دریابید؟

(1) اساس (2) درخشنده (3) فصیح (4) بلوغ شدن

95 معنی کلمه (مجتهد) را نشانی کنید؟

(1) کوشش کننده (2) توانگر (3) متمدن (4) پیچیده

96 معنی لغوی واژه (گلثوم) :

- (1) مانند گل (2) پرگوشت و رخسار (3) خوش اندام (4) زیبا روی

97 متضاد معنی واژه (باطن):

- (1) حقیقت (2) ظاهر (3) خردمند (4) بطلان

98 مترادف واژه (حجت) را نشانی کنید؟

- (1) برهان (2) حاجت (3) دوار (4) حجم

99 معنی لغوی (جسورانه):

- (1) غیر منصفانه (2) بی باکانه (3) عادلانه (4) مستدل

100 متضاد معنی واژه (تصحیح) را نشانی کنید؟

- (1) درست کردن (2) بی آلاشی کردن (3) عجله کردن (4) غلط کردن

101 معنی واژه (قندیل) عبارت است از:

- (1) قنذاق (2) چراغدان (3) قدرت (4) قندانی

102 معنی دقیق (اطناب) :

- (1) طراوت (2) دراز ساختن (3) اطلاق (4) مختصر

103 متضاد معنی لغات (زوال) را دریابید؟

- (1) نیستی (2) آفت (3) گمراهی (4) پایداری

104 متضاد معنی واژه (متوالی) را دریابید؟

- (1) سرگرمی (2) پی در پی (3) با وقفه (4) مساوی

105 متضاد معنی واژه (مبتذل) را مشخص سازید؟

- (1) پیش پا افتاده (2) تعجیل (3) با ارزش (4) سخن سربسته

106 معنی دقیق واژه (مد) را دریابید؟

- (1) مدارا کردن (2) مداومت کردن (3) بالا رفتن آب دریا (4) ملامتی

107 یکی از این واژه ها به پیروی کردن و متابعت آمده است؟

- (۱) اقویا (۲) اولیا (۳) اصفیا (۴) اقتدا

108 مترادف واژه (اذین):

- (1) زین اسپ (2) آرزو (3) آرایش (4) سرگردان

109 معنی لغوی (تشویر):

- (1) اشاره کردن (2) نشر کردن (3) ثابت ساختن (4) شریک کردن

110 متضاد معنی لغت (زوال) را دریابید؟

- (1) نیستی (2) آفت (3) گمراهی (4) پایداری

111 متضاد معنی واژه (شتاب) را دریابید؟

- (1) زمستان (2) سرعت (3) جمع شر (4) کندی

112 معنی دقیق واژه (ناوک) را دریابید؟

- (1) نظر کردن (2) نا آشنا (3) نا ستوده (4) تیر

113 معنی دقیق واژه «ایوان» یکی از گزینه های ذیل است؟

- (1) حیوان درنده (2) دشت (3) قصر (4) کودکان

114 معنی صحیح و درست لغت { منهاج } را دریابید؟

- (1) هیجانی (2) جهانی (3) راه است (4) بازتاب دهنده

115 معنی لغت { نسج } را دریابید؟

- (1) نا پسند (2) جسم (3) بافتن (4) رشته

116 متضاد معنی لغت { درنگ } را دریابید؟

- (1) تاخیر (2) حرکت (3) توقف (4) رنگ پریده

117 معنی دقیق واژه (قوت) است:

- (1) بسنده (2) کفایت (3) روزی (4) مرگ

118 معنی درست و صحیح واژه { زهره } را دریابید؟

- (1) مهلت (2) طاقت (3) زهر (4) مروارید

119 متضاد معنی واژه (عدم) چیست؟

- (1) سقف (2) نیستی (3) عادت (4) هستی

120 معنی لغوی واژه (تکاپو):

- (1) چراگاه (2) یکی ساختن (3) تکان خوردن (4) جستجو

121 متضاد معنی واژه (سود):

- (1) نفع (2) نقص (3) سودا (4) سزاوار

122 معنی لغوی «تلطیف»:

- (1) لطیف کردن (2) زیبا و دلپسند (3) لطف نمودن (4) گزینه 1 و 2 درست

123 معنی واژه (چرخ) را دریابید؟

- (1) آسمان (2) روزگار (3) عصر و زمان (4) هرسه گزینه درست

124 متضاد معنی واژه (ایجاز) را دریابید؟

- (1) باور کردن (2) یقین (3) جذاب (4) اطناب

125 متضاد معنی واژه (ابتذال) را دریابید؟

- (1) به حیرت واداشتن (2) با ارزش (3) بذل و احسان (4) پریشان

126 معنی اصلی واژه (اعم) را نشانی کنید؟

- (1) شامل (2) اهمیت (3) فراگیر (4) گزینه 1 و 3 درست

127 معنی واژه (ایما) را دریابید؟

- (1) ایمان آوردن (2) اشاره کردن (3) هیکل (4) زینده

128 معنی لغوی «التزام»:

- (1) تنظیم شده (2) ملازم شدن (3) ترتیب دادن (4) مشخص ساختن

129 متضاد معنی واژه (فرجام) را دریابید؟

- (1) پایان هرکار (2) فراخ (3) آغاز (4) فراوان

130 معنی دقیق لغت (استشهاد):

- (1) عادت کردن (2) سخن گفتن (3) سرو صدا (4) شاهد آور

131 معنی دقیق واژه (انشا) چیست؟

- (1) نثر کردن (2) منشی (3) آغاز کردن (4) روش

132 عرفان در لغت:

- (1) شناختن (2) گشودن (3) پرداختن (4) عریان

133 معنی واژه (دبیر) را نشانی کنید؟

- (1) بزرگ (2) عظمت (3) کاتب (4) تدبیر

134 معنی درست واژه (نمط) :

- (1) باطن (2) بنیاد (3) روش (4) شان

135 معنی اصلی واژه (ملموس):

- (1) شایسته (2) وابسته (3) قابل درک (4) خنده آور

136 متضاد معنی واژه (غنا):

- (1) نیازمندی (2) توانگری (3) دولتمندی (4) غنیمت گرفتن

137 متضاد معنی واژه (تهذیب) را دریابید؟

- (1) خالص کردن (2) عذاب کشیدن (3) آلوده کردن (4) آرام گرفتن

138 متضاد واژه (راکب) را دریابید؟

- (1) جالات (2) رقت بار (3) کاتب (4) پیاده

139 معنی واژه (هیمه):

- (۱) هولناک (۲) هیکل (۳) هیزم (۴) هیولا

140 متضاد معنی واژه (کاستی) را دریابید؟

- (1) افزایش (2) کدورت (3) کمی (4) کاهش

141 منسوب یعنی چه:

- (1) صاحب نسب (2) نسبت داده شده

- (3) سوار شدن (4) سرسری نگرستن

142 در بیت (امام رسل پیشوای سبیل - امین خدا مهبط جبریل) کلمه «سبیل» به کدام معنی به

کار رفته است؟

- (1) سراسیمه (2) راه (3) دشمن (4) استواری

143 به معنی حاصل کردن و فراهم آوردن است:

- (1) اکتساب (2) اختاب (3) ارتکاب (4) التفات

144 انتشار در لغت به معنی:

- (1) ایجاد کردن (2) راه رفتن (3) ورق زدن (4) نشانی کردن

145 معنی لغوی (اعجاب):

- (1) به حیرت وا داشتن (2) جمع عجایب

- (3) کسی را به شگفتی آوردن (4) 1 و 3 درست است

146 متضاد واژه (افول) چیست؟

- (۱) پنهان شدن (۲) فوری (۳) فوتبال کردن (۴) طلوع

147 معنی اصلی واژه (اوهام) چیست؟

- (1) خواب دیدن (2) پژوهش (3) ترس (4) خیال ها

148 معنی لغت (روند) چیست؟

- (1) راه رفتن (2) روای قصه (3) طریقه (4) قطار

149 معنی درست واژه (بسمل):

- (1) بسم الله گفتن (2) نیمه جان (3) سوداگر (4) سلام دادن

150 متضاد معنی واژه (عفونت) را نشانی کنید؟

- (1) گندیده گی (2) گزافه گویی (3) افتادن (4) خوشبویی

151 متضاد معنی واژه (مؤقت):

- (1) قاطع (2) پایدار (3) دایم (4) 2 و 3 درست است

152 (چه نعمت گویم تو را - علیکم السلام ای نبی الوری) در مصرع دوم واژه (وری) بکدام معنی

و مفهوم بکار رفته است؟

- (1) رعیت (2) مردم (3) وراثت (4) پرهیزگار

153 متضاد واژه (اطناب) از این قرار است؟

- (1) احاطه (2) اطلاق (3) ایجاز (4) افراط

154 متضاد واژه (ابتدال) را دریابید؟

- (1) به حیرت وداشتن (2) با ارزش (3) بذل و احسان (4) پریشان

155 مفرد معنی واژه (ایام):

- (۱) روزها (۲) دریاها (۳) بیان کردن (۴) روز

156 معنی دقیق واژه (ایوان) یکی از گزینه های ذیل است؟

- (۱) حیوان درنده (۲) دشت (۳) قصر (۴) کودکان

157 کلمه (شعر) از کدام کلمه عربی گرفته شده است؟

- (1) عشر (2) شعا (3) شعور (4) شرع

158 معنی اصلی واژه (اوهام) :

- (۱) خواب دیدن (۲) پژوهش (۳) ترس (۴) خیال

159 معنی واژه (انقلا):

- (۱) پیشرفت (2) جستجو (3) فکر کردن (4) کوشش و تلا

160 واژه یی که به معنی تاختن و دویدن به کار می رود کدام یک از اینهاست؟

- (1) تازش (2) سارش (3) کنش (4) روش

161 معنی اصلی واژه (سوژه) را نشانی کنید؟

- (1) مضمون (2) ویژه (3) چرت (4) سازش

162 معنی لغوی واژه (اقتضا):

- (1) قضاوت کردن (2) قضا شدن (3) مناسب بودن (4) اقتدا کردن

163 معنی دقیق واژه (عارضه) را نشانی کنید؟

- (1) فراموشی (2) گمراه (3) عرض (4) بیماری

164 معنی درست و صحیح واژه (زهره) را دریابید؟

- (۱) مهلت (۲) طاقت (۳) زهر (۴) مروارید

165 معنی درست واژه (بسمل):

- (1) بسم الله گفتن (2) نیمه جان (3) سودا گر (4) سلام دادن

166 معنی لغوی واژه (تظاهر):

- (1) باهم برابر شدن (2) ضایع کردن (3) خودنمایی کردن (4) عذاب کشیدن

167 متضاد معنی واژه (رافت) یکی از اینهاست؟

- (1) مهربانی (2) افتیده (3) تنبلی (4) تند خویی

168 به معنی حاصل کردن و فراهم آوردن است؟

- (1) اکتساب (2) اجتناب (3) ارتکاب (4) التفات

169 (بیت) در لغت به معنی:

- (1) حویلی (2) دروازه (3) کلکین (4) خانه

170 معنی اصلی واژه (بوار) را دریابید؟

- (1) خرمند (2) هلاک شدن (3) رونده (4) متواری شدن

171 معنی لغوی (تشریح):

- (1) واضح ساختن (2) نشر کردن (3) شریک کردن (4) مشخص کردن

172 معنی درست واژه (بسمل):

- (1) بسم الله گفتن (2) نیمه جان (3) سوداگر (4) سلام دادن

173 مترادف لغت (هیمه):

- (۱) همت (۲) اهمیت (۳) هیزم (۴) هیولا

174 (سجع) در لغت:

- (۱) آواز پرنده (2) سخاوت (3) ساختمان (4) آواز حیوانات وحشی

175 متضاد معنی واژه (حماسه):

- (1) داوری (2) راستی (3) احساس (4) ترسویی

176 معنی صحیح و درست واژه (ملح):

- (1) نمک (2) ملامت کردن (3) ملایم (4) مروت

177 متضاد معنی واژه (عفونت) را نشانی کنید:

- (1) گندیده گی (2) گزافه (3) افتادن (4) خوشبویی

178 متضاد واژه (مندرس) را دریابید؟

- (1) پاره پاره (2) ترساننده (3) بسته شده (4) جدید

179 معنی اصلی واژه (هلاهل) را مشخص سازید؟

- (1) زهر کشنده (2) هیزم (3) چیز حلال (4) هرمن

180 معنی لغت (خارا) :

- (1) خزانی (2) خشنود (3) خدمت (4) سخت

181 متضاد معنی واژه (تقدم) را نشانی کنید؟

- (1) جلو رفتن (2) دست و پا زدن (3) پس ماندن (4) شتاب کردن

182 متضاد معنی واژه (تهذیب) را دریابید؟

- (1) خالص کردن (2) عذاب کشیدن (3) الوده کردن (4) آرام کردن

183 متضاد معنی واژه (افراط):

- (1) فرتوت (2) تلاطم (3) هیكل (4) تفریط

184 متضاد معنی واژه (موقت) :

- (1) قاطع (2) پایدار (3) دایم (4) 2 و 3 درست است

185 معنی لغوی (تشریح) :

- (1) واضح ساختن (2) نشر کردن (3) شریك کردن (4) مشخص کردن

186 یکی از واژه های ذیل خانه یی را گویند که از چوب سازند؟

- (1) طارم (2) کاخ (3) عاج (4) کوشک

187 معنی لغوی واژه (تکاپو):

- (1) چراگاه (2) یکی ساختن (3) تكان خوردن (4) جستجو

188 معنی واژه (ممارست):

- (1) مجادله (2) نیکویی (3) فرسوده (4) تمرین کردن

189 متضاد معنی واژه (بلیغ) عبارت است از:

- (1) رسا (2) غلامی (3) گنگ (4) دونده

190 معنای دقیق واژه (مد) را دریابید؟

- (1) بالا رفتن آب دریا (2) ملامتی (3) مدارا کردن (4) مداومت

191 مترادف معنای (اندوخته) کدام است؟

- (1) پس انداز (2) حصار (3) ویرایش (4) التهاب

192 آنکه به معنای شتاب کردن و شتافتن به کار میرود.

- (1) تعجیل (2) موجل (3) تاجیل (4) معجل

193 کدام یک از واژه های زیر معنای (ترسیح) را می‌رساند؟

- (1) دور ساختن (2) ثابت ساختن (3) نزدیک ساختن (4) ضعیف ساختن

194 معنی واژه (چرخ) را دریابید؟

- (1) روزگار (2) آسمان (3) عمرو زمان (4) همه جوابات درست است

195 معنای دقیق واژه (عقیم) یکی از اینهاست؟

- (1) نازا (2) زن جوان (3) مرد جوان (4) زایا

196 معنی دقیق واژه (پیرایه) چیست؟

- (1) آرایش (2) گسترش (3) نکوهش (4) گوهر

197 متضاد واژه (راکب) را دریابید؟

- (1) چالاک (2) دقت بار (3) کاتب (4) پیاده

198 معنای دقیق واژه (متناظر) را در زیر نشانی کنید؟

- (1) جيله گر (2) وا گذاشته (3) نزدیک به هم (4) نیرومند

199 معنای درست واژه (کالات) را دریابید؟

- (1) خسته شدن (2) میل کننده (3) پهن کردن (4) دوامدار

200 متضاد معنای واژه (افراط) یکی از گزینه های زیر است؟

- (1) تفریط (2) تلاطم (3) فرتوت (4) هیکل

201 گهواره رشد و نموی زبان دری است.

- (1) کابل (2) کندهار (3) بلخ (4) پروان

202 معنای دقیق واژه (اختر) عبارت است از:

- (1) هر سه جواب درست است (2) علم (3) بخت و طالع (4) ستاره

203 معنای دقیق واژه (ناوک) عبارت است از:

- (1) تیر (2) نظر کردن (3) ناستوده (4) نا آشنا

204 معنای لغوی واژه (تظاهر) عبارت است از:

- (1) عذاب کشیدن (2) باهم برابر شدن (3) خود نمایی کردن (4) ضایع کردن

205 متضاد واژه (متوالی) را دریابید؟

- (1) مساوی (2) سر گرمی (3) با وقفه (4) پی در پی

206 معنای متضاد واژه (انفاق) چیست؟

- (1) بند شدن (2) جمع شدن (3) خرچ کردن (4) قسمت کردن

207 معنای واژه (پویا) چیست؟

- (1) پهن (2) پهلوانی (3) توقف (4) بدون توقف

208 مترادف واژه آذین یکی از گزینه های زیر است؟

- (1) زین اسب (2) آرزو (3) سر گردان (4) آرایش

209 معنای لغوی واژه (آوا) چیست؟

- (1) صوت (2) تبسم (3) قصد (4) آزادی

210 معنای متضاد واژه (آمیخته) از این قرار است؟

- (1) آرایش است (2) پیچیده است (3) رام ساختن (4) خالص

211 معنای متضاد واژه (مجمل) را دریابید؟

- (1) مفصل (2) روان شدن (3) کوتاه (4) جمال وزیبایی

212 متضاد معنی واژه (معضل) را دریابید؟

- (1) معذرت (2) دشوار (3) حاجات (4) آسان

213 معنی اصلی واژه (هلاهل) را مشخص سازید؟

- (1) چیز حلال (2) هیزم (3) هوس (4) زهر کشنده

214 به معنای آشکار شدن و هویدا است.

- (1) شنیع (2) مشایعت (3) شناخت (4) بیان

215 معنای لغت (مشیت) را دریابید؟

- (1) اراده (2) شامل شدن (3) شایع شدن (4) توان

216 یک از این واژه ها به معنای (بهبود یافتن زخم) است.

- (1) تورم (2) التیام (3) جراحت (4) انسداد

217 معنای درست واژه (نمط) را دریابید؟

- (1) باطن (2) بنیاد (3) نشان (4) روش

218 معنای واژه (تنقیح) را دریابید؟

- (1) یکی ساختن (2) اصلاح کردن (3) آبیاری کردن (4) رشوت دادن

219 معنای کلمه (صوم) را دریابید؟

- (1) صالح (2) صوت (3) روزه (4) صارد کردن

220 (بیت) در لغت به معنای یکی از گزینه های ذیل بکار رفته است؟

- (1) حویلی (2) کلکین (3) خانه (4) دروازه

221 به معنی هدف و نشانه است.

- (1) انوار (2) آماج (3) احاد (4) ابواب

222 مقدر معنی واژه (جعبات) کدام یکی از اینهاست؟

- (1) جمع آوری (2) چراه گاه (3) لرزش (4) صندوق

223 متضاد معنی واژه (متمول) را دریابید؟

- (1) غریب (2) تحول طلب (3) مالدار (4) ثروتمند

224 معنی لغوی (التزام) را دریابید؟

- (1) تنظیم شده (2) مشخص ساختن (3) ترتیب دادن (4) ملازم شدن

225 مرغی که پیام آور حضرت سلیمان (ع) بود.

- (1) هدهد (2) قمری (3) بلبل (4) کبک

226 معنای واژه (امیال) را دریابید؟

- (1) باز شدن (2) درک کردن (3) خواهش کردن (4) خوشی

227 مترادف واژه بلیغ را دریابید؟

- (1) اساس (2) فصیح (3) درخشنده (4) بلوغ شدن

228 یکی از واژه های ذیل به معنای توجه کردن بکار می‌رود.

- (1) امتزاج (2) انبساط (3) انقباض (4) التفات

229 معنای لغوی (التزام) را دریابید؟

- (1) مشخص ساختن (2) تنظیم شده (3) ملازم شدن (4) ترتیب دادن

230 روشنی (یکی از لهجه های موجود کدام یکی از زبان های زیر است؟

- (1) تخاری (2) سفدی (3) فارس باستان (4) پامیری

231 واژه یی که معنایش آرام گرفتن ایستادن و کسادى را میدهد ، یکی از اینها است؟

- (1) ردیف (2) رکود (3) راکب (4) روایت

232 متضاد واژه یی (اطناب) از این قرار است؟

- (1) احاطه (2) اطلاق (3) ایجاز (4) افراط

233 آنچه اصل و نسب معنی می دهد؟

- (1) نژاد (2) همه درست است (3) تبار (4) تخم

234 در بیت (به مهلتی که سپهرت دهد ز راه مرو - ترا گفت که این زال ترک دستان کرد) جزء (

دستان) چه معنا می دهد؟

- (1) جنگ (2) نیرنگ (3) نافرمانی (4) بخشش

235 یکی از واژه های زیر به معنی آرزو ها و خواهش ها بکار رفته است؟

- (1) امیال (2) الوان (3) ابرار (4) ابتال

236 افراط و زیاده روی در خرچ کردن را گویند؟

- (1) اسراف (2) صرف (3) صراف (4) تفریط

237 یکی از گزینه های ذیل معنای مناسب و در خور بودن را میرساند؟

- (1) اقتضاء (2) ایقان (3) التزام (4) اعتیاد

238 معنی دقیق واژه (خدنگ) یکی از گزینه های زیر است؟

- (1) خنجر (2) فتراک (3) تیر (4) نیزه

239 معنای دقیق واژه (دیبا) یک از گزینه های زیر است؟

- (1) قالین (2) پارچه ابریشمی (3) گل لاله (4) کتان

240 معنای متضاد واژه (طرب) را نشانی کنید؟

- (1) غمگین (2) تفتیش کردن (3) نشه شدن (4) نشاط

241 معنای لغت (ارج) را دریابید؟

- (1) افسوس (2) جبر (3) اعتبار (4) رواج شدن

242 معنای دقیق واژه (تناقص) چیست؟

- 19 فایده (2) ضد یگدیگر (3) مکر (4) نقص

243 معنی دقیق واژه (اخضر) یکی از گزینه های زیر است؟

- (1) سیاه (2) سبز (3) سفید (4) زرد

244 متضاد واژه (انارشی) عبارت است از:

- (1) آرامی (2) بی سرو سامانی (3) گشاده رویی (4) خوشی

245 معنای واژه (ابهام) را مشخص کنید.

- (1) جبر (2) استوار (3) خواستن (4) پیچیده

246 معنی متضاد واژه (پویا) را دریابید؟

- (1) ایستاده (2) رونده (3) جوینده (4) پالیدن

247 معنای متضاد واژه (ایجاز) را دریابید؟

- (1) یقین (2) اطناب (3) جذاب (4) باور کردن

248 معنای دقیق واژه (تفنن) عبارت است از:

- (1) فن (2) کار (3) سر گرمی (4) هیچکدام

249 معنای دقیق واژه (ادوار) عبارت است از:

- (1) دایره (2) زمانه ها (3) حاکم (4) داور

250 یکی از واژه های زیر به معنای پارچه ابریشمی است:

- (1) راحله (2) حله (3) قله (4) رواحل

251 معنای دقیق و درست واژه (اعراض) ازن قرار است؟

- (1) نشانه ها (2) عرض کردن (3) مبتذل (4) زیاده روی

252 معنای درست واژه (خاتم) را دریابید؟

- (1) گهر (2) دبدبه (3) قلم (4) نگین

253 واژه یی که به معنای قوی شدن به کار می رود ، کدام است؟

- (1) استملاک (2) استقلال (3) استدراج (4) استحکام

254 معنای متضاد واژه (شتاب) را دریابید؟

- (1) سرعت (2) جمع شر (3) عجله (4) کندی

255 معنای دقیق واژه (واکنش) را دریابید؟

- (1) نشان دادن عکس العمل (2) قرار داد (3) هوا را آلوده میسازد (4) توافق

256 معنی لغوی واژه (تلفیق) را دریابید؟

- (1) ترتیب کردن (2) تلف شدن (3) مشقت (4) واضح کردن

257 مترادف واژه (ترس) را دریابید؟

- (1) شتاب (2) جبر (3) فشار (4) هراس

258 به معنای پرده و رو پوش به کار میرود؟

- (1) عبا (2) حجاب (3) حله (4) قبا

259 معنای دقیق واژه (اکلیل) یکی از گزینه های زیر است؟

- (1) کلاله (2) تاج (3) تاراج (4) واژه ها

260 معنای دقیق واژه (گسترده) چیست؟

- (1) دادگستر (2) پهن کرده (3) سترده (4) جاروب کرده

261 توزوک واژه ترکی بوده به چی معنی می آید؟

- (1) آراستن و نظم (2) ترتیب (3) 1 و 2 درست است (4) سطر

1 واژه یی که به معنای سخن کوتاه و مختصر به کار میرود ، کدام است؟

- (1) معجز (2) جزع (3) عاجز (4) موجز

262 القای امری ازجانب خداوند (ج) در دل انسان ، یکی از گزینه های زیر است؟

- (1) کرامت (2) رؤیا (3) معجزه (4) الهام

263 انجام کاری را که دیگران از آن عاجز باشد چه گویند؟

- (1) عجز (2) اعراض (3) اعجاز (4) ابقان

264 مفرد معنی واژه (شبانان):

- (1) نگهبان گوسفند (2) چوپانان (3) شیفته گان (4) نگهبانان گوسفندان

265 مفرد معنی واژه (عواطف) را مشخص سازند؟

- (1) طایفه (2) کاوش (3) شفقت (4) اطراف

266 سخن رسا و شیوا را می گویند:

- (1) بلوغ (2) بالغ (3) بلاغ (4) بلیغ

کلید جوابات لغات

پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ
1	4	68	4	135	3	202	1
2	1	69	2	136	1	203	1
3	3	70	2	137	3	204	3
4	3	71	2	138	4	205	3
5	4	72	4	139	3	206	2
6	4	73	4	140	1	207	4
7	4	74	4	141	2	208	4
8	2	75	2	142	2	209	1
9	3	76	3	143	1	210	4
10	3	77	2	144	1	211	3
11	4	78	1	145	4	212	4
12	3	79	1	146	4	213	4
13	2	80	3	147	4	214	4
14	4	81	3	148	3	215	1
15	3	82	4	149	2	216	2
16	2	83	3	150	4	217	4
17	3	84	2	151	4	218	2
18	2	85	4	152	2	219	3
19	2	86	1	153	3	220	3
20	2	87	1	154	2	221	2
21	2	88	3	155	4	222	4
22	1	89	1	156	3	223	1
23	3	90	2	157	3	224	4
24	1	91	1	158	4	225	1
25	4	92	3	159	4	226	3
26	4	93	3	160	1	227	2
27	3	94	3	161	1	228	4
28	3	95	1	162	3	229	3
29	1	96	2	163	4	230	3
30	4	97	2	164	2	231	2
31	4	98	1	165	2	232	3
32	3	99	2	166	3	233	2
33	2	100	4	167	4	234	2
34	1	101	2	168	1	235	1
35	4	102	2	169	4	236	1
36	2	103	4	170	2	237	1
37	2	104	3	171	1	238	3
38	4	105	3	172	2	239	2
39	2	106	3	173	3	240	1

3	241	1	174	4	107	1	40
2	242	4	175	3	108	3	41
2	243	1	176	1	109	2	42
1	244	4	177	4	110	4	43
4	245	4	178	4	111	1	44
1	246	1	179	4	112	4	45
2	247	4	180	3	113	3	46
3	248	3	181	3	114	3	47
2	249	3	182	4	115	3	48
2	250	4	183	2	116	2	49
1	251	4	184	3	117	2	50
4	252	1	185	2	118	1	51
4	253	1	186	4	119	3	52
4	254	4	187	3	120	2	53
1	255	4	188	2	121	3	54
1	256	3	189	1	122	3	55
4	257	1	190	4	123	2	56
2	258	1	191	4	124	2	57
2	259	1	192	2	125	2	58
2	260	2	193	4	126	1	59
3	261	4	194	2	127	3	60
4	262	1	195	2	128	2	61
3	263	1	196	3	129	4	62
1	264	4	197	4	130	4	63
3	265	3	198	3	131	1	64
4	266	1	199	1	132	1	65
		1	200	3	133	2	66
		4	201	3	134	4	67

منابع و ماخذ

1. شریف، فرزانه، (۱۳۹۱)، زبان و ادبیات دری صنف دهم؛ انتشارات: وزارت معارف.
2. فرخاری، احمد یاسین و غلام سرور بغلانی، (۱۳۹۱)، زبان و ادبیات دری صنف یازدهم، انتشارات: وزارت معارف.
3. فرخاری، احمد یاسین و اسد الله محقق، (۱۳۹۰)، زبان و ادبیات دری صنف دوازدهم، انتشارات: وزارت معارف.
4. فورم‌های کانکور از سال ۱۳۹۰-۱۳۹۹.
5. شریفی یمما، پوهنوال لیلما (۱۳۹۵)، دستور زبان دری بخش آواشناسی و صرف، انتشارات: نویسا.
6. رحیمی، پوهندوی حسن شاه، فنون ادبی، پوهنتون تعلیم و تربیه شهید استاد ربانی، چاپ قیس وسیدی، کابل، 1395.
7. دهخدا، علی اکبر. فرهنگ دهخدا. کتاب الکترونی، نویسندگان: مسعود داداشی، منوچهر داداشی؛ سایت: www.efossa.com
8. عمید، حسن. (1371). فرهنگ عمید. تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
9. سعدی، مشرف الدین. گلستان سعدی. کتاب الکترونی، نویسندگان: امیر حسین موسوی، بردبا دانشور و حسن نوروزی.
10. سعدی، مشرف الدین. بوستان سعدی. کتاب الکترونی، نویسندگان: امیر حسین موسوی، بردبا دانشور و حسن نوروزی.